

فصلنامه علمی

راهبرد

۱۱۲

سال سی و سوم - شماره سوم - پیاپی یکصد و دوازدهم - پاییز ۱۴۰۳

اعضای هیئت تحریریه

دکتر محمدرحیم عیوضی

دکتر ابراهیم بیگ‌زاده

دکتر عزت‌الله نادری

دکتر علی بیگدلی

دکتر علی اصغر پورعزت

دکتر سهیلا پروین

دکتر علی مرشدی‌زاد

دکتر مجتبی امیری

نشانی: میرداماد، مصدق (نفت) شمالی، بین کوچه چهارم و ششم، پلاک ۱۰.

کدپستی: ۱۵۹۱۸۱۶۹۱۱      تلفن: ۲۲۲۵۸۹۲۱      شماره: ۲۲۲۵۸۹۲۱

وبسایت: <http://rahbord.csr.ir>

پست الکترونیک: [rahbordcsr@gmail.com](mailto:rahbordcsr@gmail.com)

قیمت: ۱,۵۰۰,۰۰۰ ریال

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۰/۲۵۵۹۵ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۴ هیئت نظارت بر مطبوعات منتشر می‌شود.

به استناد نامه شماره ۳۵۱۱/۱۸/۲ مورخ ۹۲/۰۳/۱۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فصلنامه راهبرد دارای مرتبه علمی - پژوهشی است.

فصلنامه راهبرد در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

[www.isc.gov.ir](http://www.isc.gov.ir)

پایگاه استنادی علوم جهان

[www.sid.ir](http://www.sid.ir)

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

[www.magiran.com](http://www.magiran.com)

بانک اطلاعات نشریات کشور

[www.csr.ir](http://www.csr.ir)

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

[www.ensani.ir](http://www.ensani.ir)

پرتال جامع علوم انسانی

[www.civilica.com](http://www.civilica.com)

مرجع دانش

[www.noomags.ir](http://www.noomags.ir)

پایگاه مجلات تخصصی نور

بلبل



پژوهشکده تحقیقات راهبردی

صاحب امتیاز

پژوهشکده تحقیقات راهبردی  
مجمع تشخیص مصلحت نظام

مدیر مسئول

دکتر محمدرضا مجیدی

سرمدیر

دکتر محمدرحیم عیوضی

مدیر داخلی

عقیقه عابدی

ویراستاری و صفحه‌آرایی

شرکت خدمات نشر تغییر

شاپا: ۱۰۲۸-۳۱۰۲

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۲۵

تیراژ چاپی: ۱۵۰ نسخه

انتشارات

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

## اهداف فصلنامه

۱. ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۲. مساعدت به نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۳. اشاعه و توسعه ادبیات مطالعات راهبردی و سیاست‌گذاری در میان محققان و پژوهشگران علوم اجتماعی؛
۴. ایجاد زمینه برای پیوند تحقیقات و مطالعات اجتماعی و فرهنگی با حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کشور؛
۵. ارتقای کیفیت راهبردها و سیاست کلان کشور در حوزه‌های فرهنگی - اجتماعی.

## راهنمای تدوین مقاله و شرایط پذیرش آن در فصلنامه راهبرد

فصلنامه راهبرد به منظور ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی کشور، تازه‌های پژوهشی صاحب‌نظران این حوزه را منتشر می‌کند تا در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد.

مقالات ارسالی باید شرایط زیر را دارا باشند:

### الف) شرایط علمی

۱. مقاله باید دارای اصالت و نوآوری (Original research)، تحلیلی و نتیجه‌کاوش‌های نویسنده یا نویسندگان باشد.
۲. در نگارش مقاله باید روش تحقیق علمی رعایت شود و از منابع معتبر و اصیل نیز استفاده شده باشد.
- توضیح: مقاله پس از دریافت، نخست در هیئت تحریریه بررسی و ارزیابی می‌شود و در صورت داشتن شرایط لازم، برای داوران ارسال می‌گردد. پس از وصول دیدگاه‌های داوران، نتایج و امتیازات کسب شده، در هیئت تحریریه مطرح می‌شود و در صورت کسب امتیازات کافی و پذیرش آن، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد.

### ب) شرایط نگارش

۱. مقاله باید از جهت نگارش، ساختاری محکم و استوار داشته باشد و اصول فصاحت و بلاغت در آن رعایت شود.
۲. عنوان مقاله باید کوتاه و گویا باشد.
۳. نام مؤلف یا مؤلفان همراه با درجه علمی، نشانی محل کار و نشانی اینترنتی (Email) ذکر شود (ذکر شماره تلفن مسئول مکاتبات نیز لازم است).
۴. چکیده فارسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه) باشد.
۵. کلیدواژه فارسی حداکثر شش کلمه باشد.
۶. مقاله باید دارای مقدمه روشن و دقیق باشد چنانکه خواننده را برای ورود به مبحث اصلی آماده سازد.
۷. بیان پیشینه تحقیق از شرایط مقاله است.
۸. در متن اصلی مقاله باید موضوع به‌طور روشن تحلیل شود.
۹. مقاله باید دارای نتیجه‌گیری دقیق باشد.
۱۰. چکیده انگلیسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰) کلمه باشد.
۱۱. کلیدواژه انگلیسی حداکثر پنج کلمه باشد.
۱۲. نام نویسنده و درجه علمی و محل کار به لاتین ذکر شود.
۱۳. ارجاعات متن باید داخل پرانتز به ترتیب نام نویسنده، سال و صفحه ذکر شود؛ مثال: (زرین کوب، ۱۳۷۲، ص. ۲۵۴) (Giddens, 2009, p. 14).
۱۴. منابع و مأخذ پایانی باید به ترتیب زیر ذکر شود:

**الف: کتاب:** نام خانوادگی (شهرت)، نام (سال انتشار). نام کتاب. نام مترجم یا مصحح، شهر محل نشر: نام ناشر.

**ب: نشریه:** نام خانوادگی (شهرت)، نام (سال انتشار). عنوان مقاله. نام نشریه، دوره (شماره)، صفحات مقاله (۲۵-۴۵).

**ج: مجموعه مقالات:** نام خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان مقاله. نام گردآورنده یا ویراستار، نام مجموعه مقالات، محل نشر: نام ناشر، شماره صفحات مقاله (۲۵-۴۵).

**د: سایت‌های اینترنتی:** نام خانوادگی، نام (آخرین تاریخ). عنوان موضوع: نام و نشانی اینترنتی به صورت ایتالیک.

**ه: لوح فشرده:** نام خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان، نام لوح فشرده، محل نشر، نام ناشر

۱۵. مقاله باید حداکثر ۲۵ صفحه و هر صفحه در ۲۳ سطر تنظیم شود.

۱۶. مقاله باید از طریق سایت فصلنامه ارسال شود.

۱۷. اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ترکیبات خارجی بلافاصله پس از فارسی آن داخل پرانتز در متن مقاله ذکر شود.

۱۸. مقالات مستخرج از پایان‌نامه باید تأیید استاد راهنما را همراه داشته باشد.

۱۹. مقالات ارسالی به‌هیچ‌وجه برگردانده نمی‌شود.

۲۰. مقاله نباید در هیچ مجله یا همایشی ارائه شده باشد.

یادآوری: مجله در پذیرش یا نپذیرفتن مقاله همچنین ویراستاری آن آزاد است.

دریافت مقاله از طریق سایت فصلنامه انجام می‌گیرد.

یادآوری: مشخصات تمامی نویسندگان در بخش مورد نظر در سایت ذکر شود.

# رئیس‌جمهور

سال سی و سوم - شماره سوم - پیاپی یکصد و دوازدهم - پاییز ۱۴۰۳

## فهرست مقالات


- مؤلفه‌های مدل راهبردی مشارکت سیاسی زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران  
فریبا پروینیان، محمدرحیم عیوضی، راحله کاردوانی، فرهاد نظری‌زاده ..... ۴۵۱
- دلایل و پیامدهای بحران آب در ایران: ارائه یک روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد  
محمود رضا رهبرقاضی، رهبر طالعی حور ..... ۴۸۳
- بررسی تأثیر عدم قطعیت شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه پایدار در ایران  
ناصر نیکنام، غلامرضا زمانیان، رضا اشرف گنجویی ..... ۵۰۹
- ارزیابی ریسک‌های مدیریتی در حکمرانی تنظیمگرانه اقتصاد دیجیتال در بخش فناوری اطلاعات  
و ارتباطات  
نرگس حاجی احمد، هادی خان‌محمدی، حبیب رودساز، سعید زرنندی ..... ۵۳۵
- راهبرد روسیه در وضعیت تشدید تنش بین ایران و رژیم صهیونیستی  
حسین فتاحی اردکانی ..... ۵۶۹
- الگوی حکمرانی اسلامی با تأکید بر عدالت و حقوق شهروندی  
عبدالمطلب عبدالله ..... ۵۹۳
- سناریوهای حکمرانی انرژی برای غلبه بر ناترازی انرژی و ناپایداری محیط زیست در ایران  
بهاره حیدری ..... ۶۱۷

# The Components of the Strategic Model in the Field of Women's Political Participation in the Islamic Republic of Iran

## Fariba Parviniyan

PhD student in Women's Studies, Women's Rights in Islam, Faculty of Women and Family, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (corresponding author).

Email: parviniyan@org.ikiu.ac.ir

 0009-0001-9356-853X

## Mohammadrahim Eivazi

Professor, Department of Future Studies, Faculty of Governance, University of Tehran. Tehran, Iran.

Email: mr.eivaz@ut.ac.ir

## Raheleh Kardavani

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Institute for Women and Family Research, Qom, Iran.

Email: kardavani.r@modares.ac.ir

## Farhad Nazarizadeh

Assistant Professor, Department of Industrial Engineering, Malek Ashtar University, Tehran, Iran.

Email: F.nazarizadeh@yahoo.com

## Abstract

The issue of women's political participation, especially in decision-making positions, is an issue that is related to the growth and promotion of the status of society. If we are looking for a balanced and, at the same time, developing society, we cannot close our eyes to it. This research answers the question: What are the components of the strategic model of women's political participation in high positions in the Islamic Republic of Iran? The method in this research is initially meta-synthesis which was extracted and examined by focusing on models for increasing women's political participation. The methods of content analysis and document analysis were also used. The model was designed in accordance with what is stated in verse 21 of Surah Ar-Rum and presented as the "Couple-oriented Affection-based" model. A questionnaire was also used to verify the model. The findings show that a model has been presented that shows that "peace" and "tranquility" are desirable prospects for women's political participation in the Islamic Republic of Iran, which will be possible with the "affection" strategy. Its components in the "stability and survival" dimension include increasing women's political awareness and self-awareness and self-knowledge, preparing favorable conditions for the emergence of talents, reducing the gender gap, and women's political empowerment. In the "development and satisfaction" dimension, it includes social and political responsibility and trust in women's effectiveness in the Islamic system, political mobility, political independence, and political fertility. In the "beautification" dimension, it includes women in the position of social guardianship and women in the position of managing wills and building the world.

**Keywords:** Political participation, strategic model, Muslim woman.



# مؤلفه‌های مدل راهبردی مشارکت سیاسی زن در نظام جمهوری اسلامی ایران

## فریبا پروینیان

دانشجوی دکتری مطالعات زنان، گرایش حقوق زن در اسلام، دانشکده زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران  
(نویسنده مسئول).

Email: parvinian@org.ikiu.ac.ir

0009-0001-9356-853X

## محمدرحیم عیوضی

استاد گروه آینده‌پژوهی، دانشکده حکمرانی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: mr.eivaz@ut.ac.ir

## راحله کاردوانی

استادیار گروه علوم اجتماعی، پژوهشکده زن و خانواده، قم، ایران.

Email: kardavani.r@modares.ac.ir

## فرهاد نظری‌زاده

استادیار گروه مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران.

Email: F.nazarizadeh@yahoo.com

## چکیده

موضوع مشارکت سیاسی زنان به‌ویژه در مناصب تصمیم‌گیری، موضوعی است که با رشد و ارتقای منزلت جامعه مرتبط است؛ اگر به دنبال جامعه‌ای متعادل و درعین‌حال بالنده هستیم، نمی‌توانیم چشم بر روی آن ببندیم. در این تحقیق به این سؤال پاسخ داده می‌شود که مؤلفه‌های مدل راهبردی مشارکت سیاسی زنان در مناصب عالی نظام جمهوری اسلامی ایران چیست؟ روش این تحقیق در ابتدا فرا ترکیب است که با تمرکز بر روی مدل‌های افزایش مشارکت سیاسی زنان، استخراج و بررسی شدند و از روش‌های تحلیل مضمون و تحلیل اسناد نیز بهره‌جسته است. مدل مطابق با آنچه در آیه ۲۱ سوره روم آمده طراحی و با عنوان مدل «زوجیت‌محور مودت‌پایه» ارائه شده است. جهت تأیید مدل نیز از پرسش‌نامه از خبرگان استفاده گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد «سکینه» و «آرامش» چشم‌اندازی مطلوب برای مشارکت سیاسی زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران است که با راهبرد «مودت» امکان‌پذیر خواهد شد و مؤلفه‌های آن در بُعد «ثبات و بقا»، شامل افزایش آگاهی سیاسی زنان، خودآگاهی و خودشناسی زنان، آماده‌سازی زمینه‌های مساعد بروز استعدادها، کاهش شکاف جنسیتی و توانمندسازی سیاسی زنان؛ در بُعد «توسعه و رضایت» شامل: مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سیاسی و اعتماد به کارآمدی زن در نظام اسلامی، تحرک سیاسی، استقلال سیاسی و باروری سیاسی و در بُعد «زیباسازی»، شامل: زن در جایگاه ولایت اجتماعی و زن در جایگاه مدیریت اراده‌ها و ساختن جهان می‌شوند.

**کلیدواژه‌ها:** مشارکت سیاسی، مدل راهبردی، زن مسلمان.



## مقدمه و بیان مسئله

موضوع مشارکت سیاسی زنان، موضوعی است که با رشد و ارتقای منزلت جامعه مرتبط است؛ اگر به دنبال جامعه‌ای متعادل متکامل هستیم نمی‌توانیم چشم بر روی حضور سیاسی زنان در تمامی سطوح ببندیم و توانایی‌های سیاسی ایشان را نادیده بگیریم. ما نیاز به تفکر و تحقیق عالمانه درباره زنان داریم؛ نیاز به الگوها و مدل‌هایی که نحوه فکر کردن و عمل کردن ما را تحت تأثیر قرار دهد. ایجاد الگو و مدلی از هم‌گرایی وفاق اجتماعی و تقویت گفتمان دو سویه میان مردان و زنان در عرصه سیاست‌ورزی و پایبندی به آن موجب سالم‌سازی و روان‌سازی فرایندهای اداره امور کشور خواهد شد و موجبات تعادل در اولویت‌های سیاست‌گذاری برای هر حکمرانی خوب است (پریزاد و دانش، ۱۴۰۰). خوشبختانه «اسلام و انقلاب و امام (ع)؛ زن را در مرکز فعالیت‌های سیاسی قرار داد (خامنه‌ای، ۱۳۶۸). تکلیف زنان حضور و فعالیت هرچه مؤثرتر در جامعه اسلامی است. اسلام زن را مثل مرد در همه شئون دخالت می‌دهد و زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۵۳) و متناسب با چنین رشدی می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت‌هایی به عهده بگیرد (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۵۳). اسلام احساس مسئولیت زنان نسبت به امور مسلمانان و جامعه اسلامی و حتی امور جهان اسلام را وظیفه زن مسلمان می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۷۶). بنابراین برای رسیدن به نقطه تعالی با دو انسان طرف هستیم. هندسه رابطه زن و مرد در گفتمان انقلاب اسلامی بر اساس حرکت به سمت هدف تعالی بشر است؛ مادامی‌که انسان هست، میزان و چگونگی کیفیت رابطه این دو انسان شامل زن و مرد، با سرعت رسیدن به نقطه مطلوب و متعالی نسبت دارد. اینکه چه نوع ترکیبی می‌بایست بین نیروی زنانه و نیروی مردانه رقم بخورد برای رسیدن به هدف غایی اهمیت دارد. در این حرکت دو اراده زنانه و مردانه و نسبت آنان با هم موضوعیت پیدا می‌کند.

از سوی دیگر ما ظرفیت‌های لازم را برای رسیدن زنان به وضعیت مطلوب جامعه اسلامی داریم. برای مثال بندهای هشتم و نهم اصل سوم قانون اساسی با صراحت بیان می‌کند که عموم مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خود می‌بایست مشارکت داشته باشند و در این باره رفع تبعیضات ناروا، همچنین ایجاد امکانات عادلانه در تمامی زمینه‌های معنوی و مادی را لازم دانسته است. بنا بر پنجاه و ششمین اصل قانون اساسی، هیچ فرد یا گروهی نمی‌تواند افراد را ملزم کند منافع خود را در خدمت منافع فرد دیگری یا گروهی قرار دهد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). اصل ۲۱ قانون اساسی نیز موضوعاتی همچون حقوق زن در تمامی بُعدهای

مادی و معنوی از جمله حق انتخاب شدن را در نظر گرفته و رعایت آن را لازم دانسته است. اصل ۱۹ قانون اساسی بر برخورداری همه مردم از حقوق مساوی و بر منع تبعیض و برتر دانستن گروهی بر دیگران صراحت دارد.

اما همچنان یکی از چالش‌های مهم نظری و بیشتر از آن عملی در کشور ما حقوق و فعالیت سیاسی زنان است. هرچند که در جامعه ما منزلت و نقش زنان در این جایگاه دگرگونی پرشتابی را تجربه کرده است و جایگاه او در اجتماع و سیاست بعد از انقلاب اسلامی اصلاح گردیده و ارتقا یافته است؛ اما آمارها این ادعا که زنان هنوز به قدرت سیاسی خود در جامعه دست نیافته‌اند را تأیید می‌کنند. از همین رو زن باید به‌عنوان یک انسان مستقل و دارای اراده، شأن انسانی خودش را در جامعه پیدا کند.

مقوله مدل‌سازی یکی از راهکارهای مهم و مغفول در حوزه علوم انسانی است یکی از خلأهایی است که می‌تواند نتایج مطالعات را در دنیای واقعی جاری سازد. بنابراین در این تحقیق پژوهشگران به دنبال طراحی مدلی بومی اسلامی در زمینه مشارکت سیاسی زنان برای تحقق هستند. برای این منظور با رجوع به داده‌های قرآنی، در جهت به دست آوردن مدلی پویا و مؤثرتر به آیه ۲۱ سوره روم تأسی جست‌اند در این آیه خلقت زوجی در عالم، یکی از سنت‌هایی است که در قرآن کریم مطرح است و «مودت» را راهکاری برای حضوری مؤثر و تعالی‌بخش جامعه هدف معرفی می‌نماید. مدل زوجیت‌محور و مودت‌پایه ارائه شده در این تحقیق پدیده‌ای است که باید در آینده محقق شود؛ نه مدلی از واقعیت. بنابراین مقایسه مدل پیشنهادی با واقعیت و همچنین ارزیابی قابلیت توجیه حوادث گذشته و پیش‌بینی آینده توسط این مدل فاقد معنا است. این مدل، چهارچوب کلی و مجموعه‌ای منسجم و سازگار از توصیه‌ها را عرضه می‌کند که با شواهد، استدلال‌ها و قواعد منطقی پشتیبانی می‌شوند. راهبرد در این مدل بر اساس بومی و اسلامی بودن آن با رویکرد آینده‌نگاری از یک‌سو و از سوی دیگر از جنس تجویز است که در سطوح مختلف از کلان تا خرد می‌کوشد، تکلیف را در عمل مشخص کند (تقوی، ۱۳۹۱). از همین رو این مطالعه تلاش دارد با ارائه مدل آمادگی پیش‌دستانه‌ای برای آینده مشارکت سیاسی زنان رقم بزند.

در بستر جهاد و یاری ولی خدا، زن در نقطه استقلال خود؛ می‌بایستی تکلیف خود را تشخیص داده و بسترها باید برای حرکت زن طراحی شده باشند. در واقع در تمامی قلمروهای متعدد و مورد مطالعه این پژوهش زن می‌بایست بتواند بدون هیچ مانعی نقش خود را بر مبنای هویت زنانه خود، ایفا نماید و این امر نیاز به راهبردی برگرفته از تعالیم و آموزه‌های دینی و قرآنی ما به‌عنوان کتاب انسان‌ساز دارد.

## ۱. پیشینه پژوهش

در پژوهشی تحت عنوان «توانمندسازی سیاسی زنان و نقش میانجی آگاهی سیاسی» (داولتووا و همکارانش، ۲۰۲۲) در کشور عمان، مفهوم آگاهی سیاسی و تأثیر تحول‌آفرین آن را در جهت افزایش مشارکت سیاسی زنان شایسته تمرکز دانسته‌اند و مؤلفه‌های مدل آگاهی سیاسی را علاقه سیاسی، دانش سیاسی و درک سیاسی دانسته و در نهایت، به این نتیجه رسیده‌اند که «آگاهی سیاسی» تأثیر بسزایی در کاهش سوگیری جنسیتی در حوزه مشارکت سیاسی به‌ویژه در سطوح بالای سیاسی برای زنان دارد. پژوهشی با عنوان «مدل پرونده تجاری» (دالام و همکارانش، ۲۰۲۲) بیان می‌کند توانمندسازی سیاسی زنان<sup>۱</sup> به‌عنوان ظرفیت افزایش‌یافته زنان برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری سیاسی می‌تواند از طریق سه مسیر انجام پذیرد: ۱. نمایندگی سیاسی در تصمیم‌گیری؛ ۲. آزادی انتخاب، تضمین‌شده توسط آزادی‌های مدنی و ۳. فرصتی برای سازماندهی و بیان مؤثر صدای خود. مدل‌های جنسیت و مشارکت سیاسی در کشورهای اروپایی، عنوان تحقیقی است که محققان در آن سه مدل ارائه دادند: ۱. مدل اجتماعی شدن دوران کودکی؛ ۲. مدل اجتماعی شدن به‌وسیله نقش بزرگسالی و ۳. مدل ساختاری وضعیت اجتماعی - اقتصادی. در این تحقیق، مؤلفه‌های افزایش مشارکت سیاسی زنان در مناصب عالی را در چهار بُعد عمده خلاصه نموده است: ۱. حضور در جایگاه انتخاب شدن و انتخاب کردن؛ ۲. کمپین‌های مبارزات انتخاباتی؛ ۳. فعالیتهای جمعی شامل کار با گروه‌ها؛ ۴. تماس با مقامات در مورد سیاست‌های کلی (کلارک، ۱۹۸۶).

«هنجارهای چالش‌برانگیز جنسیتی: مدل رهبری زنان، اقتدار سیاسی و خودمختاری»، تأکید می‌کند باید در پارادایم نابرابری ساختاری، محدودیت‌های درونی، ذهنیت فرهنگی و کدهای قانونی که در ساختارهای اجتماعی جا افتاده است، تغییراتی ایجاد شود (المغربی و همکارش، ۲۰۲۲).

«مدل راهبردی ارتباطی برای بهبود مشارکت سیاسی زنان در نمایندگی مجلس در اندونزی» بیان می‌کند نیاز به بهبود نمایندگی سیاسی زنان در اندونزی مبتنی بر آگاهی است که همه اولویت‌ها و دستور کار سیاسی باید اصلاح شود (جانودی، ۲۰۱۹). مدل تحلیل فضایی توانمندسازی سیاسی زنان در کشورهای اروپای، بیان می‌کند

هرگونه افزایش در نمایندگی زنان در پارلمان باعث افزایش اصلاحات سیاستی در بخش اجتماعی می‌شود.

«مدل سرریز»؛ نویسندگان این مدل معتقد هستند سهم سیاستمداران زن درباره برابری و توزیع منابع در میان انواع مختلف خدمات اجتماعی در یک کشور باعث ایجاد «سرریز» در کشورهای همسایه می‌شود. مدل الگوی «رقابت معیار» بیان می‌کند اثرات خارجی ناشی از مخارج عمومی ناشی از رقابت بین دولتی است که با مقایسه عملکرد آن‌ها با همسایگان آن‌ها، معیارهای خود را انتخاب می‌کنند. مدل «شهروند - نامزد» هم بیان می‌کند شهروندان می‌توانند با انتخاب نامزدهایی که همسوتر با خودشان هستند، به‌طور مناسب بر فرایندهای سیاست‌گذاری تأثیر بگذارند (اسانو و چریلو، ۲۰۲۲). به لحاظ ادبیات نظری، در گفتمان انقلاب اسلامی ایفای نقش زن در جامعه، در بستر جهاد و یاری ولی خدا شکل می‌گیرد؛ زن در نقطه استقلال خود، می‌بایستی تکلیف خود را تشخیص داده و بسترها باید برای حرکت زن طراحی شده باشند. در واقع در تمامی قلمروهای متعدد، زن می‌بایست بتواند نقش خود را ایفا کند. همان‌گونه که «زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود؛ عفیف بود؛ محجبه و شریف بود و درعین‌حال، در متن و مرکز بود» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۱۲/۱۵). منظور از در متن و مرکز بودن، در متن و مرکز درگیری‌های تاریخی است که در حقیقت همان اولویت‌ها و نیازهای است که ولی خدا مشخص می‌نماید.

در این طرح‌واره، دو مؤلفه استقلال و قدرت جنسیتی، مورد توجه است؛ البته علاوه بر این دو مؤلفه استعدادهای فردیتی را باید اضافه کرد. پیش‌شرط زن الگوی سوم این است که به لحاظ فکری مستقل باشد. استقلال و اراده او در ساحت انسانیت و قابلیت‌ها و قدرت‌های او در ساحت جنسیتش موضوعیت دارند. در حقیقت اساس الگوی سوم در گفتمان انقلاب اسلامی، یک طرح فردی نیست بلکه یک طرح اجتماعی است که منجر به شکل‌گیری «جهان اجتماعی زنانه» به‌عنوان یک بال حرکت اجتماعی می‌شود. این حرکت بر حفظ زنانگی، زنانه عمل کردن و توسعه و شکوفایی زنانگی تأکید دارد و با پافشاری بر استقلال زن، او را مختار در انتخاب سرنوشت خود می‌داند (تکلو، ۱۴۰۲). همچنین از مهم‌ترین اصول بنیادین در پارادایم اسلامی، «اصل قرآنی زوجیت و همراهی» است؛ آیت‌الله خامنه‌ای، زعیم و فقیه عالی‌قدر شیعی در دیدار اقشار مختلف بانوان در دی‌ماه سال ۱۴۰۲، نظریه زوجیت را مطرح نمودند: «این زوجیت که در نگاه اسلامی این‌جور واضح است، درست نقطه مقابل تضاد در دیالکتیک هگلی و

مارکسیست است؛ یعنی رکن اصلی این دیالکتیک هگل که بعد هم مارکس از او گرفته، تضاد است که حرکت جامعه و حرکت تاریخ و حرکت بشری ناشی از تضاد است؛ یعنی «تز» و «آنتی‌تری» وجود دارد که از آنتی‌تز و تز، سنتز به وجود می‌آید. در اسلام نه، سنتز از آنتی‌تز به وجود نمی‌آید، از زوجیت به وجود می‌آید». (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۱/۱۱/۱۴). به دلیل اینکه مسئله ما، حرکت است. برای رسیدن به نقطه تعالی بشر با دو انسان مواجهیم و مادامی که انسان هست، میزان و چگونگی کیفیت رابطه این دو انسان، با سرعت رسیدن به جامعه مطلوب و متعالی نسبت دارد. زوجیت اهمیت ترکیب نیروی زنانه و نیروی مردانه را برای رسیدن به هدف غایی، تبیین می‌نماید. در منطق حرکت، علاوه بر وضعیت حقوقی، وضعیت تحقیقی هم مطرح است. در وضعیت تحقیقی انسان به دنبال رقم زدن سرنوشت جدید به سمت بهبود وضعیت کنونی است. در واقع با ظهور اسلام، زنان به‌مثابه مردان در برابر اجتماع مسئولیت می‌یابند. قرآن کریم زنان را شانه به شانه مردان می‌بیند (مهریزی، ۱۴۰۲). حدیث نبوی هم مشهور است که فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» که اندیشمندان از آن به‌عنوان ولایت اجتماعی یاد می‌کنند.

## ۲. روش پژوهش

این پژوهش در شش گام انجام پذیرفت. گام اول؛ استفاده از روش فراترکیب مدل‌های مطالعات انجام شده که از روش هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو بهره‌مند شده و منجر به مدل عمومی «مدل طناب‌کشی» شد. ده مدل مطالعه شده منجر به دستیابی به ۲۶ مؤلفه افزایش مشارکت سیاسی زنان گردید که در نهایت ۵ مقوله اصلی از ترکیب مؤلفه‌ها از طریق کدگذاری و مقوله‌بندی به دست آمد. سپس با مروری به جایگاه زن در اندیشه اسلامی، مفهوم راهگشای، «شایسته‌سالاری» احصا شد. شایسته‌سالاری، فرایند و روندی است که در افراد با توجه به عناصر توانمندی، لیاقت و کارآمدی گزینش شده و در نظام سیاسی به کار گرفته می‌شود که منجر به احصای چهارچوب و مدل اولیه پژوهش با عنوان «مدل جامعه متعادل شایسته محور» گردید. گام دوم؛ شامل افزودن متغیرهای زمینه‌ای با کمک روش تحلیل مضمون می‌شود. در این مرحله ابتدا مجموعه تفاسیر در خصوص مفهوم «مودت» موجود در آیه ۲۱ سوره مبارک روم، گردآوری شد که موجب توسعه و تکمیل شدن مدل مفهومی گردید و به‌عنوان «مدل متعادل و متکامل زوجیت‌محور مودت‌پایه» نام‌گذاری گردید. این مدل

شامل سه بُعد «بقا و ثبات»، «توسعه و رضایت» و «زیباسازی» است. نحوه ساختن مدل نرم و به روش آبشاری است. در حقیقت، این نحوه رسیدن از یک مفهوم به شاخص است. چنانچه از طریق شاخص‌ها به مؤلفه و سپس به بُعد و مفهوم می‌توان رسید (خنیفر و بردبار، ۱۳۹۳: ۱۹).

مراحل و فرایند مدل مودت نیز بر مبنای آیه ۲۹ سوره فتح، شامل: ۱. جوانه زدن؛ ۲. کمک کردن برای پرورش؛ ۳. محکم شدن؛ ۴. برپای خود ایستادن و ۵. نمو چشم‌گیر و اعجاب‌انگیز با توجه به تفاسیر حاصل شد و همه عوامل و اجزای مؤثر در شکل‌گیری آن تحلیل شد. در سومین گام، با استفاده از روش تحلیل محتوا، اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفت؛ ابعاد سه‌گانه مدل در لابه‌لای اسناد جست‌وجو شد، ۳۱ مقوله اصلی استخراج شد و در قالب سه بُعد خلاصه شدند. جامعه نمونه در این مرحله، بیانات امامین انقلاب، برنامه چشم‌انداز ۱۴۰۴، برنامه‌های توسعه و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران بودند. تلفیق مدل با آینده‌نگاری و ترزیق اولویت‌های آینده‌نگاری به مدل نیز در گام پنجم انجام پذیرفت. پس از استخراج مؤلفه‌ها با اخذ دیدگاه ۱۵ نفر از صاحب‌نظران و مدیران اجرایی، با ویژگی‌هایی همچون داشتن تحصیلات عالی، تجربه کاری مرتبط و آینده‌پژوه؛ از طریق پرسش‌نامه اعتبار مؤلفه‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

### ۳. مبانی و اصول معرفت‌شناختی مدل

در نظام اسلامی، آنچه مبنای اصلی تدوین یک مدل است، این است که دین الهی و وحیانی منبع غنی و پربار معرفت محسوب می‌شود و بدون آن هرگز نمی‌توان برای دین نقش اساس و تعیین‌کننده‌ای برای مدل طراحی شده قائل شد. چنانکه در غرب به خرد خودبنیاد و نفی مرجعیت دین و نفی ارزش معرفتی وحی و آموزه‌های پیشوایان دین انجامید و علم را به دانش تجربی فروکاست و به آن اصالت بخشید و این رویکرد انسان را از بسیاری از حقایق علمی در باب شناخت جهان، هستی، روابط بین عوالم، فرجام جهان، حقیقت وجودی انسان، غایت آفرینش و کمال و سعادت حقیقی آدمی و هزاران مسئله مهم دیگر محروم نمود. ابزارهای معرفت در دیدگاه اسلامی چهار منبع است: ۱. حس؛ ۲. عقل؛ ۳. وحی و ۴. شهود (کلینی، ۱۳۹۱) که وحی در جایگاه برتر نسبت به دیگر مجاری ادراکی می‌تواند مهم‌ترین سنگ بنای مدل‌سازی باشد و در این صورت تمایز جدی با مدل‌های غربی که به دنبال حس و تجربه هستند؛ خواهد داشت.

از طرف دیگر ساخت مدل در این پژوهش مشتمل بر این موارد است: ترسیم وضعیت مطلوب، اصول تحلیل و آسیب‌شناسی وضعیت موجود، اصول راهبردی حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب و اکنون بایستی دید تا چه حد این مدل با مبانی اسلامی نسبت دارد:

### ۳-۱. ترسیم وضعیت مطلوب

در این عرصه مرجع اصلی، وحی و منابع نقلی دینی است. این تحقیق با بهره‌مندی از آموزه قرآنی در آیه ۲۱ سوره روم اقدام به ترسیم وضعیت مطلوب نموده است.

### ۳-۲. اصول تحلیل وضعیت موجود

هرچند در ظاهر ممکن است این قسمت نیازمند به بررسی‌های تجربی و وابسته به خرد بشری باشد؛ اما اصول حاکم بر تحلیل وضع موجود نیز از جهان‌بینی و مبانی متاپارادایمی متأثر است. اصول جهان‌بینی اسلامی در عین وحیانی بودن، عقلی هم هستند و رسیدن به نتیجه مطلوب در چهارچوب مساعدت وحی، عقل و تجربه خواهد بود.

### ۳-۳. اصول راهبردی حرکت از وضعیت موجود به وضع مطلوب

در متون دینی تعالیمی درباره کامیابی در امور مختلف مربوط به حیات فردی و اجتماعی وجود دارند که در این زمینه راهگشا است. در عین حال، تطبیق این آموزه‌ها با شرایط خاص اجتماعی و چگونگی کاربست آن‌ها بررسی تجربی است. بهره‌مندی از مراحل و فرایند رسیدن به بالندگی در آیه ۲۹ سوره مبارکه فتح و تطبیق آن با شرایط خاص اجتماعی امروز زنان در جهت افزایش مشارکت سیاسی ایشان از منظر پژوهشگران این تحقیق، به جهت معرفتی یک اصل مهم در جهت راهبردی کردن آن بوده است.

### ۳-۴. اصول ارزشی و هنجارهای حاکم بر چگونگی حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب

کامل‌ترین منبع شناسایی این اصول وحی و منابع نقلی دینی است. بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، حقیقت انسان مبتنی بر سه اصول «اختیار»، «فطرت» و «سعادت» است و همه ابعاد وجودی و برنامه‌های زندگی آدمی را در برمی‌گیرد؛ بی‌توجهی برنامه‌های

زندگی اعم از سیاسی، فرهنگی و فردی و خانوادگی به این اصول انسان‌شناسانه موجب ایجاد رخنه‌های پرنشدنی در تئوری‌ها و مدل‌ها است. در این تحقیق تأکید بر اصولی همچون «اراده و اختیار»، «حرکت»، «کرامت انسانی» و «آزادی» است.

### ۳-۵. اصل کرامت انسانی

کرامت عطیه مقدس الهی است که تنها به انسان داده شده تا بتواند اوج گیرد و خود را شکوفا کند. کرامت انسانی در حقیقت تجلی اراده حق تعالی است. عدم رعایت کرامت؛ اسباب حسد و کینه‌توزی و نزاع و بدخواهی و جنگ را فراهم می‌کند (اصغری، ۱۳۹۳: ۴۷).

### ۳-۶. اصل آزادی

اسلام، انسان را دارای استعدادهای فراوان و تمایلات عالی انسانی می‌داند، و همین استعدادها و تمایلات عالی را منشأ آزادی انسان می‌شمارد و آزادی را بر اساس آن چیزی می‌داند که تکامل انسانی و رهایی این استعدادها و تمایلات عالی از هر نوع مانع و مزاحم و هموار بودن راه تکامل آن مفهوم صحیح آزادی در مکتب اسلام است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۴۷۳).

### ۳-۷. اصل حرکت

حرکت خروج از قوه به فعل است و قوه فقدان چیزی و فعلیت وجدان آن است؛ پس حرکت از فقدان و عدم و ناداری به سمت دارایی و وجدان جلو می‌روند و در حرکت همیشه افزایش و فزون و کمال تحقق می‌یابد. به دیگر سخن، اگر مرتبه قوه هر حرکتی را با فعلیت آن مقایسه کنیم بین این قوه و آن فعلیت رابطه نقص و کمال برقرار است و فعلیت کمال آن قوه است و در نتیجه حرکت هم به معنای تکامل آن قوه است (کریمی قدوسی و همکاران، ۱۴۰۰). اشتداد در حرکت به این معناست که رابطه قوه و فعلیت در نظر گرفته نشود، بلکه رابطه فعلیت‌ها با یکدیگر لحاظ شود؛ به این صورت که وقتی فعلیت‌ها با یکدیگر مقایسه می‌شوند، اگر فعلیت بعدی نسبت به فعلیت قبلی افزایش داشته باشد و اشد و اکمل از آن باشد آن را تکامل و اشتداد می‌گویند. در اشتداد همیشه هر فعلیتی، اشتداد فعلیت کامل‌تری دارد که با زوال فعلیت سابق ایجاد می‌شود (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱: ۳۲۵).

### ۳-۸. اصل اراده

سید محمدباقر صدر با استفاده از آیه **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ** (رد: ۱۱)؛ علت تمامی تغییرات و تحولات را خواست و اراده انسان می‌داند. این خواست و اراده هنگامی که در کنار یک اندیشه جدید قرار بگیرد، تشکیل‌دهنده ضمیر انسان است که با آمیخته شدن این دو عنصر، هدف‌های انسان متحقق می‌شود (نصرآزادانی و دیگران، ۱۳۹۹).

### ۳-۹. اصل اختیار

از نگاه اسلام، انسان موجودی مختار و مسئول است و سعادت خویش را خود طلب کرده و راهش را خود، آزادانه انتخاب می‌کند (خمینی، ۱۳۷۹: ۱۳).

### ۳-۱۰. اصل فطرت

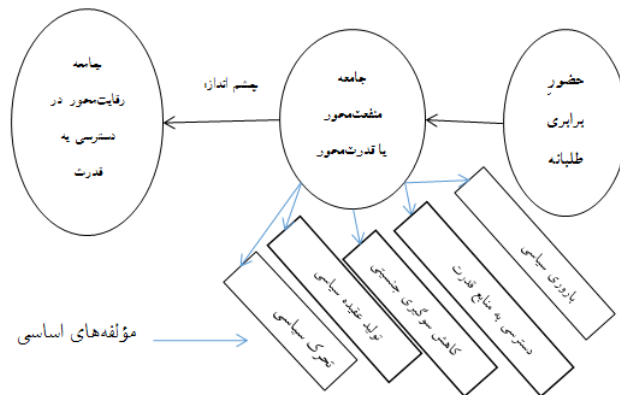
مفهوم «فطر» صرفاً به معنای عام آن یعنی آفرینش، توجه ندارد؛ بلکه آمیخته با «حرکت و هدایت» است؛ حرکتی که انسان را به «توحید» رهنمون می‌کند. حدود و قیود شرع نیز برای رهبری فطرت و شکوفایی آن است (مکارم شیرازی، ج ۳، ۱۳۷۴: ۵۳۵).

### ۴. یافته‌های پژوهش

#### ۴-۱. ارائه مدل مفهومی پایه: «مدل جامعه متعادل شایسته محور»

با استفاده از فرا ترکیب ده مدل، مدل عمومی «مدل طناب‌کشی» احصا شد که مضمون اصلی این مدل، سیاست حضور مبتنی بر منفعت‌محور قدرت‌پایه است. زنان برای رسیدن به وضعیتی برابر با مردان، ناچارند همواره در یک کشمکش بر سر دسترسی به منابع قدرت باشند؛ خواه این کشمکش آشکار و عینی و خواه پنهان و ذهنی باشد. این مدل به دنبال جنسیت‌زدایی در عملکرد خود است. این نوع نگاه، قائل به جنسیت نبوده و تنها چشم‌انداز مطلوب برای هر اقدامی به دست آوردن منفعت بیشتر است و تضاد دست‌مایه لازم در جهت کسب هرچه بیشتر منافع است. هر گروه یا فردی به دنبال حذف رقیب خود از میدان است. نحوه حضور زن ملازم با نفی قدرت دیگری است؛ این نظام اصالتاً سرمایه‌سالارانه است؛ حال چه سرمایه‌دار باشد یا نباشد اما سرمایه‌سالارانه است و در عین حال اخلاقیات متناسب با آن را نیز اعمال می‌کند. مؤلفه‌های اساسی این مدل شامل باروری سیاسی، دسترسی به منابع قدرت، کاهش

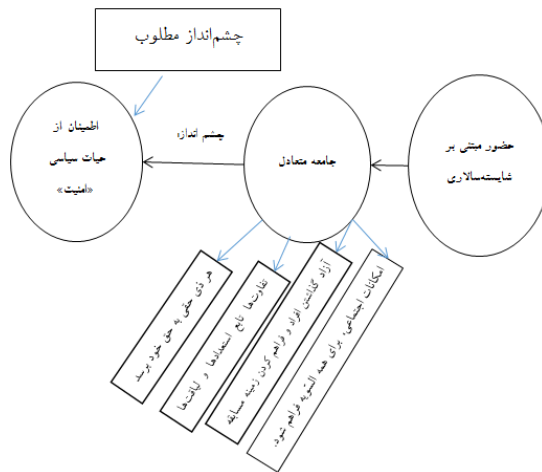
سوگیری جنسیتی، تولید عقیده سیاسی و تحرک سیاسی است. مدل‌های مطالعه شده شامل «مدل آگاهی سیاسی»، «مدل پرونده تجاری»، «مدل مالکیت زمین»، «مدل‌های جنسیت»، «مدل ساختاری وضعیت اجتماعی اقتصادی»، «مدل فرهنگی رهبری زنان»، «مدل راهبردی ارتباطی»، «مدل تحلیل فضایی»، «مدل سرریز»، «مدل رقابت معیار» و «مدل شهروند-نامزد» می‌باشند. در این مدل جامعه‌سازی با پیش‌رانه قدرت‌طلبی شکل می‌گیرد که همان مدل نظام سلطه است؛ سعی در تعریف همه‌چیز بر مبنای روابط قدرت دارد. روابط قدرت، نابرابری را ایجاد می‌کنند و متحرکاند. (دریفوس و پل رابینو، ۱۹۸۲: ۳۱۲-۳۱۵). بنابراین در این شرایط که فعالیت سیاسی مردان برای حفظ موقعیت خود و دور کردن زنان از فعالیت‌های سیاسی است؛ فعالیت سیاسی زنان برای دگرگون کردن این روابط به نفع زنان است.



شکل ۱: فراترکیب مدل‌های مطالعه شده: مدل رقابت محور طناب‌کشی

سپس با مطالعه و مرور جایگاه مشارکت سیاسی زنان در اسلام، مفهوم «شایسته‌سالاری» به‌عنوان اصلی‌ترین محور سیاست حضور زنان، جامعه را از «رقابت‌محوری» به‌سوی جامعه متعادل «شایسته‌سالارمحوری» هدایت می‌نماید. اسلام حضور زن در صحنه اجتماعی را امری مستمر و همیشگی دانسته که می‌تواند در امر جهاد و دفاع و همچنین فرهنگ و تربیت سهم مهم و اساسی داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۲۸۶). در اسلام ملاک برتری افراد شامل لیاقت، شایستگی و تلاش است و جنسیت بر این صلاحیت‌ها تأثیری ندارد. بنابراین دولت اسلامی وظیفه دارد تا شرایط لازم برای فعالیت سیاسی زنان را فراهم کند تا آن‌ها در نهادهای آموزشی، تبلیغی،

اجتماعی و سیاسی به فعالیت بپردازند (آکوچیان، احمد، ۱۳۸۳) و تأکید دارد امکانات اجتماعی، برای همه فراهم شود، افراد آزاد گذاشته شوند و زمینه‌های مسابقه برای همگی فراهم گردد. «اطمینان خاطر از حیات سیاسی» چشم‌اندازی است که این مدل را از مدل رقابتی، ممتاز می‌نماید و توسط پژوهشگران به‌عنوان مدل متعادل شایسته‌محور، با عنوان «مدل امنیت» نام‌گذاری شد. مؤلفه‌های به‌دست‌آمده برای این مدل بدین شرح می‌باشند: امکانات اجتماعی، برای همه فراهم شود، آزاد گذاشتن افراد و فراهم کردن زمینه مسابقه، تفاوت‌ها تابع استعدادها و لیاقت‌ها باشد، هر ذی‌حقی به حق خود برسد. غایت مطلوب جامعه شایسته‌سالار پایه، رسیدن به «امنیت» است. «امنیت به یک ویژگی پایدار در فضای صلح، برخورد مناسب و آگاهی دو جانبه اطلاق می‌شود که به تمام اعضای جامعه امکان می‌دهد که آزادانه حقوق شخصی، سیاسی و اجتماعی خود را اعمال کنند» (نویدنیا، ۱۳۸۸) که مبنای آن «به‌گونه‌ای است که شرایط و فرصت‌ها را به تساوی در اختیار همه شهروندان قرار می‌دهد» (مطهری، ۱۳۷۷).



شکل ۲: مدل مفهومی جامعه متعادل شایسته‌سالار محور: مدل امنیت

#### ۴-۲. توسعه مدل: رجوع به داده‌های قرآنی و دستیابی به «مدل زوجیت‌محور مودت‌پایه»

خلقت زوجی در عالم، یکی از سنت‌هایی است که در قرآن کریم مطرح است. این نکته در آیه ۲۱ سوره روم مطرح گردیده است و مودت را راهکاری برای حضوری مؤثر و

تعالی‌بخش جامعه هدف معرفی می‌نماید که نتایج آن با نتایج حاصل از مطالعات پیشین و مدل‌های مورد بحث هم‌پوشانی دارد. در تبیین معنای آیه دو رویکرد وجود دارد. رویکرد مفهوم محور و موضوع محور که صرفاً به گردآوری نظرات مفسرین پرداخته شده و رویکرد مسئله محور که مفسر با دغدغه ذهنی و درگیری مسئله محور با آیات مواجه می‌گردد. برای نمونه مفسرانی که به آیه ۲۱ سوره مبارکه روم رویکرد مسئله محور داشته‌اند بدین قرار هستند؛ تفاسیر شیعی شامل: المیزان فی تفسیر القرآن، تألیف سید محمد حسین طباطبایی، در قرن چهاردهم با رویکرد قرآنی؛ تفسیر من وحی القرآن، تألیف سید محمد حسین فضل‌الله، در قرن پانزدهم با رویکرد اجتماعی و اجتهادی؛ تفسیر نمونه، تألیف ناصر مکارم شیرازی، در قرن پانزدهم، با رویکرد اجتماعی، اجتهادی. الکاشف، تألیف محمد جواد مغنیه، در قرن چهاردهم با رویکرد تحلیلی؛ تفاسیر سنی شامل: التفسیر القرآنی للقرآن، تألیف عبدالکریم خطیب، در قرن چهاردهم با رویکرد قرآنی و فی ظلال القرآن، تألیف سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، در قرن چهاردهم با رویکرد اجتماعی و تبیینی.

بنابراین در مفهوم آیه دو برداشت کلی وجود دارد. اغلب مفسرین با رویکرد مفهوم‌محور و موضوع‌محور به تبیین آیه پرداخته و با توجه به سیاق آن منظور از زوجیت را زن و شوهر شرعی و منظور از مودت را محبت بین زن و شوهر می‌دانند. برداشت دوم یا نگاه مسئله‌محور به آیه، منظور از زوجیت را شامل زن و مرد در جامعه بزرگ بشری دانسته و حتی زوجیت فکری، روحی و علمی بین افراد بشر را برداشت نموده است (اخوان مقدم، ۱۳۹۸) و منظور از مودت را انس و الفت بین نوع انسان در جامعه می‌داند. بنا بر فرمایش خداوند در سایه «مودت» افراد جامعه شامل زن و مرد، سکون و آرامش حاصل خواهد شد. خداوند متعال مودت را ملاط و چسب مصالح ساختمانی جامعه انسانی مطرح کرد که بر مبنای زوجیت نهاده شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۰۵: ۳۹۲). تفاهم و همدردی در سایه زوجیت نیازهای انسان را برطرف می‌سازد و در سایه تأمین این نیازها، افراد در چنین جامعه‌ای به آرامش روحی دست پیدا می‌کنند. قرآن کریم دستیابی به چنین آرامشی را یکی از ثمرات زوجیت می‌داند (اخوان مقدم، ۱۳۹۸). جایگاه مودت در نزد خداوند به حدی دارای ارزش و اهمیت است که فعل «جعل» هم‌نشین کلمه مودت قرار گرفته است. در حقیقت ابزار زیستن در فضای آرامش و رضایت روانی در این آیه کریمه؛ «مودت» معرفی شده است که به قول مفسران، ملاط و چسب مصالح ساختمانی جامعه انسانی است (مکارم شیرازی، ۱۳۰۵: ۳۹۲). سکینه نیز یعنی حالت استقرار، حالت آرامش، آرامش روانی، آرامش فکری و

نقطه مقابل این اطمینان، حالت تشنج فکری و آشوب فکری و بی‌انضباطی فکری و اندیشه و احساسات در وجود یک فرد است که او را به انواع و اقسام بدبختی‌های شخصی و اختلالات اجتماعی می‌کشاند (عرفان منش، ۱۴۰۰).

از همین‌رو در این پژوهش با بهره‌مندی از رویکرد دوم که زوجیت را شامل افراد جامعه بشری متشکل از زن و مرد می‌داند، «مشارکت سیاسی زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران» به‌مثابه «مودت» در جامعه زوجیت‌محور است که غایت آن رسیدن به «سکینه» است. این جامعه را می‌توان «متعادل متکامل» در نظر گرفت که اساساً زوجیت‌محور مودت‌پایه است.

### ۳-۴. تأملی بر مفاهیم آیه ۲۱ سوره روم بر اساس تفاسیر

#### ۱-۳-۴. زوجیت در آیه ۲۱ سوره روم

برخی مفسران با رویکرد مسئله‌محور در آیه ۲۱ سوره مبارک روم، زوجیت را فراتر از خانواده برداشت نمودند. برخی نیز منظور از زوجیت را «زن و مرد» در جامعه بزرگ‌تر و در میان افراد جامعه فهم نمودند؛ مفسرانی همچون ابن جوزی، آلوسی و شبر معتقدند اگر به این آیه به تنهایی نگاه شود می‌توان منظور نهایی را، زن و مرد و کل افراد بشر و نوع انسانی دانست (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳-۴۲۰، آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱-۳۱، شبر، ۱۴۰۷: الجوهر الثمین، ۵-۸۲).

برای نمونه به برخی از متن‌های این تفاسیر اشاره می‌شود: «دیگر از نشانه‌های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آن‌ها آرامش بیابید» (وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا). و از آنجا که ادامه این پیوند در میان همسران، خصوصاً در میان همه انسان‌ها عموماً نیاز به یک جاذبه و کشش قلبی و روحانی دارد به دنبال آن اضافه می‌کند: «و در میان شما مودت و رحمت آفرید» (وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً) (مکارم شیرازی، ۱۳۰۵).

یکی از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌ها و موارد خودنمایی مودت و رحمت، جامعه کوچک خانواده است، چون زن و شوهر در محبت و مودت ملازم یکدیگرند، نظیر این مورد مودت و رحمتی است که در جامعه بزرگ شهری، و در میان افراد جامعه مشاهده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۵۰). جمله وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً می‌شود راجع به رحمت و مودت بین زن و شوهر باشد ولی بهتر است آن را راجع به عموم بدانیم (قرشی بنایی، ۱۳۷۵: ۱۹۲). «وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ»

به‌درستی که در آفریدن ازواج مشاکل و مشابه مردان در بشریت هر آینه نشانه‌های قدرت الهی است» (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳).

«بین الرجال و النساء او أشخاص النوع» (شبر، ۱۴۱۲: ۳۸۷)؛ «ای بین الرجال و النساء او بین افراد الجنس» (پانی‌پتی، ۱۴۲۵: ۲۲۹). «و للحفاظ علی النوع الانسانی، جعل الله تعالی من العلامات الداله علی قدرته و رحمته و هیمنته؛ خلق النساء من جنس الرجال و ایجاد و وشائج و صلات و ثیقه بین الرجل و المرأه، قائمه علی الموده (الی المحبه) و الرحمه (ای الشفقه) لیتعاون الجنسان علی»: ایجاد زنان از جنس مردان و ایجاد پیوندها و پیوندهای نزدیک بین زن و مرد بر اساس محبت (به عشق) و رحمت (یعنی شفقت) تا هر دو جنس بتوانند در آن همکاری کنند». (زحیلی، ۱۴۲۲: ۱۹۹۳).

« بین الرجال و النساء، أو أشخاص النوع» (شبر، ۱۴۰۷: ۸۲). «إن الصلوة ألتی یمتن ربنا أصرتها بین الزوجین و من خلالهما بین سائر أبناء المجتمع تتجاوز المودّة المادیة القائمة علی أساس المصالح المشتركة و الخدمات المتبادلة»: رابطه‌ای که پروردگار ما بین همسران و به واسطه آنها بین سایر افراد جامعه برقرار کرده است، فراتر از محبت مادی مبتنی بر منافع مشترک و خدمات متقابل است» (مدرسی، ۱۴۱۹: ۳۸). مودت همان دوست داشتن است که انسان‌ها به یکدیگر دارند ولی رحمت و مهربانی آن تأثیر قلبی است که از دیدن محرومیت و نقص و گرفتاری طرف، در قلب احساس می‌شود؛ رحمت ناشی از مودت است که اگر در وجود انسان مودت وجود نداشت، رحمت پیدا نمی‌شد، همان‌طور که در افتادن دیوار و شکستن درخت و مهربانی احساس نمی‌کنیم (قرشی، ۱۳۷۷: ۱۸۶). اما حدیثی که در مورد ازدواج وجود دارد، در صحت آن شکی نیست، ولی حضرت خاتم الانبیا (ص) به مؤمنان متقی و مجاهدان آزاده مباحث می‌کند؛ همچنین در مورد بدی‌ها آنان را که خیانت می‌کنند و برای دشمنان خدا و بشریت کار کند را سرزنش می‌کند. در حدیث است: « زمانی بر مردم می‌رسد که دیندار دین خود را تسلیم نمی‌کند مگر اینکه از بلندی به بلندی فرار کند. گفتند: این چه زمانی است یا رسول‌الله؟ فرمودند: اگر جز با نافرمانی خدا به زندگی نرسد، تجرد جایز است» (مغنیه، ۱۴۲۴: ۱۳۷). الخطاب هنا للناس عموماً، رجالا، و نساء و لیس للرجال، كما فهم ذلك کثیر من المفسدین فکما خلق الله سبحانه للرجال من أنفسهم (خطیب، ۱۴۲۴: ۴۹۶). «و جعل بینکم مودّةً و رحمةً» فی النهایة لإنشاء حیاة جدیدة تتمثل فی جیل جدید (قطب، ۱۴۲۵: ۲۷۶۳).

### ۴-۳-۲. مودت

واژه «مودّه»، مصدر از صیغه «مفعله» از ریشه «وَدَّ» است به معنای آرزو کردن و دوست داشتن است؛ زیرا تمنی که آرزو داشتن و دریافت کردن است در برگیرنده معنی دوستی است که سه مرحله دارد: نیاز، شناخت، عشق و محبت که دلالت بر علاقه و محبت می‌کند (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۹۹). کلمه مودّت که شش بار در قرآن آمده به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد. در برخی از کتب لغت درباره ریشه «وودد» چنین ذکر شده است که به معنای امنیت است (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۱۰۰). لذا مودت، نوعی محبت ویژه و مخصوص است که بازتاب و کشش برونی را در پی داشته باشد و آنچه در درون وجود دارد را به خوبی آشکار کند (اخوان مقدم، ۱۳۹۸: ۲۴). مودت، محبت پایدار و تجهیز به جهازی است که به بروز ظهور و آشکار شدن آن بینجامد و علایق قلبی را از نهفتگی و خفتگی خارج سازد (اخوان، ۱۳۹۸: ۴۳). بنابراین مودت، محبت تثبیت شده در قلب است؛ لذا تمایل و کشش در مودت بسیار بیشتر و عمیق‌تر از محبت است؛ چرا که اثر محبت ناشی از مودت در مقام عمل و در ظاهر هویدا است و نوعی «امنیت» را به ارمغان می‌آورد (اخوان مقدم، ۱۳۹۸: ۲۴).

برخی «مودت» را به معنای دوستی و میل شدید و مقابل بغض و تنفر گرفته‌اند. تفاوت مودت با محبت در این است که محبت تمایل به سمت چیزی است؛ اما مودت تمایل به سمت چیزی بر مبنای طبیعت شخص است از همین‌رو مفهوم تمایل، در مورد مودت شدیدتر و خاص‌تر از محبت است (مصطفوی، ج ۱۳: ۳۷۳). لذا محبت تمایل به سمت چیزی است. ولیکن «مودت» تمایل به سمت چیزی بر مبنای طبیعت شخص است؛ از همین‌رو مفهوم تمایل، در مودت شدیدتر و خاص‌تر از محبت است؛ چرا که مودت در قلب تثبیت شده و همچون خضوع در مقابل عمل اثرش مشهود است (مصطفوی: ۶۴). مفسران نیز در معنای مودت با واژه‌شناسان هم نظر بوده‌اند که مودت همان محبتی است که اثرش در مقام عمل نمود و ظهور پیدا کند (زمخشری، ۴۰۷ ق: ۴۷۲) لذا در مودت هیچ‌گونه انفعالی وجود ندارد. برخی از ایشان «و جعل بینکم موده و رحمه» را ایجاد «مودت و رحمت» بین تمام افراد جامعه دانسته‌اند نظیر: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۶۶؛ تفسیر احسن الحدیث، ج ۸، ص ۱۹۲؛ بیان السعاده ج ۳، ص ۲۱۷ و تفسیر اثنا عشری ج ۱۰، ص ۲۸۲.

در تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۹۲؛ می‌خوانیم مسئله مودت و رحمت در حقیقت ملاط و چسب مصالح ساختمانی جامعه انسانی است، چرا که جامعه از تک تک انسان‌ها تشکیل شده همچون ساختمان عظیم و پرشکوهی که از آجرها و قطعات سنگ‌ها

تشکیل می‌گردد. اگر این افراد پراکنده شوند و آن اجزای مختلف، با هم ارتباط و پیوند پیدا نکنند جامعه یا ساختمانی به وجود نخواهد آمد. آن کسی که انسان را برای زندگی اجتماعی آفریده این پیوند و ربط ضروری را نیز در جان او ایجاد کرده است (طباطبایی، ج ۱۶: ۳۹۲). در حقیقت «مودت و رحمت» جان‌مایه تحکیم پیوند بین اعضای یک جامعه است. هر چه این جان‌مایه تقویت شود، انسجام و استحکام روابط بین اعضای جامعه بیشتر می‌شود و آرامش و امنیت بیشتری در آن جامعه حاکم خواهد شد.

مودت و رحمت، در واقع کمال دیگران را طلب نمودن و چتر حمایت را بر سر دیگران گستردن است. لذا مودت از زیرمجموعه‌های رحمت است. رحمت امری قلبی است و بروز و ظهور آن، «مودت» است. اینکه در آیه مودت عطف و مقدم بر رحمت شده است به دلیل تأکید بر بروز و ظهور این رحمت در مودت در بین اعضای جامعه با جعل الهی است و باعث پررنگ شدن و تأکید معنای مودت شده است (اخوان مقدم و عرب، ۱۳۹۸). «مودت» اخص از محبت و به معنای محبتی پایدار است که در دل تثبیت شده و در مقام عمل اثرش ظهور و بروز پیدا می‌کند و دارای اثر و نتیجه باشد؛ به همین دلیل مودت از محبت بالاتر و دارای جایگاهی ویژه است. در قرآن مشتقات این ریشه ۲۸ مرتبه در سه محور ارتباط با خدا، ارتباط با مؤمنان و کافران به کار رفته است. مودت در هر سه محور محبت تثبیت شده در عمق جان است که نوع بروز و ظهور آن با هم متفاوت است؛ در محور دوم در ارتباط با رفتار مؤمنان با یکدیگر است که باید محبتی پایدار باشد و آثارش در عمل ظاهر شود (اخوان مقدم و عرب، ۱۳۹۸).

خداوند در آیه ۲۱ سوره روم از نعمت زوجیت و آرامش و سکونت حاصله از آن، به‌عنوان یک نشانه و آیه الهی یاد کرده است. هدف از «مودت» در قرآن رسیدن به «لتسکُنوا» است که نتیجه آن می‌شود آرامش جسمی، فردی، روحی و اجتماعی. «لِتَسْكُنُوا» از ماده «سکون» در اصل به معنی ثابت شدن چیزی بعد از حرکت است. در «مقایس اللغه» آمده است که اصل آن به معنی آرامش و حالت خلاف اضطراب و حرکت است. همچنین به حالت آرامش و اطمینان خاطر درونی نیز «سکینه» گفته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۴۴۵).

مفسران در رابطه با واژه لتسکوا، اغلب منظور را «آرامش» گرفته‌اند. از جمله این تفاسیر سورآبادی ج ۳، ص ۱۸۸؛ کشف‌الاسرار و عده‌الابرار، ج ۷، ص ۴۴۱؛ زاد‌المسیر فی علم‌التفسیر، ج ۳، ص ۴۲۰؛ جلاء‌الأذهان و جلاء‌الأحزان، ج ۷، ص ۲۴۵؛ مواهب علیه، ص ۸۹۹؛ تفسیر منهج‌الصادقین فی الزام‌المخالفین، ج ۴، ص ۱۲۹؛ روح‌المعانی فی تفسیر القرآن‌العظیم، ج ۱۱، ص ۳۱؛ تفسیر بیان‌السعاده فی مقامات‌العباده، ج

۳، ص ۲۱۷؛ تفسیر ائنا عشری، ج ۱۰، ص ۲۸۲؛ تفسیر احسن‌الحديث، ج ۸، ص ۱۹۲؛  
التفسیر الواضح، ج ۳، ص ۲۲؛ التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۷۶؛ تفسیر  
الوسیط (الزحیلی)، ج ۳، ص ۱۹۹۳؛ القرآن بالقرآن، ج ۲۳، ص ۱۳۴ و ۱۳۵؛ تفسیر  
جامع، ج ۵، ص ۲۵۴ که نظر آیت الله آملی نیز این نکته است.

البته برخی نیز منظور از «لتسکنوا» را انس و الفت دانسته‌اند همچون: التبیان فی  
تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۴۰؛ تفسیر جوامع الجامع، ج ۳، ص ۲۶۲؛ مجمع البیان فی  
تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۷۰؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۳، ص ۴۷۲؛  
تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، ج ۶، ص ۲۷۸؛ الأصفی فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص  
۹۵۷؛ تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۱۲۹؛ تفسیر شریف لاهیجی، ج ۳، ص ۵۴۸؛ تفسیر  
روح البیان، ج ۷، ص ۱۹؛ تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۰، ص ۱۸۳؛ البحرالممدید  
فی تفسیر القرآن المجید، ج ۴، ص ۳۳۲؛ تفسیر القرآن الکریم (شبر)، ص ۳۸۷؛  
التفسیر المظهری، ج ۷، ص ۲۲۹؛ الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، ج ۵، ص  
۸۲؛ التحریر و التنویر، ج ۲۱ ص ۳۲؛ تفسیر الکاشف، ج ۶، ص ۱۳۶؛ تفسیر المرافی،  
ج ۲۱، ص ۳۷؛ تفسیر خسروی، ج ۶، ص ۴۴۴؛ مقتیبات الدرر و ملتقطات الثمر، ج ۸  
ص ۲۱۴؛ مخزن الغرفان در تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۸۹؛ تقریب القرآن الی الأذهان،  
ج ۴، ص ۲۳۵؛ تبیین القرآن، ص ۴۱۸؛ تفسیر روان جاوید، ج ۴، ص ۲۵۰.

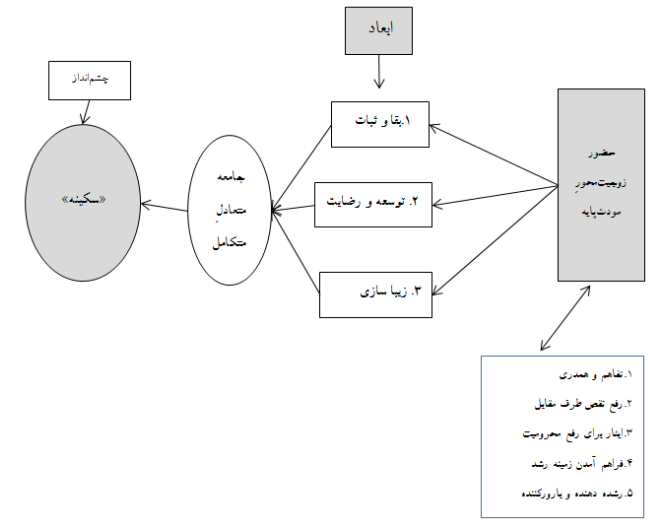
تفسیر بحرالعلوم، ج ۳ ص ۸؛ منظور از این واژه را آرامش روحی دانسته و مفسر  
التفسیر القرآنی للقرآن، ج ۱۱، ص ۴۹۷، ج ۱۸، ص ۱۱۴ و ۱۱۵؛ آن را آسایش جان  
و آرامش احساس فهمیده است. همچنین صاحب تفسیر نمونه در ج ۱۶، ص ۲۹۱ آن  
را آرامش جسمی، روحی، فردی و اجتماعی دریافت کرده است.

### ۳-۳-۴. شبکه مضامین مورد اشاره در مودت

بر اساس جدولی که کدها، مضامین پایه و سازمان‌دهنده از آن‌ها استخراج شد، مجموعه  
این مضمون‌ها به صورت یک شبکه مضامین قابل ارائه است. در خصوص شبکه مضامین  
ایجاد شده موضوع محوری یا مضمون فراگیر «مودت» است. در یک جمع‌بندی می‌توان  
گفت قرآن کریم برای حضور زنان و مردان در کنار هم و مشارکت مؤثر، نگاهی  
آرمان‌گرایانه‌تر داشته و این حضور را، حضوری دلسوزانه و ایثارگرانه در جهت حصول  
آرامش و سکینه می‌داند.

از مجموع برداشت‌های استخراج شده، پنج مضمون پایه شامل: تفاهم و همدری،  
رفع نقص طرف مقابل، ایثار برای رفع محرومیت، فراهم آمدن زمینه رشد، رشد دهنده

و بارورکننده حاصل شد که با دسته‌بندی آنان به سه مضمون سازمان‌دهنده شامل: «بقا و ثبات»، «توسعه و رضایت» و «زیباسازی» دست یافتیم که به‌عنوان ابعاد مدل جایگذاری شدند. این سه بُعد دارای روابط پویا و مرتبط هستند به‌طوری‌که میان آن‌ها رابطه ترتیبی و تأثیری وجود دارد. در سطح ثبات و بقا، بخش اصلی آن درگیر تدابیر و تمهیدات برای پیشگیری است. تفاهم و همدری، رفع نقص طرف مقابل و ایثار برای رفع محرومیت؛ موجبات پیشگیری را فراهم می‌آورد. در مرحله رضایت، آرامش در سایه اطمینان از حیات و برخورداری از سیر مستمر آن به شکل خواسته شده است. در سایه اطمینان از تأثیرگذاری نقش خود در سرنوشت خویش به رضایت می‌رسد و در بُعد سوم یعنی در سطح زیبایی، فرد از سطح بقا و رضایت عبور می‌کند و دغدغه حوائج متعالی زندگی و زیباسازی آن را دارد.



شکل ۳: مدل مودت بر اساس آیه ۲۱ سوره مبارک روم

#### ۴-۳-۴. جامعه متعادل متکامل

«افراد انسانی که جامعه را تشکیل می‌دهند، از دو جنس زن و مرد هستند. همان‌گونه که خداوند آدمی را به دو صورت مذکر و مؤنث خلق نمود؛ از آیات کریم قرآن کریم استفاده می‌شود که اجتماعی بودن انسان در متن خلقت و آفرینش او پیریزی شده است. در سوره مبارکه حجرات می‌فرماید: «یا ایهاالناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و

جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم». در این آیه کریمه، بیان می‌کند که انسان به‌گونه‌ای آفریده شده که به‌صورت گروه‌های مختلف ملی و قبیله‌ای (اجتماعی) در آمده است». (مطهری، ۱۳۶۴). جامعه‌شناسان با چنین تلقی از انسان بر این باورند که او باید در اجتماع خویش نقش یا نقش‌هایی را ایفا کند.

«اشتداد و تکامل حقیقی، تنها در انسان‌های جامعه محقق می‌شود و به تبع تکامل آن‌ها، در ظاهر اجتماع نیز تحولاتی در فنون، ابزار، قوانین و علوم اتفاق می‌افتد؛ چرا که در میان امور مربوط به اجتماع انسانی، تنها انسان است که در واقعیت خودش به یک درجه کامل‌تر جواهری می‌رسد و حرکت رو به تعالی دارد و آنچه در امور دیگر اتفاق می‌افتد، پیشرفت و جانشینی کامل به‌جای ناقص است» (مطهری، ج ۱۳، ۱۳۷۸: ۷۹۶-۷۹۵). از دیدگاه استاد مطهری، «جامعه را می‌توان «مرکب حقیقی» دانست، از نوع «مرکبات طبیعی»؛ اما ترکیب روح‌ها و اندیشه‌ها و عاطفه‌ها، خواست‌ها و اراده‌ها و دست آخر ترکیب فرهنگی نه ترکیب تن‌ها و اندام‌ها. به این صورت که انسان هرکدام با سرمایه‌های فطری و سرمایه‌ای اکتسابی از طبیعت خود، وارد زندگی اجتماعی می‌شود، روحاً در یکدیگر ادغام شده و هویت جدید می‌یابد که از آن به «روح جمعی» تعبیر می‌شود. در ترکیب جامعه، ترکیب، «ترکیب واقعی» است. زیرا تأثیر و تأثر و فعل و انفعالات واقعی رخ می‌دهد و اجزای مرکب که همان افراد اجتماع هستند، هویت و صورتی جدید می‌یابند؛ اما به هیچ وجه، کثرت، به وحدت تبدیل نمی‌شود و (انسان الکلی) همان مجموع افراد است و وجود اعتباری و انتزاعی دارد. مطابق این دیدگاه از ترکیب سرمایه‌های افراد با یکدیگر، روح جمع به وجود می‌آید و لذا فطرت افراد بر فطرت جامعه هم اثر می‌گذارد و اراده و وجدان جامعه، انعکاسی است از اراده و وجدان افراد» (مطهری، ۱۳۷۸). «زمینه ایجاد چنین اجتماعی با ماهیت و نوع انسانی مرتبط است. نوعیت انسان، مسیر روح جمعی را تعیین می‌کند و تکیه‌گاه روح جمعی، روح فردی و به عبارت دیگر، فطرت انسانی انسان است. بنابراین روح جمعی حاکم بر جوامع با همه اختلاف‌ها، رنگ «نوعیت انسانی» دارند و این نوع واحد بر فطرت انسانی مبتنی است که به وحدت قوا در سطح جهان تمایل دارد. فطرت اقتضا دارد تا تمامی نوع بشر، مجتمع شوند» (مطهری، ج ۲۴، ۱۳۷۸: ۳۶۴). قوای جدا از هم دست به دست هم دهند و با تراکم یافتن، تقویت شوند و همه یکی گردند تا زودتر و بهتر به هدف‌های متعالی برسند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۷). از دیدگاه اسلام، کمال انسان در تعادل و توازن اوست؛ یعنی همه استعداد‌های خود را همراه به‌طور متعادل و متوازن رشد دهد (مطهری، ج ۲۳، ۱۳۷۸: ۱۱۲). انسان به همه استعداد‌های خود اهمیت دهد و از پرورش یک‌جانبه برخی

از آن‌ها و بی‌توجهی به برخی دیگر خودداری کند و این، زمانی امکان‌پذیر است که هدف مشترکی برای آن‌ها قابل تصور باشد (معلمی و نصرت‌زادگان، ۱۳۹۹). در مدل اسلامی تکامل اجتماعی، رشد صحیح‌گرایش‌ها و تمایلات اهمیت دارد. «از منظر اسلام، این‌گرایش‌ها در صورتی سبب تکامل انسان می‌شود که در مسیر صحیح و در سایه توجه به خداوند رشد یابند. پس، اسلام به قدرت و قوت نیز دعوت کرده است؛ ولی نه قدرت نیچه‌ای، بلکه قدرتی که از آن صفات عالی مهربانی و رحم و شفقت و احسان برخیزد» (مطهری، ج ۲۳، ۱۳۷۸: ۳۱۱-۳۱۴). «اشتداد و تعالی افراد، تکامل اجتماع را نیز در پی دارد و قرآن نیز این حقیقت را تأیید می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)؛ (معلمی و نصرت‌زادگان، ۱۳۹۹).

#### ۴-۳-۵. فرایندهای «مودت»

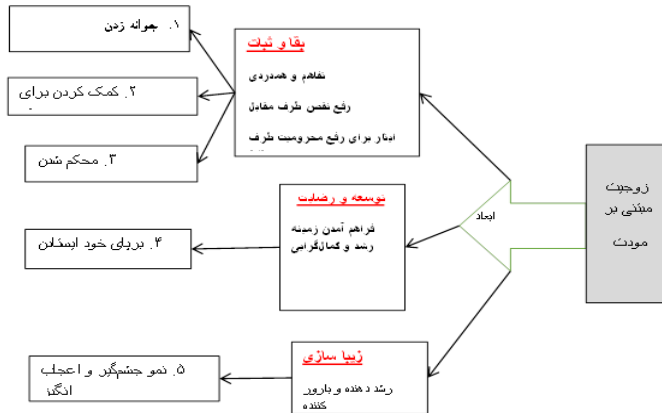
در آیه ۲۹ سوره مبارکه فتح جامعه نبوی به‌عنوان الگوی جوامع اسلامی توصیف شده است. در این آیه پنج فرایند عمده شامل جوانه زدن، کمک کردن برای پرورش، محکم شدن، برپای خود ایستادن و نمو چشم‌گیر اعجاب‌انگیز، برای مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ذکر شده است. در حقیقت این اوصاف بیانگر حرکت و نمو و رشد آن‌ها در جنبه‌های مختلف است؛ چرا که آن‌ها انسان‌هایی هستند با صفات والا که آنی از «حرکت» باز نمی‌ایستند، همواره جوانه می‌زنند و جوانه‌ها پرورش می‌یابند و بارور می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲: ۱۱۷).

فراز اول آیه ۲۹ سوره فتح، یاران منتخب رسول خدا را به ویژگی‌هایی ستودنی وصف کرده و فراز دوم آنان را به کشته‌ای تشبیه کرده که جوانه‌اش را بر می‌آورد؛ سپس آن را نیرومند می‌سازد تا ستبر گردد و بر ساقه‌هایش می‌ایستد و کشاورزان را به شگفتی و کفار را به خشم می‌آورد. بنابراین پس از آنکه دانه یا نهال نوپای درخت، شاخه‌ها و جوانه‌هایش را تقویت کرد یا هر دو به تقویت هم پرداختند، جوانه‌ها رشد می‌کنند و محکم می‌شوند تا بالاخره به مرحله استوار می‌رسند و بر پای خود می‌ایستند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۸: ۳۰۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲: ۱۱۶). نگاه قرآن شامل تمامی افراد جامعه چه زن و چه مرد می‌شود. قطعاً تنها گیاهی که از درون سالم و با نشاط است می‌تواند جوانه‌های شاداب بر خود برویاند و البته سلامت و نشاط گیاه نیز خود مرهون زمین و زمینه‌ای مساعد برای رشد است. گیاهی که بر زمینی نامساعد روییده باشد، بر پا نمی‌ایستد و به بار نمی‌نشیند. جامعه‌ای که شرایط برای رشد همه افراد آن از جنبه‌های مختلف فراهم است، قطعاً چنین جامعه‌ای خود رشد می‌یابد و در هیچ

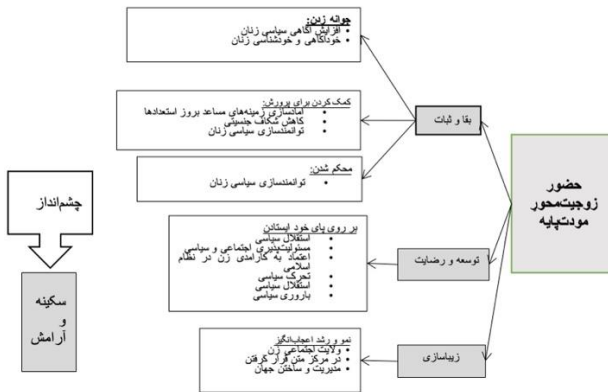
یک از ابعاد ضعیف و ناتوان نیست و به خوبی می تواند در برابر آسیب‌ها از خود محافظت کند.

### ۵. تکمیل مدل؛ شناسایی مؤلفه‌ها

یکی از مسائل مشارکت سیاسی زنان، تطبیق داشتن با زیست بومی است که زنان در آن نشو و رشد می نمایند. در این راستا و به منظور کشف اولویت‌ها و تأکیدات بومی و احصای مؤلفه‌های مدل، دیدگاه اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است و در نهایت با جمع‌بندی به ۱۲ مقوله پایه منجر شد. مؤلفه‌های شناسایی شده در بُعد ثبات و بقا شامل: افزایش آگاهی سیاسی زنان، خودآگاهی و خودشناسی زنان، آماده‌سازی زمینه‌های مساعد بروز استعدادها، کاهش شکاف جنسیتی و توانمندسازی سیاسی زنان می‌باشند و در بُعد توسعه و رضایت شامل: مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سیاسی، اعتماد به کارآمدی زن در نظام اسلامی، تحرک سیاسی، استقلال سیاسی و باروری سیاسی‌اند و در بُعد زیباسازی شامل: زن در جایگاه ولایت اجتماعی، زن در جایگاه مدیریت و ساختن جهان هستند.



شکل ۴: فرایندهای مودت بر مبنای آیه ۲۹ سوره فتح



شکل ۵: مؤلفه‌های مدل مودت

## ۱-۵. تلفیق مدل با آینده‌نگاری راهبردی

آینده‌نگاری به‌عنوان یک ابزار قدرتمند در حوزه سیاست‌گذاری مطرح است و دانشی بین‌رشته‌ای است که می‌تواند کارشناسانی از رشته‌های مختلف را در خود جای دهد (بهروزی لک و جلیوند، ۱۳۹۳). همچنین مهم‌ترین هدف آینده‌نگاری راهبردی تصویرسازی، خلق و ترسیم چشم‌انداز (آینده مطلوب) است. اسلاتر<sup>۱</sup> یکی از دلایل اصلی آینده‌نگاری راهبردی را این‌گونه بیان می‌کند: «کمک می‌کند تا از دام فرهنگی «جهان‌بینی غربی و ایدئولوژی صنعتی» در مدت تحلیل‌ها رها شود. آینده‌نگاری راهبردی نوعی مهندسی جامع آینده است. که با انتخاب گزینه‌های مطلوب بر اساس معیارهای امکان و اثربخشی می‌رسد. در حقیقت بعد از این انتخاب است که راهکارهای لازم را در قالب فرایند برنامه‌ریزی راهبردی ارائه می‌دهد (شیروانی ناغانی و همکاران، ۱۳۹۵). این مدل در حقیقت مرحله راهبردی‌سازی مدل آینده‌نگاری و روس است.

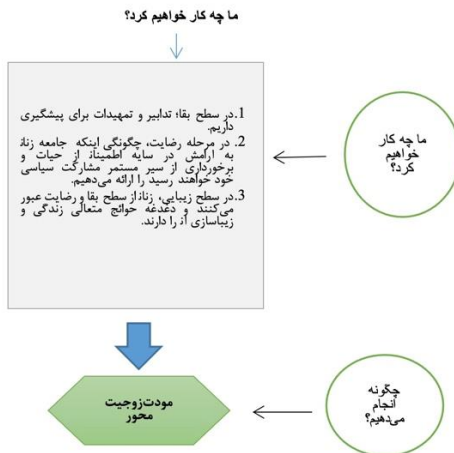
وروس (۲۰۰۳) فرایند خلق راهبرد در آینده‌نگاری را شامل چهار مرحله اصلی می‌داند. مراحل سه و چهار در مدل فرایندی وروس که به خلق گزینه‌های راهبردی و خلق و تدوین راهبرد می‌پردازند، مورد توجه ما در این پژوهش هستند. مدل مودت؛ مرحله راهبردی‌سازی مدل وروس است؛ اینکه «ما چه کاری خواهیم کرد؟» و «چطور این کار را انجام می‌دهیم؟». آنچه مورد توجه قرار گرفته مرحله راهبردی‌سازی مدل وروس است ارائه «مدل مودت»؛ مرحله چهارم مدل وروس را در برمی‌گیرد.

## ۵-۱-۱. ما چه کاری خواهیم کرد؟

در مدل مودت، مراحل پنج‌گانه آن در سه بُعد به این مهم می‌پردازد که: در سطح بقا، چه تدابیر و تمهیداتی برای پیشگیری داریم. در مرحله رضایت، چگونه جامعه زنان به آرامش در سایه اطمینان از حیات و برخورداری از سیر مستمر مشارکت سیاسی خود خواهند رسید؟ همچنین در سطح زیبایی، زنان از سطح بقا و رضایت عبور می‌کنند و دغدغه حوائج متعالی زندگی و زیباسازی آن را دارند.

## ۵-۱-۲. چگونه این کار را انجام می‌دهیم؟

مشارکت «زوجیت‌محور مودت‌پایه» راهبرد گذر از تنش است. اگرچه واژه راهبرد به دامنه وسیعی از برنامه‌ها و تصمیم‌ها و اندیشه‌ها راه یافته است، ترجمه تجربه‌ها و اندیشه‌های حوزه‌های گوناگون به یکدیگر سبب همگرایی نسبی بین اندیشمندان شده است. در مطالعه آینده‌نگاری راهبردی راهبرد مفهومی است که مسیر حرکت یا انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب را مشخص می‌کند. این راهبرد از جنس تجویز است. در سطوح مختلف، از کلان تا خرد، می‌کوشد که تکلیف را در عمل مشخص کند. مهم‌ترین راهبرد تحقق الفت و مودت در جامعه زوجیت‌محور است. از دیدگاه عموم مسلمانان، نخستین و عالی‌ترین نمونه آرمانی از دولت اسلامی، دولت پیامبر مکرم اسلام<sup>(ص)</sup> است که ایجاد مودت در جامعه نتیجه تدبیر رسول مکرم اسلام<sup>(ص)</sup> در مدینه و مکه بوده است که در آیه ۱۰۳ سوره آل‌عمران آن را نعمت می‌داند. دولت علوی نیز به‌عنوان دومین الگوی عملی و واقعی فراروی ما مسلمانان به‌ویژه شیعیان، بر اهمیت مودت تأکید دارد. ریال حضرت علی<sup>(ع)</sup> در نامه ماندگار خویش به مالک اشتر می‌فرماید: همانا برترین روشنی چشم زمامداران، برقراری عدل در شهرها و آشکار شدن مودت مردم است (کمیحانی و عیوضی، ۱۴۰۲). اهمیت مودت و زدودن تفرقه و اختلاف به قدری است که حتی در زیارت‌نامه‌ها همچون زیارت جامعه کبیره آن را به‌عنوان احیا کننده «جان واحد» در بین مؤمنین می‌داند. علامه مجلسی در شرح این زیارت معتبر آورده است که به‌واسطه مودت، مؤمنین همچون جان واحدی اختلاف‌ها تفرقه‌ها را از میان برمی‌دارند که هیچ‌گونه پراکندگی در میان افراد عالم وجود نداشته باشد. در حقیقت «مودت» به‌عنوان بنیاد سیاست و نظام‌سازی در نظام ولایی مطرح است و این مهم در تحقق مأموریت‌ها و نیز تثبیت امنیت و تحکیم ثبات در نظام ولایی، راهبردی‌ترین نسبت را با ساختار رسمی حاکمیتی دارد و از اصالت برخوردار است.



شکل ۶: مرحله راهبردسازی مدل آینده‌نگاری و روس

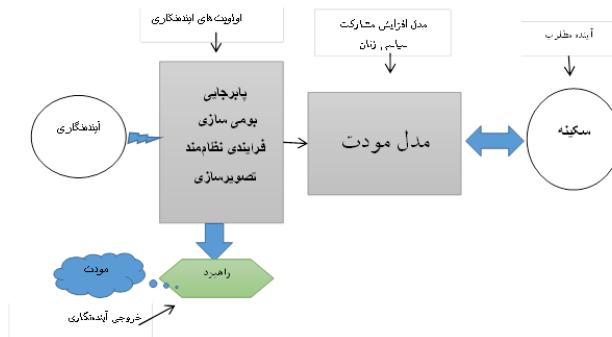
از سوی دیگر با مطالعه تعاریف آینده‌نگاری، موضوعات اولویت‌دار آینده‌نگاری که می‌توانند بر مطلوب بودن مدل تأثیرگذار باشند بدین شرح است: «ارائه آینده مطلوب»، «پابرجایی»، «بومی‌سازی» و «فرایندی نظام‌مند» که به مدل تزریق شده‌اند.

پابرجایی: یکی از مفاهیم مرتبط با آینده‌نگاری، «پابرجایی» است؛ یعنی ارائه راهکار به‌گونه‌ای نباشد که منسوخ شود و موقتی نباشد؛ «مودت» به‌عنوان راهبرد یا راهکار مدل، در جامعه بسیار حائز اهمیت است به‌طوری‌که برخی از دانشمندان مسلمان اساساً هدف سیاست اسلامی را ایجاد مودت می‌دانند و بر آن تأکید بسیار دارند.

تصویرسازی: مهم‌ترین هدف آینده‌نگاری راهبردی تصویرسازی، خلق و ترسیم آینده مطلوب است، زیرا تعریف هدف ماهیت ارتباط با فرایند تصمیم‌گیری را مشخص می‌سازد (صلاحی کجور، ۱۳۹۴: ۴۱). در مدل ارائه شده، آینده مطلوب «سکینه» است که ترسیم شده است.

فرایندی نظام‌مند: رم باره، آینده‌نگاری را مرحله‌ای می‌داند که در سپری شدن این مراحل تصمیمات و اقدامات مؤثر طراحی شده؛ مورد حمایت قرار می‌گیرند (قربانی، ۱۳۹۱). فرایندهای پنج‌گانه مودت بر اساس آیه ۲۹ سوره فتح؛ زنان را به آینده‌ای بهتر و جامع‌تر هدایت می‌کند.

بومی‌سازی شده: بومی‌سازی آینده‌نگاری در پی سازگار ساختن اهداف، روش‌ها و بستر لازم با جهان‌بینی اسلامی و بافتارها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی ایرانی است (نظری‌زاده و میرشاه‌ولایتی، ۱۴۰۱). در این مدل از بهترین داده‌های مرتبط با انسان یعنی از کلام قرآن مجید بهره برده شده است و همچنین مضامین اسناد بالادستی مد نظر بوده است.



شکل ۷: مدل تلفیقی مودت با آینده‌نگاری راهبردی

## نتیجه‌گیری و پیشنهاد

جهان دینی ما به دنبال ساختن جامعه بر مبنای «زوجیتی» است برخلاف مبنای «تضاد» که اصل طرح‌ها و برنامه‌های نظام سرمایه‌داری است. در طراحی زوجیت‌محور جامعه، این‌گونه نیست که تضادها نادیده گرفته شوند بلکه در کنار تضادها، تشابهات مد نظر است. زوجیت، همان نحوه حرکت متکامل بین دو طرف زوجیت است که نسبت مکمل دارند و این ویژگی متکامل از سویی ناشی از ویژگی‌های متمایز است و از سوی دیگر مرتبط با ویژگی‌های متشابه است. قرار گرفتن تمایزها و شباهت‌های دو طرف کنار همدیگر موجب می‌شود برای رسیدن به هدف متعالی به نحو شایسته طی مسیر نمایند. این‌گونه نحوه دستیابی به هدف را، جامعه‌سازی زوجیت‌پایه می‌گویند. زوجیت عامل جامعه‌ساز برای رسیدن به یک غایت مطلوب برای رفع نیازهای مشترکی است که با در کنار هم قرار گرفتن هر دو طرف تأمین می‌شود. تصویر بی‌نظیر جامعه زوجیت‌محور چه در خانواده، چه در اجتماع، چه در نهادهای اجتماعی؛ چه در فضای حاکمیتی و مردمی؛ یک فضای سرشار از تعامل و محبت‌محور و مودت‌محور است. در چنین فضایی ایده انسان‌ها، رشد دادن یکدیگر است. در نظام زوجیتی مودت‌محور، افراد جامعه همچون زنجیره‌ای از حلقه‌های به هم متصل شده تشکیل شدند که به

دنبال منفعت شخصی نبوده و با رشد دیگران، خود نیز مرحله بعدی از رشد را در این زنجیره تجربه می‌کنند. در این تحقیق با بررسی ده مدل افزایش مشارکت سیاسی زنان این پژوهش مدل کیفی بر اساس نظریه «زوجیت» که در آیه ۲۱ سوره مبارک روم آمده است، ارائه داده که با توسعه مفهوم «مودت»، مدلی ارائه نموده که نشان می‌دهد «سکینه» و «آرامش» چشم‌اندازی مطلوب برای مشارکت سیاسی زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران است که با راهبرد «مودت» امکان‌پذیر خواهد شد. دسته‌بندی ابعاد مدل به «بقا و ثبات» به‌عنوان تدابیر و تمهیدات برای پیشگیری، «توسعه و رضایت» به‌عنوان اطمینان از تأثیرگذاری نقش خود در سرنوشت خویش در جایگاه انتخاب شدن و «زیباسازی» به‌عنوان دغدغه‌مندی برای اهداف متعالی و زیباسازی آن، دسته‌بندی مناسبی است. فرایندهای «جوانه زدن»، «کمک کردن برای پرورش»، «محکم شدن»، «روی پای خود ایستادن»، «نمود چشم‌گیر اعجاب‌انگیز»؛ فرایندهای مناسبی برای «مدل مودت» است که با تلفیق با آینده‌نگاری، مدلی را ارائه داده که باعث حفظ و ارتقای امنیت در کشور است.

مؤلفه‌های فرایند جوانه زدن، در بُعد بقا و ثبات شامل: افزایش آگاهی سیاسی زنان و خودآگاهی و خودشناسی زنان است. مؤلفه‌های فرایند کمک کردن برای پرورش توسعه و رضایت، شامل آماده‌سازی زمینه‌های مساعد بروز استعدادها، کاهش شکاف جنسیتی و توانمندسازی سیاسی زنان، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سیاسی و اعتماد به کارآمدی زن در نظام اسلامی، تحرک سیاسی، استقلال سیاسی و باروری سیاسی است. مؤلفه‌های فرایند رشد و نمو اعجاب‌انگیز، در بُعد زیباسازی شامل زن در جایگاه ولایت اجتماعی و زن در جایگاه مدیریت و ساختن جهان است. در مدل ارائه شده «منطق حرکت» و «منطق زوجیت» تلفیق شده و در سایه «مودت» جنسیت به‌عنوان یک واقعیت تاریخی و یک نیروی تاریخی منشأ اثر خواهد بود. در این مدل چگونگی شکل‌گیری «جهان اجتماعی زنانه» به‌عنوان یک بال حرکت اجتماعی بر اساس دو مؤلفه قدرت جنسیت و استقلال زنان در جهت افزایش مشارکت سیاسی آنان مورد توجه قرار گرفت.

### پیشنهادها

پیشنهادها را می‌توان به دو دسته موارد کاربردی و پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی تقسیم کرد. در بخش کاربردی: ضعف در توانمندی‌های فردی و اجتماعی بانوان یکی از چالش‌های مطرح شده در این پژوهش است؛ از همین رو پیشنهاد می‌شود این مدل

به‌عنوان رهیافتی برای رفع محرومیت از زنان و ارائه برنامه‌های مناسب در این رابطه مبنا قرار گیرد. این مدل می‌تواند با توجه به اقدامات پیشنهادی سند مذکور نظیر طراحی برنامه‌ها و سازوکارهای لازم برای استعدادیابی بانوان پیش‌تاز در عرصه‌های مختلف، هم‌سو با رویکرد هویت‌سازی مبتنی بر شاخص‌های تربیتی الگوی سوم، با اولویت بانوان تحت پوشش نهادهای حمایتی، به‌عنوان یک نقشه راه عمل کند. همچنین برنامه‌های توسعه‌ای با راهبرد «مودت» درصدد فراهم آوردن شرایط ذیل برای زنان باشد: رفع احتیاج، محرومیت‌زدایی، تفاهم و همدری، رفع نقص، فراهم آمدن زمینه رشد کمال‌گرایی، کمک به رشد و بالندگی و ایثار برای رفع محرومیت زنان.

در بخش پیشنهاد سیاستی: طرح‌های توان‌افزایی سیاسی دختران با تأکید بر دو مؤلفه قدرت جنسیت و استقلال زنان مورد توجه قرار گیرد و نقش زن به‌عنوان تنظیم‌گری عواطف و اراده در تمامی سطوح از خانواده تا جامعه در مسیر حرکت تاریخ‌ساز تبیین و دیده شود.

## References

- Akhavan Moghaddam, Zohreh; Arab, Mohaddeseh. Semantic Analysis of the Word "Mawaddah" in the Qur'an. Tehran: 1398 SH. (in Persian)
- Al-Ālūsī. Rūḥ al-Ma'ānī fī Tafsīr al-Qur'ān al-'Aẓīm. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah, 1415 AH. (in Arabic)
- Al-Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad. Kitāb al-'Ayn, vol. 2. Qom: Hijrat Publications, 1410 AH. (in Arabic)
- Al-Kāshānī, Muḥammad ibn Murtaḍā. Tafsīr al-Mu'in, ed. Ḥusayn Dargāhī. 1st ed. Qom: Library of Ayatollah Mar'ashī Najafī, 1410 AH. (in Arabic)
- Al-Kulaynī, Muḥammad ibn Ya'qūb. Uṣūl al-Kāfī, vol. 2, trans. Ḥusayn Ustādwalī. Tehran: Dār al-Thaqalayn, 1391 SH. (in Arabic)
- Al-Maghniyyah, Muḥammad Jawād. Tafsīr al-Kāshif. 1st ed. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah, 1424 AH. (in Arabic)
- Al-Marāghī, Aḥmad Muṣṭafā. Tafsīr al-Marāghī, trans. Dr. Ḥasan 'Abbās. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, n.d. (in Arabic)
- Al-Mizhārī, Muḥammad Thanā'ullāh. Al-Tafsīr al-Mizhārī. Pakistan: Maktabat Rushdiyyah, 1412 AH. (in Arabic)
- Al-Muṣṭafawī, Ḥasan. Al-Taḥqīq fī Kalimāt al-Qur'ān al-Karīm. 1st and 13th eds. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Press, 1416 AH. (in Arabic)
- Al-Nakhjawānī, Ni'matullāh ibn Maḥmūd. Al-Fawātiḥ al-Ilāhiyyah wa al-Mafātiḥ al-Ghaybiyyah. 1st ed. Cairo: Dār Rukābī, 1999. (in Arabic)
- Al-Nawawī al-Jāwī, Muḥammad ibn 'Umar. Marāḥ Labīd li-Kashf Ma'nā al-Qur'ān al-Majīd. 1st ed. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah, 1417 AH. (in Arabic)
- Al-Qurṭubī, Muḥammad ibn Aḥmad. Al-Jāmi' li-Aḥkām al-Qur'ān. 1st ed. Tehran: Nāsir Khosrow Publications, 1364 SH. (in Arabic)
- Al-Sa'dī. Taysīr al-Karīm al-Raḥmān. 2nd ed. Beirut: Maktabat al-Nahḍah al-'Arabiyyah, 1408 AH. (in Arabic)
- Al-Ṭabāṭabā'ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. Al-Mizān fī Tafsīr al-Qur'ān. Qom: Daftar Nashr al-Islāmī, 1417 AH. (in Arabic)
- Al-Ṭabāṭabā'ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. Tafsīr al-Mizān, vol. 16. Tehran: Rijā, 1367 SH. (in Persian)
- Al-Ṭabāṭabā'ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. Woman in the Qur'an. Qom: Hajar Publishing Center, 1387 SH. (in Persian)
- Al-Ṭabrisī, Faḍl b. Ḥasan. Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān, intro. by Muḥammad Jawād Balāghī. 3rd ed. Tehran: Nāsir Khosrow Publications, 1372 SH. (in Arabic)
- Al-Ṭayyib, 'Abd al-Ḥusayn. Aṭyab al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān. 2nd ed. Tehran: Islam Publications, 1378 SH. (in Arabic)
- Amidzanjani, Abbas Ali. Jurisprudential Foundations of the Constitution of the Islamic Republic of Iran: Contemporary Iranian Society and the Islamic Revolution. Tehran: Jahād-e Dānishgāhī, 1368 SH. (in Persian)

- Asghari, Sayyid Muhammad. *The Concept, Foundations, and Key Indicators of Social Justice from the Viewpoint of Islamic Thinkers*. Tehran: Center for Islamic-Iranian Model of Progress, 1393 SH. (in Persian)
- Ayatollah Makarem Shirazi, Naser. *Payam-e Qur'an*, vol. 2. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah, 1386 SH. (in Persian)
- Ayatollah Makarem Shirazi, Naser. *Tafsīr-e Nemuneh*, vols. 1, 3, 16. Qom/Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah, 1305–1374 SH. (in Persian)
- Behroozi Lak, Gholamreza; Sharifpour, Maryam. *Jurisprudential Foundations of Women's Political Rights in the Constitution of the Islamic Republic of Iran*. 1394 SH. (in Persian)
- Clark, Cal; Clark, Janet. "Models of Gender and Political Participation in the United States." *Women & Politics*, 1986, pp. 5–25.
- Dahlum, Sirianne; Knutsen, Carl Henrik; Mechkova, Valeriya. "Women's Political Empowerment and Economic Growth." *World Development*, 2022.
- Dauletova, Victoria; Hassan, Houchang; Zainab Hussain, Yari. "Political Empowerment of Women and the Mediating Role of Political Awareness: The Case of Oman." *Journal of International Women's Studies*, 2022, pp. 115–128.
- De Siano, Rita; Chiariello, Valentina. "Women's Political Empowerment and Welfare Policy Decisions: A Spatial Analysis of European Countries." *Spatial Economic Analysis*, 2022, pp. 101–126.
- Eftekhari, Asghar. *Foundations and Issues of Social Security: An Iranian Perspective*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies, 1391 SH. (in Persian)
- Godet, Michel. 2011. *Strategic Foresight for corporate and Regional Development*. s.l. : DUNOD.
- Godet, Michel. *Strategic Foresight for Corporate and Regional Development*. s.l.: DUNOD, 2011.
- Ibn 'Ajībāh. *Al-Baḥr al-Madīd fī Tafsīr al-Qur'ān al-Majīd*, ed. Aḥmad 'Abdallāh Qirshī Raslān, 1419 AH. (in Arabic)
- Ibn al-Athīr, Mu'izz al-Dīn. *Al-Nihāyah fī Gharīb al-Ḥadīth wa al-Athar*. Riyadh: n.p., 1421 AH. (in Arabic)
- Ibn al-Jawzī. *Zād al-Masīr fī 'Ilm al-Tafsīr*, ed. Badr al-Razzāq al-Mahdī. Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī, 1422 AH. (in Arabic)
- Ibn 'Āshūr. *Al-Taḥrīr wa al-Tanwīr*. n.p.: n.d. (in Arabic)
- Ibn Faris, Abu al-Husayn Ahmad. *Mu'jam Maqāyīs al-Lughah*. Qom: Maktabat al-'Ilām al-Islāmī, n.d. (in Arabic)
- Ibn Kathīr al-Dimashqī. *Tafsīr al-Qur'ān al-'Azīm*, ed. Muḥammad Ḥusayn Shams al-Dīn. 1st ed. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah, 1419 AH. (in Arabic)
- Ibn Manzūr. *Lisān al-'Arab*. 3rd ed. Beirut: Dār Šādir, 1414 AH. (in Arabic)

- Imam Khomeini. *Şahîfah-yi Nûr*, vol. 3. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, 1378 SH. (in Persian)
- Kamijani, Ali; Eyvazi, Mohammad Rahim. "The Sphere of Ideal Governance: From Alawite Teachings to Global Indicators." *Rahbord Scientific Journal*, vol. 32, no. 3, 1402 SH. (in Persian)
- Karimi Ghodousi, Zeinab. "Existential Perspective on Worldly Life in Şadrâ's Philosophy." *Journal of Islamic Philosophy and Theology*, pp. 407-424, 1400 SH. (in Persian)
- Khamenei, Sayyid Ali. *The General Plan of Islamic Thought in the Qur'an*. Tehran: Institute for Jihadi Faith Publications, 1399 SH. (in Persian)
- Lari, Noora, Al-Annari, Mohammad and El-Maghraby, Engi. 2022. Challenging Gender norms: Women's Leadership, Political authority, and autonome, *Gender in Management: An International Journal*, pp. 477-493
- Mehrezi, Mahdi. *Qur'an and Education Training Course*. Allameh Majlisi Seminary Institute, Isfahan, 1402 SH. (in Persian)
- Mirza Khosravani. *Khosravi Commentary*, 1st ed. Tehran: Islamiyeh Publications, 1390 SH. (in Persian)
- Şadr al-Muta'allihîn al-Shîrâzî (Mullâ Şadrâ). *Al-Hikmah al-Muta'aliyyah fi al-Asfâr al-'Aqliyyah al-Arba'ah*. 3rd ed. Beirut: Dâr Iḥyâ' al-Turâth al-'Arabî, 1981. (in Arabic)
- Takallou, Mehdi. *Gender and Society Studies Office: Lecture Series*, 1402 SH. (in Persian)
- Zamakhsharî, al-. *Al-Kashshâf 'an Ḥaqā'iq Ghawāmiḍ al-Tanzîl*. 3rd ed. Beirut: Dâr al-Kitâb al-'Arabî, 1407 AH. (in Arabic)



# Causes and Consequences of the Water Crisis in Iran: A Data-Driven Theoretical Approach

**Mahmoudreza Rahbarqazi**

Associate Professor, Department of Political Science, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran (Corresponding Author).

Email: m.rahbarqazi@uma.ac.ir

**Rahbar Taleihur**

Associate Professor, Department of Political Science, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

Email: r.talei@uma.ac.ir

## Abstract

In recent years, Iran has faced an escalating water crisis, emerging as one of the country's most pressing challenges in the realm of public policy. This study seeks to identify the underlying causes of the crisis and analyze its consequences, while also exploring strategic solutions. Employing a data-driven theorizing method based on the grounded theory approach of Strauss and Corbin, the research involved 23 semi-structured interviews with subject-matter experts. The collected data were analyzed through systematic coding. Findings indicate that the core driver of the crisis is unsustainable water resource management, a condition largely shaped by historical policy decisions and insufficient oversight, particularly regarding groundwater extraction. In addition, anthropogenic factors—such as disproportionate industrial and agricultural development, climate change, and limited application of modern water-efficient technologies—have intensified the crisis. The study also presents strategic recommendations to improve water governance and policy planning, offering actionable insights for achieving long-term sustainability of Iran's water resources. Ultimately, the findings suggest that the root causes of Iran's water crisis lie not in natural phenomena, but in ineffective policy frameworks and mismanagement.

**Keywords:** Water Crisis; unsustainable water resource management; qualitative method; data-driven theorizing; grounded theory.




# دلایل و پیامدهای بحران آب در ایران: ارائه یک روش نظریه پردازی داده بنیاد

محمود رضا رهبرقازی

دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول).

Email: m.rahbarqazi@uma.ac.ir

 0000-0003-3835-2581

رهبر طالعی حور

دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

Email: r.talei@uma.ac.ir

## چکیده

در سال‌های اخیر، بحران آب به یکی از چالش‌های حیاتی در سیاست‌گذاری عمومی ایران تبدیل شده است. این پژوهش با هدف شناسایی دلایل اصلی بحران آب و بررسی راهبردها و پیامدهای آن در ایران انجام شده است. با استفاده از روش نظریه پردازی داده بنیاد (اشتراوس و کوربین) و انجام ۲۳ مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان، داده‌ها گردآوری و به شیوه کدگذاری تحلیل شدند. یافته‌ها نشان می‌دهند که عامل محوری بحران، «مدیریت ناپایدار منابع آب» است که تحت تأثیر سوء سیاست‌گذاری‌های گذشته و نبود نظارت کارآمد به‌ویژه در حوزه بهره‌برداری از منابع آب‌های زیرزمینی قرار دارد. علاوه بر این، عوامل انسانی همچون توسعه نامتعادل صنعتی و کشاورزی، تغییرات اقلیمی و کمبود تکنولوژی‌های نوین در مصرف بهینه آب، از عوامل تشدیدکننده بحران به شمار می‌روند. این پژوهش همچنین به راهبردهای پیشنهادی جهت بهبود مدیریت منابع آبی کشور پرداخته و توصیه‌های سیاستی مشخصی برای تضمین پایداری منابع آبی ارائه می‌دهد. نتایج نهایی پژوهش نشان می‌دهد که بحران آب در ایران بیش از آنکه ناشی از تغییرات طبیعی باشد، ریشه در سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد و مدیریت ضعیف منابع دارد.

**کلیدواژه‌ها:** بحران آب، مدیریت ناپایدار منابع آب، روش کیفی، نظریه داده بنیاد



## مقدمه و بیان مسئله

بحران آب یکی از چالش‌های اساسی و روزافزون در سطح جهانی است که تأثیرات عمیقی بر زندگی بشر، محیط‌زیست و اقتصاد دارد. بر اساس گزارش سازمان ملل، حدود ۲/۲ میلیارد نفر در جهان به آب شرب سالم دسترسی ندارند و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۵، بیش از دو میلیارد نفر از جمعیت جهان تحت تأثیر کمبود آب قرار خواهند گرفت (IRNA, 2022). به‌طوری‌که تغییرات اقلیمی در سطح جهانی موجب بروز خشکسالی‌های شدید و همچنین سیلاب‌ها و طوفان‌های ناگهانی شده که هر دو می‌توانند به کاهش کیفیت و دسترسی به منابع آبی منجر شوند. در این راستا، بحران آب در ایران نیز به‌عنوان یکی از چالش‌های بنیادی و اساسی که حاصل ترکیبی پیچیده از عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و سیاست‌گذاری است در دهه‌های اخیر توجه بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب کرده است (Hatami & Nourbakhsh, 2018). ایران، کشوری با اقلیم خشک و نیمه‌خشک، با منابع آبی محدود و پراکنده‌ای مواجه است و بر اساس گزارشات سازمان‌های برنامه‌ریزی و جغرافیایی، متوسط بارش سالانه در ایران به‌طور قابل توجهی کمتر از میانگین جهانی است (Islami & Rahimi, 2019). همچنین، روند افزایشی استفاده از منابع آب در بخش کشاورزی و صنعتی علاوه بر رشد جمعیت، فشارهای شدیدی به ذخایر آبی کشور وارد کرده است (Safavi, 2018). از سوی دیگر، سیاست‌گذاری‌های نادرست منابع آب، عدم توجه به تغییرات اقلیمی و رشد بی‌رویه شهرنشینی و کشاورزی، مسائلی چون خشکسالی‌های مکرر و کاهش سطح آب‌های زیرزمینی را به‌شدت تشدید کرده است (Bagheri, Shiari, Ahadi, & Esmailzad, 2021). برای مثال، طبق مطالعات پارک علم و فناوری دانشگاه تربیت مدرس، تخمین زده می‌شود که حدود ۶۹ درصد از آب مصرفی به کشاورزی، ۱۹ درصد به صنعت و ۱۲ درصد به مصارف خانگی تعلق می‌گیرد. با وجود اینکه بیشترین مصرف برای کشاورزی است، این بخش کمترین سهم را در تولید ناخالص داخلی دارد و تنها ۴ درصد از تولید ناخالص داخلی دنیا به آن اختصاص دارد (Park, 2023). این اطلاعات نشان می‌دهد که ارزش افزوده استفاده از آب در بخش کشاورزی بسیار کم است و جالب‌تر آنکه این سهم در تولید ناخالص ملی کشورها در حال کاهش است، چرا که هدر رفت آب در این بخش از لحاظ اقتصادی و زیست‌محیطی پیامدهای جبران‌ناپذیری به همراه دارد. بنابراین، در مواجهه با بحران آب، سیاست‌گذاران و محققان به‌طور مشترک باید برای یافتن راهکارهای مؤثر در جهت مدیریت بهینه منابع آب و کاهش بحران تلاش نمایند.

## ۱. پیشینه پژوهش

جدول ۱: پیشینه تجربی پژوهش

نویسنده	مجله	هدف	روش تحقیق	یافته‌ها
سعیدی و صادقی (۲۰۲۳)	جغرافیا	سناریونگاری پیامدهای امنیتی بحران آب در استان چهارمحال و بختیاری	روش دلفی	ارائه پیشنهاداتی اثرگذار امنیتی بحران آب
طبیعی و همکاران (۲۱۲۱)	پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی	ارائه تحلیل مردم‌نگاری انتقادی از چالش‌های بحران آب در روستاهای شهرستان ممسنی	تحلیل شبکه مضمونی	شناسایی ده زمینه بنیادین ایجادکننده تشدید بحران آب
کاوایی‌راد و همکاران (۲۰۲۳)	جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای	تدوین سناریوهای فراروی بحران آب در شهرستان تاپباد	توصیفی تحلیلی	لزوم توجه به سیاست‌های مدیریتی و اقتصادی دولت
امیری و همکاران (۲۰۲۰)	پژوهشنامه علوم سیاسی	نقش سیاست‌های دولت در ایجاد بحران آب	توصیفی تحلیلی	ضعف در جامع‌نگری و ناپوستگی در فرایند و مراحل سیاست‌گذاری آب، سبب تشدید بحران آب شده است
کریمی‌نژاد و همکاران (۲۰۱۹)	راهبرد	شناخت و بررسی آسیب‌های ناشی از سیاست‌گذاری آب کشور	روش دلفی	دسته‌ای از عوامل مختلف ایجاد بحران آب که ریشه درسیاست‌گذاری‌های ناکارآمد دارد، ارائه می‌شود
پاپلی‌یزدی و همکاران (۲۰۱۷)	علوم اجتماعی	برآورد پیامدهای اجتماعی بحران کمبود منابع آب در شهرستان اردکان	تحلیل مضمون	ارائه پیامدهای ذهنی و عینی بحران آب

نویسنده	مجله	هدف	روش تحقیق	یافته‌ها
ببران و هنربخش (۲۰۰۸)	راهبرد	مطالعه چالش‌های امروز جهان و ایران در خصوص دسترسی به منابع آب پایدار	توصیفی تحلیلی	ارائه ۲۵ پیشنهاد ملی و ۲۰ پیشنهاد بین‌المللی برای حل بحران آب

همان‌طور که جدول ۱، نشان می‌دهد در راستای این موضوع برخی پژوهش‌های تجربی سعی کرده‌اند تا به برخی از جنبه‌های بحران آب در ایران بپردازند، اما این پژوهش‌ها هرچند به لحاظ موضوعی با مقاله حاضر قرابت‌هایی دارد، اما عمده آن‌ها به لحاظ روش پژوهش و شیوه گردآوری داده‌ها با این تحقیق دارای تفاوت‌های زیادی هستند. در این راستا، نوآوری این پژوهش در رویکرد چندبعدی آن است که به دلیل ماهیت روش‌شناختی آن، علاوه بر تأثیرات طبیعی، عوامل مدیریتی، سیاسی و اجتماعی بحران آب ایران را نیز بررسی می‌کند. همچنین، استفاده از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، امکان ارائه راه‌حل‌های عملی و بومی را فراهم کرده که می‌تواند مستقیماً در سیاست‌گذاری‌های آینده برای مدیریت بهینه منابع آبی کشور به کار گرفته شود. همچنین، استفاده از داده‌های مصاحبه‌ای جدید با خبرگان و تحلیل دقیق آن‌ها، ابعاد تازه‌ای از بحران را که در پژوهش‌های قبلی مغفول مانده است، آشکار می‌کند. حال، این مقاله تلاش خواهد کرد تا به روش کیفی و نظریه داده‌بنیاد ابعاد مختلف بحران آب را تحلیل کند و راه‌حل‌های عملی را پیشنهاد نماید. در این راستا، اهداف این مقاله عبارتند از:

۱. درک دلایل بحران آب در ایران؛
۲. راهبردها و استراتژی‌های جامعه در قبال بحران آب در کشور؛
۳. پیامدهای بحران آب در کشور.

## ۲. مبانی نظری

سیاست‌گذاری و حکمرانی در زمینه آب، جنبه‌ای حیاتی از سیاست‌گذاری محیط زیست است که بر نحوه مدیریت و استفاده از منابع آب در سطوح مختلف جامعه تمرکز دارد. در این حوزه، نظریه‌پردازان مختلف با ارائه بینش‌ها، چهارچوب‌ها و اصول مهم، درک انسان‌ها از چگونگی حکمرانی مؤثر بر آب را ارتقا داده‌اند. اوستروم در مورد

حکمرانی آب بر اهمیت مدیریت مشترک و مشارکتی منابع آب تأکید دارد. او معتقد است که اگر شرایط و نهادهای مناسبی برای حکمرانی وجود داشته باشد، منابع مشترکی مانند آب، می‌توانند به‌طور موفقیت‌آمیزی توسط جوامع محلی مدیریت شوند. برخلاف نظریات سنتی که پیشنهاد می‌کنند منابع مشترک تنها از طریق خصوصی‌سازی یا حکمرانی دولتی قابل حفظ هستند، اوستروم نشان داد که جوامع محلی می‌توانند با توسعه قواعد و هنجارهای مشترک، نظارت و اجرای مؤثر و ایجاد اعتماد میان اعضا، به‌طور پایداری منابع خود را مدیریت کنند. تحقیقات اوستروم نشان می‌دهد که این نظام‌های حکمرانی مبتنی بر همکاری، در مقایسه با روش‌های متمرکز، توانایی بیشتری در پاسخ‌گویی به تغییرات محیطی و اجتماعی دارند و می‌توانند از تخریب منابع جلوگیری کنند. این نظریه با تأکید بر قدرت و قابلیت‌های جوامع محلی، الگوی جدیدی برای مدیریت منابع طبیعی ارائه می‌دهد که به‌جای تکیه بر کنترل خارجی، بر مشارکت فعال و مسئولیت‌پذیری افراد متکی است (Ostrom, 1990). اما، نظریه گلیچ در مورد حکمرانی آب بر پایه این باور استوار است که مدیریت منابع آب نیازمند رویکردی جامع و چندوجهی است که به‌طور هم‌زمان به نیازهای انسانی، محیط‌زیستی و اقتصادی توجه کند. گلیچ معتقد است که حکمرانی آب باید شامل مشارکت فعالانه تمامی ذی‌نفعان از جمله دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، جوامع محلی و بخش خصوصی باشد. وی تأکید می‌کند که باید به اصول توسعه پایدار، عدالت اجتماعی و حفاظت از منابع طبیعی پایبند بود. گلیچ همچنین بر اهمیت رویکردهای مبتنی بر علم و داده‌های دقیق در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مدیریت آب تأکید دارد و بر این باور است که شفافیت، مسئولیت‌پذیری و همکاری بین‌المللی می‌تواند به کاهش تنش‌ها و منازعات ناشی از کمبود منابع آب کمک کند. نظریه وی همچنین به اهمیت نوآوری‌های تکنولوژیکی و استفاده از ابزارهای مدرن برای بهبود کارایی و پایداری سیستم‌های مدیریت آب اشاره دارد. به‌طور کلی، دیدگاه گلیچ یک چهارچوب چندبعدی و انعطاف‌پذیر برای حکمرانی آب ارائه می‌دهد که قادر به پاسخ‌گویی به چالش‌های پیچیده و متغیر مرتبط با این منبع حیاتی است (Gleick, 2004).

نظریه بارلو در مورد حکمرانی آب به‌طور عمیقی بر اهمیت آب به‌عنوان یک حق انسانی و یک کالای عمومی تأکید دارد. او با دیدگاه‌های انتقادی خود، خصوصی‌سازی منابع آبی را به‌شدت محکوم می‌کند و معتقد است که دسترسی به آب باید به‌عنوان یک حق بنیادی بشری تضمین شود، نه یک کالا که بتوان آن را خرید و فروش کرد. او استدلال می‌کند که سیاست‌های نئولیبرالی و شرکت‌های چندملیتی، که منابع آب

را برای سودآوری شخصی بهره‌برداری می‌کنند، به نابرابری‌های اجتماعی و بحران‌های زیست‌محیطی دامن می‌زنند و به همین دلیل از نظر بارلو، حکمرانی آب باید توسط جوامع محلی و دولت‌های دموکراتیک و پاسخ‌گو انجام شود، که در آن تصمیمات مدیریتی با مشارکت فعال شهروندان اتخاذ می‌شود. بارلو معتقد است که حفاظت از منابع آبی و تأمین دسترسی عادلانه به آب، نیازمند همکاری جهانی و تعهد به عدالت اجتماعی است، زیرا آب یک منبع حیاتی برای بقای بشریت و سلامت کره زمین است. او از سیاست‌گذاران و جامعه بین‌المللی می‌خواهد تا به‌جای تمرکز بر سودآوری اقتصادی، به پایداری محیط‌زیستی و حقوق بشر اولویت دهند و تأکید می‌کند که تنها از طریق چنین رویکردی می‌توان به مدیریت پایدار و عادلانه منابع آبی دست یافت (Barlow, 2007).

نظریه فینگر و الوچه در مورد حکمرانی آب به بررسی چالش‌های مربوط به مدیریت منابع آب در سطح جهانی و راهکارهای پیشنهادی برای بهبود این حکمرانی می‌پردازد. این نظریه به‌وضوح بیان می‌کند که حکمرانی آب نه تنها به سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی وابسته است، بلکه باید به عوامل زیست‌محیطی و فرهنگی نیز باید توجه شود. فینگر و الوچه بر اهمیت یک رویکرد چندجانبه تأکید دارند که شامل همکاری میان کشورها، بهره‌برداری پایدار از منابع آبی و توجه به نیازهای اکوسیستم‌ها می‌شود. این نظریه پیشنهاد می‌کند که حکمرانی آب باید دارای ساختارهای مناسبی باشد که منجر به مشارکت ذی‌نفعان مختلف، از جمله دولت‌ها، جوامع محلی و سازمان‌های غیردولتی، در فرایند تصمیم‌گیری گردد. علاوه بر این، آن‌ها به اهمیت فرایندهای مدیریتی شفاف و پاسخ‌گو اشاره کرده و بر لزوم ایجاد ظرفیت‌های محلی برای مدیریت منابع آبی تأکید می‌کنند. به‌طور کلی، این دیدگاه بر این نکته تأکید دارد که یک حکمرانی موفق در حوزه آب مستلزم همکاری‌های بین‌المللی و توجه به دیالوگ‌های محلی و فرهنگی است که می‌تواند منجر به رسیدن به توسعه پایدار شود (Finger & Allouche, 2002).

یکی دیگر از نظریات مهم در حکمرانی آب، نظریه مدیریت یکپارچه منابع آب است که بر هماهنگی بین بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی تأکید دارد. در این راستا، مولینگا و همکاران پیشنهاد می‌دهند که به‌جای مدیریت جداگانه هر بخش، باید از رویکردی هماهنگ و جامع استفاده کرد تا بتوان به بهره‌وری بهینه منابع آبی دست یافت. به‌عنوان مثال، این نظریه پیشنهاد می‌دهد که تصمیم‌گیری‌های مرتبط با کشاورزی، صنعتی و خانگی باید به‌صورت یکپارچه و با در نظر گرفتن تأثیرات

متقابل این بخش‌ها انجام شود (Mollinga & et al., 2006). سرانجام، نظریه همکاری مشارکتی امرسون و نباتچی بر اهمیت مشارکت فعال ذی‌نفعان مختلف در فرایند تصمیم‌گیری حکمرانی آب تأکید دارد. این نظریه معتقد است که برای دستیابی به مدیریت پایدار منابع آبی، باید تمامی ذی‌نفعان از جمله کشاورزان، صنعت‌گران، مصرف‌کنندگان خانگی و نهادهای دولتی و غیردولتی در فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها مشارکت داشته باشند. این رویکرد نه تنها به افزایش اعتماد بین ذی‌نفعان منجر می‌شود، بلکه باعث می‌شود که تصمیم‌گیری‌ها به‌طور جامع‌تر و با در نظر گرفتن منافع تمامی گروه‌ها انجام شود (Emerson & Nabatchi, 2015). به‌طور کلی، این نظریات می‌توانند به درک بهتر و جامع‌تری از چالش‌ها و راهکارهای حکمرانی آب کمک کنند و مبنای علمی مناسبی برای سیاست‌گذاران و محققان فراهم آورند، اما با توجه به شرایط و چالش‌های منحصر به فرد در ایران، در این مقاله سعی شده است تا یک نظریه متوسط بومی ایران استخراج شود که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

### ۳. روش پژوهش

در این مقاله از روش تحقیق زمینه‌ای مبتنی بر رویکرد اشتراوس و کوربین استفاده شده است. از دیدگاه اشتراوس و کوربین، روش گرانداد یا همان نظریه زمینه‌ای، یکی از رویکردهای مهم کیفی-تفسیرگرا در پژوهش‌های علمی و اجتماعی است که به تحلیل و درک رفتارها، پدیده‌ها و روابط انسانی در زمینه‌های خاص و واقعی می‌پردازد. این روش به پژوهشگر کمک می‌کند تا نقش زمینه و محیط را در فرایندهای اجتماعی و فرهنگی بررسی کند و تأثیرات متقابل آن‌ها را تحلیل کند. بنابراین، در روش زمینه‌ای، برخلاف روش‌های پوزیتیویستی بر اهمیت شناخت شرایط تاریخی، فرهنگی و اجتماعی تأکید می‌شود و برخلاف روش‌های سنتی که ممکن است به دنبال نتایج کلی و عمومی باشند، این روش به دنبال کشف جزئیات و محتواهای غنی از یک موقعیت خاص است (Strauss & Corbin, 1997). به همین دلیل، از دیدگاه اوکتای، پژوهشگران در این روش معمولاً از فن‌های مختلفی مانند مشاهده مستقیم، مصاحبه‌های عمیق، و تحلیل کیفی داده‌ها استفاده می‌کنند. روش زمینه‌ای به‌ویژه در علوم اجتماعی، انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی مورد توجه قرار گرفته و به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که نه تنها به توصیف و تبیین پدیده‌ها بپردازند، بلکه فرایندهای اجتماعی و انسانی را در بستر زمان و مکان تحلیل کنند. به همین دلیل،

این روش موجب درک عمیق‌تر و جامع‌تری از واقعیت‌های اجتماعی می‌شود و زمینه را برای راه‌حل‌های مؤثر بر اساس شناخت‌های حاصل فراهم می‌آورد (Oktay, 2012).  
 میدان تحقیق این مقاله شامل نخبگان دانشگاهی و اجرایی سراسر کشور در سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ بود که در زمینه حکمرانی آب در ایران تخصص داشتند. در این راستا، با ۲۳ نفر از متخصصان بر اساس شیوه نمونه‌گیری نظری در این زمینه مصاحبه صورت گرفت.

جدول ۲: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان تحقیق

ویژگی	گزینه‌ها	تعداد	درصد
تحصیلات	کارشناسی ارشد	۱۰	۴۳
	دکتری	۱۳	۵۷
سن	۴۰-۳۰	۵	۲۲
	۵۰-۴۰	۹	۳۹
	۶۰-۵۰	۶	۲۶
	بالتر از ۶۰	۳	۱۳
جنسیت	مرد	۱۸	۷۸
	زن	۵	۲۲
تخصص	کشاورزی	۷	۳۰
	جامعه‌شناسی	۵	۲۲
	علوم سیاسی	۶	۲۶
	مهندسی	۵	۲۲
اشتغال	دانشگاهیان	۱۰	۴۳
	مدیران اجرایی	۸	۳۵
	مشاوران مستقل	۵	۲۲
تجربه مرتبط	کمتر از ۵ سال	۱۱	۴۸
	بین ۵ تا ۱۰ سال	۸	۳۵
	بیش از ۱۰ سال	۴	۱۷

شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات در این مقاله از نوع مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. برخی از سؤالات کلی که در ابتدای مصاحبه مطرح شد عبارت بود از: عوامل اصلی مؤثر بر بحران آب در ایران چیست؟ چه ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی بر مصرف و مدیریت آب در ایران تأثیرگذار است؟ چه راهبردهایی برای پدیده بحران آب در ایران

اتخاذ می‌شود و پیامدهای بحران آب بر جامعه و کشور چیست؟ البته طبیعی است که در حین مصاحبه نیز پرسش‌هایی به شکل جزئی‌تر مطرح می‌شود. پس از جمع‌آوری داده‌های کیفی از درون مصاحبه‌ها، اطلاعات به دست آمده از طریق نرم‌افزار مکس کیودا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در مرحله اول، کدگذاری باز انجام شد تا مفاهیم اولیه از داده‌ها استخراج شوند. سپس در مرحله دوم، کدگذاری محوری با استفاده از مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین (شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) به کار گرفته شد.

در نهایت، کدگذاری انتخابی با تمرکز بر مفاهیم کلیدی و روابط بین آن‌ها انجام شد تا نظریه زمینه‌ای شکل گیرد. سرانجام در پایان، به منظور اعتبارسنجی داده‌های استخراج شده از روش بازخورد از شرکت‌کنندگان استفاده شد؛ به این صورت که پس از تحلیل داده‌ها، نتایج اولیه با مشارکت‌کنندگان به اشتراک گذاشته شد تا صحت تجربیات آن‌ها تأیید شود و شرکت‌کنندگان عمدتاً با تحلیل‌ها موافق بودند و پیشنهادها را جزئی در بازنویسی برخی مفاهیم ارائه دادند که اعمال شد.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

در دنیای امروز، بحران آب به عنوان یکی از چالش‌های اصلی زیست‌محیطی و اجتماعی، تأثیرات عمیقی بر روی جوامع بشری گذاشته است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، این پژوهش، با بهره‌گیری از روش گراند تئوری، به بررسی ابعاد مختلف این بحران و تأثیرات آن بر زندگی روزمره مردم پرداخته است. یافته‌های حاصل از این تحقیق، نشان‌دهنده رابطه پیچیده‌ای میان وضعیت منابع آبی، نابرابری‌های اجتماعی و پیامدهای زیست‌محیطی است.

در ادامه، نتایج ارزیابی‌های میدانی و مصاحبه‌های انجام شده ارائه می‌شود که درک بهتری از ابعاد مختلف بحران آب و راهکارهای ممکن برای مدیریت آن به دست می‌دهد. در این راستا، جدول ۳ به کدهای باز مرحله دوم، متمرکز و هسته‌ای به دست آمده از مصاحبه‌های پاسخ‌گویان درباره پدیده بحران آب اشاره می‌کند.

جدول ۳: کدهای باز مرحله دوم، متمرکز و هسته‌ای به‌دست‌آمده از داده‌های تحقیق در مورد پدیده بحران آب

شرایط	کدهای باز	کدهای متمرکز	هسته
راه	کاهش بارندگی‌ها، افزایش دما، افزایش تبخیر، تغییر الگوهای بارندگی	تغییرات اقلیمی	مدیریت ناپایدار منابع آب
	برنامه‌ریزی ضعیف، عدم هماهنگی بین سازمان‌ها، اجازه بهره‌برداری بی‌رویه، کمبود قوانین جامع	مدیریت ناکارآمد	
	رشد جمعیت، توسعه صنعتی، کشاورزی سنتی، شهرنشینی	افزایش تقاضای آب	
	آلودگی‌های صنعتی، استفاده بی‌رویه از سموم کشاورزی، تخریب جنگل‌ها و مراتع، فرسایش خاک	تخریب محیط زیست	
	تضاد منافع بین نهادها، اجرای ضعیف قوانین، فقدان برنامه‌ریزی استراتژیک، تمرکزگرایی اداری	ساختار حکومت و قوانین	
زمینداری	کشت محصولات پرآب‌بر، روش‌های آبیاری سنتی، وابستگی اقتصادی به کشاورزی، عدم استفاده از تکنولوژی‌های مدرن	اقتصاد کشاورزی	مدیریت ناپایدار منابع آب
	مصرف بی‌رویه آب، کمبود آگاهی عمومی، رفتارهای نادرست مصرفی، عدم آموزش مناسب	آگاهی عمومی	
	زیرساخت‌های قدیمی، فقدان تکنولوژی‌های نوین، سرمایه‌گذاری ناکافی، کارایی پایین	زیرساخت‌ها و تکنولوژی	
	پروژه‌های سدسازی، تصویب قوانین جدید، اجرای پروژه‌های مدیریت آب، تدوین برنامه‌های بلندمدت	پاسخ‌های دولتی	
مداخله‌گر	پروژه‌های مشترک، تبادل دانش و فناوری، کمک‌های بین‌المللی، پیمان‌های آبی	مشارکت‌های بین‌المللی	مدیریت ناپایدار منابع آب
	آگاهی‌بخشی عمومی، نظارت، آموزش عمومی و فشار عمومی	نقش رسانه‌ها	
راهبردها	تحقیقات علمی، تکنولوژی‌های نوین، پروژه‌های پایلوت، انتقال دانش	نوآوری‌ها و پژوهش‌ها	مدیریت ناپایدار منابع آب
	استفاده از راه‌حل‌های علمی، تلاش برای بهبود زیرساخت‌ها، اصلاح قوانین و سیاست‌گذاری‌ها، مشارکت‌های بین‌المللی، افزایش آگاهی عمومی، ترویج فرهنگ مصرف بهینه	پذیرش	

	مقاومت	کم‌اهمیت جلوه دادن بحران، پرهیز از پذیرش نوآوری‌ها، تأخیر در تغییرات سیاستی، کم‌توجهی به نیازهای بین‌المللی، عدم انگیزه برای تغییر رفتار مصرفی، مقاومت فرهنگی و اجتماعی	
	ناپایدارسازی منابع	کاهش تولیدات کشاورزی، افزایش هزینه‌های تأمین آب، فرونشست زمین، کاهش درآمدهای گردشگری	3 4 4
	چالش‌های اجتماعی	تنش‌های اجتماعی-منطقه‌ای، مهاجرت اجباری، کاهش کیفیت زندگی	
	تحول فرهنگی	تغییر در الگوهای فرهنگی، از دست دادن میراث فرهنگی، تغییر ارزش‌ها	
	فشارهای دولتی	افزایش فشار بر دولت، نارضایتی عمومی، تشکیل ائتلاف‌های جدید	

#### ۴-۱. شرایط علی

شرایط علی عواملی هستند که مستقیماً منجر به بروز یا تشدید مسئله و پدیده مورد مطالعه می‌شوند و بنابراین این شرایط نشان‌دهنده دلایل اصلی یا ریشه‌ای مشکلات هستند (Corbin & Strauss, 1990). شرایط علی بحران آب در ایران عبارتند از:

#### ۴-۱-۱. تغییرات اقلیمی

تغییرات اقلیمی شامل تغییرات طولانی‌مدت در الگوهای دما و بارندگی است که می‌تواند به کاهش منابع آب منجر شود. در ایران، تغییرات اقلیمی باعث کاهش بارندگی‌ها و افزایش دمای هوا شده است؛ به طوری که منجر به تبخیر بیشتر و کاهش ذخایر آب زیرزمینی و سطحی گردیده است. همچنین، مطالعات نشان می‌دهد که افزایش گازهای گلخانه‌ای منجر به تغییرات اقلیمی می‌شود و این تغییرات در ایران به‌ویژه در مناطق مرکزی و جنوبی کشور تأثیرات شدیدی داشته و الگوهای بارندگی را به‌طور قابل توجهی تغییر داده است و کاهش بارندگی‌های فصلی و افزایش دمای هوا باعث خشک شدن رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و سفره‌های زیرزمینی شده است. داده‌های مصاحبه‌ای نیز نشان می‌دهند که تغییرات اقلیمی در ایجاد بحران آب در ایران نقش پررنگی داشته است. یکی از پاسخ‌گویان ۴۰ ساله در این زمینه به این موضوع می‌پردازد: «تغییرات و نوسانات آب و هوایی باعث کاهش بارش باران و برف شده است؛ این تغییرات اقلیمی موجب افزایش دما در اکثر مناطق شده است؛ در خراسان، مقدار

بارش‌های فصلی کاهش یافته که به نوبه خود دمای هوا را افزایش داده است؛ به همین دلیل، از یک طرف سطح آب‌های زیرزمینی کاهش یافته و از طرف دیگر دریاچه‌ها نیز با کاهش سطح آب مواجه شده‌اند.

#### ۴-۱-۲. مدیریت ناکارآمد

مدیریت ناکارآمد شامل برنامه‌ریزی‌های ضعیف، عدم توجه به تحقیقات علمی و فقدان سیاست‌های پایدار در بهره‌برداری از منابع آبی است و این مشکلات منجر به بهره‌برداری بی‌رویه و عدم تعادل بین عرضه و تقاضای آب شده است. در این راستا، به نظر می‌رسد در ایران، سیاست‌های ناکارآمد و نبود یک سیستم جامع برای مدیریت منابع آبی باعث شده است که بهره‌برداری از منابع آبی به صورت نامناسب انجام شود. فقدان هماهنگی بین سازمان‌های مختلف و عدم تدوین سیاست‌های منسجم برای توزیع و مصرف آب از جمله مشکلات عمده است. به علاوه، استفاده بیش از حد از آب برای کشاورزی بدون استفاده از تکنولوژی‌های جدید آبیاری باعث هدر رفت منابع آبی شده است. یکی از پاسخ‌گویان ۴۸ ساله در این زمینه استدلال می‌کند: «برنامه‌ریزی ضعیف و عدم وجود استراتژی‌های بلندمدت از جمله مشکلات عمده در قضیه بحران آب در ایران به شمار می‌رود. حتی در بسیاری از موارد، در برنامه‌ریزی ملی، نیازها و تقاضاهای آینده و همچنین تغییرات اقلیمی به‌طور کافی مورد توجه قرار نمی‌گیرند».

#### ۴-۱-۳. افزایش تقاضای آب

به نظر می‌رسد که افزایش جمعیت و توسعه صنعتی نیز منجر به افزایش تقاضای آب شده است و این افزایش تقاضا، فشار زیادی بر منابع آبی موجود وارد کرده و باعث کاهش ذخایر آبی شده است. در این راستا، با رشد جمعیت در ایران و توسعه سریع صنعتی، نیاز به آب برای مصرف خانگی، صنعتی و کشاورزی نیز افزایش یافته است. شهرنشینی و رشد صنعتی باعث افزایش مصرف آب در بخش‌های مختلف شده و منابع آبی قادر به پاسخ‌گویی به این تقاضا نیستند. علاوه بر این، استفاده نادرست و غیرمسئولانه از منابع آبی، مانند کشت محصولات آب‌بر در مناطق کم‌آب، بحران آب را تشدید کرده است. یکی از پاسخ‌گویان ۵۰ ساله این پدیده را به این شکل توصیف می‌کند: «رشد جمعیت و گسترش شهرها باعث افزایش تقاضا برای منابع آب شده است؛ به‌عنوان نمونه، با افزایش جمعیت و پروژه‌های ساختمانی جدید در تهران فشار

زیادی بر منابع آب در این منطقه وارد شده و در نتیجه نوساناتی در میزان آب و شرایط ناامن در تأمین آب برای ساکنان این استان ایجاد شده است».

#### ۴-۱-۴. تخریب محیط زیست

فعالیت‌های انسانی مانند آلودگی‌های صنعتی، استفاده بی‌رویه از سموم کشاورزی و تخریب جنگل‌ها و مراتع باعث تخریب محیط زیست و کاهش کیفیت و کمیت منابع آبی شده است. به عبارت دیگر، فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی بدون توجه به محیط زیست باعث آلودگی آب‌ها و خاک‌ها شده است و استفاده بی‌رویه از کودها و سموم شیمیایی در کشاورزی، نفوذ این مواد به آب‌های زیرزمینی و سطحی و تخریب جنگل‌ها و مراتع باعث کاهش کیفیت آب و از بین رفتن اکوسیستم‌های طبیعی شده است. کاهش پوشش گیاهی نیز به کاهش نفوذپذیری خاک و افزایش رواناب منجر شده که خود باعث کاهش تغذیه آب‌های زیرزمینی شده است. یکی از پاسخ‌گویان ۴۵ ساله در این زمینه می‌گوید: «در چند دهه گذشته، برخی از عوامل مؤثر، مانند فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی، باعث آلودگی هوا و تخریب ذخایر آب شده‌اند بدون اینکه به نگرانی‌های زیست‌محیطی توجهی شود. از جمله این موارد می‌توان به تخلیه فاضلاب‌های صنعتی و انواع آلودگی رودخانه‌ها اشاره کرد که باعث تخریب اکوسیستم‌های آبی می‌شود و حتی سلامتی عمومی و کیفیت زندگی در جوامع محلی را تهدید می‌کند. این رفتارهای غیرقابل قبول آسیب‌های جدی به محیط زیست وارد کرده و موجب شده تا نسل‌های آینده در تأمین آب دچار مشکل شوند».

#### ۴-۲. شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای بستر و شرایط محیطی که در آن مسئله رخ می‌دهد و بر نحوه بروز و توسعه آن تأثیر می‌گذارند را تعیین می‌کند (Strauss & Corbin, 1990). این شرایط شامل ویژگی‌های خاص محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هستند و شرایط زمینه‌ای بحران آب در ایران، عبارتند از:

#### ۴-۲-۱. ساختار حکومت و قوانین

ساختار حکومت و قوانین موجود می‌تواند تأثیر بسزایی بر کمبود منابع آبی داشته باشد؛ وجود قوانین ناکارآمد و عدم اجرای صحیح آن‌ها، مدیریت منابع آبی را دشوار می‌کند. در این راستا به نظر می‌رسد که در ایران، عدم وجود قوانین جامع و یکپارچه

برای مدیریت منابع آبی و همچنین ضعف در اجرای قوانین موجود، مشکلات بسیاری را به وجود آورده است و تضاد منافع بین نهادهای مختلف و نبود هماهنگی بین آنها، باعث شده که مدیریت منابع آبی به صورت پراکنده و ناکارآمد انجام شود. یکی از پاسخ‌گویان ۴۶ ساله در این زمینه استدلال می‌کند: «تعارض‌های ذاتی منافع بین نهادهای دولتی مختلف، به‌ویژه اختلافات بین وزارت نیرو و وزارت کشور یکی از چالش‌های اصلی در بحران آب در کشور است. این تعارض‌ها موجب بروز اختلاف نظر در سطوح تصمیم‌گیری می‌شود و کمبود هماهنگی در نهایت منجر به کاهش کارایی و کیفیت در استفاده از منابع آب می‌گردد».

#### ۴-۲-۲. اقتصاد کشاورزی

نوع و شیوه‌های سنتی کشاورزی که در ایران استفاده می‌شود، مصرف آب بسیار زیادی دارند و وابستگی اقتصادی به کشاورزی و استفاده از روش‌های سنتی آبیاری باعث اتلاف زیاد آب می‌شود. در این راستا، بخش کشاورزی در ایران نیز یکی از مصرف‌کنندگان اصلی آب است و استفاده از روش‌های آبیاری سنتی و محصولات آب‌بر، بدون توجه به شرایط اقلیمی و منابع آبی موجود، منجر به مصرف بی‌رویه آب شده است. همچنین، وابستگی اقتصادی بسیاری از مناطق به کشاورزی باعث شده که تغییر به روش‌های پایدارتر و کم‌مصرف‌تر به کندی صورت گیرد. یکی از پاسخ‌گویان ۴۶ ساله در این ارتباط می‌گوید: «کشت محصولات آب‌بر مانند هندوانه و برنج در مناطق کم‌آب، بحران را از نظر منابع آب تشدید کرده است. این محصولات معمولاً فشار زیادی بر منابع آب زیرزمینی وارد می‌کنند، زیرا رشد آنها نیاز به مصرف مقادیر زیادی آب دارد. این امر باعث کاهش سطح آب‌های زیرزمینی و پیامدهای مربوط به آن می‌شود».

#### ۴-۲-۳. آگاهی و فرهنگ عمومی

سطح آگاهی عمومی نسبت به بحران آب و رفتارهای مصرفی جامعه نقش مهمی در بحران منابع آبی دارد و کمبود آگاهی عمومی و فرهنگ مصرف نادرست می‌تواند بحران آب را تشدید کند. در این راستا، در ایران نیز بسیاری از مردم از اهمیت نقش مدیریت کارآمد منابع آبی آگاهی کافی ندارند و فرهنگ مصرف نادرست آب، مانند استفاده بی‌رویه از آب در مصارف خانگی و کشاورزی، باعث شده که بحران آب تشدید شود. به همین دلیل استدلال می‌شود که آموزش عمومی و افزایش آگاهی جامعه می‌تواند به

تغییر رفتارها و کاهش مصرف بی‌رویه آب کمک کند. یکی از پاسخ‌گویان ۴۲ ساله با تأکید بر رفتارهای نادرست مصرفی شهروندان استدلال می‌کند: « علت برخی از روش‌های نادرست مصرف آب کمبود آگاهی عمومی درباره شیوه‌های مدیریت این منبع است. به‌عنوان مثال، آبیاری باغ‌ها در ساعات اوج روز و شست‌وشوی خودروها به مقدار زیاد، هدر رفت آب زیادی را به همراه دارد. این موارد می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر تعادل اکولوژیکی داشته باشد».

#### ۴-۲-۴. زیرساخت‌ها و تکنولوژی

سطح توسعه زیرساخت‌ها و تکنولوژی‌های مرتبط با بهره‌وری آب می‌تواند تأثیر زیادی بر اداره مناسب منابع آبی داشته باشد؛ وجود زیرساخت‌های ناکارآمد و استفاده محدود از تکنولوژی‌های جدید می‌تواند منجر به هدر رفت منابع آبی شود. در این راستا، زیرساخت‌های قدیمی و ناکارآمد، مانند سیستم‌های آبیاری سنتی و شبکه‌های توزیع آب که دچار نشت و هدر رفت هستند، باعث کاهش کارایی مدیریت منابع آبی می‌شوند. به همین دلیل، استفاده محدود از تکنولوژی‌های جدید مانند سیستم‌های آبیاری قطره‌ای و مدیریت هوشمند منابع آب، فرصت‌های بزرگی را برای بهبود وضعیت منابع آبی فراهم می‌کند که البته بخش زیادی از آن‌ها هنوز به‌طور کامل بهره‌برداری نشده‌اند. در این راستا، یکی از پاسخ‌گویان ۴۹ ساله با تأکید بر زیرساخت‌های ضعیف در این ارتباط، استدلال می‌کند: « در ایران، زیرساخت‌ها در زمینه مدیریت منابع آب به‌شدت فرسوده شده است؛ مدیریت ناکارآمد آب نگرانی‌های زیادی را به وجود آورده است. در حال حاضر، مشکلی با نشت و هدر رفت آب در شبکه‌های توزیع وجود دارد که در نهایت منجر به از دست رفتن منابع آب ارزشمند، افزایش هزینه‌ها و در نهایت نارضایتی اجتماعی می‌شود».

#### ۴-۳. شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر عواملی هستند که بر نحوه و شدت تأثیرگذاری شرایط علی و زمینه‌ای اثر می‌گذارند و می‌توانند فرایندهای پیشرفت و پیامدهای مسئله را تغییر دهند یا تعدیل کنند. این شرایط می‌توانند مثبت یا منفی باشند و نقش تعدیلگر را در مسئله ایفا کنند (Strauss & Corbin, 1990). در این پژوهش، شرایط مداخله‌گر برای بحران آب در ایران عبارتند از:

### ۴-۳-۱. پاسخ‌های دولتی

اقدامات و سیاست‌های دولت برای مقابله با بحران آب می‌تواند تأثیر بسزایی در مدیریت منابع آبی داشته باشد و این اقدامات شامل برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، تصویب قوانین جدید و اجرای پروژه‌های مختلف است؛ اما در ایران، دولت هرچند اقدامات متعددی برای مدیریت بحران آب انجام داده است، اما این اقدامات غالباً پراکنده و بدون هماهنگی لازم بوده است؛ به طوری که سیاست‌های کوتاه‌مدت و نبود برنامه‌های جامع و بلندمدت، همچنین ضعف در اجرای قوانین موجود، باعث شده که تأثیرات مثبت این اقدامات محدود باشد. در این راستا، یکی از پاسخ‌گویان ۴۶ ساله با تأکید بر پروژه‌های سدسازی در ایران استدلال می‌کند: «در سال‌های اخیر، ساخت سدهای بزرگ در نقاط مختلف کشور انجام شده است. در واقع، هدف از این پروژه‌ها پوشش آب‌های سطحی و کنترل سیلاب‌ها است. در مناطق خشک و نیمه‌خشک کشور، مصرف آب می‌تواند با ساخت سدها به طور مؤثری مدیریت شود. با این حال، ساخت سد به‌عنوان یک گزینه پایدار در مدیریت آب در کشور قابل قبول نیست. عوامل مورد توجه در فرایند مدیریت آب شامل نظارت مستمر و دقیق، اتخاذ روش‌های مدرن و افزایش آگاهی عمومی در مورد مصرف بهینه آب است که باید به طور فزاینده‌ای گسترش یابد».

### ۴-۳-۲. مشارک‌های بین‌المللی

کمک‌های بین‌المللی و پروژه‌های مشترک می‌توانند نقش مهمی در بهبود مدیریت منابع آبی داشته باشند و تبادل دانش و فناوری و بهره‌گیری از تجربیات دیگر کشورها می‌تواند به بهبود وضعیت منابع آبی کمک کند. در همین راستا، ایران می‌تواند از تجربیات و دانش کشورهای دیگر در زمینه مدیریت منابع آبی بهره‌مند شود به طوری که مشارکت در پروژه‌های بین‌المللی و استفاده از کمک‌های خارجی در زمینه تکنولوژی و زیرساخت‌ها می‌تواند به بهبود وضعیت منابع آبی کمک کند. همچنین، همکاری با سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاری و اجرای پروژه‌های بزرگ و مؤثر منجر شود. در این راستا، یکی از پاسخ‌گویان ۴۲ ساله با تأکید بر اهمیت مشارک‌های بین‌المللی بر مدیریت منابع آبی می‌گوید: «از جمله عواملی که نقش مهمی در مدیریت منابع آب داشته‌اند، پروژه‌های مشترک سازمان‌های بین‌المللی هستند؛ پروژه‌هایی که بر اساس دانش و تجربیات بین‌المللی طراحی شده‌اند، راه‌حل‌ها و شیوه‌های جدیدی برای مقابله با بحران آب پیشنهاد می‌کنند. همکاری کشورها با

یکدیگر در این زمینه، به همراه تبادل اطلاعات و فناوری‌های مرتبط با مدیریت منابع آب، ظرفیت‌های محلی و منطقه‌ای مرتبط با مدیریت منابع آب را تقویت می‌کند.

#### ۳-۳-۴. نقش رسانه‌ها

رسانه‌ها می‌توانند نقش مهمی در آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی به مردم داشته باشند و افزایش آگاهی عمومی از طریق رسانه‌ها می‌تواند به تغییر رفتارهای مصرفی و حمایت از سیاست‌های پایدار کمک کند. بر این اساس، رسانه‌ها در ایران می‌توانند با پوشش گسترده مسائل مربوط به بحران آب و آموزش عمومی، به افزایش آگاهی جامعه کمک کنند و برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی در رسانه‌ها می‌تواند مردم را به مصرف بهینه آب و حمایت از سیاست‌های پایدار تشویق کند. همچنین، رسانه‌ها می‌توانند نقش نظارتی داشته و دولت و سازمان‌های مرتبط را به اجرای بهتر قوانین و سیاست‌ها ترغیب کنند. در این زمینه، یکی از پاسخ‌گویان ۵۸ ساله با تأکید بر نقش رسانه‌ها در تقویت آگاهی عمومی از بحران آب می‌گوید: «... وضعیت به این صورت است که وقتی رسانه‌ها به اخبار مربوط به مدیریت ضعیف منابع آب می‌پردازند، در میان عموم مردم آگاهی ایجاد می‌کنند که این ممکن است باعث اعتراض و مطالبه شهروندان شود. آب همیشه یکی از موضوعات بسیار حیاتی بوده که برای ادامه حیات مورد نیاز است. به همین خاطر، آشکار شدن مشکلات مدیریت منابع آب، دولت را برای تطبیق ابزارهای بهتر برای مدیریت منابع آب تحت فشار قرار می‌دهد».

#### ۴-۳-۴. نوآوری‌ها و پژوهش‌ها

تحقیقات و نوآوری‌ها می‌توانند به بهبود مدیریت منابع آبی کمک کنند و استفاده از تکنولوژی‌های جدید و انجام پژوهش‌های علمی می‌تواند راهکارهای نوین و مؤثری برای حل بحران آب ارائه دهد. در این راستا، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در ایران می‌توانند با انجام پژوهش‌های علمی و ارائه راهکارهای نوآورانه، به بهبود مدیریت منابع آبی کمک کنند. استفاده از تکنولوژی‌های جدید مانند سیستم‌های آبیاری هوشمند، تصفیه و بازیافت آب، همچنین مدیریت بهینه منابع آب می‌تواند نقش مهمی در کاهش بحران آب ایفا کند و حمایت دولت از تحقیقات و نوآوری‌ها و ایجاد بسترهای مناسب برای اجرای آن‌ها، می‌تواند تأثیرات مثبتی در مدیریت منابع آبی داشته باشد. در این راستا، یکی از مصاحبه‌شوندگان با اشاره به نقش تحقیق درباره مبادلات علمی و دانشگاهی با کشورهای دیگر، استدلال می‌کند: «... چالش‌هایی که ناشی از تغییرات

اقلیمی و رشد جمعیت، به‌ویژه از طریق محدودیت منابع آبی به وجود آمده‌اند، به‌قدری افزایش یافته‌اند که استفاده از تجربیات و دانش موفق کشورهای توسعه‌یافته می‌تواند به ما در طراحی استراتژی‌های کارایی آب و حفاظت از منابع آب کمک کند. این مشارکت به بهبود برنامه‌ریزی منابع آب و به کیفیت کلی زندگی از نظر دسترسی به آب سالم کمک خواهد کرد».

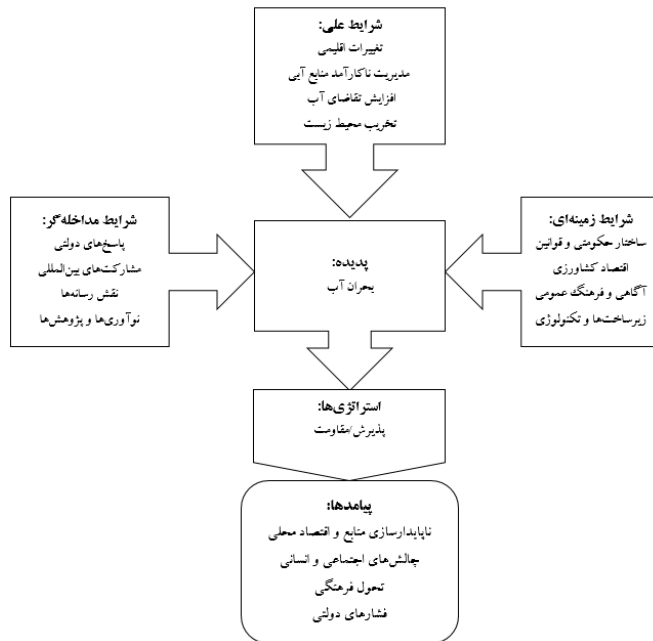
#### ۴-۴. کد هسته

کد هسته در روش نظریه زمینه‌ای به مفهوم اصلی یا هسته‌ای اشاره دارد که کل تحلیل و نتایج پژوهش حول محور آن می‌چرخد. این کد نشان‌دهنده نکته کلیدی و اصلی در رابطه با موضوع تحقیق است که سایر کدهای باز و محوری به آن مرتبط هستند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰). در این مقاله برای بحران آب در ایران، کد گزینشی «مدیریت ناپایدار منابع آب» انتخاب شده است. این کد، هسته اصلی مسئله بحران آب را شامل می‌شود به‌نحوی که کدهای باز و محوری حول آن شکل می‌گیرند و به آن مرتبط هستند. به عبارت دیگر، کد مدیریت ناپایدار منابع آب به این دلیل به‌عنوان کد گزینشی انتخاب شده است که این کد به‌وضوح هسته مرکزی بحران آب در ایران را نمایان می‌سازد و به‌طور جامع تمام عوامل دیگر از جمله تغییرات اقلیمی، افزایش تقاضای آب، ساختار حکومتی، آگاهی عمومی و زیرساخت‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌کند. این کد نشان‌دهنده ضعف‌ها و ناکارآمدی‌های موجود در برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اجرای مدیریت منابع آب است و به‌خوبی می‌تواند به تحلیل و تبیین ابعاد مختلف بحران آب کمک کند. بنابراین، با تمرکز بر این کد، می‌توان به درک بهتری از مشکلات اصلی و ارائه راهکارهای مؤثر برای بهبود مدیریت منابع آبی در ایران دست یافت.

#### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در این پژوهش، به شناسایی و تحلیل چالش‌های عمده بحران آب در ایران پرداخته شد که شامل تغییرات اقلیمی، مدیریت ناکارآمد، افزایش تقاضا و تخریب محیط‌زیست است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که این چالش‌ها نه‌تنها به‌طور مستقل، بلکه به‌صورت شبکه‌ای از عوامل پیچیده درهم‌تنیده شده‌اند. بر اساس کدهای به‌دست‌آمده، مدیریت ناپایدار منابع آب به‌عنوان هسته اصلی مشکلات شناسایی شد. یافته‌ها و مدل

نظری این تحقیق بر مبنای نقش کد هسته‌ای می‌تواند با نظریات برجسته در زمینه حکمرانی آب مقایسه شود. نظریه اوستروم (1990) بر اهمیت خودسازماندهی جوامع محلی و تنظیم مقررات برای مدیریت منابع مشترک تأکید دارد، که نشان می‌دهد مدیریت ناپایدار و نبود نظارت محلی می‌تواند منجر به بحران شود. گلیچ (2004) نیز به‌ضرورت مدیریت یکپارچه منابع آب و تأثیرات منفی عدم هماهنگی بین نهادها اشاره می‌کند که در یافته‌های تحقیق حاضر نیز به‌وضوح مشاهده می‌شود. نظریه فینگر و الوچه (2002) نیز به چالش‌های حکمرانی جهانی آب و نقش دولت‌ها در مدیریت منابع آب پرداخته‌اند. در نهایت، نظریه امرسون و نباتچی (2015) هم‌سو با یافته‌های مقاله حاضر بر اهمیت همکاری و هماهنگی بین نهادها و سازمان‌ها برای حل مسائل پیچیده اجتماعی، از جمله بحران آب، تأکید دارد. این مقایسه نظریات نشان می‌دهد که بحران آب در ایران به دلیل عدم هماهنگی و ناکارآمدی مدیریتی در سطح محلی و ملی، همچنین نبود سیاست‌های جامع و یکپارچه، تا حد زیادی منطبق بر نظریات مطرح شده است و برای مقابله با این بحران، اتخاذ سیاست‌های جامع و یکپارچه، هماهنگی بین نهادها، مشارکت فعال جامعه محلی و بهره‌گیری از دانش و فناوری‌های نوین، امری ضروری است. همچنین، تأکید بر اصول حکمرانی خوب و مسئولانه، هم‌سو با نظریات برجسته در این زمینه، می‌تواند به بهبود مدیریت منابع آب و کاهش بحران آب در ایران کمک کند.



شکل ۱: مدل نظری نهایی درک پیامدهای بحران آب در ایران بر اساس مقوله هسته مدیریت ناپایدار منابع آب

در این راستا، بر اساس مدل نظری و پارادایمی به‌دست‌آمده از درون مصاحبه‌ها، تحلیل عوامل مؤثر بر بحران آب در ایران را می‌توان به دو دسته اصلی عوامل طبیعی و عوامل انسانی تقسیم کرد. به عبارت دیگر، از یک‌سو عوامل طبیعی نشان می‌دهند که تغییرات اقلیمی و کاهش میزان بارش‌ها از مهم‌ترین عوامل طبیعی مؤثر بر بحران آب در ایران هستند. تغییرات اقلیمی که منجر به کاهش منابع آبی سطحی و زیرزمینی و افزایش دوره‌های خشکسالی شده‌اند، فشار زیادی بر منابع آبی وارد کرده‌اند. از سوی دیگر، یافته‌ها نشان می‌دهد که نقش عوامل انسانی نیز در تشدید بحران آب بسیار برجسته است. برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی به دلیل نبود نظارت کافی و قوانین سخت‌گیرانه، یکی از مهم‌ترین عوامل انسانی است که منجر به کاهش سطح آب‌های زیرزمینی و تخریب اکوسیستم‌ها شده است. همچنین، روش‌های ناکارآمد آبیاری در کشاورزی، به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده آب در ایران، هدر رفت زیادی از منابع آبی را به دنبال دارد. مدیریت ناپایدار و پراکنده منابع آب، نبود سیاست‌های جامع و یکپارچه و عدم هماهنگی بین نهادهای مختلف نیز از دیگر عوامل انسانی مؤثر بر بحران آب هستند. توسعه نامتوازن و بدون توجه به اصول توسعه پایدار که منجر به

ساخت‌وسازهای بی‌رویه و گسترش صنایع آب‌بر شده است نیز فشار بیشتری بر منابع آبی وارد کرده است. در نتیجه، هرچند بحران آب در ایران ناشی از ترکیبی از عوامل طبیعی و انسانی است؛ اما مدیریت ناپایدار منابع آب به‌عنوان کد هسته‌ای نشان می‌دهد که بسیاری از مشکلات قابل مدیریت و کنترل هستند و با توجه به این تحلیل، اقدامات فوری و جامع برای بهبود مدیریت منابع آبی و کاهش اثرات منفی عوامل انسانی ضروری است و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جامع و یکپارچه، هماهنگی بین نهادها و سازمان‌های مختلف، ارتقای فناوری و بهینه‌سازی مصرف آب، افزایش آگاهی و مشارکت عمومی و حفاظت از منابع آب زیرزمینی از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند به بهبود وضعیت کمک کنند و تنها با اتخاذ این راهبردها و ترویج فرهنگ صرفه‌جویی و حفاظت از منابع آبی، می‌توان به کاهش بحران آب در ایران و بهبود وضعیت موجود دست یافت.

همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که پدیده بحران آب در ایران باعث واکنش‌ها و استراتژی‌های متفاوتی در جامعه شده است و درحالی‌که برخی افراد وجود چنین بحرانی را پذیرفته‌اند؛ اما برخی دیگر وجود چنین بحرانی در حوزه آب را زیر سؤال برده‌اند. پذیرش یا عدم پذیرش بحران آب در ایران تأثیرات عمیقی بر نحوه مدیریت و مقابله با این بحران در ابعاد مختلف علمی، مدیریتی، اجتماعی و فرهنگی دارد. افرادی که بحران آب را پذیرفته‌اند، به‌طور فعال به دنبال راه‌حل‌های علمی و تکنولوژیکی برای بهینه‌سازی مصرف و مدیریت منابع آبی هستند. این گروه با تمرکز بر تحقیق و توسعه فناوری‌های نوین مانند سیستم‌های هوشمند آبیاری و روش‌های پیشرفته تصفیه و بازیافت آب، به تولید داده‌های دقیق و معتبر کمک می‌کند که می‌تواند به تدوین راهکارهای مؤثر برای مدیریت بحران منجر شود. همچنین، پذیرش بحران آب معمولاً به اصلاحات گسترده‌ای در سیاست‌ها و قوانین مرتبط با منابع آب منجر می‌شود که شامل بازنگری در قوانین بهره‌برداری، تقویت نظارت، و بهبود تخصیص منابع است. در این راستا، همکاری با سازمان‌های بین‌المللی برای تبادل تجربیات و دریافت کمک‌های فنی و مالی نیز اهمیت دارد. در مقابل، افرادی که بحران آب را نپذیرفته‌اند یا در قبال آن مقاومت می‌کنند، معمولاً به روش‌های مختلفی واکنش نشان می‌دهند که می‌تواند مانع از اجرای مؤثر اقدامات مدیریتی و علمی شود. این گروه ممکن است با ارائه داده‌ها و تحلیل‌هایی که شدت بحران را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند، به تضعیف اهمیت بحران آب پرداخته و از پذیرش فناوری‌های جدید و نوآوری‌های علمی امتناع کنند.

مقاومت در برابر تغییرات لازم در سیاست‌ها و عدم تمایل به همکاری با سازمان‌های بین‌المللی، به تأخیر در اجرای اقدامات ضروری و ادامه روندهای آسیب‌زننده به منابع آبی منجر می‌شود. همچنین، مقاومت اجتماعی و فرهنگی می‌تواند باعث تردید در اهمیت بحران آب و عدم تمایل به تغییر رفتارهای مصرفی شود، که معمولاً به دلیل منافع اقتصادی خاص، فشارهای سیاسی و ناآگاهی عمومی شکل می‌گیرد.

سرانجام، نتایج تحلیل نظرات پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که بحران آب و عدم مدیریت صحیح این بحران در کشور منجر به پیامدهای مختلفی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شده است. از نظر اقتصادی، بحران آب با ناپایداری منابع و اقتصاد محلی به‌طور قابل توجهی بر تولیدات کشاورزی تأثیر گذاشته و منجر به کاهش درآمد کشاورزان و افزایش هزینه‌های تولید شده است و همچنین با افزایش احتمال فرونشست زمین، بسیاری از مناطق مسکونی و صنعتی به مناطقی ناامن برای سرمایه‌گذاری تبدیل شوند. همچنین، هزینه‌های بالای تصفیه و توزیع آب فشار زیادی به بودجه خانوارها و دولت وارد کرده و درآمدهای گردشگری نیز به دلیل کاهش جذابیت مقاصد گردشگری کاهش یافته است.

این تأثیرات اقتصادی به‌وضوح نشان‌دهنده نیاز به بازنگری در سیاست‌های آب و تلاش برای کاهش هزینه‌های مرتبط با مدیریت منابع آبی است. در بُعد اجتماعی، بحران آب با ایجاد چالش‌های اجتماعی و انسانی موجب ایجاد تنش‌های اجتماعی و درگیری‌های محلی شده و فشارهایی را بر زیرساخت‌های شهری به دلیل مهاجرت اجباری از مناطق خشک به مناطق مرطوب وارد کرده است. این وضعیت همچنین به کاهش کیفیت زندگی منجر شده که شامل کاهش دسترسی به آب شرب سالم و افزایش بیماری‌های مرتبط با آب است. از منظر فرهنگی، بحران آب با ایجاد تحولات فرهنگی مهم منجر به تغییر در الگوهای فرهنگی و سنت‌های مرتبط با آب شده و آسیب‌های زیادی به میراث فرهنگی وارد کرده است. همچنین، تغییرات در نگرش‌ها و ارزش‌های محیط زیستی به‌وضوح نشان‌دهنده افزایش نگرانی‌ها نسبت به منابع طبیعی و مصرف آب است.

سرانجام در بُعد سیاسی، بحران آب با به چالش کشیدن اقدامات نهادهای حکومتی، فشار زیادی بر دولت‌ها وارد کرده و نیاز به اجرای سیاست‌های جدید و تأمین منابع مالی را افزایش داده است. نارضایتی عمومی نیز به شدت تقویت شده و اعتماد به نهادهای دولتی کاهش یافته است.

همچنین، لزوم تشکیل ائتلاف‌های جدید و تقویت همکاری‌های بین‌المللی برای مدیریت منابع آب به‌عنوان راهکارهایی برای مواجهه با بحران آب مورد تأکید قرار گرفته است و این پیامدها نیاز به تجدید نظر در سیاست‌های آب و تقویت همکاری‌های داخلی و بین‌المللی را برجسته کرده است.

### پیشنهادها

بر اساس نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران برای حل بحران آب به موارد زیر توجه نمایند:

- ❖ بازتعریف نظام‌های حکمرانی آب از طریق مدیریت تطبیقی: به‌جای استفاده از ساختارهای متمرکز و سلسله‌مراتبی، سیستم‌های حکمرانی تطبیقی بر اساس نیازهای محلی طراحی شوند. در این راستا، هر منطقه می‌تواند با توجه به شرایط خاص خود، روش‌های مناسب برای مدیریت منابع آبی را پیاده‌سازی کند که در نتیجه باعث کاهش بوروکراسی و افزایش انعطاف‌پذیری می‌شود؛
- ❖ ایجاد بازار آب دیجیتالی: راه‌اندازی پلتفرم‌های دیجیتال برای مبادله آب میان کشاورزان، صنعتگران و دیگر مصرف‌کنندگان؛ این بازارهای دیجیتالی می‌توانند به‌صورت هوشمند تخصیص منابع آبی را به مصرف‌کنندگان بر اساس اولویت‌ها و نیازها بهینه کنند.
- ❖ استفاده از تکنولوژی‌های نانو در تصفیه آب: با توجه به مشکلات آلودگی آب در ایران، بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نانو برای تصفیه آب‌های آلوده به سموم کشاورزی و مواد صنعتی می‌تواند راه‌حلی نوآورانه و کم‌هزینه‌تر نسبت به روش‌های سنتی باشد.
- ❖ تغییر مدل‌های مالی کشاورزی با استفاده از ابزارهای مالی سبز: ایجاد مشوق‌های مالی برای کشاورزان جهت استفاده از محصولات کم‌آبر و فناوری‌های آبیاری نوین از طریق انتشار اوراق قرضه سبز یا استفاده از صندوق‌های مالی سبز می‌تواند تأثیر بزرگی در کاهش مصرف آب داشته باشد.
- ❖ استفاده از تکنولوژی‌های هوش مصنوعی: با کمک الگوریتم‌های هوش مصنوعی، پیش‌بینی دقیق‌تری از الگوهای آب و هوایی و نیازهای آبی انجام شود؛ این تکنولوژی می‌تواند برای مدیریت بهینه منابع آب، شناسایی الگوهای مصرف غیر کارآمد و تخصیص بهتر منابع استفاده شود.

❖ آموزش مبتنی بر گیمیفیکیشن (بازی‌سازی) در مصرف بهینه آب: با استفاده از برنامه‌ها و اپلیکیشن‌های گیمیفیکیشن، می‌توان مردم را به صورت تعاملی و جذاب به مدیریت بهتر مصرف آب تشویق کرد چرا که این نوع برنامه‌ها می‌توانند بر اساس تشویق و پاداش، مصرف‌کنندگان را به کاهش مصرف آب تشویق کنند.

## References

- Amiri, A., shaneche, M., & golshani, A. (2020). The effect of public policy process on water crisis in the Islamic Republic of Iran. *Research Letter of Political Science*, 15(4), 45-72. [in Persian]
- Babran, S. (2008). Water Crisis in in Iran and the World. *Strategy*, 1(2), 193-212. [in Persian]
- Bagheri, R., Shiari, A., Ahadi, P., & Esmaeilzad, A. (2021). Governance and the Political Economy of the Water Crisis. *World Politics*, 10(2), 185-212. [in Persian]
- Barlow. (2007). *The Blue Covenant: The Global Water Crisis and the Coming Battle for the Right to Water*. Toronto: McClelland & Stewart.
- Corbin, & Strauss. (1990). Grounded theory research: Procedures, canons, and evaluative criteria. *Qualitative sociology*, 13(1), 3-21.
- Emerson, & Nabatchi. (2015). *Collaborative Governance Regimes*. United States: Georgetown University Press.
- Finger, & Allouche. (2002). Finger, M., Allouche, J. (2002). *Water Privatisation: Trans-National Corporations and the Re-regulation of the Water Industry*. United Kingdom: Taylor & Francis.
- Gleick. (2004). *The World's Water 2004-2005: The Biennial Report on Freshwater Resources*. Washington, D.C: Island Press.
- Hatami, A., & Nourbakhsh, S. (2018). Semantic reconstruction of the water crisis in eastern Isfahan based on grounded theory. *Quarterly Journal of Applied Sociology*, 30(1), 123-142. [in Persian]
- IRNA. (2022). United Nations: Approximately 2.2 billion people worldwide do not have access to safe drinking water. tehran: irna. Retrieved from [irna.ir/xjJsZT](http://irna.ir/xjJsZT)
- Islami, R., & Rahimi, A. (2019). (2019). Policymaking and Water Crisis in Iran. 7(27). *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 7(27), 410-435. [in Persian]
- Kariminejad, M., Golshani, A., & Bostani, F. (2019). Policy Making Pathology of Water Crisis in Iran: A Foresight Approach. *Strategy*, 27(4), 95-124. [in Persian]
- Kaviani Rad, M., Golsoomiyani, H., & Aftabi, Z. (2023). Scenarios for the Future Water Crisis in Taibad City using a Future Research Approach. *Journal of Geography and Regional Development*, 21(3), 335-364. [in Persian]
- Mollinga, & et al. (2006). Mollinga, P.P., Dixit, A., Athukorala, K. (2006). *Integrated water resources management: Global theory, emerging practice and local needs*. New Delhi: Sage Publications.
- Oktay. (2012). *Grounded Theory*. United Kingdom: Oxford University Press.
- Ostrom. (1990). *Governing the Commons: The Evolution of Institutions for Collective Action*. Cambridge: Cambridge University Press.


- Papoli Yazdi, M., Jomehpour, M., & Mahdizadeh Ardakani, M. (2017). On the Social Consequences of Water Crisis in Desert Areas: A Case Study on Iran's Ardakan township. *Social Sciences*, 24(77), 99-136. [in Persian]
- Park, T. M. (2023). Water consumption in the agriculture, industry, and business sectors. Tehran: <https://mstpark.com/library/water-consumption-agriculture/>.
- Saeedi, J., & Sadeghi DehCheshmeh, S. (2023). (2023). Analysis of scenarios to security consequences of the water crisis in Chaharmahal and Bakhtiari province., 21(76),. *Geography*, 21(76), 181-210. [in Persian]
- Safavi, S. (2018). Water Crisis in Iran. *Water Management Journal*, 5(2), 3-28. [in Persian]
- Strauss, & Corbin. (1997). *Grounded Theory in Practice*. India: SAGE Publications.
- Tabiee, M., Iman, M., & Karimi, M. (2021). A Critical Ethnographic Analysis of the Challenges of the Water Crisis in the Villages of Mamasani County. *Strategic Research on Social Problems*, 10(2), 1-22. [in Persian]

# Investigating the Impact of Uncertainty in Good Governance Indicators on Sustainable Development in Iran

## Naser Niknam

MA Student, Economics Department, Faculty of Economics and Management, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.


Email: naserniknam@pgs.usb.ac.ir

 0009-0004-0052-9016

## Gholamreza Zamanian

Associate Professor, Economics Department, Faculty of Economics and Management, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran (Corresponding Author).


Email: zamanian@eco.usb.ac.ir

 0000-0003-0823-4584

## Reza Ashraf Ganjoei

Assistant Professor, Economics Department, Faculty of Economics and Management, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

Email: reza\_ash@eco.usb.ac.ir

 0000-0003-3854-8445

## Abstract

Governance is widely recognized as a critical factor influencing sustainable development. Consequently, analyzing its dimensions can significantly contribute to economic and policy-related insights. This study investigates the impact of uncertainty in good governance indicators on sustainable development in Iran, utilizing fuzzy regression analysis with a membership degree of 0.9 over the period 1995–2020. Owing to the inherent flexibility of the fuzzy regression model, high, medium, and low widths were calculated for each of the examined variables under uncertainty conditions (membership degree 0.9). Drawing on the relevant literature on good governance and sustainable development, three models were estimated. The first model assesses the impact of governance indicators based on Briguglio's definition. Results show that the economic stability index exerts minimal influence on sustainable development across all three scenarios. The effect of the political stability index remains relatively constant, while the social stability index—with a width of 0.556—exerts the greatest impact. The second model examines the six governance indicators defined by the World Bank. Findings indicate that governance efficiency and effectiveness have the most significant influence on sustainable development, with a coefficient of 5.5. The third model, which combines elements of the first two, reveals that the political stability index consistently affects sustainable development in all three scenarios, with a coefficient of 0.742. Overall, the results confirm that uncertainty in good governance indicators has a substantial effect on sustainable development. The actual trajectory of sustainable development in Iran corresponds more closely with the lower and left bounds of the fuzzy regression range, suggesting that governance-related uncertainty acts as a limiting factor.

**Keywords:** Uncertainty; good governance indicators; sustainable development; fuzzy logic.



# بررسی تأثیر عدم قطعیت شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه پایدار در ایران

ناصر نیکنام

دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.  
Email: naserniknam@pgs.usb.ac.ir

ORCID: 0009-0004-0052-9016

غلامرضا زمانیان

دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.  
Email: zamanian@eco.usb.ac.ir

ORCID: 0000-0003-0823-4584

رضا اشرف گنجویی

استادیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.  
Email: reza\_ash@eco.usb.ac.ir

ORCID: 0000-0003-3854-8445

## چکیده

از آنجا که حکمرانی از عوامل مؤثر بر توسعه پایدار است. بنابراین بررسی ابعاد آن می‌تواند نقش مهمی در اقتصاد ایجاد کند. در مطالعه حاضر، تأثیر عدم قطعیت شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه پایدار در ایران به کمک رگرسیون فازی با درجه عضویت ۰/۹ برای دوره زمانی ۱۳۷۴ تا ۱۴۰۱ بررسی شده است. با توجه به انعطاف‌پذیری مدل رگرسیون فازی پهنای بالا، متوسط و پایین برای هر یک از متغیرهای مورد بررسی در شرایط عدم قطعیت (درجه عضویت ۰/۹) محاسبه شده است. با توجه به ادبیات مرتبط با حکمرانی خوب و توسعه پایدار، سه مدل برآورد شده است. در مدل اول، تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر اساس تعریف بریگوگلیو بر توسعه پایدار مورد بررسی قرار گرفته است؛ نتایج این مدل نشان می‌دهد که شاخص ثبات اقتصادی در هر سه پهنای مذکور تأثیر اندکی بر توسعه پایدار دارد. تأثیر شاخص ثبات سیاسی نیز تقریباً در هر سه پهنای ثابت است. اما شاخص ثبات اجتماعی با پهنای ۰/۵۵۶ بیشترین تأثیر را بر توسعه پایدار داشته است. در مدل دوم، تأثیر شش شاخص حکمرانی خوب بر اساس تعریف بانک جهانی بر توسعه پایدار بررسی شده است. نتایج حاکی از آن است که کارایی و اثربخشی حاکمیت با ضریب ۵/۵ بیشترین تأثیر را در بین سایر شاخص‌ها بر توسعه پایدار دارد. در مدل سوم که ترکیبی از مدل اول و دوم است، نتایج نشان می‌دهد که شاخص ثبات سیاسی در هر سه پهنای مذکور با ضریب ۰/۷۴۲ تأثیر ثابتی بر توسعه پایدار دارد. همچنین نتایج نشان‌دهنده آن است که عدم قطعیت در شاخص‌های حکمرانی خوب توسعه پایدار در کشور را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که روند واقعی توسعه پایدار در کشور منطبق بر پهنای چپ و پایین‌تر از کران متوسط و راست است.

**کلیدواژه‌ها:** عدم قطعیت، شاخص‌های حکمرانی خوب، توسعه پایدار، رگرسیون فازی



## مقدمه و بیان مسئله

حکمرانی خوب یکی از موضوعات بسیار مهم و جدیدی است که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده است. ظهور این مفهوم در جهان امروز بیان‌کننده نقش در حال تحول حکومت‌ها و دولت‌ها در اداره جوامع و تغییر نگرش نسبت به کارکرد حکومت است. در مورد حکمرانی خوب تقریباً هیچ تعریف پذیرفته شده جهانی وجود ندارد (فوکویاما، ۲۰۱۶: ۸۹). نخستین مرجع مهمی که در این زمینه سخن گفت، بانک جهانی<sup>۱</sup> بود که در سال ۱۹۸۹ در گزارشی حکمرانی خوب را به‌عنوان «ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخ‌گو» مطرح نموده است (استو،<sup>۲</sup> ۱۹۹۲: ۳۸۷). حکمرانی خوب در برگیرنده مفاهیمی چون حقوق بشر، پاسخ‌گویی، مشارکت عمومی و حاکمیت قانون است و همچنین ساختاری ارائه می‌دهد که تمامی این ویژگی‌ها در یک‌جا جمع شوند و اهداف توسعه انسانی مثل توسعه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با مرکزیت مردم پیگیری شود (دقتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱). همچنین مسئولیت‌پذیری، کارایی، اثربخشی و عدالت را به دنبال دارد و در قبول سیاست‌های پیش‌بینی شده آشکار دولت دیوان‌سالاری شفاف، پاسخ‌گویی شفاف دستگاه‌های اجرایی، مشارکت فعال مردم در امور مختلف سیاسی و اجتماعی و همچنین برابری همه افراد در برابر قانون نمایان می‌شود (حاجیلو و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶۱). حکمرانی خوب و توسعه پایدار، دو دیدگاه مهم را به اشتراک می‌گذارند؛ اولین هدف آن‌ها گسترش مشارکت عمومی است و هر دو محیطی را به وجود می‌آورند که در آن دولت‌ها سازمان‌های اجتماعی، بخش خصوصی و مردم می‌توانند فعالانه در برنامه‌ریزی و مدیریت جامعه شرکت فعال داشته باشند. از این‌رو پایداری و حکمرانی نیازمند تأکید بر نگرش شفاف و روشن در تصمیم‌گیری است. همچنین هر دو مفهوم فرایند محور و نتیجه‌گرا هستند (فرزانه‌کندری و محمودی، ۱۳۹۷: ۲۷۷). در چند دهه اخیر، مفاهیم و ارزش‌هایی چون شفافیت و پاسخ‌گویی به‌عنوان پایه و پیش‌نیاز اعتماد عمومی، به‌طور فزاینده‌ای در جوامع مختلف کشورها مطرح شده و تحولات عمده‌ای را در مدیریت دولتی ایجاد کرده است. به نحوی که وجود این شاخص‌ها در مدیریت کشورهای دموکراتیک از ملزومات و عناصر کلیدی حکمرانی خوب به شمار می‌آید. در حکمرانی خوب، شفافیت به معنای جریان آزاد اطلاعات و دسترسی آسان به آن برای همگان

1. Fukuyama  
2. World Bank  
3. Stowe Keneth

است و می‌توان آن را آگاهی افراد جامعه از روند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات نیز تلقی کرد. در بخش دولتی، پاسخ‌گویی بر این فرض استوار است که تصمیمات و اقدامات کارگزاران تأثیر قابل توجهی بر امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع دارد. در نظام‌های دموکراتیک، نظرات و آرای مردم در تصمیمات نمایندگان انتخابی آنان منعکس می‌شود و نمایندگان مردم، مدیران و کارگزاران اجرایی دولت دخالت نمی‌کنند. از سویی دیگر، مدیران دولتی که این‌گونه انتخاب می‌شوند، خود دیگر کارگزاران را منصوب کرده و به آنان اختیاراتی واگذار می‌کنند و عزل و نصب این مأموران توسط مدیران حکومت صورت می‌گیرد (فقیهی، ۱۳۸۰: ۵۴). از همین رو در کشورهای در حال توسعه همچون جمهوری اسلامی ایران بایستی به مفهوم حکمرانی خوب و عوامل مؤثر بر آن توجه خاصی شود تا روند توسعه پایدار آسان گردد (پیغان و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۵).

عدم قطعیت، مفهومی حیاتی است که در زمینه‌های مختلف تأثیرگذار است و بر فرایندهای تصمیم‌گیری تأثیر عمیقی دارد. در اقتصاد، عدم قطعیت می‌تواند قیمت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها را تحت تأثیر قرار دهد، زیرا پیش‌بینی آینده معمولاً دشوار است. در علوم اجتماعی، این مفهوم بر رفتار و انتخاب‌های انسانی تأثیر می‌گذارد و در تحقیقات روان‌شناسی بررسی می‌شود. در مدیریت ریسک، شناخت و ارزیابی ریسک‌ها با در نظر گرفتن عدم قطعیت اهمیت دارد. این موضوع در مهندسی و فناوری نیز با توجه به تغییرات و نوآوری‌های فناورانه به چشم می‌خورد. در مسائل محیط زیست، عدم قطعیت ناشی از تغییرات اقلیمی جدی است و در پزشکی و علوم بهداشتی، تأثیر آن بر تشخیص و درمان بیماری‌ها قابل توجه است. در نهایت، اقتصاد رفتاری به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه عدم قطعیت بر انتخاب‌های اقتصادی به‌عنوان عامل اصلی رفتار انسان تأثیر می‌گذارد. با عنایت به ابعاد گسترده اثرگذاری عدم قطعیت، پرداختن به امر تأثیرپذیری متغیرهای کلیدی حکمرانی از مسئله عدم قطعیت از اهمیت بسزایی برخوردار است. عدم قطعیت در سیاست اقتصادی به معنای ناتوانی در پیش‌بینی قطعی تغییرات سیاست‌های اقتصادی دولت است که به عوامل اقتصادی بستگی دارد. تغییرات مداوم در سیاست‌های اقتصادی، محیط عملیاتی شرکت را پیچیده، ناپایدار و پیش‌بینی را دشوار می‌کند. از دید اقتصاد کلان، اینکه در یک وضعیت عدم قطعیت، چگونه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی بتوانند تصمیم بهینه‌ای اتخاذ کنند، موضوع بسیاری از مطالعات و پژوهش‌های محققان را به خود اختصاص داده است؛ خصوصاً اگر قرار باشد آثار مرتبط با آن مشخص و علاوه بر

جنبه‌های اقتصادی، بر دیگر جنبه‌های جامعه نظیر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور نیز تأثیرگذار باشد. به همین دلیل، تصمیم‌گیری‌های بهینه در شرایط عدم قطعیت به دو جنبه مربوط می‌شود؛ یکی درک واقع‌گرایانه و دیگری قابلیت پیش‌بینی که هر دو در رویارویی با حالت‌های مختلف عدم قطعیت نمایان می‌شوند. در شرایط واقعی، رفتار عوامل اقتصادی متأثر از عدم قطعیت‌های پیش‌بینی نشده قرار دارد. در شرایطی که قانون‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی با عدم قطعیت روبه‌رو می‌شوند، در تصمیم‌گیری بهینه با یک تابع هدف (حداکثر کردن سود اقتصادی) در مقابل حداقل یک قید (تابع توزیع درآمد) سروکار دارند (جیوردانی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۷: ۸).

در دهه‌های اخیر، حکمرانی به خاطر نقش تأثیرگذاری که بر توسعه پایدار دارد به یک مسئله جذاب برای اقتصاددانان تبدیل شده است. در دهه ۱۹۸۰ میلادی، واژه حکمرانی به جای واژه دولت استفاده شد. در آن زمان، به دلیل فشارهای بین‌المللی یا سیاست‌های دولت‌های ملی بسیاری از کشورها دچار کمبود بودجه بودند. اما امروزه، مسائل جدیدی در حوزه سیاست به وجود آمده و انگیزه برای انجام اصلاحات توسط سیاستمداران تشدید یافته است. یکی از این چالش‌ها، نحوه ایجاد و شکل‌دهی حکمرانی خوب است. مقاله حاضر در پی بررسی تأثیر عدم قطعیت شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه پایدار در ایران است. از این‌رو پرسش‌های زیر بررسی می‌شوند:

۱. آیا عدم قطعیت در شاخص‌های حکمرانی خوب (طبقه‌بندی حکمرانی بر اساس تعریف بانک جهانی) بیشترین تأثیر را در کاهش توسعه پایدار در ایران دارد؟
۲. آیا عدم قطعیت در حکمرانی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی (طبقه‌بندی حکمرانی خوب از دیدگاه بریگوگلیو) نسبت به عدم قطعیت در شاخص‌های حکمرانی خوب (طبقه‌بندی حکمرانی بر اساس تعریف بانک جهانی) بیشترین تأثیر را در کاهش توسعه پایدار در ایران دارد؟
۳. آیا عدم قطعیت در حکمرانی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی (طبقه‌بندی حکمرانی خوب از دیدگاه بریگوگلیو) به ترتیب بیشترین تأثیر را در کاهش توسعه پایدار در ایران دارد؟

موضوع این پژوهش بررسی نقش عدم قطعیت حکمرانی خوب بر روند توسعه پایدار کشور است. به‌منظور تحلیل این تأثیر، در چهارچوب الگوی حکمرانی خوب مورد

مطالعه قرار خواهد گرفت. انتخاب این الگو برای بررسی ارتباط میان نهادهای دولتی و توسعه پایدار به این دلیل است که این الگو، برخلاف دیگر الگوهای توصیه‌شده توسط نهادهای بین‌المللی برای کشورهای در حال توسعه، از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار است و قابلیت سازگاری بیشتری با نظام‌های سیاسی گوناگون دارد (می‌دری، ۱۳۸۵: ۲۲). از سوی دیگر، توسعه پایدار یکی از اهداف اصلی الگوی حکمرانی خوب به شمار می‌رود، بنابراین از این الگو برای تحلیل رابطه میان دولت و توسعه پایدار استفاده خواهد شد.

### ۱. پیشینه پژوهش

در میان مطالعات داخلی انجام شده، هیچ‌یک مورد ویژه و مستقیمی را جهت کاربرد عدم قطعیت در حکمرانی و اثر آن بر توسعه پایدار با کمک منطق فازی بیان نکرده‌اند. در زیر به چند مورد پژوهش داخلی و خارجی اشاره می‌شود:

محمدی و همکاران (۱۴۰۲) در تحقیقی با عنوان «حکمرانی خوب؛ الگوی بهینه در عملکرد اقتصادی آسیای جنوب غربی» به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال هستند که کشورهای آسیای جنوب غربی، در دوره مطالعاتی از لحاظ اقتصادی چه عملکردی داشته‌اند؟ یافته‌های آنان نشان داد که کشورهای آسیای جنوب غربی در دوره مطالعاتی، از لحاظ عملکرد اقتصادی، در چهار طیف «خیلی خوب»، «خوب»، «متوسط» و «ضعیف» قرار گرفتند. ناتوانی حکمرانان در مدیریت و حل‌وفصل چالش‌های ژئوپلیتیکی و زیست‌محیطی، موجب عملکرد ضعیف اقتصادی شده است. همچنین کشورهایی که شیوه حکمرانی را مورد بهسازی و اصلاح قرار دادند، از عملکرد بهتر و کشورهایی که از بازنگری شیوه حکمرانی امتناع ورزیدند، از عملکرد اقتصادی ضعیف‌تری برخوردار شده‌اند.

رضایی‌لری و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان «طراحی مدل حکمرانی خوب در راستای توسعه پایدار با رویکرد کنش‌های نوآورانه» اثبات کردند که پذیرش مسئولیت به شیوه‌های کامل، همراه با اتصال به دانش، زمینه‌های نوآوری و اقدامات نوین، باعث توسعه پایدار در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی می‌شود. مدیران در راستای دستیابی به نوآوری در محیط‌های دانشی امروزی، با توجه به جهانی شدن، پیشرفت سریع فناوری و روبه‌رو شدن با نوسانات اقتصادی، به دنبال ابزارها و روش‌های مناسب برای افزایش منابع، بهبود کیفیت، کارایی و برنامه‌ریزی برای آینده هستند.

سفریان و همکاران (۱۳۹۸) با بررسی شاخص‌های اقتصادی دو کشور ایران و ترکیه در دوره زمانی (۲۰۱۷-۲۰۰۶) با طرح این سؤال که نقش حکمرانی خوب در

توسعه اقتصادی دو کشور چگونه است، به این نتیجه رسیده‌اند که وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب در بعضی از سال‌ها موجب بهبود و بعضی از سال‌ها موجب سقوط شاخص‌های اقتصادی در دو کشور را به دنبال داشته است.

پاشایی و سرمدی (۱۳۹۷) در تحقیقی با موضوع «حکمرانی خوب الگوی درون‌زای توسعه جمهوری اسلامی ایران» به دنبال شناخت الزامات تحقق حکمرانی خوب برای رسیدن به توسعه انسانی پایدار، به این نتیجه رسیدند که حکمرانی خوب طرحی نو برای توسعه انسانی با شیوه تعاملی سه رکن دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است تا کشورها بتوانند از همه توانمندی‌های خود در توسعه همه‌جانبه بهره ببرند.

همواره تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفته است؛ اما مطالعه‌ای که در آن تأثیر عدم قطعیت در شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه پایدار در کشور ایران را بررسی نماید، انجام نشده است؛ همچنین با توجه به اینکه در روش کلاسیک اقتصادی، تحلیلگران به قطعیت در مورد آینده اعتقاد دارند، بنابراین پارامترها به‌طور قطعی تعیین می‌شوند و مدل‌های رایج نمی‌توانند تصویر دقیقی از واقعیت ارائه دهند؛ اما رگرسیون فازی این قابلیت را دارد که پارامترها را در یک بازه مورد بررسی قرار دهد. این مطالعه با بهره‌گیری از مباحث مرتبط با رگرسیون فازی، در پی رفع این نقص خواهد بود. با استفاده از رگرسیون فازی، به جای محدود کردن پارامترهای یک موضوع به یک عدد مشخص، می‌توان آن‌ها را به صورت اعداد فازی عرضه کرد و با توجه به اینکه حد پایین، متوسط و بالای پاسخ‌ها قابل استخراج است، می‌توان راه‌حل‌های کاربردی‌تری را ارائه نمود. بنابراین نوآوری طرح حاضر بررسی ابعاد تأثیر عدم قطعیت حکمرانی خوب بر توسعه پایدار در ایران است.

«خیرال اختر و همکاران»<sup>۱</sup> (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان «توسعه پایدار و اقتصاد دایره‌ای» نشان دادند که هرچند ارتباط بین اقتصاد دایره‌ای و توسعه پایدار هنوز کمی مبهم است، اما تلاش مؤثری برای شناخت بهتر تعامل میان این دو مفهوم صورت گرفته است.

«اولوپا»<sup>۲</sup> (۲۰۲۳) در مقاله خود با عنوان «رهبری سنتی، دانش بومی، و حکمرانی محلی: پیامدهایی برای حکمرانی خوب و برنامه توسعه پایدار» تلاش می‌کند تا مشخص کند که آیا نهاد رهبری سنتی در سیستم دولتی مدرن و توسعه پایدار در آفریقا ارتباطی دارد یا خیر؟ بررسی وی نشان داده است که نهاد رهبری سنتی چگونه

1. Md. Khairul Akter et al  
2. Olaopa

تعهد گسترده‌ای به حفظ ارزش‌ها و هنجارهای جامعه دارد و به‌عنوان حافظ این ارزش‌ها در جامعه عمل می‌کند. همچنین، ثابت شده غفلت از این نهاد سنتی می‌تواند منجر به نقصان در حکمرانی خوب و توسعه پایدار شود.

«نوافور و چیمما»<sup>۱</sup> (۲۰۲۳) در تحقیق خود با موضوع «رهبری و دیپلماسی به‌عنوان ابزارهای مؤثر برای پیشبرد اصول حکمرانی خوب و توسعه اقتصادی پایدار: بررسی تطبیقی نیجریه و رواندا» به بررسی استراتژی‌های مختلف رهبری و دیپلماسی پرداختند. آن‌ها از روش تحقیق توصیفی-پیمایشی و پرسش‌نامه برای شرکت‌کنندگان از نیجریه و رواندا استفاده کردند. نتایج نشان داد که شرکت‌کنندگان اهمیت بیشتری به استراتژی‌های رهبری و دیپلماتیک در پیشبرد حکمرانی خوب، توسعه اقتصادی پایدار و کاهش فقر در رواندا می‌دهند. این تحقیق نشان می‌دهد در کشورهای در حال توسعه، اهمیت رهبری و دیپلماسی برای حکمرانی خوب و توسعه اقتصادی پایدار بسیار بالاست.

«بداوی»<sup>۲</sup> (۲۰۲۳) در تحقیقی با موضوع «حکمرانی خوب تقویت‌کننده توسعه پایدار» به ارتباط و یکپارچگی بین این دو مفهوم می‌پردازد؛ نتایج تحقیق وی نشان‌دهنده رابطه قوی بین این دو مفهوم است؛ زیرا توسعه پایدار و حکمرانی خوب دو روی یک سکه هستند.

«الفکورو»<sup>۳</sup> (۲۰۲۳) در پژوهش خود با موضوع «حکمرانی خوب: نوش‌داری برای صلح، امنیت و توسعه پایدار» وی فقدان عناصر حکمرانی خوب را به‌عنوان عامل بی‌ثباتی در کشور نیجریه و تهدید بحران‌های مختلف از جمله بحران قومی و بیکاری معرفی کرد. بر اساس تحقیقات او، حکمرانی خوب می‌تواند نیروهای صلح و امنیت را برای پایداری اقتصادی تحت پوشش خود قرار دهد. به نظر او، حمایت از اصول حکمرانی خوب مانند شفافیت، پاسخ‌گویی، برابری، حاکمیت قانون و جامعه‌پذیری می‌تواند به کاهش مشکلات اقتصادی کشور کمک کند. اگر این اصول حمایت نشوند، وضعیت بدتر و پیچیده‌تر خواهد شد.

«مسی»<sup>۴</sup> (۲۰۲۲) در تحقیقی با موضوع «اهداف توسعه پایدار و تناسب آن‌ها با حکمرانی خوب» در مورد ارتباط بین سیاست‌ها، اهداف توسعه پایدار و حکمرانی خوب صحبت می‌کند. او بر ارتباط بین سیاست‌ها، اهداف توسعه پایدار و حکمرانی خوب و

1. Nwafor & Chima

2. Bedawy

3. Alfakoro

4. Massey

اهمیت اجرای این اهداف در سطح محلی تأکید دارد. همچنین، نشان داده است که برای بهبود توسعه پایدار، لازم است دولت‌ها بهبود حکمرانی خود را تضمین کنند و استانداردهای جهانی را با حساسیت به زمینه محلی اجرا کنند. اجرای اهداف ۱۶ و ۱۷ SDGs به‌عنوان پلتفرم کلیدی مطرح شده است که می‌تواند به دستیابی به سایر اهداف کمک کند.

«عمری و مبروک»<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) با نشان دادن اثربخشی حکمرانی خوب در ایجاد تعادل بین مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه پایدار در ۲۰ اقتصاد منتخب برای دوره زمانی (۲۰۱۴-۱۹۹۶)، به این نتیجه رسیدند که حکمرانی سیاسی و نهادی به مؤلفه‌های توسعه پایدار کمک می‌کند و همچنین بهبود حکمرانی سیاسی و نهادی به دولت‌های این کشورها امکان می‌دهد تا تأثیرات منفی آلودگی زیست‌محیطی بر رشد اقتصادی و توسعه انسانی را تعدیل نماید و در نتیجه توسعه پایدار را حفظ کنند.

در عمده مطالعات صورت گرفته در زمینه موضوع پژوهش، حکمرانی خوب براساس شش شاخص کمی (حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، کارایی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد) و توسعه پایدار نیز با یک شاخص کمی (ثروت یا پس‌انداز خالص تعدیل شده) اندازه‌گیری شده‌اند. درحالی‌که در مطالعه حاضر در رابطه با عدم قطعیت در شاخص‌های حکمرانی خوب در مدل اول، ابتدا حکمرانی خوب بر اساس مدل بریگوگلیو مشتمل بر ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تفکیک و سپس هر یک از ابعاد آن بر اساس یک شاخص کمی به ترتیب (حاکمیت قانون، توسعه انسانی، ثبات اقتصادی) مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

در مدل دوم براساس تعریف بانک جهانی شش شاخص کمی (حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، کارایی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) مورد سنجش قرار گرفته است و همچنین توسعه پایدار بر اساس سه مؤلفه، تعریف و برای اندازه‌گیری هر یک از این مؤلفه‌ها از یک شاخص کمی استفاده شده و شاخص کلی توسعه پایدار نیز از ترکیب این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها به دست آمده است.

## ۲. چهارچوب نظری

از نظر تودارو، توسعه را باید دارای ابعاد متعدد دانست که لازمه تغییر اساسی در نگرش همه مردم و ساختار اجتماعی و نهادهای همگانی و نیز سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی، کاهش فقر مطلق و نابرابری است. زمانی توسعه پایدار در یک کشور محقق می‌شود که سیاست‌گذاران، طرحی قوی و متناسب با شرایط و موقعیت محیطی آن کشور در دستور کار داشته باشند. توسعه پایدار باید نشان‌دهنده این اصل باشد که نظام سیاسی- اجتماعی در کشور هماهنگ با نیازها و خواسته‌های اساسی افراد جامعه و گروه‌های اجتماعی حاکمیت از حالت ناپسند عموم فاصله گرفته و به‌سوی بهبود وضعیت مادی و معنوی جامعه در حرکت است. همچنین «گالبرایت»<sup>۱</sup> اعتقاد داشت که باید اصول برنامه‌ریزی با شرایط خاص هر کشور تطابق داشته باشد و با مراحل رشد اقتصادی کشور هماهنگ باشد (جیروند، ۱۳۷۸: ۲). شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی معرف شاخص‌های آزادی بیان، آزادی رسانه‌ها، انتخابات آزاد و میزان حضور مردم در انتخابات است، شاخص ثبات سیاسی و آزادی‌های مدنی نشان‌دهنده تغییرات نامنظم و مکرر کابینه‌ها و در قوه مجریه احتمال بروز شورش‌ها، ترورها و حملات تروریستی یا وقوع جنگ و بحران‌ها سیاسی در داخل کشور است، شاخص اثربخشی دولت، بیانگر ظرفیت دولت در برنامه‌ریزی سیاست‌ها و اتخاذ خط‌مشی کلان اقتصادی است و کیفیت خدمات عمومی و میزان آزادی آن‌ها از تنگناهای سیاسی مورد نظر است. منظور از شاخص کیفیت قوانین و مقررات، میزان هزینه‌هایی است که به دلیل اعمال مقررات اضافی بر فعالیت‌های اقتصادی سربار می‌شود. مداخله بیش از حد دولت در نظام بازار، حجم مقررات غیر اساسی در حوزه واردات و صادرات، میزان تأثیرگذاری سیاست‌های ضد انحصاری از ویژگی‌های این شاخص است. شاخص حاکمیت قانون بیانگر میزان کارآمدی احکام قضایی، میزان بروز جرم و میزان التزام به حقوق مالکیت است. شاخص کنترل فساد نیز بیانگر سوءاستفاده از قدرت عمومی و درونی دولت برای کسب منافع خصوصی است. این شاخص نشان می‌دهد در چه میزان قدرت‌ها و منابع عمومی برای منافع شخصی به کار می‌روند و در نهایت منجر به فساد می‌شوند (شیخیانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵). با توجه به موضوعات بیان شده، هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر عدم قطعیت شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه پایدار اقتصادی در ایران برای دوره زمانی ۱۳۷۴ تا ۱۴۰۱ است. این پژوهش، به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش

است که آیا عدم قطعیت شاخص‌های حکمرانی خوب توسعه پایدار، ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

در این مطالعه پس از بررسی بسیاری از مدل‌های برآوردی در پژوهش‌های مختلف و شناسایی متغیرهای مشترک در این پژوهش‌ها، بر اساس مبانی نظری و مطالعات تجربی انجام گرفته در زمینه مورد بحث، عوامل تأثیرگذار بر توسعه پایدار انتخاب و بر این اساس مدل‌های پژوهش تصریح می‌شوند. هدف کلی این مطالعه بررسی تأثیر عدم قطعیت شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه پایدار در ایران بر اساس سه روش بریگولیو، بانک جهانی و مدل ترکیبی از دو مدل قبل است.

در این پژوهش مشابه کار ظهیری و همکاران (۱۳۹۹)، برای مدل اول، از روش بریگولیو جهت تحلیل و توضیح ارتباط بین حکمرانی خوب و توسعه پایدار استفاده شده است. بر اساس طبقه‌بندی حکمرانی خوب از دیدگاه بریگولیو (۲۰۱۶)، در این پژوهش حکمرانی در سه بُعد (بعد سیاسی به‌عنوان حکمرانی سیاسی، بُعد اجتماعی به‌عنوان حکمرانی اجتماعی و بُعد اقتصادی به‌عنوان حکمرانی اقتصادی) مورد بررسی قرار گرفته و سنجش هر بُعد بر اساس یک شاخص کمی انجام می‌شود. برای ارزیابی حکمرانی سیاسی از شاخص حاکمیت قانون (RLI)، برای ارزیابی حکمرانی اجتماعی از شاخص توسعه انسانی (HDI) و برای ارزیابی حکمرانی اقتصادی از شاخص ثبات اقتصاد کلان (MSI) بهره‌برداری شده است. برای برآورد شاخص ثبات اقتصادی از سه متغیر اصلی یعنی رشد اقتصادی، نرخ تورم و کسری بودجه به GDP استفاده می‌شود. رشد اقتصادی تأثیر زیادی بر ثبات و بهبود شرایط اقتصادی دارد. در تحقیقات مختلف، رشد اقتصادی به‌عنوان نماینده‌ای از ثبات اقتصادی معرفی شده است؛ از جمله مطالعات علیزاده و همکاران (۱۴۰۲)، آگری و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) و فلتنشتاین و واتا<sup>۲</sup> (۲۰۰۵).

همچنین، توسعه پایدار با استناد به تعاریف معتبر صاحب‌نظران و اهداف و ابعاد آن با سه مؤلفه (رشد اقتصادی، فقرزدایی و حفظ محیط‌زیست) در نظر گرفته شده است. مؤلفه اول، از طریق نرخ رشد واقعی GDP سرانه (GCG)؛ مؤلفه دوم، از طریق درصد جمعیت زیر خط فقر ملی (PHR) و مؤلفه سوم از طریق شاخص عملکرد زیست‌محیطی (EPI) اندازه‌گیری می‌شود.

1. Agri et al

2. Feltenstein & Iwata

بانک جهانی، حکمرانی خوب را روش استفاده از قدرت در مدیریت منابع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی برای دستیابی به توسعه پایدار توصیف کرده است (لطیف<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲). «استیگلیتز»<sup>۲</sup> باور دارد تعامل سازنده دولت و بازار می‌بایست راهگشای موفقیت فرایند اصلاحات اقتصادی باشد. بر اساس این تعریف، دولت و بازار مکمل همدیگر هستند، نه رقیب. در حکمرانی شراکت بین سه بخش اصلی جامعه دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در انجام فعالیت‌ها وجود دارد که گاهی مهم‌تر از مشارکت است (آقانساب و تقوی، ۱۳۹۴: ۱۴). حکمرانی به‌عنوان ترکیبی از مسئولیت‌ها و منابع مربوطه، استراتژی‌های ابزاری، اهداف، شبکه‌های بازیگر و مقیاس‌ها تعریف می‌شود که بستری را تشکیل می‌دهد که تا حدی محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند و تا حدی هم اقدامات و تعاملات را امکان‌پذیر می‌کند (لردکیپانیدزه<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰: ۱). توسعه پایدار به یک الگوی اصلی در قرن بیست‌ویکم تبدیل شده است، درحالی‌که نگرش‌های اقتصادی سنتی و فشار بر منابع طبیعی منجر به مشکلات زیست‌محیطی شده‌اند. رویکرد حکمرانی خوب در این راستا به کنترل فساد و بهبود کیفیت قوانین کمک می‌کند. توسعه پایدار، که ترکیبی از رشد اقتصادی، کاهش فقر و حفظ محیط‌زیست است، به‌عنوان زیربنای ترقی جوامع شناخته می‌شود. سازمان ملل یکی از پیشروان این مفهوم است و بر اهمیت یکپارچگی اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تأکید دارد. عدم قطعیت در مؤلفه‌های حکمرانی می‌تواند تأثیرات منفی بر توسعه پایدار داشته باشد. به عبارت دیگر، عدم قطعیت در مؤلفه‌های حکمرانی به‌عنوان یک عامل کلیدی می‌تواند فرایند توسعه کشور را تحت تأثیر قرار دهد و بر پایداری و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی اثرگذار باشد. مسئله این پژوهش بررسی روند حکمرانی در ایران است که بررسی می‌کند دولت به‌عنوان نیروی که دغدغه کشور را دارد و در این حوزه تخصص دارد در کمک به برنامه‌ریزی بهتر برای همراهی حاکمیت برای رسیدن به هدف توسعه پایدار چه نقشی دارد.

این پژوهش به بررسی ارتباط نهادهای دولتی و توسعه پایدار در چهارچوب حکمرانی خوب می‌پردازد که با اصولی همچون شفافیت، پاسخ‌گویی و مشارکت مردم، می‌تواند عملکرد نهادهای دولتی را بهبود بخشد و به تحقق توسعه پایدار کمک نماید. نهادهای دولتی با پیاده‌سازی این اصول، سیاست‌هایی برای حفظ منابع طبیعی و

---

 1. Latif

2. J. Stiglitz

3. Lordkipanidze

ارتقای کیفیت زندگی طراحی کرده و با مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌ها، اعتماد و همکاری فعال‌تر شهروندان را جلب می‌کنند. همچنین، استفاده از فناوری‌های نوین به افزایش شفافیت و کارایی نهادها کمک می‌کند. این پژوهش به‌طور مشخص دنبال آن است که ابتدا بررسی کند نهادهای دولتی در جمهوری اسلامی ایران چه مقدار قابلیت انطباق با الگوی حکمرانی خوب را دارند و سپس با استفاده از داده‌های بانک جهانی، نقش این نهادها در بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب و رسیدن به هدف توسعه پایدار را مورد تحلیل قرار دهد. در مرحله بعد، مشکلات این نهادها در ایفای نقش قانونی خود بررسی شده و نهایتاً با توجه به ظرفیت‌های موجود و امکانات بالقوه نهادهای دولتی، توصیه‌های سیاست‌گذاری برای بهبود عملکرد در حوزه‌های آموزش، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر برنامه‌های حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست ارائه خواهد شد. در نهایت، انطباق با اصول حکمرانی خوب نقشی کلیدی در دستیابی به اهداف توسعه پایدار ایفا می‌کند.

### ۳. روش پژوهش

در مطالعه حاضر، داده‌های مورد نیاز برای برآورد الگوی حکمرانی خوب بر توسعه پایدار در ایران به‌صورت سالانه طی دوره زمانی ۱۴۰۱-۱۳۷۴ از مرکز آمار ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و نیز شاخص‌های حکمرانی خوب از بانک جهانی گردآوری شده است. همچنین، برای برآورد مدل رگرسیون فازی از نرم‌افزار MATLAB استفاده شد. برای این منظور در مرحله اول، ابتدا بر اساس طبقه‌بندی بریگلوگلیو (۲۰۱۴) حکمرانی در سه بُعد (بُعد سیاسی آن به‌عنوان حکمرانی سیاسی، بُعد اجتماعی آن به‌عنوان حکمرانی اجتماعی و بُعد اقتصادی آن به‌عنوان حکمرانی اقتصادی) در نظر گرفته می‌شود. بر اساس روش بریگلوگلیو سنجش هر یک از ابعاد حکمرانی بر اساس یک شاخص کمی صورت می‌گیرد؛ برای سنجش حکمرانی سیاسی از شاخص حاکمیت قانون (RLI)<sup>۱</sup> برای سنجش حکمرانی اجتماعی از شاخص توسعه انسانی (HDI)<sup>۲</sup> و برای سنجش حکمرانی اقتصادی از شاخص ثبات اقتصاد (MSI)<sup>۳</sup> استفاده شده است. در مرحله دوم، به بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر اساس تعریف بانک جهانی پرداخته شده است. بانک جهانی حکمرانی خوب را بر پایه شش شاخص تعریف

---

1. Rule of Law Index  
 2. Human Development Index  
 3. Economic stability Index

کرده است؛ در دوره ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۲ این شاخص‌های حکمرانی خوب هر دو سال یکبار و از سال ۲۰۰۲ تا به حال به صورت سالانه در کشورهای مختلف مورد ارزیابی قرار گرفته است. این شاخص‌ها شامل حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد می‌شود. در مرحله سوم که ترکیبی از مرحله اول و دوم است که به بررسی هم‌زمان مرحله اول و دوم پرداخته شده است. بنابراین در این مطالعه عدم قطعیت شاخص‌های حکمرانی خوب از زوایای مختلف بر توسعه پایدار بررسی خواهد شد. اهمیت این موضوع در آن است که می‌توان از طریق اولویت‌بندی شاخص‌های مذکور و در نتیجه انجام برنامه‌ریزی‌های مناسب توسعه پایدار را افزایش داد. بر اساس آنچه که بیان شد، برای بررسی تأثیر عدم قطعیت در شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه پایدار در ایران با تأکید بر مطالعات بریگلوگلیو، بانک جهانی و ترکیبی از این دو مطالعه تأثیر الگوی حکمرانی خوب بر توسعه پایدار به صورت زیر شناسایی و در قالب روابط ۱ تا ۳ تصریح شده است:

$$(MSI, HDI, RLI) SD = F \quad .1$$

$$(CC, RL, RQ, GE, PS, VA) SD = F \quad .2$$

$$(CC, RL, RQ, GE, PS, VA, MSI, HDI, RLI) SD = F \quad .3$$

در روابط فوق، SD نشان‌دهنده توسعه پایدار، RLI شاخص ثبات سیاسی، HDI شاخص حکمرانی اجتماعی، MSI شاخص ثبات اقتصادی، (VA)<sup>۱</sup> حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی؛ (PS)<sup>۲</sup> ثبات سیاسی؛ (GE)<sup>۳</sup> اثربخشی دولت؛ (RQ)<sup>۴</sup> کیفیت قوانین؛ (RL)<sup>۵</sup> حاکمیت قانون و (CC)<sup>۶</sup> کنترل فساد است.

- 
1. Voice & Accountability
  2. Political Stability
  3. Government Effectiveness
  4. Regulatory Quality
  5. Rule of Law
  6. Control of Corruption

### ۳-۱. مدل رگرسیون فازی

مدل‌های فازی رگرسیون برای اولین بار در سال ۱۹۸۲ توسط «تاناکا و همکاران»<sup>۱</sup> ابداع شد. این مدل‌ها با کمینه کردن درجه فازی بهترین معادله رگرسیون را ارائه می‌دهند. این کار با کاهش مجموع کل پهنای توابع عضویت ضرایب فازی معادله رگرسیون انجام می‌شود. مدل‌های رگرسیون فازی نسبت به مدل‌های رگرسیون کلاسیک ویژگی‌های خاص خود را دارند. رگرسیون کلاسیک، فروض محکمی برای برقرار بودن ویژگی‌های آماری مدل‌های رگرسیونی دارد.

نقض کردن هر یک از این فرض‌ها، موجب بی‌اعتبار شدن نتایج تحلیل رگرسیون کلاسیک می‌شود. در بسیاری از موارد، توجه به این فرض‌ها دشوار است و در برخی موارد نیز نمی‌توان به‌درستی از آن‌ها استفاده کرد. به‌طور کلی، رگرسیون کلاسیک دارای کارایی زیادی است؛ اما در شرایط خاص، ممکن است گمراه‌کننده باشد:

۱. کمبود داده‌ها؛
۲. عدم پیروی خطاها از توزیع نرمال؛
۳. ارتباط مبهم بین متغیرهای مستقل و وابسته؛
۴. وجود ابهام درباره یک پیشامد؛
۵. فرض‌های خطی‌سازی نادرست.

در شرایطی که توجه رگرسیون کلاسیک و فرض‌های آن دشوار است، استفاده از رگرسیون فازی که با استفاده از تابع عضویت و توزیع امکانی برای نادقیق یا مبهم بودن، می‌تواند به بهبود درک ما از سیستم و ارائه نتایج بهتر کمک کند. به‌طور کلی، برای برآزش یک معادله رگرسیون خطی فازی، سه دسته مدل وجود دارد.

۱. مدل‌های رگرسیون فازی امکانی؛
۲. مدل‌های رگرسیون کمترین مربعات؛
۳. مدل‌های رگرسیون مبتنی بر تحلیل بازه‌ای.

در این تحقیق، از مدل رگرسیون امکانی فازی استفاده شده. برای رسیدن به یک برآزش مطلوب، یک مدل بهینه برآورد شده است. با توجه به اینکه توابع عضویتی که برای نمایش اعداد فازی استفاده می‌شود، به‌صورت مثلثی هستند، می‌توان رگرسیون فازی را در قالب یک مسئله برنامه‌ریزی خطی فرمول‌بندی کرد. یکی از مدل‌های رگرسیون فازی امکانی، مدل رگرسیونی است که در آن ضرایب فازی ولی ورودی و خروجی مشاهده‌ای غیر فازی هستند. صورت کلی مدل رگرسیونی با ضرایب فازی به‌صورت رابطه (۴) است.

$$\tilde{Y} = f(\underline{x}, A) = \tilde{A}_0 + \tilde{A}_1 x_1 + \tilde{A}_2 x_2 + \dots + \tilde{A}_n x_n \quad (4)$$

که در آن  $\bar{Y}$  متغیر وابسته یا اصطلاحاً خروجی فازی است،  $x = (x_1, x_2, \dots, x_n)$  متغیرهای مستقل یا اصطلاحاً بردار ورودی و  $A = \{\bar{A}_1, \bar{A}_2, \dots, \bar{A}_n\}$  یک مجموعه از اعداد فازی است. مجموعه‌ای از داده‌های معمولی به صورت  $(y_1, x_1), (y_2, x_2), \dots, (y_m, x_m)$  موجود است. باید پارامترهای فازی  $\bar{A}_1, \bar{A}_2, \dots, \bar{A}_n$  به گونه‌ای تعیین شوند که مدل (۴) براساس برخی از معیارهای نیکویی، بهترین برازش را داشته باشد. در ادامه برای کاهش حجم مطالعه حاضر، فقط مراحل اصلی الگوریتم برنامه‌ریزی خطی با ضرایب فازی متقارن و نامتقارن شرح داده می‌شود.

### ۳-۲. الگوریتم حل مسئله برنامه خطی برای حالت متقارن

۱. ابتدا تابع هدف مطابق با رابطه (۵) محاسبه می‌شود.

$$Z = m2s_0 + 2 \sum_{i=1}^n (s_i \sum_{j=1}^m x_{ji}) \quad ۵$$

۲. برای برآورد پهنای راست، قید سمت راست مطابق با رابطه (۶) محاسبه می‌شود.

$$(1-h)s_0 + (1-h) \sum_{i=1}^n (s_0 x_{ji}) + a_0 + \sum_{i=1}^n (s_0 x_{ji}) \geq + y_i \quad ۶$$

۳. برای برآورد پهنای چپ، قید سمت چپ مطابق با رابطه (۷) محاسبه می‌شود.

$$(1-h)s_0 + (1-h) \sum_{i=1}^n (s_0 x_{ji}) - a_0 - \sum_{i=1}^n (s_0 x_{ji}) \geq - y_i \quad ۷$$

۴. برای حل مسئله برنامه‌ریزی خطی تابع هدف و محدودیت‌ها را به کمک دستور Set و داده‌ها را به صورت Table برنامه‌نویسی می‌شوند.

۵. برای محاسبه مراکز  $a_i$  و پهنای راست  $s_i^R$  و چپ  $s_i^L$  در مسئله بهینه‌سازی، ابتدا برای درجه عضویت  $h=0/9$  مسئله برنامه‌ریزی خطی حل می‌شود.

۶. مراکز و پهنای راست و چپ مطابق با روابط (۸) محاسبه می‌شوند.

$$f^c(x) = a_0 + a_1 x_1 + \dots + a_n x_n \quad ۸$$

$$f_s^L(x) = s_0^L + s_1^L x_1 + \dots + s_n^L x_n$$

$$f_s^R(x) = s_0^R + s_1^R x_1 + \dots + s_n^R x_n$$

۷. با توجه به محاسبات مرحله هفتم، پهنای راست و چپ برای درجه عضویت ۰/۹ رسم می‌شود.

#### ۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

تشریح نتایج به دست آمده اول الگوریتم مسئله برنامه خطی با ضرایب فازی متقارن در این بخش رگرسیون فازی با فرض ضرایب ابهام ضرایب در خصوص بررسی آثار عدم قطعیت شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه پایدار در ایران برآورد شد تعداد مشاهدات ۲۷ سال است که برای بررسی توسعه پایدار تابع هدف با توجه به قیدها که در مجموع ۵۴ قید است مینیمم می‌شود. پس از تشکیل قیدها و حل برنامه‌ریزی خطی با ضریب فازی متقارن با توجه به درجه عضویت ۰/۹ مقادیر مرکز فازی پهنای راست و چپ فازی محاسبه شده است.

جدول (۱) جواب مسئله برنامه‌ریزی خطی را برای مدل (۱) نشان می‌دهد در تحلیل‌های مربوط به بررسی آثار عدم قطعیت شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه پایدار از مفهوم درجه عضویت تمرکز و پویایی فازی استفاده شده است. درجه عضویت ۰/۹ حاکی از افزایش عدم قطعیت در شاخص‌های حکمرانی خوب است. پهنای راست حاکی از بیشترین تأثیرگذاری و همچنین مرکز و پهنای چپ فازی نیز به ترتیب حاکی از متوسط و کمترین تأثیرگذاری شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه پایدار است. نتایج نشان می‌دهد که شاخص ثبات اقتصادی کمترین تأثیر را در مرکز فازی و پهنای راست و چپ دارد. میزان تأثیرگذاری شاخص ثبات سیاسی در پهنای چپ، مرکز و راست به ترتیب برابر با ۰/۶۰۷۳ و ۰/۶۵۸۶۷ و ۰/۷۱۰۰۴ بر توسعه پایدار است. همچنین شاخص حکمرانی اجتماعی در پهنای چپ، مرکز و راست به ترتیب برابر با ۰/۴۵۵۰۹ و ۰/۵۰۵۶۶ و ۰/۵۵۶۲۲ بر توسعه پایدار تأثیر دارد.

جدول ۱: مدل حکمرانی خوب بر اساس تعریف بریگوگلیو

درجه‌های عضویت	متغیرها	کران پایین	کران متوسط	کران بالا
درجه عضویت ۰/۹	شاخص حکمرانی اجتماعی	-۰,۴۵۵۰۹	۰,۰۵۰۵۶۶	۰,۵۵۶۲۲
درجه عضویت ۰/۹	شاخص ثبات سیاسی	۰,۶۰۷۳	۰,۶۵۸۶۷	۰,۷۱۰۰۴
درجه عضویت ۰/۹	شاخص ثبات اقتصادی	۱۳-۵۸,۵۷۰۳	۱۵-۵۱,۱۱۷۵	۱۳-۵۸,۵۹۲۷

منبع: بانک جهانی

جدول ۲، جواب مسئله برنامه‌ریزی خطی را برای مدل ۲، نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که شاخص کارایی و اثربخشی دولت کمترین تأثیر را در مرکز فازی و پهنای راست و چپ به ترتیب برابر با ۰,۵ و ۵,۵ و ۴,۵- دارد. میزان تأثیرگذاری شاخص ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت/تروریسم در مرکز فازی و پهنای راست و چپ به ترتیب برابر با ۱۴ - ۲.۰۱۸۷۳ و ۱۳ - ۱.۰۲۶۷۱ و ۱۴ - ۸.۰۲۹۶۲- در پهنای راست بیشترین تأثیر را بر توسعه پایدار دارد. شاخص حاکمیت قانون در مرکز فازی و پهنای راست و چپ به ترتیب برابر با ۱۵ - ۵.۰۴۴ و ۱۳ - ۵.۰۵۰۹۷ و ۱۳ - ۵.۰۴۰۸۸- در مرکز فازی بیشترین تأثیر را بر توسعه پایدار دارد؛ شاخص کیفیت قوانین و مقررات در مرکز فازی و پهنای راست و چپ به ترتیب برابر با ۱۴ - ۲.۰۳۵۸۶ و ۱۳ - ۱.۰۱۴۲۴ و ۱۴ - ۶.۰۷۰۶۵- در پهنای راست بیشترین تأثیر را بر توسعه پایدار دارد و همچنین شاخص حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی در مرکز فازی و پهنای راست و چپ به ترتیب برابر با ۱۴ - ۱.۰۸۵۱۷ و ۱۳ - ۱.۰۵۳۵۱ و ۱۴ - ۱.۰۱۶۴۸- در پهنای راست بیشترین تأثیر را بر توسعه پایدار دارد و در آخر شاخص کنترل فساد در مرکز فازی و پهنای راست و چپ به ترتیب برابر با ۱۳ - ۲.۰۴۴۸۲۴ و ۱۳ - ۲.۰۳۴۸۳- در پهنای راست بیشترین تأثیر را بر توسعه پایدار دارد.

جدول ۲: مدل حکمرانی خوب بر اساس تعریف بانک جهانی

درجه‌های عضویت	متغیرها	کران پایین	کران متوسط	کران بالا
درجه عضویت ۰/۹	کارایی و اثربخشی دولت	۴,۵-	۰,۵	۵,۵
درجه عضویت ۰/۹	ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت/تروریسم	۱۴-۰۸,۲۹۶۲-	۱۴-۰۲,۱۸۷۳	۱۳-۰۱,۲۶۷۱
درجه عضویت ۰/۹	حاکمیت قانون	۱۳-۰۵,۴۰۸۸-	۱۵-۰۵,۰۴۴	۱۳-۰۵,۵۰۹۷
درجه عضویت ۰/۹	کیفیت قوانین و مقررات	۱۴-۰۶,۷۰۶۵-	۱۴-۰۲,۳۵۸۶	۱۳-۰۱,۱۴۲۴
درجه عضویت ۰/۹	حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی	۱۳-۰۱,۱۶۴۸-	۱۴-۰۱,۸۵۱۷	۱۳-۰۱,۵۳۵۱
درجه عضویت ۰/۹	کنترل فساد	۱۳-۰۲,۳۴۸۳-	۱۵-۰۶,۷۰۵۱	۱۳-۰۲,۴۴۸۲۴

منبع: بانک جهانی

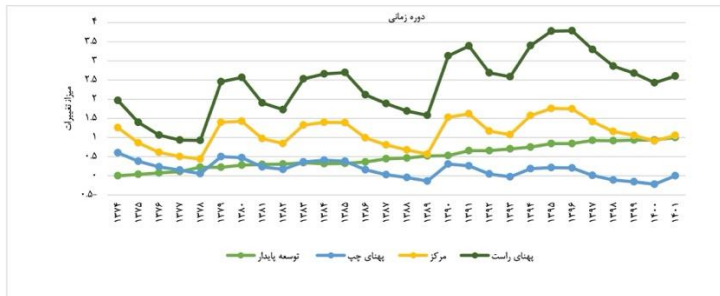
جدول ۳، جواب مسئله برنامه‌ریزی خطی را برای مدل ۳، نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که شاخص کارایی و اثربخشی دولت بیشترین تأثیر را در مرکز فازی با ۱۳ - ۴.۰۸۵۶۵ دارد و پهنای راست و چپ به ترتیب برابر ۰.۴۳۵۰۳ و ۰.۴۳۵۰۳-

دارد. میزان تأثیرگذاری شاخص ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت/تروریسم در مرکز فازی و پهنای راست و چپ به ترتیب برابر با ۱۳ - ۱.۵۷۹۲۹ و ۱۲ - ۳.۵۷۳۱ و ۱۲ - ۳.۵۳۷۲۴ در پهنای راست بیشترین تأثیر را بر توسعه پایدار دارد. شاخص حاکمیت قانون در مرکز فازی و پهنای راست و چپ به ترتیب برابر با ۱۳ - ۱.۵۹۰۲۷ و ۱۳ - ۰.۲۵۵۷۶ و ۰.۲۵۵۷۶ - در پهنای راست بیشترین تأثیر را بر توسعه پایدار دارد؛ شاخص کیفیت قوانین و مقررات در مرکز فازی و پهنای راست و چپ به ترتیب برابر با ۱۱۲ - ۰.۵۱۳۶ و ۱۱ - ۴.۵۲۲۱۴ و ۱۲ - ۱.۵۹۴۲۹ در پهنای راست بیشترین تأثیر را بر توسعه پایدار دارد و همچنین شاخص حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی در مرکز فازی و پهنای راست و چپ به ترتیب برابر با ۱۳ - ۱.۵۳۹۶۵ و ۱۲ - ۲.۵۵۵۹۵ و ۱۲ - ۲.۵۲۸۰۲ در پهنای راست بیشترین تأثیر را بر توسعه پایدار دارد و شاخص کنترل فساد در مرکز فازی و پهنای راست و چپ برابر با ۰.۰۷۲۸۰۱ است که نشان از تأثیر برابر بر توسعه پایدار دارد، همچنین تأثیر شاخص حکمرانی اجتماعی در مرکز فازی و پهنای راست و چپ به ترتیب برابر با ۱۳ - ۱.۵۷۶۰۵ و ۱۱ - ۳.۵۰۱۹ و ۱۱ - ۲.۵۹۸۳۸ بر توسعه پایدار تأثیر دارد، میزان تأثیرگذاری شاخص ثبات سیاسی برابر با ۰.۷۴۲۱۳ است که نشان از تأثیر برابر بر توسعه پایدار دارد و همچنین شاخص ثبات اقتصادی بیشترین تأثیر را در مرکز فازی و پهنای راست و چپ به ترتیب برابر با ۱۴ - ۵.۵۳۳۴۲ و ۱۲ - ۴.۵۴۷۲۶ و ۱۲ - ۶.۵۳۶۵۹ بر توسعه پایدار دارد.

جدول ۳: مدل حکمرانی خوب بر اساس ترکیبی از مدل بانک جهانی و بریگوگلیو

درجه‌های عضویت	متغیرها	کران پایین	کران متوسط	کران بالا
درجه عضویت ۰/۹	کارایی و انریختی دولت	-۰.۴۳۵۰۳	۱۳-۵۴.۸۵۶۵	-۰.۴۳۵۰۳
درجه عضویت ۰/۹	ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت/تروریسم	۱۲-۵۳.۳۷۲۴	۱۳-۵۱.۷۹۲۹	۱۲-۵۳.۷۲۱
درجه عضویت ۰/۹	حاکمیت قانون	-۰.۲۵۵۷۶	۱۳-۵۱.۹۰۲۷	-۰.۲۵۵۷۶
درجه عضویت ۰/۹	کیفیت قوانین و مقررات	۱۲-۵۱.۹۴۲۹	۱۱-۵۲.۰۱۳۶	۱۱-۵۴.۲۲۱۴
درجه عضویت ۰/۹	حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی	۱۲-۵۲.۲۸۰۲	۱۳-۵۱.۳۹۶۵	۱۲-۲.۵۵۹۵
درجه عضویت ۰/۹	کنترل فساد	-۰.۰۷۲۸۰۱	-۰.۰۷۲۸۰۱	-۰.۰۷۲۸۰۱
درجه عضویت ۰/۹	شاخص حکمرانی اجتماعی	۱۱-۵۲.۹۸۳۸	۱۳-۵۱.۷۶۰۵	۱۱-۵۳.۰۱۹
درجه عضویت ۰/۹	شاخص ثبات سیاسی	-۰.۷۴۲۱۳	-۰.۷۴۲۱۳	-۰.۷۴۲۱۳
درجه عضویت ۰/۹	شاخص ثبات اقتصادی	۱۲-۵۶.۳۶۵۹	۱۴-۵۵.۳۳۴۲	۱۲-۵۶.۴۷۲۶

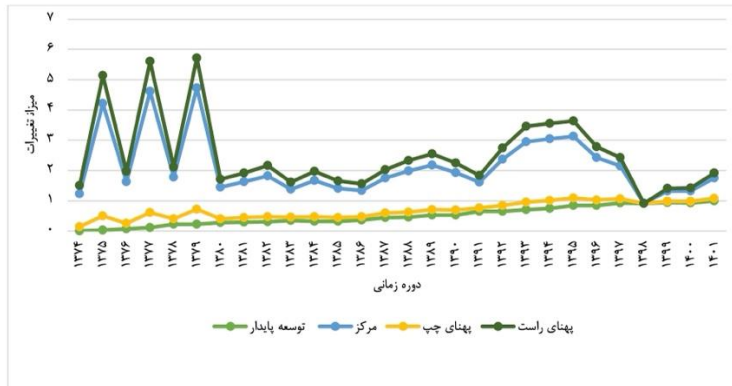
تشریح نتایج به دست آمده از حل الگوریتم مسئله برنامه خطی با ضرایب فازی متقارن، نمودار شماره ۱، مربوط به تأثیر عدم قطعیت سه شاخص حکمرانی خوب از دیدگاه بریگلوگیو، تعامل شاخص حکمرانی اجتماعی، شاخص ثبات سیاسی و شاخص ثبات اقتصادی است در این نمودار روند واقعی توسعه پایدار، پهنای راست، مرکز و پهنای چپ فازی را طی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۴۰۱ نشان می‌دهد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد مرکز و پهنای راست بالاتر از روند واقعی توسعه پایدار است که نشان‌دهنده آن است که در صورت وجود توجه و برنامه‌ریزی‌های مطلوب برای شاخص‌های حکمرانی خوب توسعه پایدار پتانسیل لازم را دارد تا در وضعیت مرکز و پهنای راست قرار گیرد. از سوی دیگر در صورت عدم توجه کافی به شاخص‌های مذکور توسعه پایدار در موقعیت پهنای چپ قرار خواهد گرفت که پایین‌تر از روند واقعی است.



نمودار ۱: مدل حکمرانی خوب بریگلوگیو

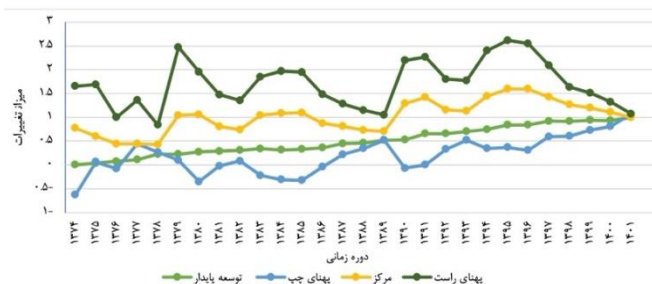
نمودار ۲، مربوط به تأثیر عدم قطعیت شش شاخص حکمرانی خوب از دیدگاه بانک جهانی شامل: تعامل کارایی و اثربخشی دولت، ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت/تروریسم، حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقررات، حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی و کنترل فساد است؛ در این نمودار روند واقعی توسعه پایدار، پهنای راست، مرکز و پهنای چپ فازی را طی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۴۰۱ نشان می‌دهد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، مرکز و پهنای راست بالاتر از روند واقعی توسعه پایدار قرار دارد. این نشان می‌دهد که با توجه و برنامه‌ریزی مناسب برای شاخص‌های حکمرانی خوب، توسعه پایدار قادر است در موقعیت مرکز و پهنای راست قرار بگیرد. در حال حاضر، شاخص توسعه پایدار همراه با پهنای چپ توازن دارد؛ اما در صورت عدم توجه کافی

به این شاخص‌ها، توسعه پایدار ممکن است در موقعیت پایین‌تر از پهنای چپ قرار بگیرد که این موضوع ممکن است نگران‌کننده باشد.



نمودار ۲: مدل حکمرانی خوب بر اساس تعریف بانک جهانی

نمودار ۳، مربوط به تأثیر عدم قطعیت سه شاخص حکمرانی خوب از دیدگاه بریگوگلیو و همچنین شش شاخص حکمرانی خوب از دیدگاه بانک جهانی است؛ در این نمودار روند واقعی توسعه پایدار، پهنای راست، مرکز و پهنای چپ فازی را طی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۴۰۱ نشان می‌دهد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد در این حالت مرکز و پهنای راست بیشتر از واقعیت توسعه پایدار قرار دارند. این نشان می‌دهد که اگر به شاخص‌های حکمرانی خوب توجه و برنامه‌ریزی مناسبی داشته باشیم، توسعه پایدار قابلیت قرار گرفتن در مرکز و پهنای راست را دارد. از سوی دیگر، اگر به این شاخص‌ها به اندازه کافی توجه نشود، توسعه پایدار در پهنای چپ، که کمتر از واقعیت است، قرار خواهد گرفت.



نمودار ۳: مدل حکمرانی خوب بر اساس ترکیبی از مدل بانک جهانی و بریگوگلیو

## نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در مطالعه حاضر مدل رگرسیون فازی معرفی و قابلیت آن در بررسی آثار عدم قطعیت شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه پایدار در ایران مورد توجه قرار گرفت. از مزایای استفاده از مدل رگرسیون فازی اولویت‌بندی و بررسی تأثیر عدم قطعیت متغیرهای مذکور بر توسعه پایدار است. در تحلیل‌های مربوط به بررسی آثار عدم قطعیت شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه پایدار از مفهوم درجه عضویت، مرکز و پهنای فازی استفاده شده است. با استفاده از درجه عضویت  $0/9$  که نشان‌دهنده افزایش عدم قطعیت در شاخص‌های حکمرانی خوب است به محاسبه پهنای راست و چپ توسعه پایدار پرداخته شد. پهنای راست حاکی از بیشترین تأثیرگذاری و همچنین مرکز و پهنای چپ فازی نیز به ترتیب حاکی از متوسط و کمترین تأثیرگذاری شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه پایدار است. بر این اساس سه مدل برآورد شده است. در مدل اول تأثیر عدم قطعیت در شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه پایدار در ایران با تأکید بر مطالعه بریگوگلیو بررسی شده است. در مدل دوم بر اساس تعریف بانک جهانی از شاخص‌های حکمرانی خوب و در مدل سوم به‌طور هم‌زمان تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر اساس مطالعه بریگوگلیو و تعریف بانک جهانی بر توسعه پایدار بررسی شده است. نتایج مدل اول نشان می‌دهد که شاخص ثبات اقتصادی در هر سه کران بالا، متوسط و پایین تأثیر اندکی بر توسعه پایدار دارد. تأثیر شاخص ثبات سیاسی نیز تقریباً در هر سه کران مذکور ثابت است. اما شاخص ثبات اجتماعی با کران بالای  $0/556$  نسبت به کران بالای شاخص‌های ثبات اقتصادی و ثبات سیاسی بیشترین تأثیر را بر توسعه پایدار داشته است. نتایج مدل دوم نشان‌دهنده آن است که تأثیر عدم قطعیت کارایی و اثربخشی دولت و حاکمیت قانون از بین شش شاخص‌های حکمرانی خوب بر اساس تعریف بانک جهانی بیشترین تأثیر را بر توسعه پایدار در ایران دارد. نتایج مدل سوم نشان‌دهنده آن است که از بین تأثیر عدم قطعیت شش شاخص‌های حکمرانی خوب بر اساس تعریف بانک جهانی و شاخص‌های مطالعه بریگوگلیو بر توسعه پایدار در ایران شاخص ثبات سیاسی در هر سه کران بالا، متوسط و پایین با ضریب  $0/742$  تأثیر ثابتی بر توسعه پایدار دارد. نتیجه این تحقیق به نتایج پژوهش‌های مناحی و همکاران (۱۳۹۹)، شریف خطیبی (۱۳۸۷)، صفریان و همکاران (۱۳۹۸)، شاه‌آبادی و پورجان (۱۳۹۱) هم‌سو است.

در این مطالعه به کمک مدل رگرسیون فازی با درجه عضویت  $0/9$  تأثیر عدم قطعیت در شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه پایدار در ایران بررسی و پهنای راست

و چپ توسعه پایدار با توجه به مدل‌های که طراحی شده بود محاسبه شد این موضوع موجب شده است که این مطالعات از سایر مطالعات متمایز شود. پهنای راست توسعه پایدار که نشان‌دهنده کاهش عدم قطعیت در شاخص‌های مطالعه بریگوگلیو است نشان می‌دهد که با کاهش عدم قطعیت در شاخص ثبات اجتماعی توسعه پایدار در کشور رشد قابل توجهی خواهد داشت. بررسی تأثیر عدم قطعیت در شاخص‌های شش‌گانه بانک جهانی حاکی از آن است که پهنای چپ منطبق بر روند کنونی توسعه پایدار در کشور است؛ این موضوع به این معنا است که در سال‌های اخیر روند شاخص‌های مذکور در کشور وضعیت مطلوب نداشته‌اند، چرا که موقعیت قرار گرفتن در وضعیت پهنای راست برای توسعه پایدار وجود داشته است. بررسی مدل سوم که تأثیر عدم قطعیت در شاخص‌های حکمرانی خوب را به صورت ترکیبی از شاخص‌های شش‌گانه بانک جهانی و مطالعه بریگوگلیو نشان می‌دهد بیانگر آن است که روند توسعه پایدار در کشور پایین‌تر از مرکز و پهنای راست قرار دارد و نزدیک به پهنای چپ است. در این مطالعه از طریق برآورد مدل‌های سه‌گانه مذکور به بررسی روند کنونی توسعه پایدار در کشور پرداخته شد.

### پیشنهادها

با توجه به نتایج و نقش مهم ثبات اجتماعی، کارایی دولت و حاکمیت قانون، توصیه می‌شود که خدمات دولتی، کیفیت بوروکراسی، صلاحیت مسئولان شهری، آزادی بیان، احزاب و تشکل‌ها، اجتماعات و رسانه‌های جمعی مورد بازنگری و افزایش یابد. همچنین بر تقویت حاکمیت قانون و ضابطه به‌جای رابطه تأکید می‌شود. این مسئله نیاز به همکاری سه قوه در زمینه گذاری، اجرای قانون و نظارت بر اجرا دارد. همچنین نهادهای غیردولتی می‌توانند نقش فعالی در آموزش و کاهش عدم تقارن اطلاعات ایفا کرده و هزینه‌های مبادلاتی را کاهش دهند.

این مطالعه به بررسی وضعیت توسعه پایدار در کشور پرداخته و بر اساس مدل‌های تحلیلی، بر اهمیت عواملی چون ثبات اجتماعی، کارایی دولت و حاکمیت قانون تأکید می‌کند. نتایج نشان می‌دهند که بهبود کیفیت بوروکراسی، آزادی بیان و مشارکت مدنی برای ارتقای توسعه پایدار ضروری است. پیشنهادهایی شامل برگزاری دوره‌های آموزشی برای مدیران، افزایش گفت‌وگو میان شهروندان و مسئولان و حمایت از رسانه‌ها و سازمان‌های غیردولتی ارائه شده است. همچنین بازنگری قوانین برای تسهیل فرایندهای اداری و مبارزه با فساد مورد تأکید قرار گرفته است. برای تقویت حکمرانی

خوب، پیشنهادات شامل حمایت از نهادهای غیردولتی، رعایت شفافیت و پاسخ‌گویی، و تشویق مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌ها است. استفاده از فناوری‌های نوین و گسترش دولت الکترونیک به‌عنوان ابزارهایی برای بهبود کیفیت خدمات عمومی و افزایش اعتماد شهروندان مطرح شده است. با توجه به این راهکارها، حرکت به سمت جامعه‌ای شفاف‌تر و مؤثرتر ممکن خواهد بود.

## References

- Abubakar Alfakoro, Yushau Sulaiman. (2023). *Good Governance: The Panacea to Peace, Security and Sustainable Development*. *Journal of African Advancement and Sustainability Studies*, 2(2). <https://ssaapublications.com/sjaass/article/view/90>
- Bedawy, Randa. (2023). *Good Governance Upholding Sustainable Development*. [https://doi.org/10.1007/978-3-030-38948-2\\_199-1](https://doi.org/10.1007/978-3-030-38948-2_199-1)
- Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N., & Vella, S. (2009). *Economic Vulnerability and Resilience: Concepts and Measurements*. *Oxford Development Studies*, 37(3), 229–247. <https://doi.org/10.1080/13600810903089893>
- Daghighi, Adaleh; Yaghoubi, Nour Mohammad; Kamalian, Amin Reza; Dehghani, Masoud. (2021). *Designing a Model for the Implementation and Development of Good Electronic Governance Using Meta-Synthesis Approach*. *Management Researches in Iran*, 24(2). in Persian
- Farzaneh-Kandari, Narges; Mahmoudi, Jafar. (2019). *A Conceptual Framework for Examining the Impact of E-Governance Indicators on Sustainable Human Development*. *Strategic Management Thought (Andishe-ye Modiriyat-e Rahbordi)*, 13(2). in Persian
- Fukuyama, F. (2016). *Governance: What do we know, and how do we know it?* *Annual Review of Political Science*, 19, 89–105.
- Giordani, L. G. (2008). *Entrepreneurial Orientation and Subjective Well-being: A Comparison of Employed and Self-employed Motivation and Commitment*. *Frontiers of Entrepreneurship Research*, 28(4), 8.
- Hajilou, Mohammad; Mohammadi, Nabiollah; Doroudi, Homa; Mansouri, Ali. (2021). *Formulating a Human Resource Development Model Based on Good Governance in Medical Universities (A Qualitative Study)*. *Educational Strategies in Medical Sciences*, 14(4). in Persian
- Jiravand, Abdollah. (1999). *Economic Development: A Collection of Ideas*, 2nd ed. [Place unknown]: Molavi. in Persian
- Lordkipanidze, M., Bressers, H.T., & Lulofs, K.R. (2020). *Comparative Assessment of Water Governance in Protected Areas*. *Water*.
- Massey, Andrew. (2022). *Sustainable Development Goals and their Fit with Good Governance*. *Global Policy*, 13, 79–85. <https://doi.org/10.1111/1758-5899.13037>
- Md. Khairul Akter, Maeen; Haq, Upama; Uddin, Mohammad Abbas. (2024). *Sustainable Development and Circular Economy*. [https://doi.org/10.1007/978-3-031-42426-7\\_7](https://doi.org/10.1007/978-3-031-42426-7_7)
- Mirza Agha-Nasab Gardaroudbari, Iman; Taghavi, Mahdi. (2014). *Social Capital and Good Governance: A Case Study of Developing Countries (1996–2010)*. *Applied Economics*, 4(13). in Persian
- Mohammad, Gholamreza; Ghorbani-Nejad, Ribaz; Yazdanpanah, Kiumars; Yousefi, Azam. (2023). *Good Governance: The Optimal Model for Economic Performance in Southwest Asia*. *Political Studies of the Islamic World*, 12(2). in Persian
- Nwafor, Lloyd; Chima, Geoffrey. (2023). *Leadership and Diplomacy as Effective Tools for Advancing the Principles of Good Governance and*

- Sustainable Economic Development: A Comparative Examination of Nigeria and Rwanda. International Journal of Professional Business Review*, 8, e03954. <https://doi.org/10.26668/businessreview/2023.v8i11.3954>
- Olaopa, Olawale. (2023). *Traditional Leadership, Indigenous Knowledge, and Local Governance: Implications for Good Governance and Sustainable Development Agenda*. <https://doi.org/10.5772/intechopen.1003144>
  - Omri, A., & Mabrouk, N.B. (2020). *Good Governance for Sustainable Development Goals: Getting Ahead of the Pack or Falling Behind? Environmental Impact Assessment Review*.
  - Pashaei, Taghi; Sarmadi, Hamid. (2018). *Good Governance as an Endogenous Development Model of the Islamic Republic of Iran. New Research in Humanities*, Summer 2018, New Series, No. 10. in Persian
  - Peyghan, Vahid; Yaghoubi, Nour Mohammad; Kikha, Alemeh. (2022). *Identifying and Prioritizing the Factors Influencing Good Governance with a Sustainable Development Approach. Public Management Researches*, 15(55). in Persian
  - Rezaei-Lari, Ghazal; Selajgeh, Sanjar; Maddahiyan, Shiva; Nikpour, Amin. (2022). *Designing a Model of Good Governance in the Industry and Mining Sector with a Sustainable Development Approach and Innovative Actions. Innovation Management in Defense Organizations*, 5(1). in Persian
  - Safarian, Rouhollah; Shahramnia, Amir Masoud; Emamjomezadeh, Seyyed Javad; Masoudnia, Hossein. (2019). *The Model of Good Governance and Economic Development in Iran and Turkey (2006–2017). Political and International Approaches*, 11(2). in Persian
  - Sharifipour, Yousef. (2022). *Identifying and Ranking Barriers to the Use of Solar Energy in Iran. M.A. Thesis, Shiraz University. in Persian*
  - Sheikhiāni, Hamzeh; Bordkhouni, Saeed; Homayounzadeh, Faezeh; Sheikhiāni, Hossein. (2020). *A Critique of the Stanford Iran 2040 Project (Governance and Development in Iran)*. In: *Islamic Governance: Governance in the Second Phase of the Revolution, the Islamic State: Challenges and Strategies*. Proceedings of the Second National Conference on Islamic Governance. in Persian
  - Stowe, Kenneth. (1992). *Good Piano Won't Play Bad Music: Administrative Reform and Good Governance. Public Administration*, 70, 387–394.
  - Tanaka, H., & Ishibuchi, H. (1982). *Possibility Regression Analysis Based on Linear Programming. Journal of European Research*, 2(3), 44–60.



# Assessment of Managerial Risks in the Regulatory Governance of the Digital Economy in the Information and Communication Technology Sector


**Narges Haji Ahmad**

PhD Student in Development Management, Allameh Tabataba'i University, Tehran.  
Email: n.hajiahmad@mci.ir

**Hadi Khan Mohammadi**

Associate Professor, Department of Public Administration, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.


Email: khammohammadi@atu.ac.ir

 0000-0002-2290-6431

**Habib Roodsaz**

Associate Professor, Department of Public Administration, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.


Email: dr.roodsaz@gmail.com

 0000-0003-3842-0708

**Saeed Zarandi**

Assistant Professor, Department of Public Administration, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Email: saeed\_zarandi@yahoo.com

 0000-0002-3179-0856

**Abstract**

The digital economy—an essential pillar of sustainable development in the contemporary era—plays a vital role in the transformation and advancement of societies. This study seeks to identify, categorize, prioritize, and propose appropriate responses to managerial risks associated with the regulatory governance of the digital economy within the Information and Communication Technology (ICT) sector. The research adopts a mixed-methods approach. In the qualitative phase, thematic analysis is used to identify and categorize risks, drawing on data collected from legal documents and semi-structured interviews with ICT experts. In the quantitative phase, structured expert interviews are conducted to rank the identified risks using the Ordinal Priority Approach (OPA). Distinguished by its comprehensive methodology, this study contributes to the literature by offering a structured framework for managing regulatory risks in the digital economy. The findings are intended to support more effective governance, improve regulatory practices, and enhance decision-making for policymakers and ICT sector managers. Ultimately, 20 managerial risks were identified and grouped into 9 categories. Policy recommendations and action plans are proposed for addressing the most critical risks.

**Keywords:** Digital Economy, regulatory governance, risk, information and communication technology, ordinal priority approach (OPA).



# ارزیابی ریسک‌های مدیریتی در حکمرانی تنظیم‌گرانه اقتصاد دیجیتال در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات

نرگس حاجی احمد

دانشجوی دکتری مدیریت توسعه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email: n.hajiahmad@mci.ir

هادی خان محمدی

دانشیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email: khanmohammadi@atu.ac.ir

0000-0002-2290-6431

حبیب رودساز

دانشیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email: dr.roodsaz@gmail.com

0000-0003-3842-0708

سعید زرنندی

دانشیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email: saeed\_zarandi@yahoo.com

0000-0002-3179-0856

## چکیده

اقتصاد دیجیتال به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی توسعه پایدار در عصر جدید، نقشی حیاتی در تحول و پیشرفت جوامع ایفا می‌کند. این پژوهش با هدف شناسایی، دسته‌بندی، اولویت‌بندی و ارائه پاسخ مناسب به ریسک‌های مدیریتی حکمرانی تنظیم‌گرانه اقتصاد دیجیتال در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام شده است. در بخش کیفی پژوهش، برای شناسایی و دسته‌بندی ریسک‌ها، از روش تحلیل مضمون استفاده می‌شود. داده‌ها از طریق اسناد قانونی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات، جمع‌آوری شده‌اند. در بخش کمی، برای رتبه‌بندی ریسک‌ها از مصاحبه ساختاریافته با خبرگان و سپس روش برنامه‌ریزی خطی OPA استفاده شده است. این پژوهش به دلیل ارائه همه مراحل شناسایی، دسته‌بندی، رتبه‌بندی و ارائه پاسخ به ریسک‌های مدیریتی حکمرانی تنظیم‌گرانه اقتصاد دیجیتال متمایز است. نتایج این پژوهش می‌تواند برای بهبود حکمرانی و تنظیمگری و نیز تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر برای سیاست‌گذاران و مدیران در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده شود. در نهایت، ۲۰ ریسک مدیریتی در ۹ شاخه، شناسایی شد و اقدامات و سیاست‌های پیشنهادی برای مدیریت ریسک‌های اصلی ارائه گردید.

**کلیدواژه‌ها:** اقتصاد دیجیتال، حکمرانی تنظیم‌گرانه، ریسک، فناوری اطلاعات، روش اولویت‌ترتیبی



## مقدمه و بیان مسئله

اقتصاد دیجیتال به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی توسعه پایدار در عصر جدید، نقشی حیاتی در تحول و پیشرفت جوامع ایفا می‌کند. این حوزه شامل تمامی فعالیت‌های اقتصادی است که به‌واسطه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات انجام می‌گیرد (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، ۲۰۲۲). حکمرانی به‌عنوان فرایند قاعده‌گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به‌منظور دستیابی به هدف مشترک برای همه کنشگران و ذی‌نفعان در چهارچوب ارزش‌ها و هنجارها در محیط سازمان یا کشور است. حکمرانی خوب، یکی از پیش‌نیازهای اساسی دستیابی به توسعه پایدار است و بدون آن، تلاش برای توسعه یک هدف واهی است (کمپانی و عیوضی، ۱۴۰۰). ریسک‌های حکمرانی به عواملی اشاره دارد که می‌تواند فرایندهای تدوین و اجرای سیاست‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. این ریسک‌ها شامل عدم شفافیت و ناکارآمدی ساختارها می‌باشند (Levi-Faur, 2013, p14&25).

با توجه به رشد سریع فناوری اطلاعات در سال‌های اخیر، بررسی و مدیریت ریسک‌های مرتبط با حکمرانی و تنظیمگری در این حوزه ضروری است. حکمرانی فناوری اطلاعات، از جامعه، دولت و فعالیت‌های هوشمند نشئت می‌گیرد و به‌عنوان شیوه‌ها و فعالیت‌های مطلوب برای ساخت جامعه‌ای هوشمند، یکپارچه و پایدار است (معدنی، ۱۴۰۱).

ریسک‌های تنظیمگری به مشکلات و موانعی اشاره دارد که در فرایند تدوین و اجرای قوانین و مقررات مرتبط بروز می‌کند، نظیر تغییرات سریع فناوری و پیچیدگی‌های قانونی (Bauer & Latzer, 2021). حکمرانی تنظیمگرانه، رویکردهایی است که به مدیریت و تنظیم قوانین و مقررات در راستای تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری می‌پردازند تا ضمن حفظ پویایی و نوآوری، از ایجاد مشکلات و موانع غیرضروری جلوگیری کنند. نظریه حکمرانی تنظیمگرانه بررسی می‌کند که چگونه چهارچوب‌های تنظیمگری می‌توانند توسعه و اجرای سیاست‌ها را با ملاحظه نگرانی‌های اجتماعی، اقتصادی و امنیتی شکل دهند (جواد، ۱۴۰۱). فناوری اطلاعات و ارتباطات شامل تمامی فناوری‌هایی است که برای ایجاد، ذخیره، تبادل و استفاده از اطلاعات به کار می‌روند، از جمله اینترنت، شبکه‌های ارتباطی و دستگاه‌های دیجیتال. اقتصاد دیجیتال شامل تمامی فعالیت‌های اقتصادی است که به‌واسطه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، از جمله تجارت الکترونیک و کسب‌وکارهای دیجیتال، انجام می‌گیرد (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، ۲۰۲۲).

توسعه اقتصاد دیجیتال و استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، علاوه بر ایجاد فرصت‌های جدید اقتصادی، با چالش‌های مختلفی نیز همراه است. از این‌رو، شناسایی و کنترل ریسک‌های حکمرانی تنظیم‌گرانه، به‌ویژه ریسک‌های مدیریتی این حوزه، از اهمیت بالایی برخوردار است. ریسک‌های مدیریتی به ریسک‌های برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت و کنترل اشاره دارد، که در مجموعه ریسک‌ها، جنبه راهبردی و اصلی دارند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی، دسته‌بندی، رتبه‌بندی و ارائه پاسخ به ریسک‌های مدیریتی حکمرانی تنظیم‌گرانه اقتصاد دیجیتال، تلاش دارد تا با بررسی عمیق و سازمان‌یافته این ریسک‌ها، مسیر دستیابی به توسعه اقتصاد دیجیتال را روشن‌تر نماید.

پژوهش حاضر به دلیل تمرکز بر منشأ مدیریتی ریسک‌های حکمرانی تنظیم‌گرانه در بخش فناوری اطلاعات، تمرکز بر حوزه اقتصاد دیجیتال در موضوع مورد بررسی، شناسایی ریسک‌ها برای همه بازیگران دولتی، خصوصی و اجتماعی اقتصاد دیجیتال، بررسی همه‌جانبه در شناسایی، رتبه‌بندی و حتی پیشنهاد راهبردهای مقابله با این ریسک‌ها، توجه به نقش مجموعه‌ای از ذی‌نفعان شامل دولت، بخش خصوصی و جامعه برای مقابله با ریسک و نیز تناسب با شرایط بومی و داخلی، ممتاز است. نتایج این پژوهش، به‌عنوان راهنما برای تصمیم‌سازی‌های مؤثرتر در بخش‌های دولتی، خصوصی و جامعه، به‌ویژه برای سیاست‌گذاران و مدیران در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات از جمله خبرگان پژوهش، ارائه شده و خواهد شد.

این تحقیق به دنبال پاسخ به سؤالات زیر است:

- ❖ ریسک‌های مدیریتی حکمرانی تنظیم‌گرانه اقتصاد دیجیتال در بخش فناوری اطلاعات کدامند؟
- ❖ اولویت‌بندی ریسک‌های مدیریتی در حکمرانی تنظیم‌گرانه اقتصاد دیجیتال چگونه است؟
- ❖ چگونه می‌توان این ریسک‌ها را مدیریت نمود؟

هدف اصلی این تحقیق، شناسایی، دسته‌بندی، اولویت‌بندی ریسک‌ها و سپس ارائه پاسخ مناسب به ریسک‌های اصلی مدیریتی در حکمرانی تنظیم‌گرانه اقتصاد دیجیتال است. به‌منظور دستیابی به هدف پژوهش، در بخش کیفی از روش تحلیل مضمون برای شناسایی و دسته‌بندی ریسک‌های حکمرانی تنظیم‌گرانه استفاده شد. داده‌ها از طریق تحلیل اسناد قانونی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با کارشناسان حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات جمع‌آوری شدند. سپس در بخش کمی پژوهش، مصاحبه‌های

ساختاریافته با کارشناسان فناوری اطلاعات و ارتباطات و روش OPA از مجموعه روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره (MCDM)، برای رتبه‌بندی ریسک‌ها به کار گرفته شد.

## ۱. چهارچوب نظری

حکمرانی در ابعاد سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، بازتوزیع، تسهیل‌گری و نیز تأمین کالا و خدمات شکل می‌گیرد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۷). تدوین و اجرای سیاست‌های مناسب در حوزه حکمرانی فناوری اطلاعات می‌تواند باعث افزایش اعتماد عمومی، افزایش سطح کیفیت خدمات دولت، افزایش رفاه و آسایش عمومی و خلق منابع ثروت جدید برای کشور شود. توسعه نهادهای تنظیمگر به‌عنوان بخشی از منظومه نظام حکمرانی ملی، ظرفیت‌های حکمرانی در جامعه را رشد خواهند بخشید (حاجی‌حسینی و کریمیان، ۱۳۹۸).

عوامل ضرورت تنظیم‌گری را در ابعاد متفاوتی از منفعت عمومی می‌توان برشمرد: ضرورت تنظیم‌گری از منظر سیاسی (Adams, 2021)، ضرورت تنظیم‌گری از منظر ارتقای قابلیت و ظرفیت حکمرانی (شیروی و فرحناکیان، ۱۳۹۹)، ضرورت تنظیم‌گری از منظر نظریات اقتصادی (Baldwin, 2012)، ضرورت تنظیم‌گری از منظر اقتصاد سیاسی (همتی فقیه، ۱۳۹۹) و ضرورت تنظیم‌گری از منظر فنی (Adams, 2021).

مدیریت ریسک اثربخش، سلامت نظام حکمرانی تنظیم‌گرانه در حوزه فناوری اطلاعات کشور را در پی داشته و می‌تواند به توسعه قابل توجه ظرفیت‌های حکمرانی در بهبود اقتصاد و منفعت عامه منجر شود (تقوا و فیضی، ۱۳۹۹).

طبقات و ساختار شکست در ریسک‌های حکمرانی تنظیم‌گرانه بخش فناوری اطلاعات بر اساس مرور ادبیات و به‌صورت زیر، مستند شده و در چهارچوب مفهومی قرار گرفته‌اند.

همچنان که نوریس و همکاران (۲۰۱۰) همچنین ولیان و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله خود بیان کردند پشتیبانی مدیریت تطبیق با مقررات، اغلب توسط ابزارهای فناوری اطلاعات انجام می‌شود، اما شواهدی وجود دارد که چالش‌های موجود، اغلب فرهنگی هستند و بر پایه ارزش‌ها و قالب‌های ذهنی افراد و سازمان‌ها شکل گرفته‌اند. این پژوهش مؤید وجود ریسک‌های فرهنگی در تنظیم‌گری فناوری اطلاعات است.

آن‌چنان که اولیویه شالمو (۲۰۱۲)، فام و همکاران (۲۰۱۷)، یالا و همکاران (۲۰۱۸)، شاهبندزاده و همکاران (۱۳۹۴) بر اهمیت اثرات خط مشی‌های تنظیم‌گری

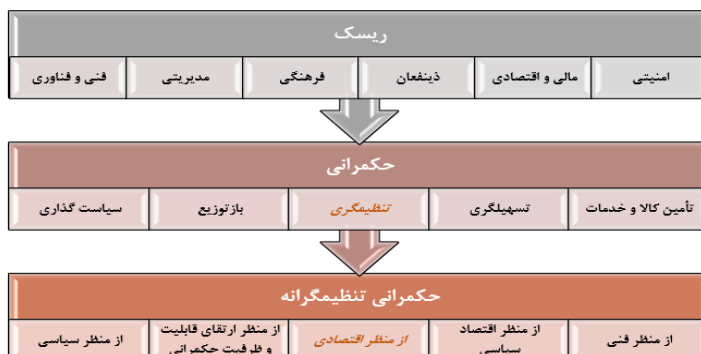
بر بازده مالی و ریسک‌های اقتصادی در سازمان‌ها پرداختند، ریسک‌های مالی و اقتصادی به‌عنوان یک طبقه از ریسک‌های حوزه فناوری اطلاعات کشور پیش‌بینی می‌شود.

لثام رن لوئیس (۲۰۲۰) و پرادو (۲۰۰۸) به‌طور جداگانه در پژوهش‌های خود بر اعتماد جامعه و ذی‌نفعان به خط‌مشی‌های حکمرانی تنظیم‌گرانه اشاره نمودند. بر این اساس، یک طبقه از ریسک‌های حوزه فناوری اطلاعات کشور، ریسک‌های ذی‌نفعان قلمداد می‌شود.

مطابق پژوهش‌ها از جمله پژوهش رازیکین و سوویت (۲۰۲۲)، ریسک‌های امنیت از مهم‌ترین ریسک‌های حوزه فناوری اطلاعات است که در این پژوهش به‌عنوان یک طبقه از ریسک‌های حکمرانی تنظیم‌گرانه فناوری اطلاعات مورد بررسی قرار می‌گیرد. ولیان و همکاران (۱۳۹۶) و مارک لوئیس (۲۰۱۸) در مطالعات خود بر اهمیت ریسک‌های مدیریتی حوزه فناوری اطلاعات تأکید نمودند. بنابراین در این پژوهش، بر ریسک‌های مدیریتی به‌عنوان طبقه مهم ریسک‌های فناوری اطلاعات کشور، تمرکز می‌شود.

حسینی دهشیری و حیدری دهویی (۱۳۹۸) و نیز مارک لوئیس (۲۰۱۸)، به اهمیت زیرساخت و فناوری‌های نوین در حوزه فناوری اطلاعات پرداختند. از این‌رو در این پژوهش ریسک‌های فنی و فناوری نیز در حوزه فناوری اطلاعات مورد کاوش قرار می‌گیرد.

مدل مفهومی در شکل ۱، بر اساس مطالعات ادبیات نظری و پیشینه تحقیق ترسیم شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته و تجمیع انجام گرفته در مطالعات، می‌توان ریسک‌هایی را شناسایی نمود که در بخش‌های زیر دسته‌بندی شده و در شکل ۱ قرار گرفته‌اند:

۱. فنی و فناوری؛
۲. مدیریتی؛
۳. فرهنگی؛
۴. ذی‌نفعان؛
۵. مالی و اقتصادی؛
۶. امنیتی.

## ۲. روش شناسی پژوهش

به‌منظور دستیابی به اهداف تحقیق، از ترکیب روش کمی و کیفی در جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

در بخش کیفی، جمع‌آوری داده‌ها با روش کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده و تحلیل آن‌ها با روش تحلیل مضمون بوده است.

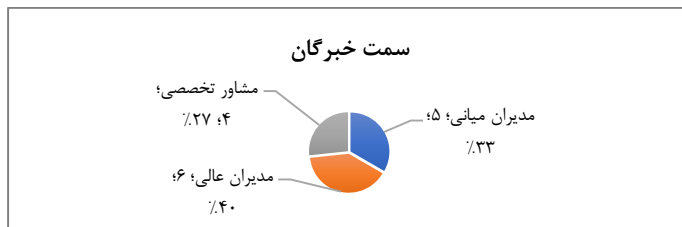
### ۲-۱. گردآوری داده‌ها در بخش کیفی

❖ تحلیل اسناد قانونی و سازمانی: در گام اول، به روش کتابخانه‌ای و میدانی، اسناد برنامه هفتم توسعه، مستند بودجه ۱۴۰۳ و سند راهبردی فضای مجازی، بررسی شده‌اند. هدف هر بند مرتبط با بخش فناوری ارتباطات در این اسناد، مشخص شد و سپس ریسک‌ها یا عدم قطعیت‌های مؤثر بر هدف هر بند، با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان در مقالات و گزارشات موجود، شناسایی شدند.

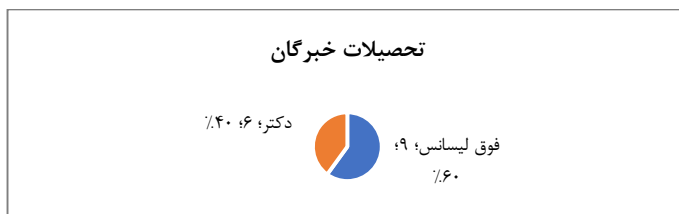
❖ تحلیل مصاحبه با خبرگان: سپس با انجام مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، اعتبار ریسک‌های شناسایی شده حاصل از اسناد، سنجیده شد. همچنین ریسک‌های مغفول اسناد، از طریق ۵ پرسش و نیز مصاحبه باز، شناسایی شدند. جامعه پژوهشی، خبرگان متخصص و باتجربه حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات بوده و نمونه‌گیری با روش گلوله برفی<sup>۱</sup> و تا حصول اشباع نظری<sup>۲</sup>، انجام شده است.

۱. Snowball Sampling

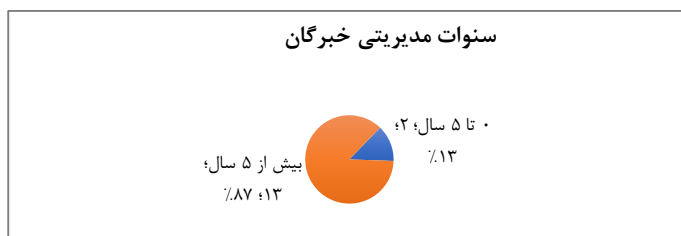
۲. Theoretical Saturation



شکل ۲: توزیع فراوانی مشارکت‌کنندگان در پژوهش به تفکیک سمت



شکل ۳: توزیع فراوانی مشارکت‌کنندگان در پژوهش به تفکیک سطح تحصیلات



شکل ۴: توزیع فراوانی مشارکت‌کنندگان در پژوهش به تفکیک سنوات مدیریتی در فناوری اطلاعات

## ۲-۱-۱. تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی

گام اول روش تحلیل مضمون: مطابق روش تحلیل مضمون شیخ زاده و جعفری، در مرحله تجزیه و توصیف متن، مضامین ادبیات نظری و مضامین مصاحبه با خبرگان حاصل شدند.

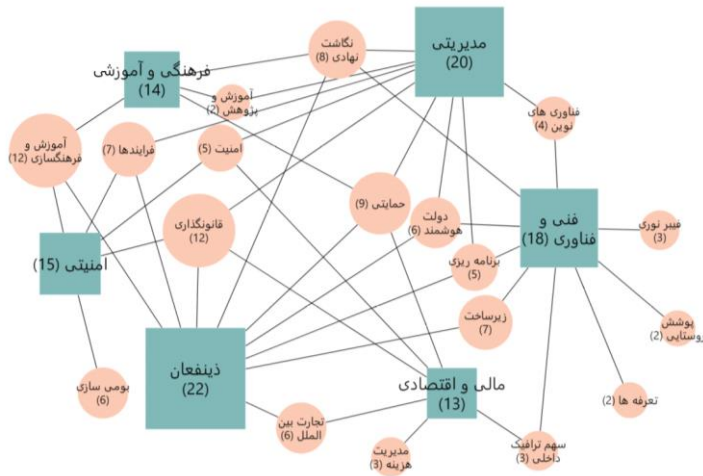
جدول ۱: نمایی از شکل‌گیری مضامین ادبیات نظری

شماره سند	متن سند	اهداف اسناد	مضامین ادبیات نظری	مضامین پایه (عنوان ریسک‌ها)	شماره ریسک
شماره ۶۴، برنامه هفتم توسعه	افزایش سهم اقتصاد رقومی از تولید ناخالص ملی، اقدامات زیر انجام می‌گیرد: الف) وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است با مشارکت سازمان و همکاری وزارتخانه‌های امور اقتصاد و دارایی، صنعت، معدن و تجارت و معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور «سند ملی توسعه اقتصاد رقومی (دیجیتال) کشور» را با در نظر گرفتن نگاهت نهادی آن، با رعایت «سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی» مصوب شورای عالی فضای مجازی، ظرف مدت ۶ ماه پس از ابلاغ برنامه، تهیه و به تصویب هیئت‌وزیران برساند.	این سند در نظر گرفتن نگاهت نهادی برنامه‌سازی سند ملی توسعه اقتصاد رقومی کشور	<p>- در تدوین یک سند ملی در حوزه اقتصاد دیجیتال با توجه به نو بودن این حوزه، تبیین ابعاد مختلف آن جهت تشریح وظایف دستگاه‌ها، ایجاد همگرایی و کاهش ابهامات و ناهماهنگی‌ها، ضروری است. بنابراین تصحیح حکم به‌نحوی که سند به‌مثابه یک سند قانونی حساب شده و لازم‌الاجرا باشد ضروری است.</p> <p>- انتخاب یک متولی اصلی در زمینه تنظیم‌گری تحولات نوین در کشور الزامی است.</p> <p>- وجود ابهام در نقش نهادهای ذی‌ربط فناوری‌های تحول دیجیتال و نهادهای قانون‌گذاری متعدد و موازی</p> <p>- عدم تعامل و هماهنگی در سازمان‌های ذی‌ربط برای جلوگیری از سیاست‌زدگی نهاد تنظیم‌گری تلکام یعنی سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی لازم است تا از لحاظ تشکیلاتی و ساختار سازمانی مستقل از وزارت ارتباطات و اطلاعات و مثلاً ذیل نهاد ریاست جمهوری قرار گیرد.</p> <p>- رقابت نابرابر دولت با بخش خصوصی واقعی</p>	عدم تدوین یک سند لازم‌الاجرا برای شفاف‌سازی نقش‌های نهادی همگرا در حوزه اقتصاد دیجیتال	۱۶
			عدم تدوین و به‌روز رسانی مستمر قانون تجارت و کسب‌وکار الکترونیک در کشور	عدم به‌روز رسانی مستمر قانون تجارت و کسب‌وکار الکترونیک در کشور	۱۹

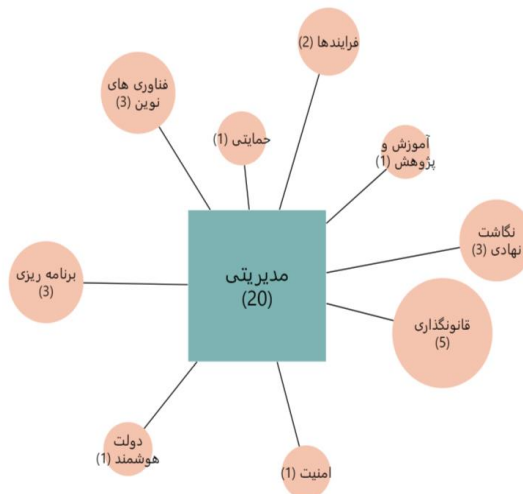
جدول ۲: نمایی از شکل‌گیری مضامین مصاحبه با خبرگان

شماره ریسک	مضامین پایه (عنوان ریسک‌ها)	مضامین مصاحبه خبرگان	متن سند	سند
۱۶	عدم تدوین یک سند لازم‌الاجرا برای شفاف‌سازی نقش‌های نهادی همگرا در حوزه اقتصاد دیجیتال	<p>خبره ۲: تضاد منافع اپراتورهای زیرساختی</p> <p>خبره ۸: فناوری اطلاعات، تسهیلگر و نه راهبر</p> <p>خبره ۸: تفکیک نظارت و اجرا</p> <p>خبره ۷: عدم وجود قوانین برای ایجاد رقابت و عدم ایجاد انحصار</p> <p>خبره ۳: دخالت دولت در اجرای توسعه اقتصاد دیجیتال</p> <p>عدم تصویب مقررات لازم، اجرای کند و عدم نظارت</p> <p>خبره ۴: مشخص نبودن نقش نهادها و نداشتن ضمانت اجرایی برای عدم اجرای قانون و ترک فعل‌های لازم</p>	<p>افزایش سهم اقتصاد رقومی از تولید ناخالص ملی، اقدامات زیر انجام می‌گیرد:</p> <p>الف) وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است با مشارکت سازمان و همکاری وزارتخانه‌های امور اقتصاد و دارایی، صنعت، معدن و تجارت و معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور «سند ملی توسعه اقتصاد رقومی (دیجیتال) کشور» را با در نظر گرفتن نگاهت نهادی آن، با رعایت «سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی» مصوب شورای عالی فضای مجازی، ظرف مدت ۶ ماه پس از ابلاغ برنامه، تهیه و به تصویب هیئت‌وزیران برساند.</p>	ماده ۴۴ برنامه هفتم توسعه
۳۷	نقص در تنظیمات و قوانین مربوط به خرید اعتباری و انتقال وجه	<p>خبره ۲: مشکلاتی مانند محدودیت‌ها در انتقال وجوه بین‌المللی، محدودیت‌ها در انتقال سریع و ایمن وجوه و همچنین نبود پلتفرم‌های پرداخت آنلاین قوی و قابل اعتماد موجب شده است که سرمایه‌گذاران در حوزه اقتصاد دیجیتال ایران تردید داشته باشند. این مشکلات مالی و بانکی می‌توانند جذب سرمایه‌گذاری را در این حوزه دچار چالش کنند.</p>	<p>وزارت ارتباطات و اطلاعات موظف است با مشارکت و سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی از طریق سازمان توسعه‌ای زیرمجموعه خود به نسبت به تأمین زیرساخت‌های لازم توسعه اقتصاد رقومی اعم از ارتباطی و اطلاعاتی (ابری) ذخیره‌سازی و پردازش سریع اقدام کند.</p>	ماده ۴۴ برنامه هفتم توسعه

گام دوم روش تحلیل مضمون: در این مرحله، تشریح و تفسیر متن از طریق ترسیم شبکه مضامین و سپس تحلیل و تدقیق مضامین انجام شده است.



شکل ۵: شبکه مضامین (با تعداد مضامین)



شکل ۶: نمای نزدیک تر شبکه مضامین مدیریتی (با تعداد مضامین)

گام سوم تحلیل مضمون: در مرحله آخر تحلیل مضمون و پس از حصول اشباع نظری مطابق جدول زیر، گزارش نهایی یافته‌ها فراهم می‌شود که در بخش یافته‌های پژوهش آمده است.

جدول ۳: اشباع نظری

شماره مصاحبه	تعداد کل مفاهیم تولید شده	تعداد مفاهیم جدید (نسبت به مفاهیم حاصل از اسناد)
۱	۷	۱
۲	۱۵	۴
۳	۵	۱
۴	۴	۱
۵	۱	۰
۶	۳	۰
۷	۵	۱
۸	۸	۰
۹	۲	۰
۱۰	۸	۰
۱۱	۶	۰
۱۲	۴	۰
۱۳	۳	۰
۱۴	۳	۰
۱۵	۴	۰
مجموع	۷۸	۸

در اولین مصاحبه، یک ریسک جدید؛ در دومین مصاحبه، چهار ریسک جدید؛ در مصاحبه‌های سوم، چهارم و هفتم، هرکدام یک ریسک جدید نسبت به ریسک‌های موجود در اسناد، شناسایی شدند. از مصاحبه هشتم به بعد، تلاش برای شناسایی ریسک جدید، بی‌حاصل بود. با این حال، به‌منظور اطمینان از دقت، مصاحبه با کارشناسان و افراد با تجربه، بدون نتیجه، ادامه یافت و در مجموع ۸ ریسک جدید نسبت به ۹۴ مفهوم حاصل از اسناد شناسایی شدند. سرانجام در مصاحبه پانزدهم، دستیابی به اشباع نظری محرز و مصاحبه‌ها متوقف شد.

## ۲-۲. گردآوری داده‌ها در بخش کیفی

در بخش کمی پژوهش، از مصاحبه ساختار یافته با خبرگان فناوری اطلاعات و ارتباطات برای گردآوری داده‌ها و از روش OPA برای رتبه‌بندی گزینه‌ها استفاده شده است.

به منظور تعیین میزان اولویت ریسک‌های شناسایی شده در بخش کیفی، پرسش‌نامه ساختاریافته به صورت حضوری یا ایمیلی، در اختیار هر خبره قرار گرفت تا هر خبره میزان اولویت هر گزینه را درج نماید. پرسش‌نامه شامل مجموعه‌ای از سؤالات استاندارد و شامل ۱۰ قسمت مساوی با مقیاس فاصله‌ای لیکرت، برای اولویت خیلی کم تا خیلی زیاد برای هر ریسک، بوده است. جامعه پژوهشی این تحقیق، خبرگان حوزه فناوری اطلاعات بوده و نمونه پژوهشی، ۱۵ خبره دارای حداقل ۳ سال تجربه در مشاغل مدیریتی و دارای تحصیلات فناوری اطلاعات و ارتباطات، به صورت تصادفی ساده، انتخاب شده‌اند. سپس با استفاده از نتایج پرسش‌نامه‌ها و با بهره‌گیری از نرم‌افزار روش OPA، رتبه‌بندی ریسک‌ها انجام شده است.

## ۲-۱-۲. تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کمی

OPA یا رویکرد اولویت‌ترتیبی، یک روش تصمیم‌گیری چندمعیاره (MCDM) برای تعیین اولویت معیارها و گزینه‌ها است.

گام اول روش OPA: در این مرحله می‌بایست خبره و یا خبره‌ها شناسایی شوند و رتبه هر خبره توسط تحلیلگر مشخص شود. در این مرحله بر اساس سه شاخص سمت، سنوات و تحصیلات، رتبه خبرگان تعیین شده است.

جدول ۴: وضعیت خبرگان در بخش کمی

رتبه	جنسیت	سمت	سنوات در همراه اول	تحصیلات
۱	مرد	مشاور تخصصی	۵	دکتری
۲	مرد	مدیر عالی	۳۰	فوق لیسانس
۳	مرد	مشاور تخصصی	۳	فوق لیسانس
۴	مرد	مدیر میانی	۲۴	فوق لیسانس
۵	مرد	مدیر عالی	۲۵	دکتری
۶	زن	مدیر میانی	۲۳	فوق لیسانس
۷	مرد	مدیر عالی	۵	دکتری
۸	زن	مدیر میانی	۲۲	دکتری
۹	مرد	مدیر عالی	۲۲	فوق لیسانس
۱۰	مرد	مدیر عالی	۱۸	دکتری
۱۱	مرد	مدیر عالی	۹	دکتری
۱۲	مرد	مدیر میانی	۲۳	فوق لیسانس
۱۳	مرد	مشاور	۲۶	فوق لیسانس
۱۴	مرد	مشاور	۳۰	فوق لیسانس
۱۵	زن	مدیر میانی	۲۲	فوق لیسانس

گام دوم روش OPA: در این مرحله می‌بایست معیارها مشخص شوند و سپس توسط هر خبره اولویت‌بندی شوند. معیارها در این پژوهش، ۶ مضمون فراگیر حاصل از بخش کیفی هستند.

جدول ۵: رتبه‌بندی معیارها توسط ۱۵ خبره

مضمین فراگیر (معیارها)	خبره ۱	خبره ۲	خبره ۳	خبره ۴	خبره ۵	خبره ۶	خبره ۷	خبره ۸	خبره ۹	خبره ۱۰	خبره ۱۱	خبره ۱۲	خبره ۱۳	خبره ۱۴	خبره ۱۵
مدیریتی	۳	۱	۱	۲	۴	۲	۲	۴	۱	۱	۳	۲	۱	۲	۵
مالی و اقتصادی	۴	۳	۵	۶	۵	۳	۶	۲	۲	۴	۲	۴	۲	۱	۱
فرهنگی	۵	۶	۴	۴	۳	۲	۱	۶	۲	۲	۱	۵	۶	۵	۴
زیرساخت	۲	۲	۳	۵	۴	۱	۳	۳	۳	۵	۵	۱	۲	۳	۳
دینفعه	۶	۴	۶	۲	۱	۳	۱	۶	۳	۳	۳	۵	۱	۴	۲
امنیتی	۱	۵	۲	۳	۶	۶	۶	۵	۵	۶	۶	۲	۴	۶	۶

گام سوم روش OPA: در این مرحله می‌بایست گزینه‌ها تعیین شوند و سپس گزینه‌ها در هر معیار، توسط هر خبره اولویت‌بندی شوند. گزینه‌ها در این پژوهش، ۱۷ مضمون سازمان دهنده حاصل از بخش کیفی می‌باشند.

جدول ۶: رتبه‌بندی گزینه‌ها توسط ۱۵ خبره

مضمین سازمان دهنده (گزینه‌ها)	خبره ۱	خبره ۲	خبره ۳	خبره ۴	خبره ۵	خبره ۶	خبره ۷	خبره ۸	خبره ۹	خبره ۱۰	خبره ۱۱	خبره ۱۲	خبره ۱۳	خبره ۱۴	خبره ۱۵
نگاشت نهادی	۳	۱	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱
مدیریت هزینه	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
قانونگذاری	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۵	۵	۵	۴	۴
فیسوری	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
ترافیک داخلی	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
فناوری	۶	۶	۶	۶	۷	۷	۶	۷	۷	۷	۷	۶	۶	۶	۶
های نوین	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۸	۹	۸	۸	۸	۸	۶	۹	۹
حمایتی	۶	۹	۹	۹	۹	۸	۶	۶	۶	۶	۶	۸	۶	۹	۹
زیرساخت	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
فرايندها	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۵
تجارت بین الملل	۱	۲	۲	۱	۲	۱	۲	۲	۱	۲	۲	۲	۲	۳	۳
آموزش و پژوهش	۸	۷	۷	۸	۷	۹	۹	۹	۷	۸	۸	۷	۷	۷	۷
دولت هوشمند	۹	۸	۸	۹	۸	۹	۸	۷	۹	۹	۹	۸	۸	۸	۷
امنیت	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
بومی سازی	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
برنامه ریزی	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۲	۳	۳	۳	۳	۵	۳
تعرفه ها	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
فرهنگسازی	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰

گام چهارم: مدل برنامه‌ریزی خطی مربوط می‌بایست تشکیل و توسط نرم‌افزار بهینه‌سازی حل شود.

*Max*  $Z$

*S. t.*

$$Z \leq r_i \left( r_j (r_k (w_{ijk}^{r_k} - w_{ijk}^{r_k+1})) \right) \quad \forall i, j \text{ and } r_k$$

$$Z \leq r_i r_j r_m w_{ijk}^{r_m} \quad \forall i, j \text{ and } r_m$$

$$\sum_{i=1}^p \sum_{j=1}^n \sum_{k=1}^m w_{ijk} = 1$$

$$w_{ijk} \geq 0 \quad \forall i, j \text{ and } k$$

$Z$  : *Unrestricted in sign*

در مدل بالا،  $r_i$  بیانگر رتبه خبره  $i$  ام،  $r_j$  بیانگر رتبه معیار  $j$ ،  $r_k$  بیانگر رتبه گزینه  $k$  ام (در محدودیت دوم،  $r_m$  بیانگر رتبه گزینه آخر)،  $w_{ijk}$  بیانگر وزن گزینه  $k$  ام در معیار  $j$  ام توسط خبره  $i$  ام است.

به منظور برقراری مدل برنامه‌ریزی خطی، از نرم‌افزار OPA Solver در سایت <https://ordinalpriorityapproach.com> استفاده شده است.

گام پنجم: بعد از حل مدل، به ترتیب وزن گزینه‌ها، معیارها و خبره‌ها، از طریق محاسبات زیر به دست می‌آیند:

$$W_k = \sum_{i=1}^p \sum_{j=1}^n W_{ijk} \quad \forall k$$

$$W_j = \sum_{i=1}^p \sum_{k=1}^m W_{ijk} \quad \forall j$$

$$W_i = \sum_{j=1}^n \sum_{k=1}^m W_{ijk} \quad \forall i$$

با استفاده از نرم‌افزار OPA Solver در سایت <https://ordinalpriorityapproach.com> محاسبات انجام و یافته‌ها حاصل شده است.

وزن هریک از خبرگان ۱ تا ۱۵ به صورت زیر حاصل شده است:

جدول ۷: وزن هر خبره با روش OPA

وزن OPA	خبره
۰,۲۸۸۳۷۰	خبره ۱
۰,۱۵۹۰۷۳	خبره ۲
۰,۱۰۷۰۴۹	خبره ۳
۰,۰۸۱۶۰۸	خبره ۴
۰,۰۵۸۰۷۹	خبره ۵
۰,۰۴۷۲۶۹	خبره ۶
۰,۰۴۴۴۸۵	خبره ۷
۰,۰۳۵۴۵۵	خبره ۸
۰,۰۳۳۷۴۹	خبره ۹
۰,۰۲۹۸۷۸	خبره ۱۰
۰,۰۲۶۰۴۶	خبره ۱۱
۰,۰۲۵۷۳۸	خبره ۱۲
۰,۰۲۳۳۵۱	خبره ۱۳
۰,۰۲۱۱۶۵	خبره ۱۴
۰,۰۱۸۶۸۴	خبره ۱۵

وزن هریک از معیارها (مضامین فراگیر ۶ گانه) به صورت زیر حاصل شده است:

جدول ۸: وزن هر معیار (مضمون فراگیر) با روش OPA

وزن OPA	مضامین فراگیر: کلان ریسک	ردیف
۰,۲۹۹۳۶۳	مدیریتی	۱
۰,۱۸۲۳۴۴	فنی و فناوری	۲
۰,۱۷۶۶۵۲	امنیتی	۳
۰,۱۴۳۳۸۹	ذینفعان	۴
۰,۱۰۲۴۵۳	مالی و اقتصادی	۵

۰,۰۹۵۷۹۹	فرهنگی	۶
----------	--------	---

همچنین وزن هر یک از گزینه‌ها (مضامین سازمان‌دهنده ۱۸ گانه) به صورت زیر است:

جدول ۹: وزن هر گزینه (مضمون سازمان‌دهنده) با روش OPA

ردیف	مضامین سازمان‌دهنده: شاخه ریسک	وزن OPA
۱	نگاشت نهادی	۰,۱۰۶
۲	حمایتی	۰,۰۹۲
۳	تجارت بین‌الملل	۰,۰۸۲
۴	زیرساخت	۰,۰۷۴
۵	فرایندها	۰,۰۷۱
۶	بومی‌سازی	۰,۰۶۵
۷	دولت هوشمند	۰,۰۵۳
۸	برنامه‌ریزی	۰,۰۵۲
۹	امنیت	۰,۰۵
۱۰	آموزش و پژوهش	۰,۰۵
۱۱	آموزش و فرهنگ‌سازی	۰,۰۴۹
۱۲	فیبر نوری	۰,۰۴۵
۱۳	قانون‌گذاری	۰,۰۴۲
۱۴	پوشش روستایی	۰,۰۳۷
۱۵	فناوری‌های نوین	۰,۰۳۴
۱۶	سهام ترافیک داخلی	۰,۰۳۳
۱۷	تعرفه‌ها	۰,۰۳۱
۱۸	مدیریت هزینه	۰,۰۳

### ۳. یافته‌ها و نتایج پژوهش

سؤال اول پژوهش: ریسک‌های مدیریتی حکمرانی تنظیمگرانه اقتصاد دیجیتال در بخش فناوری اطلاعات کدامند؟

یافته‌های حاصل از تحقیق با چهارچوب مفهومی حاصل از مطالعات پیشین ادبیات نظری، مؤید یکدیگر می‌باشند. ۶ مضمون فراگیر شناسایی شده به ترتیب رتبه، مدیریتی، فنی و فناوری، امنیتی، ذی‌نفعان، مالی و اقتصادی و فرهنگی می‌باشند که

ریسک‌های مدیریتی از نظر رتبه دارای بیشترین اهمیت هستند. مضامین مدیریتی به مجموعه برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت و کنترل منابع فناوری اطلاعات در سطح کشور اشاره دارند. ۹ مضمون سازمان‌دهنده در مضمون فراگیر مدیریتی، به ترتیب رتبه، به صورت زیر می‌باشند:

۱. نگاهت نهادی: فرایندی که در آن نقشه‌ای از تعاملات نهادهای دولت، سازمان‌های غیرانتفاعی و جامعه ترسیم می‌شود.
۲. حمایتی: سیاست‌ها و اقدامات نهادهای دولتی که برای تقویت و توسعه زیرساخت‌ها و خدمات فناوری اطلاعات اتخاذ می‌شوند.
۳. فرایندها: اقدامات سازمان‌یافته که برای تحقق اهداف ملی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات طرح و اجرا می‌شوند.
۴. دولت هوشمند: استفاده از فناوری اطلاعات که برای بهبود خدمات دولتی و تسهیل ارتباط شهروندان و دولت انجام می‌شود.
۵. برنامه‌ریزی: برنامه‌ها و استراتژی‌هایی که در راستای توسعه، ارتقا و بهبود امور ارتباطاتی و اطلاعاتی اتخاذ می‌شوند.
۶. امنیتی: استراتژی‌هایی که به منظور حفظ اطلاعات و زیرساخت‌های مهم در برابر تهدیدات سایبری و نقض داده‌ها اتخاذ می‌شوند.
۷. آموزش و پژوهش: برنامه‌های آموزشی و پروژه‌های تحقیقاتی که برای کشف و بهبود فناوری اطلاعات انجام می‌شوند.
۸. قانون‌گذاری: قوانین و مقررات ملی که به منظور تنظیم و راهبری فعالیت‌های فناوری اطلاعات تدوین می‌شوند.
۹. فناوری‌های نوین: فناوری و ابزارهای جدید که در حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات ظاهر شده‌اند.

تعداد ۲۰ ریسک مدیریتی برای حکمرانی تنظیم‌گرانه اقتصاد دیجیتال در بخش فناوری اطلاعات، با روش تحلیل مضمون، شناسایی و فهرست شده‌اند (جدول ۱۰).  
سؤال دوم پژوهش: رتبه‌بندی در ریسک‌های مدیریتی حکمرانی تنظیم‌گرانه اقتصاد دیجیتال چگونه است؟

با استفاده از وزن گزینه (مضمون سازمان‌دهنده) و وزن معیار (مضمون فراگیر) حاصل از روش OPA برای هر ریسک، وزن اهمیت هر ریسک حاصل شده و بر مبنای آن رتبه‌بندی انجام شده است (جدول ۱۰).

جدول ۱۰: فهرست و رتبه‌بندی ریسک‌های مدیریتی حکمرانی تنظیم‌گرانه اقتصاد دیجیتال در بخش فناوری اطلاعات

رتبه	مضامین پایه: ریسک‌های حکمرانی تنظیم‌گرانه اقتصاد دیجیتال در بخش فناوری اطلاعات	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۱	ضعف دانش و آموزش در بین رهبران و مدیران در ارتباط با چشم‌انداز، تهدیدها و فرصت‌های فناوری‌های نوین	حمایتی	مدیریتی
۲	عدم تدوین یک سند لازم‌الاجرا برای شفاف‌سازی نقش‌های نهادی همگرا	نگاشت نهادی	مدیریتی
۳	تعدد مراکز تصمیم‌گیری و فقدان تنظیمگری واحد در اقتصاد دیجیتال	نگاشت نهادی	مدیریتی
۴	نبود نهاد رگولاتوری معین برای برخی محصولات نوین فناوری اطلاعات	نگاشت نهادی	مدیریتی
۵	نبود زیرساخت‌های داده، سامانه و فرهنگ سازمانی تحول دیجیتال در بخش‌های غیر از فناوری اطلاعات	برنامه‌ریزی	مدیریتی
۶	عدم توسعه ساختارها و فرایندهای دیجیتال برای ارائه خدمات به شهروندان و کسب‌وکارها	فرایندها	مدیریتی
۷	عدم وجود قوانین و اجرا برای حقوق مالکیت فکری و مؤلف	امنیت	مدیریتی
۸	فقدان استراتژی یکپارچه، انعطاف‌پذیر و سریع در پیشرفت‌های جدید فناوری اطلاعات	فناوری‌های نوین	مدیریتی
۹	فقدان برنامه برای مسائل مربوط به حفظ حریم شخصی، امنیت داده و اخلاق هوش مصنوعی	برنامه‌ریزی	مدیریتی
۱۰	نبود هدف‌گذاری مشخص و روشن برای شاخص‌های ملی و جهانی دولت الکترونیک	دولت هوشمند	مدیریتی
۱۱	ضعف در کمی‌سازی اقتصاد دیجیتال و در نتیجه اختلال در نظارت و مقایسه تطبیقی	آموزش و پژوهش	مدیریتی
۱۲	عدم به‌روز رسانی مستمر قانون تجارت و کسب‌وکار الکترونیک در کشور	قانون‌گذاری	مدیریتی
۱۳	عدم شفافیت مواضع و قوانین در فناوری‌های جدید (امضای الکترونیک، انتقال داده، اینترنت اشیا و ...)	فناوری‌های نوین	مدیریتی
۱۴	خلأ برنامه برای تجارت الکترونیک جهانی و منطقه‌ای به‌ویژه با کشورهای هم‌تحریم	برنامه‌ریزی	مدیریتی
۱۵	کندی در نظارت هیئت‌وزیران بر برنامه اقتصاد رقومی در دستگاه‌های اجرایی به دلیل سلسله‌مراتب پیچیده	فرایندها	مدیریتی

رتبه	مضامین پایه: ریسک‌های حکمرانی تنظیم‌گرانه اقتصاد دیجیتال در بخش فناوری اطلاعات	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۱۶	سستی در قوانین تبلیغات، مسابقات آنلاین و قراردادهای الکترونیکی	قانون‌گذاری	مدیریتی
۱۷	تأخیر در تصویب سند ملی توسعه اقتصاد رقومی توسط هیئت‌وزیران	قانون‌گذاری	مدیریتی
۱۸	فقدان ضوابط و معیارهای یکسان در نهادها و مؤسسات دولتی جهت عرضه خدمات	قانون‌گذاری	مدیریتی
۱۹	عدم برنامه‌ریزی برای تهدیدها و فرصت‌های هوش مصنوعی	فناوری‌های نوین	مدیریتی
۲۰	نقص قوانین مزایده و مناقصه برای خدمات رایانش ابری در سامانه‌های دولت	قانون‌گذاری	مدیریتی

مقایسه تطبیقی نشان می‌دهد، عموم ریسک‌های شناسایی‌شده، چالش‌های مشترک اصلی در بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی هستند، گرچه ریسک‌های ۱۵ و ۱۷، «کندی در نظارت دولتی» و «تأخیر در تصویب سند ملی»، مشکلات کوتاه‌مدت داخلی محسوب می‌شوند.

### پیشنهاد‌های کاربردی

سؤال سوم پژوهش: چگونه می‌توان ریسک‌های مدیریتی حکمرانی تنظیم‌گرانه اقتصاد دیجیتال را مدیریت نمود؟

هدف اصلی این تحقیق، شناسایی، دسته‌بندی و اولویت‌بندی ریسک‌های مدیریتی در حکمرانی تنظیم‌گرانه اقتصاد دیجیتال در بخش فناوری اطلاعات ایران و سپس ارائه پاسخ مناسب به ریسک‌های اصلی بوده است. به‌منظور دستیابی به هدف پژوهش، در بخش کیفی، گردآوری داده‌ها به شیوه تحلیل اسناد قانونی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ خبره بخش فناوری اطلاعات و تا رسیدن به اشباع نظری انجام شد. همچنین در بخش کیفی، روش تحلیل مضمون برای شناسایی و دسته‌بندی ریسک‌های حکمرانی تنظیم‌گرانه اقتصاد دیجیتال استفاده شد. سپس در بخش کمی پژوهش، به‌منظور رتبه‌بندی ریسک‌ها، مصاحبه ساختاریافته با ۱۵ خبره و روش OPA، از مجموعه روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره (MCDM)، استفاده شد. و به این ترتیب تعداد ۲۰ ریسک شناسایی، دسته‌بندی و رتبه‌بندی شد و برای ۱۰ ریسک اصلی و نخست، پیشنهاد اقدامات مناسب دولت، بخش خصوصی و جامعه تدوین گردید. نتایج

این پژوهش، به‌عنوان راهنما برای تصمیم‌سازی‌های مؤثرتر در بخش دولتی، بخش خصوصی و جامعه، به‌ویژه برای سیاست‌گذاران و مدیران در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات ارائه می‌شود.

این پژوهش، به دلیل تمرکز بر منشأ مدیریتی ریسک‌های حکمرانی تنظیم‌گرانه در بخش فناوری اطلاعات، شناسایی ریسک‌ها برای همه بازیگران دولتی، خصوصی و اجتماعی اقتصاد دیجیتال، جامعیت مراحل مدیریت ریسک از شناسایی، ارزیابی و رتبه‌بندی تا پیشنهاد راهبردهای مقابله با ریسک‌ها با در نظر گرفتن نقش مجموعه‌ای از ذی‌نفعان حکمرانی فناوری اطلاعات شامل دولت، بخش خصوصی و جامعه برای مقابله با ریسک و نیز تناسب با شرایط بومی و داخلی، متمایز است.

برای پژوهش‌های آینده، مطالعه پیوست‌های فرهنگی برای پاسخ به ریسک‌ها، ارزیابی موشکافانه و جداگانه هر دسته از شاخه ریسک‌ها (مضامین سازمان دهنده) و نیز هر دسته از ریسک‌های کلان (مضامین فراگیر) این پژوهش، به‌عنوان دسته‌هایی از ریسک اقتصاد دیجیتال و ارائه پیشنهادهای کاربردی با در نظر گرفتن نقاط گره در هر پورتفولیو پیشنهاد می‌شود.

در این قسمت، ۱۰ ریسک اصلی مدیریتی ارائه و سیاست‌های مناسب دولت، اقدامات مناسب بخش خصوصی و اقدامات مناسب جامعه پیشنهاد می‌شوند. تناسب راهکار پاسخ به ریسک‌ها، با سه معیار جامعیت، قابلیت اجرا و تناسب با نیازهای بومی، مورد ارزیابی و ارائه قرار گرفته‌اند.

### ریسک ۱: نبود دانش کافی در بین رهبران و مدیران در ارتباط با چشم‌انداز، تهدیدها و فرصت‌های فناوری‌های نوین

عدم آگاهی از تحولات دیجیتال توسط مسئولین، آگاهی اندک مدیران و جدید بودن اقتصاد رقومی، کم‌تجربگی و عدم اشراف به آینده اقتصاد رقومی و استفاده محدود از مشاوره افراد خبره، تأخیر در تصمیمات کلیدی در خصوص فناوری‌های تحول‌آفرین، ناهم‌سویی در دیدگاه سیاست‌گذاران فناوری‌های تحول دیجیتال، عدم چابکی و به‌روز نبودن قوانین و مقررات به‌ویژه قوانین حمایتی اقتصاد دیجیتال، از جمله چالش‌های بخش فناوری اطلاعات هستند.

#### سیاست‌های پیشنهادی برای دولت

۱. آموزش و آگاهی‌بخشی: آموزش در سطوح کلان حاکمیتی تا سطح فردی، آگاهی بخشی در مورد فرصت‌ها و چالش‌های هویت دیجیتال.

۲. تشکیل تیم‌های تخصصی: ایجاد تیم‌های تخصصی در دولت برای پیگیری مسائل مرتبط با فناوری‌های نوین، تهدیدها و فرصت‌ها.
۳. همکاری با دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی: همکاری با دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی برای بهره‌برداری از تخصص‌ها و تحقیقات فناوری‌های نوین.
۴. توسعه استراتژی‌های ملی: تدوین استراتژی‌های ملی برای بهره‌برداری از فناوری‌های نوین و مقابله با تهدیدها.

#### اقدامات مناسب بخش خصوصی

۱. توسعه خدمات دیجیتال: ارائه و معرفی خدمات دیجیتال و دستاوردهای فناوری‌های نوین به‌ویژه برای رهبران
۲. آگاهی‌بخشی و آموزش: آگاهی‌بخشی و معرفی تهدیدها و فرصت‌های فناوری‌های نوین، ارائه آموزش‌های مرتبط به مدیران و رهبران.
۳. همکاری با دولت و صنعت: همکاری با دولت و صنعت برای تدوین استراتژی‌ها و راهکارهای مشترک جهت بهره‌برداری از فناوری‌های نوین.

#### اقدامات مناسب جامعه:

۱. ترویج آگاهی در مورد فناوری‌های نوین و تأثیرات آن‌ها بر اقتصاد، اجتماع و محیط‌زیست.
۲. ارائه دوره‌های آموزشی توسط بخش خصوصی به مدیران و کارکنان درباره استفاده بهینه از این فناوری‌ها.

### ریسک ۲: عدم تدوین سند لازم‌الاجرا برای شفاف‌سازی نقش‌های نهادی همگرا در اقتصاد دیجیتال

به‌طور کلی، ایجاد یک سند لازم‌الاجرا برای شفاف‌سازی نقش‌های نهادی همگرا در حوزه اقتصاد دیجیتال از سوی دولت، می‌تواند به تحقق شفافیت و کاهش فساد کمک کند. این سند می‌تواند شامل نقش‌ها، مسئولیت‌ها، فرایندها و تصمیم‌گیری‌ها در حوزه اقتصاد دیجیتال باشد.

#### سیاست‌های پیشنهادی برای دولت

۱. تدوین دقیق نقش‌ها و مسئولیت‌های اقتصاد دیجیتال در سند ملی تحول دیجیتال به‌منظور شفاف‌سازی و هماهنگی.
۲. تعیین اولویت‌ها در اقتصاد دیجیتال در سند ملی تحول دیجیتال برای تسهیل در تصمیم‌گیری‌ها و تخصیص منابع.

۳. تشکیل کمیته‌ها و کارگروه‌های متخصص در سند ملی تحول دیجیتال برای پیگیری و اجرای نقش‌ها.

۴. تعیین معیارها و شاخص‌ها در سند ملی تحول دیجیتال برای اندازه‌گیری عملکرد نهادها در اقتصاد دیجیتال.

#### اقدامات مناسب بخش خصوصی

۱. همکاری در تدوین سیاست‌ها و استراتژی‌های اقتصاد دیجیتال.

۲. اعلام ظرفیت برای ترویج نوآوری و فناوری‌های نوین.

۳. اعلام ظرفیت برای حمایت از استارت‌آپ‌ها و کارآفرینان.

#### اقدامات مناسب مردم

۱. اطلاع‌رسانی درباره اهمیت اقتصاد دیجیتال و تشویق به استفاده از فناوری‌های نوین.

۲. مشارکت در تدوین استراتژی‌ها و همفکری با نهادهای مرتبط برای توسعه اقتصاد دیجیتال.

#### ریسک ۳: نعدد مراکز تصمیم‌گیری و فقدان تنظیمگر واحد در اقتصاد دیجیتال

تعدد تنظیمگری برای حوزه اقتصاد دیجیتال، باعث ابهامات درباره حقوق و وظایف سرمایه‌گذاران و کسب‌وکارهای دیجیتالی می‌شود و می‌تواند مانع جذب سرمایه‌گذاری شود.

#### سیاست‌های پیشنهادی برای دولت

۱. تعیین نهاد مسئول: این نهاد باید دارای قدرت‌ها و منابع لازم باشد تا وظایف خود را به خوبی انجام دهد.

۲. هماهنگی نهادها: هماهنگی نهادها از طریق جلسات مشترک، تبادل اطلاعات و همکاری در تصمیم‌گیری‌ها باشند.

۳. تعیین مسئولیت‌ها و نقش‌ها: هر نهاد باید دارای مسئولیت‌های مشخص و قابل اندازه‌گیری باشد.

۴. توسعه زیرساخت‌ها: ایجاد منابع مالی، انسانی و فیزیکی، می‌تواند به بهبود عملکردها کمک کند.

۵. اطلاع‌رسانی: اطلاع‌رسانی در مورد نقش‌ها، مسئولیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند به افزایش شفافیت کمک کند.

#### اقدامات مناسب بخش خصوصی

۱. توسعه زیرساخت‌ها: می‌توانند در توسعه زیرساخت‌ها، از جمله شبکه 5G، فیبر نوری و مراکز داده سرمایه‌گذاری کنند.

۲. جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها: به‌منظور بهینه‌سازی و ارائه خدمات ویژه، داده‌های رفتار کاربران و عملکرد شبکه را جمع‌آوری و تحلیل نمایند.

#### اقدامات مناسب جامعه

۱. آگاهی‌افزایی: با مطالعه و آگاهی از مفاهیم اقتصاد دیجیتال، نظرات خود را به سیاست‌گذاران ارائه دهند.
۲. مشارکت: با شرکت در نشست‌ها و گروه‌های کاری اقتصاد دیجیتال و ارائه پیشنهاد به وحدت نهادی کمک کند.

#### ریسک ۴: نبود نهاد رگولاتوری معین برای محصولات نوین فناوری اطلاعات

بدون نهاد رگولاتوری معین، تصمیم‌گیری‌ها در مورد محصولات فناوری اطلاعات ممکن است پراکنده و تداخلی باشند. این موضوع می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی و عدم شفافیت در بازار منجر شود. همچنین عدم وجود نهاد معین می‌تواند به تأخیر در تعیین تعرفه‌ها و مقررات مرتبط با محصولات فناوری اطلاعات و به‌کندی توسعه منجر شود.

#### سیاست‌های پیشنهادی برای دولت

۱. می‌تواند با تعیین مقررات و تنظیم‌گری فناوری‌های نوین شامل تعرفه‌ها، استانداردها و مقررات به توسعه اقتصادی کمک کند.
۲. می‌تواند با حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و توسعه فناوری‌های نوین شامل اعطای تسهیلات، تشویق به تحقیق و توسعه و ایجاد زیرساخت‌های لازم، به توسعه اقتصادی کمک کند.

#### اقدامات مناسب بخش خصوصی

۱. با ارزیابی عملکرد شبکه‌های ارتباطی، به تحقق کیفیت مناسب اینترنت از طریق پوشش شبکه و تعداد سایت‌های فعال 5G کمک کنند.
۲. با همکاری دولت و دانشگاه‌ها، مراکز نوآوری راه‌اندازی کنند. این مراکز به توسعه فناوری‌ها و ارتباط فضای آکادمیک با صنعت می‌انجامد.

#### اقدامات مناسب جامعه

۱. می‌توانند با شرکت در فرایند تعیین مقررات و قوانین مرتبط با فناوری‌های نوین، به تنظیم‌گری کمک کنند.

۲. می‌توانند با ارائه نیازها و مشکلات مرتبط با فناوری‌های نوین، به تنظیم‌گری در جهت حل مسائل اجتماعی کمک کنند.

### ریسک ۵: نبود زیرساخت‌های داده، سامانه و فرهنگ سازمانی مناسب در بخش‌های غیر از فناوری اطلاعات برای تحول دیجیتال

تحول دیجیتال به معنی ادغام فناوری‌های دیجیتال در تمامی جنبه‌های یک کشور است. بدون وجود زیرساخت‌های مناسب داده‌ای، اطلاعاتی که از بخش‌های مختلف جمع‌آوری می‌شود، ممکن است به صورت پراکنده و ناسازگار باشد که مانع از تجزیه و تحلیل دقیق داده‌ها برای تصمیم‌گیری بهتر خواهد شد. فرهنگ سازمانی مناسب برای تحول دیجیتال، مستلزم پذیرش و تمایل کارکنان و سازمان‌ها به یادگیری و استفاده از فناوری‌های جدید است. وقتی بخش‌های غیر از فناوری اطلاعات از سامانه‌های ناکارآمد استفاده کنند یا از دیجیتالی شدن فاصله داشته باشند، عملکرد کلی مختل می‌شود.

#### سیاست‌های پیشنهادی برای دولت

۱. زیرساخت‌های داده و سامانه: با زیرساخت‌های داده قوی، امکان تحلیل دقیق و اتخاذ تصمیم‌های مبتنی بر داده‌ها افزایش یابد.
۲. فرهنگ و آموزش سازمانی: تغییر در نگرش‌ها، رفتارها، ارزش‌ها و تمرکز بر همکاری، نوآوری و آموزش مهارت‌ها ایجاد شود.
۳. تغییرات ساختاری: تحول دیجیتال ممکن است نیازمند تغییرات در ساختار سازمانی، مسئولیت‌ها و فرایندها باشد.

#### اقدامات مناسب بخش خصوصی

۱. ساخت زیرساخت‌های شبکه: به ساخت و نگهداری زیرساخت‌های فیزیکی مانند شبکه‌های باند پهن و ارتقای آن‌ها بپردازند.
۲. ارائه خدمات مرتبط با داده و ابر: می‌توانند خدمات داده و مراکز داده شامل ذخیره‌سازی داده، پردازش، و مدیریت ابر را ارائه دهند.
۳. ترویج فرهنگ دیجیتال در سازمان‌ها: می‌توانند فرهنگ دیجیتال و فناوری‌های دیجیتال و ایجاد اعتماد به این فناوری‌ها را ترویج دهند.
۴. همکاری با دیگر نهادها: باید با دیگر نهادها، مانند دولت، دانشگاه‌ها و شرکت‌های فناوری، برای توسعه اقتصاد دیجیتال همکاری کنند.

### اقدامات مناسب جامعه

۱. آگاهی و آموزش: آگاهی از اهمیت فناوری اطلاعات و تأثیر آن بر اقتصاد دیجیتال و نیز آموزش استفاده از تکنولوژی‌های دیجیتال.
۲. ترویج فرهنگ داده‌محور: تشویق به تصمیم‌گیری بر اساس داده‌ها و اطلاعات و فرهنگ سازمانی داده‌محور.
۳. مشارکت در توسعه زیرساخت‌ها: حمایت از پروژه‌های زیرساختی و نیز مشارکت در توسعه سامانه‌های اطلاعاتی و فناوری اطلاعات.

### ریسک ۶: عدم توسعه ساختارها و فرایندهای دیجیتال برای ارائه خدمات به شهروندان و کسب‌وکارها

عدم توسعه ساختارها و فرایندهای دیجیتال برای ارائه خدمات به شهروندان و کسب‌وکارها می‌تواند به عواقب مختلفی مانند کارایی پایین، عدم توانایی در تطبیق با تغییرات، کاهش ارزش افزوده و عدم امنیت منجر شود.

#### سیاست‌های پیشنهادی برای دولت

۱. سیاست‌گذاری: تدوین سیاست‌ها و استراتژی‌های مشخص برای توسعه ساختارها و فرایندهای دیجیتال در سطح ملی و سازمانی.
۲. استفاده از منابع مالی: تخصیص منابع مالی مناسب برای پروژه‌های تحول دیجیتال و توسعه زیرساخت‌ها.
۳. ترویج آگاهی و آموزش: آموزش کارکنان و مدیران در زمینه تحول دیجیتال و اهمیت توسعه ساختارها.
۴. همکاری بین بخش‌ها: تعامل بین بخش‌های مختلف دولت و هماهنگی برای توسعه ساختارها و فرایندهای دیجیتال.

#### اقدامات مناسب بخش خصوصی

۱. توسعه زیرساخت‌های ارتباطی: ایجاد شبکه‌های پایدار و باند پهن که امکان انتقال سریع و مطمئن داده‌ها و ارتباطات را فراهم کند.
۲. ترویج آموزش و آگاهی در میان کاربران: برگزاری دوره‌های آموزشی برای کاربران در مورد استفاده از خدمات دیجیتال و امنیت آن‌ها.
۳. توسعه سیستم‌های مدیریت و تحویل خدمات الکترونیکی: ایجاد امکان ارتباط با دولت و امکان ارتباط با شهروندان.
۴. ترویج استفاده از خدمات الکترونیکی: تشویق به استفاده از خدمات دیجیتالی و ایجاد امکانات کاربرپسند برای استفاده از خدمات الکترونیکی.

۵. توسعه امنیت دیجیتال: ارتقای امنیت شبکه‌ها برای جلوگیری از حملات سایبری و نیز آموزش کاربران در مورد اقدامات امنیتی.

#### اقدامات مناسب جامعه

۱. آموزش دیجیتال: یادگیری در زمینه فناوری‌های دیجیتال، امنیت اینترنتی و استفاده از ابزارهای دیجیتال به توسعه ساختارها کمک می‌کند.
۲. مشارکت در توسعه محصولات و خدمات دیجیتال: مردم می‌توانند با ارائه نظرات، بازخوردها، و ایده‌ها به شرکت‌ها کمک کنند.
۳. استفاده از خدمات دیجیتال: استفاده فعال از خدمات دیجیتال، مانند خرید و پرداخت‌های الکترونیکی، باعث توسعه ساختارها می‌شود.

#### ریسک ۷: عدم وجود قوانین و اجرا برای حقوق مالکیت فکری و تألیف

چالش‌های شناسایی وضعیت مالکیت داده در نظام‌های حقوق مالکیت فکری، حقوق اسرار تجاری، حقوق حمایت از داده، حقوق قراردادهای و حقوق رقابت ضروری شده است. این مسئله می‌تواند جذب سرمایه‌گذاری را در حوزه اقتصاد دیجیتال تغییر دهد.

#### سیاست‌های پیشنهادی برای دولت

۱. تدوین قوانین و مقررات: تدوین قوانین مرتبط با حقوق مالکیت فکری و تطابق آن‌ها با اقتصاد دیجیتال.
۲. آگاهی‌بخشی و آموزش: آگاهی‌بخشی به جامعه در مورد حقوق مالکیت فکری و اهمیت آن در اقتصاد دیجیتال.
۳. تشکیل دادگاه‌های مختص حقوق مالکیت فکری: تشکیل دادگاه‌های متخصص برای حل اختلافات مرتبط با حقوق مالکیت فکری.

#### اقدامات مناسب بخش خصوصی

۱. مشاوره تخصصی: می‌توانند با مشاوره تخصصی به صاحبان مالکیت فکری در خصوص نحوه ثبت و بهره‌برداری از آن‌ها کمک کنند.
۲. ارزیابی قابلیت ثبت: با بررسی ایده‌ها، اختراعات و آثار، به صاحبان مالکیت فکری در مورد قابلیت ثبت ایده یا اثر مشاوره دهند.
۴. تهیه و تنظیم اسناد: در نگارش و تنظیم اسناد و مدارک لازم برای ثبت، به صاحب ایده یا اثر کمک کنند.

۵. مشاوره در خصوص قوانین و مقررات: به صاحب ایده یا اثر در خصوص حقوق و تعهدات خود مشاوره دهند.

۶. حل و فصل اختلافات: می‌توانند از طریق مذاکره و سازش یا طرح دعوی در مراجع قانونی، به حل و فصل اختلافات کمک کنند.

#### اقدامات مناسب جامعه

۱. آگاهی و آموزش: ترویج آگاهی و آموزش به کارآفرینان و کسب‌وکارها در مورد حقوق مالکیت فکری و نقش آن در اقتصاد دیجیتال.

۲. تشویق به تحقیق و توسعه: حمایت از تحقیقات در حوزه‌های مرتبط با حقوق مالکیت فکری، تشویق به توسعه نوآوری‌ها و اختراعات.

۳. ترویج فرهنگ مالکیت فکری: تشویق به محترم شمردن حقوق مالکیت فکری در جامعه، ترویج استفاده از محصولات اصیل و مجاز.

#### ریسک ۸: فقدان استراتژی یکپارچه، انعطاف‌پذیر و سریع در پیشرفت‌های جدید

##### فناوری اطلاعات

تحول دیجیتال به‌عنوان یک فرایند پیچیده و مهم در جهت بهبود عملکرد و افزایش توانمندی‌ها مورد توجه قرار گرفته است. برای موفقیت در تحول دیجیتال، نیاز به همکاری بین بخش‌های مختلف، سرمایه‌گذاری و هماهنگی در سطح کل است.

##### سیاست‌های پیشنهادی برای دولت

۱. تدوین سند ملی تحول دیجیتال: ایجاد یک سند ملی با هدف تعریف استراتژی‌ها، اهداف و راهبردهای تحول دیجیتال کشور.

۲. توسعه زیرساخت‌های فناوری: سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، از جمله شبکه‌ها، امنیت سایبری و اینترنت اشیا.

۳. ترویج فرهنگ دیجیتالی: ایجاد فرهنگ دیجیتالی در جامعه و آگاهی از مزایای استفاده از فناوری‌های نوین.

۴. همکاری با بخش خصوصی و دانشگاه‌ها: همکاری با شرکت‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی برای توسعه فناوری‌های نوین.

### اقدامات مناسب بخش خصوصی

۱. توسعه زیرساخت‌های ارتباطی: سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ارتباطی مانند شبکه‌ها، امنیت سایبری، ابر و اینترنت اشیا.
۲. ترویج استفاده از خدمات دیجیتال: تشویق استفاده از خدماتی مانند پرداخت‌های آنلاین، ارسال پیامک، وب‌گردی و خدمات مالی.
۳. توسعه نوآوری و خدمات جدید: ارائه خدمات جدید مبتنی بر فناوری‌های نوین مانند اینترنت اشیا، هوش مصنوعی و واقعیت مجازی.
۴. همکاری با دولت و صنایع دیگر: همکاری با دولت و صنایع دیگر برای توسعه فناوری‌ها و ایجاد اکوسیستم دیجیتال.

### اقدامات مناسب جامعه

۱. آگاهی‌زایی و آموزش: آگاهی بخشی افراد از مزایای تحول دیجیتال و آموزش مهارت‌ها برای استفاده اثربخش از فناوری‌های نوین.
۲. همکاری و تعامل: تشکیل گروه‌های کاری با دیگر اعضای جامعه، دانشگاه‌ها، شرکت‌ها برای تبادل تجربه و ایجاد اکوسیستم دیجیتال.
۳. ترویج استفاده از فناوری‌های نوین: تشویق به استفاده از ابزارها و سرویس‌های دیجیتالی در زندگی روزمره، اقتصاد و اداره کشور.

### ریسک ۹: فقدان برنامه برای مسائل مربوط به حفظ حریم شخصی، امنیت داده و اخلاق

#### هوش مصنوعی

برخی از مسائل حریم خصوصی در هوش مصنوعی عبارتند از: ذخیره‌سازی، جمع‌آوری و استفاده از داده‌ها، فناوری‌های بیومتریک و سنسورها و دستگاه‌های اینترنت اشیا. فقدان برنامه‌ریزی می‌تواند به نقض حریم خصوصی، افزایش خطرات امنیتی، تصمیم‌گیری ناعادلانه، و کاهش اعتماد عمومی منجر شود.

#### اقدامات مناسب دولت:

۱. تنظیم قوانین و مقررات: دولت‌ها می‌توانند قوانین و مقررات مرتبط با حفظ حریم خصوصی و استفاده اخلاقی از داده‌ها تدوین کنند.
۲. استانداردهای: تعیین استانداردهای اخلاقی و امنیتی برای توسعه و استفاده از هوش مصنوعی.

۳. نظارت و بازبینی: امکان نظارت بر پروژه‌های هوش مصنوعی برای اطمینان از رعایت اصول اخلاقی و حفظ حریم خصوصی.

۴. آموزش و آگاهی‌بخشی: آموزش کاربران، ذی‌نفعان و توسعه‌دهندگان درباره مسائل اخلاقی و امنیتی مرتبط با هوش مصنوعی.

#### اقدامات مناسب بخش خصوصی

۱. حفظ حریم خصوصی کاربران: حفظ اطلاعات کاربران، رعایت قوانین حریم خصوصی و رفع دسترسی غیرمجاز به اطلاعات کاربران.

۲. امنیت داده: استفاده از تدابیر قوی برای حفظ اطلاعات حساس کاربران، رعایت مقررات حفاظت از داده‌ها و رفع نقض امنیت داده‌ها.

۳. پذیرش اخلاقی هوش مصنوعی: تضمین شفافیت در استفاده از هوش مصنوعی و پاسخ‌گویی به کاربران.

#### اقدامات مناسب جامعه

۱. حفاظت از حریم خصوصی: رعایت قوانین حفاظت از حریم و اطلاعات شخصی، محدودسازی دسترسی و اخذ رضایت کاربران.

۲. امنیت داده‌ها: جلوگیری از سوءاستفاده از داده‌های شخصی با تدابیر امنیتی، توسعه قوانین سخت‌گیرانه‌تر برای محافظت از داده‌ها.

۳. شفافیت الگوریتم‌ها: توضیحات کافی در مورد عملکرد الگوریتم‌ها و رفتار آن‌ها، همچنین طراحی الگوریتم‌ها به گونه قابل درک و پیش‌بینی.

#### ریسک ۱۰: عدم یکپارچگی و برخط شدن سامانه‌های دولت برای خدمت به شهروندان و کسب‌وکارها

پنجره ملی خدمات دولت هوشمند یک پلتفرم ملی است که خدمات دولتی را به صورت یکپارچه، سریع و آسان به عموم مردم ارائه می‌دهد. عدم یکپارچگی می‌تواند باعث کاهش کارآمدی و بهره‌وری، ناهماهنگی و دوباره‌کاری، فساد و اشتباه در اطلاعات، کاهش شفافیت و پاسخ‌گویی، هزینه بالا در نگهداری و توسعه سامانه‌ها، نارضایتی و عدم اعتماد شهروندان، عدم چابکی در تصمیم‌گیری و اجرا شود.

#### سیاست‌های پیشنهادی برای دولت

۱. ایجاد یک پلتفرم یکپارچه دولتی: یک پلتفرم مرکزی و یکپارچه برای تبادل اطلاعات بین سامانه‌ها را فراهم کند.

۲. استانداردسازی داده‌ها و سیستم‌ها: اقدام به استانداردسازی داده‌ها و فناوری‌های اطلاعاتی کند.

۳. ارتقای امنیت سایبری: سیستم‌های امنیتی پیشرفته مانند رمزنگاری داده‌ها، احراز هویت چندمرحله‌ای را پیاده‌سازی کند.

۴. استفاده از داده‌های بزرگ و هوش مصنوعی: برای بهبود تصمیم‌گیری و ارائه خدمات بهتر به تحلیل داده‌های بزرگ و استفاده از هوش مصنوعی بپردازد.

۵. پایش و ارزیابی مستمر سامانه‌ها: به‌صورت مستمر سامانه‌های خود را از نظر کارایی، امنیت و کیفیت خدمات ارزیابی کند.

#### اقدامات مناسب بخش خصوصی

۱. ارتباط با مشتریان: می‌توانند به‌عنوان پلی بین دولت و شهروندان، اطلاعات خدمات دولتی و درخواست‌ها را با مشتریان حفظ کنند.

۲. آگاهی‌بخشی و آموزش: برای آموزش‌های مختصر در مورد چگونگی استفاده از سامانه‌های دولتی و حفظ حریم خصوصی می‌توانند مفید باشد.

۳. حمایت از احراز هویت: می‌توانند در احراز هویت مشتریان در سامانه‌های دولتی و جلوگیری از تقلب و سوءاستفاده نقش داشته باشند.

#### اقدامات مناسب جامعه

۱. آگاهی از سامانه‌ها: بازدید از سامانه‌های دولتی و آشنایی با خدمات ارائه شده، مطالعه دستورالعمل‌ها و راهنماهای هر سامانه.

۲. ارائه بازخورد: بازخورد به دولت، اشتراک‌گذاری نیازها، مشکلات و پیشنهادات با مسئولان مربوطه.

## References

- Adams, T. L. (2021). *Professional self-regulation and the public interest in Canada*. Presented at the ISA RC52 Interim Conference on Challenging Professionalism, The School of Economics and Management (ISEG), Lisbon, Portugal, November 29.
- Akter, S., & Wamba, S. F. (2016). *Big data analytics in e-commerce: A systematic review and agenda for future research*. *Electronic Markets*, 26(2), 173–194. <https://doi.org/10.1007/s12525-016-0236-2>
- Alston, M., & Bowles, W. (2018). *Research for social workers: An introduction to methods*, 30(3), p. 96. <https://doi.org/10.4324/9781003117094>
- Arendsen, R., Peters, O., Ter Hedde, M., & Van Dijk, J. (2014). *Does e-government reduce the administrative burden of businesses?* *Government Information Quarterly*, 31(1), 160–169. <https://doi.org/10.1016/j.giq.2013.09.003>
- Atkinson, R. D., & McKay, A. S. (2007). *Understanding the economic benefits of the information technology revolution*. The Information Technology and Innovation Foundation. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1004516>
- Baldwin, R., Cave, M., & Lodge, M. (2012). *Understanding regulation: Theory, strategy, and practice*. Oxford University Press. DOI: 10.4236/jmp.2016.79083
- Bauer, J. M., & Latzer, M. (2021). *Handbook on the economics of the internet*. Edward Elgar Publishing. <https://doi.org/10.4337/9781788979465>
- Black, J. (2006). *Managing regulatory risks and defining the parameters of blame: A focus on the Australian Prudential Regulation Authority*. *Law & Policy*, 28(1), 1–30. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9930.2006.00243.x>
- Black, J. (2010). *The role of risk in regulatory processes*. In: Baldwin, R., Cave, M. & Lodge, M. (Eds.), *The Oxford Handbook of Regulation* (p. 332). Oxford University Press. DOI:10.1093/oxfordhb/9780199560219.003.0014
- Braun, V., & Clarke, V. (2019). *Reflecting on reflexive thematic analysis*. *Qualitative Research in Sport, Exercise and Health*, 11(4), 589–597. <https://doi.org/10.1080/2159676X.2019.1628806>
- Brynjolfsson, E., & McAfee, A. (2014). *Work, progress, and prosperity in a time of brilliant technologies. The Second Machine Age*, 3–192. DOI:10.1080/14697688.2014.946440
- Chalmeau, O. (2012). *Impact of regulation on the risk and returns of French telecommunication operators*. International Telecommunications Society (ITS). <https://ideas.repec.org/>
- Chalmeau, O. (2013). *Determinants of European telecommunication operators' systematic risk*. International Telecommunications Society (ITS). <https://hdl.handle.net/10419/88495>

- Hemmati Faghih, Mohammad Mahdi. (2020). *Requirements and Necessities for Establishing a Regulatory State*. Strategic Research Center, Expediency Council, Report Code: 1280. **in Persian**
- Hajihosseini, Hojjatollah; Karimian, Zohreh. (2020). *The Policy-Making and Governance Process in Science, Technology, and Innovation*. *Science, Policy and Technology*, 71(2). **in Persian**
- Hoseini Dehshiri, Seyyed Jaleleddin; Heydari Dohui, Jalil. (2019). *Using Grey Number Theory in Multi-Criteria Decision-Making Methods for IT Project Outsourcing Risk Evaluation*. *Studies in Smart Business Management*, 7(28). **in Persian**
- Kamijani, Ali; Eivazi, Mohammad Rahim. (2021). *The Landscape of Desirable Governance in Iran: From Capacity to Opportunity*. *Strategy*, 30(100). **in Persian**
- Levi-Faur, D. (Ed.). (2012). *The Oxford Handbook of Governance*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199560530.001.0001>
- Lewis, L. (2022). *Regulatory capture: Risks and solutions*. In *Emerging Issues in Competition, Collusion and Regulation of Network Industries*, 147–169. [https://doi.org/10.1057/978-1-137-52794-7\\_7](https://doi.org/10.1057/978-1-137-52794-7_7)
- Lewis, M. (2018). *Outsourcing, new technologies, and new technology risks: Current and trending UK regulatory themes, concerns, and focuses*. *Journal of Securities Operations & Custody*, 10(2), 145–156. <https://doi.org/10.2139/ssrn.3148381>
- Madani, Javad. (2022). *Smart Governance: A Novel Approach to Achieving Effective Citizen Participation and Cooperation*. *Strategy*, 31(3). **in Persian**
- Norris, S. A., Indulska, M., & Sadiq, S. (2009). *A study of compliance management in information systems research*. In *Proceedings of the 17th European Conference on Information Systems*, Verona, Italy.
- OECD. (2022). *Economic outlook for Southeast Asia, China and India 2022: Financing sustainable recovery from COVID-19*. OECD Publishing. <https://doi.org/10.1787/125e5f85-en>
- Pham, H. N., Ramiah, V., Moosa, I., & Nguyen, J. H. (2017). *The effects of regulatory announcements on risk and return: The Vietnamese experience*. *Pacific Accounting Review*, 29(2), 152–170. <https://doi.org/10.1108/PAR-09-2016-0112>
- Prado, M. M. (2008). *The challenges and risks of creating independent regulatory agencies: A cautionary tale from Brazil*. *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, 41(2), 435–502. <https://scholarship.law.vanderbilt.edu/vjtl/vol41/iss2/3>
- Rahimian, Samaneh; Jalilian Attar, Maryam; Zare Mirakabad, Ali. (2014). *E-Government Realization Risks through Data Integration*. In: *National Conference on Information Systems*, Tehran. **in Persian**
- Razikin, K., & Soewito, B. (2022). *Cybersecurity decision support model to designing information technology security system based on*

- risk analysis and cybersecurity framework*. Egyptian Informatics Journal, 23(3), 383–404. <https://doi.org/10.1016/j.eij.2021.12.002>
- Sheikhzadeh, Mohammad; Abedi Jafari, Hassan; Faghihi, Abolhasan; Taslimi, Mohammad Saeed. (2011). *Thematic Analysis and Network of Themes: A Simple and Efficient Method for Explaining Patterns in Qualitative Data*. *Strategic Management Thought*, 10(2). **in Persian**
  - Shiroei, Abdolhossein; Farahnakian, Farshid. (2020). *Legal Dimensions of Proper Regulation in the Good Governance of Iran's Oil Sector*. *Energy Law Studies*, 61(2). **in Persian**
  - Taghva, Mohammadreza; Feyzi, Kamran; Tabatabaei, Seyyed Gholamhossein; Tamtaj, Mostafa. (2019). *Challenges in Reconstructing IT Governance in State-Owned Enterprises*. *Iranian Research Institute for Information Science and Technology*, 35(3). **in Persian**
  - UNCTAD. (2022). *Digital economy report 2022*. United Nations Conference on Trade and Development.
  - Valian, Hassan; Koushki Jahromi, Alireza; Boudlaei, Hassan. (2017). *Designing a Model of IT Capabilities in Public Organizations*. *Information Technology Management Quarterly*, 5(20). **in Persian**
  - World Bank. (2022). *World development report 2022: Data for better lives*. The World Bank. <https://doi.org/10.1596/978-1-4648-1697-4>
  - Yalla, S. P., Bhattacharyya, S. S., & Jain, K. (2018). *Impact of regulatory announcements on systemic risk in the Indian telecom sector*. *International Journal of Emerging Markets*, 13(5), 1395–1416. <https://doi.org/10.1108/IJoEM-12-2017-0388>




# Russia's Strategy Amid Rising Tensions Between Iran and the Zionist Regime: Short-, Medium-, and Long-Term Perspectives

**Hossein Fattahi Ardakani**

Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities and Social Sciences, Ardakan University, Ardakan, Iran.

Email: h-fattahi@ardakan.ac.ir

 0000-0002-8203-7960

## Abstract

The recent military confrontations between the Zionist regime and the Islamic Republic of Iran have significantly reshaped the strategic and geopolitical landscape of the Middle East. These developments have not only brought the longstanding rivalry between Tehran and Tel Aviv into the open but have also become a decisive factor in shaping future regional security dynamics. In this evolving environment, Russia—a regional power with complex, quasi-strategic relations with both Israel and Iran—is reassessing its strategic positioning to safeguard its interests and expand its influence. This study, grounded in the neorealist theory of the balance of power, explores Russia's strategic approach in response to the escalation of tensions between Iran and the Zionist regime. The findings indicate that Moscow continues to employ a traditional dual-track strategy of "strategic patience" and "regional balancing." In the short term, Russia seeks to contain the conflict to preserve regional stability and protect its economic interests. In the medium term, it aims to expand its influence while avoiding deep entanglements. In the long term, Russia aspires to diminish U.S. influence in the region, positioning itself as a key geopolitical player. Given the strategic implications of this triangular relationship, the findings of this research are of particular relevance to regional policymakers and analysts seeking to recalibrate their national security and foreign policy strategies in light of evolving power dynamics.

**Keywords:** Russia, Iran, Zionist regime, Balance of power, Middle East.

E-ISSN: 2588-6525 / Center for Strategic Research / The Scientific Journal of Strategy

Journal of "The Scientific Journal of Strategy" © 11 years by Center for Strategic research is licensed under [CC BY 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)




 10.22034/rahbord.2024.474570.1716



# راهبرد روسیه در وضعیت تشدید تنش بین ایران و رژیم صهیونیستی (کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت)

حسین فتاحی اردکانی

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.  
Email: h-fattahi@ardakan.ac.ir

 0000-0002-8203-7960

## چکیده

تجاوزهای اخیر رژیم صهیونیستی و پاسخ ایران، چشم‌انداز ژئوپلیتیک و استراتژیک خاورمیانه و آینده تحولات آن را به شدت تغییر داده است. اکنون واضح است که تحولات اخیر و رقابت پیچیده و سرسختانه ایران و رژیم صهیونیستی ترتیبات امنیت منطقه را در آینده شکل خواهد داد و راهبرد کشورهای منطقه را روشن خواهد نمود. این تحولات تنش‌های طولانی مدت ایران و رژیم صهیونیستی را از سایه بیرون کشیده است. در این میان روسیه به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای که روابط گسترده و شبه راهبردی با رژیم صهیونیستی داشته و از شرکای مهم منطقه‌ای و بین‌المللی ایران محسوب می‌شود، به دنبال بازنگری در راهبرد و نقش آینده خود برای حفظ منافع راهبردی و نفوذ بیشتر خود در منطقه است. پژوهش حاضر با کاربست نظریه «نو واقع‌گرایی»<sup>۱</sup> «موازنه قوا» به دنبال پاسخ به این پرسش است که راهبرد روسیه در وضعیت تشدید تنش بین ایران و رژیم صهیونیستی چیست؟ یافته‌ها نشان می‌دهند که روسیه بر اساس راهبرد سنتی خود به دنبال سیاست «صبر و انتظار» و «تعادل» در راهبرد منطقه‌ای خود است. نتیجه این راهبرد برای روسیه در کوتاه مدت جلوگیری از گسترش دامنه جنگ میان ایران و رژیم صهیونیستی و حفظ ثبات و مزایای اقتصادی، در میان مدت نفوذ بیشتر و تعهد کمتر در خاورمیانه و در بلند مدت تضعیف حضور ایالات متحده در منطقه است. با توجه به اهمیت درک پویای منطقه‌ای، نتایج پژوهش حاضر می‌تواند برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران در به‌روزرسانی سیاست‌های راهبردی منطقه‌ای برای تأمین حداکثری منافع و امنیت ملی راهگشا باشد.

**کلیدواژه‌ها:** روسیه، ایران، رژیم صهیونیستی، موازنه قوا، خاورمیانه.

شاپای الکترونیک: ۶۵۲۵-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد

CC BY 4.0



 10.22034/rahbord.2024.474570.1716

## مقدمه و بیان مسئله

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ حادثه‌ای بود که نه تنها خاورمیانه بلکه جهان را با تغییرات و چشم‌انداز جدیدی در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل مواجه ساخت. شکست سیاست «دو ستونی نیکسون»<sup>۱</sup> و انحلال «پیمان منطقه‌ای سنتو»<sup>۲</sup> از پیامدهای مهم پیروزی انقلاب در خاورمیانه بود که چشم‌انداز نامطلوبی را برای متحدان ایران قبل از انقلاب به‌خصوص رژیم صهیونیستی ترسیم کرده بود. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی روابط ایران و رژیم صهیونیستی بر مبنای مشارکت و همکاری در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی با تأیید و همراهی غرب استوار بود؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به نظرات رهبر انقلاب اسلامی پیرامون اهداف و موجودیت رژیم صهیونیستی و خطر آن برای خاورمیانه و جهان اسلام، روابط خصومت‌آمیز طرفین آشکار و به‌سرعت به تنش تبدیل شد. بر این اساس، دولت انقلابی شناسایی دوفاکتوی رژیم پهلوی از اسرائیل را پس گرفته و روابط خود با این کشور را بر مبنای حذف و عدم مصالحه سامان داد (سیمبر و قربانی، ۱۳۹۲: ۸۸).

با حمایت ایران از مبارزان فلسطینی و کمک به آن‌ها برای پایان دادن به اشغالگری صهیونیسم، روابط تنش‌آلود دو طرف روز به روز گسترده‌تر شد. امام خمینی<sup>(ره)</sup> رژیم صهیونیستی را اشغالگر و غده سرطانی نامید که باید از میان برداشته شود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۳۷). از سوی دیگر تنش‌های میان ایران و رژیم صهیونیستی بر اتخاذ راهبرد دیگر شرکای منطقه‌ای دو طرف از جمله روسیه تأثیرگذار بوده است. روسیه به‌عنوان یک قدرت جهانی همواره تحت تأثیر تحولات منطقه خاورمیانه و تنش‌های ایران و رژیم صهیونیستی بوده است. حوادث مهمی مانند جنگ اوکراین که باعث شده روسیه تمرکز خود را بر روی منطقه تا حدی از دست بدهد، تجاوز رژیم صهیونیستی به ساختمان کنسولگری ایران در سوریه و پاسخ نظامی مستقیم ایران به رژیم صهیونیستی و ترور اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس در تهران، باعث شد تا راهبرد روسیه در منطقه مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد. در این شرایط که ایران و رژیم صهیونیستی برای اولین بار در آستانه یک رویارویی مستقیم نظامی قرار گرفته‌اند، روس‌ها نگران افزایش تنش‌ها و گسترش دامنه آن و احتمال ورود آمریکا و نیروهای نیابتی مورد حمایت ایران به این درگیری هستند و این موضوع با راهبرد سنتی آن‌ها در خاورمیانه که مخالف هرگونه تنش و دخالت بیشتر غرب و آمریکا در

1. Richard Milhous Nixon

2. Central Treaty Organization

منطقه هستند در تضاد است. بر این اساس سؤال پژوهش حاضر این است که راهبرد روسیه در وضعیت تشدید تنش بین ایران و رژیم صهیونیستی چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این کشور در رابطه با تشدید تنش میان ایران و رژیم صهیونیستی سیاست «صبر و انتظار» و «تعادل» را در پیش گرفته است. بر این اساس روسیه هر چند مخالف هرگونه تشدید تنش و شروع یک جنگ تمام‌عیار میان ایران و رژیم صهیونیستی است؛ اما از سوی دیگر سطح کنترل شده‌ای از این تنش برای این کشور دارای مزایایی از جمله نشان دادن آمریکا و غرب به‌عنوان عامل اصلی بی‌ثباتی در منطقه، انحراف توجهات جامعه جهانی از جنگ اوکراین و افزایش نفوذ و وزن ژئوپلیتیکی<sup>۱</sup> روسیه در تنظیم روابط و ترتیبات امنیت منطقه‌ای است. نتیجه این راهبرد برای روسیه در کوتاه مدت، جلوگیری از گسترش دامنه جنگ میان ایران و رژیم صهیونیستی و حفظ ثبات و مزایای اقتصادی، در میان مدت نفوذ بیشتر و تعهد کمتر در خاورمیانه و در بلند مدت تضعیف حضور ایالات متحده در منطقه است. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه در دهه‌های اخیر روس‌ها به خوبی درک کرده‌اند که از مناقشات و بحران‌های خاورمیانه برای خود منافع دور و نزدیک تعریف کنند.

### ۱. پیشینه پژوهش

گل‌محمدی و آرم (۱۴۰۲) در مقاله «منطقه‌ای شدن مداخله قدرت‌های بزرگ و سیاست خاورمیانه‌ای روسیه» معتقدند با توجه به منطقه‌ای شدن مداخلات قدرت‌های بزرگ، سیاست خاورمیانه‌ای روسیه به‌طور فزاینده‌ای منطقه‌ای شده و فرصت‌ها و تهدیدات متنوعی را در موضوعات تروریسم، انرژی، فروش تسلیحات و روابط خارجی با دولت‌های منطقه در اختیار رهبران عمل‌گرای روسیه گذاشته است (گل‌محمدی و آرم، ۱۴۰۲: ۳۹۳-۳۶۷).

جعفری و شفقت‌نیا آباد (۱۴۰۱) در مقاله «عوامل مؤثر بر تصمیم‌سازی روسیه نسبت به اسرائیل» با اذعان به سطح راهبردی روابط روسیه و رژیم صهیونیستی معتقدند که این روابط راهبردی محصول اتخاذ عناصری در فرایندهای تصمیم‌سازی روسیه بوده که در سطوح خرد و کلان نتایج متفاوتی را از تأثیرگذاری‌های ظاهری تا مشارکت‌های راهبردی برای روسیه داشته است (جعفری و شفقت‌نیا آباد، ۱۴۰۱: ۵۱).

توکلی و محمود اوغلی (۱۴۰۱) در مقاله «مؤلفه‌های تهدیدکننده همکاری استراتژیک ایران و روسیه» با اشاره به روابط پرفراز و نشیب دو کشور در دهه‌های گذشته، معتقدند که نگاه متفاوت دو کشور به روابط، رژیم حقوقی دریای خزر، جست‌وجوی بازارهای جدید برای انرژی، روابط روسیه با آمریکا و اسرائیل، نوع نگاه به بحران سوریه، پیگیری منافع در دوران پسا بحران سوریه از جمله مؤلفه‌هایی هستند که همکاری راهبردی ایران و روسیه را تهدید می‌نمایند (توکلی و اوغلی، ۱۴۰۱: ۱۲۸).

شفقت‌نیا آباد و جعفری (۱۳۹۹) در مقاله «راهبرد و الگوی رفتاری روسیه در تقابل ایران و رژیم صهیونیستی» معتقدند: درحالی‌که روابط ایران و روسیه بر همکاری‌های مشترک استوار است، پیوندهای تاریخی میان روسیه و رژیم صهیونیستی روابط آن‌ها را به سطح راهبردی ارتقا داده است. بر این اساس، روسیه سعی می‌کند الگوی رفتاری توازن قوا را برای همکاری با ایران و رژیم صهیونیستی اتخاذ نماید (شفقت‌نیا آباد و جعفری، ۱۳۹۹: ۵).

کریلوف و میکائیلیان<sup>۱</sup> (۲۰۲۴) در مقاله «اسرائیل در چهارچوب «دوقطبی جدید»» معتقدند که با شروع عملیات نظامی ویژه، اکنون لفاظی رسمی در اسرائیل با آنچه در دوره قطع روابط روسیه و اسرائیل حاکم بود، هم‌خوانی دارد. با این وجود، در تدوین سیاست‌هایی که در آن مواضع روسیه و اسرائیل مطابقت ندارند، هر دو طرف به هماهنگی همه اقدامات در چهارچوب یک گفتگوی مشترک ادامه می‌دهند (Krylov & Mikaelian, 2024).

کرچر و دوره<sup>۲</sup> (۲۰۲۴) در مقاله «تمرین تعادل دوستی: روابط روسیه و اسرائیل، ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱» در مقاله خود نشان می‌دهند که چگونه دو کشور هنجارها و شیوه‌های ساختاری - از جمله جلسات منظم نخبگان، بیانیه‌های عمومی و سایر مکانیسم‌ها - را برای کاهش اختلافات ایجاد کردند. این استراتژی‌ها ضمن حفظ تعادل دوستی از رقابت و تشدید بین آن دو جلوگیری کرد (Kertcher & Course, 2024).

کرکازیس و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۲۴) در مقاله «رویاریبی نظامی ایران و اسرائیل» معتقدند که در صورت رویاریبی ایران و اسرائیل، اسرائیل در پاسخ‌های نظامی خود به ایران قاطعیت حساب شده‌ای از خود نشان خواهد داد. در عین حال تعقیب راهبردی اسرائیل تضعیف اقتصادی و سیاسی ایران و ایجاد تنش بین دولت ایران و فرماندهی

---

1. Krylov & Mikaelian  
 2. Kertcher & Course  
 3. Karkazis, Anastasiadou & Markopoulos

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با هدف کاهش چشمگیر نفوذ آن در ایران است (Karkazis et al, 2024).

دلانو<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) در مقاله «روسیه و اسرائیل: سوریه، چالش ساختاری جدید روابط اسرائیل و روسیه» معتقد است که روابط اسرائیل و روسیه پس از مداخله نظامی روسیه در سوریه عمیق‌تر شده است به طوری که اسرائیل از محکوم کردن روسیه به دلیل الحاق کریمه در سال ۲۰۱۴ و شرکت در تحریم‌های یورو آتلانتیک خودداری کرد. کرملین به طور فزاینده‌ای به‌عنوان یک بازیگر امنیتی برای دولت عبری عمل می‌کند. همچنین اسرائیل یکی از معدود منابع غربی فناوری برای روسیه پس از اعمال تحریم‌های مربوط به بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ است (Delanoë, 2019).

مطالعات انجام شده نشان‌دهنده اهمیت موضوع درک روابط میان بازیگران منطقه خاورمیانه برای پژوهشگران و تصمیم‌سازان حوزه سیاست خارجی است. این پژوهش با تمرکز بر تشدید تنش اخیر میان ایران و رژیم صهیونیستی به پویای‌های جدید و تحولات راهبردی روسیه در این میان خواهد پرداخت و از این جهت دارای نوآوری است. از سوی دیگر دشمنی مسلم رژیم صهیونیستی با ایران و درک شناخت تغییر و تحولات روابط این کشور با دیگر کشورهای شریک و مرتبط با ایران در منطقه و محیط بین‌المللی از جمله روسیه انجام این پژوهش را ضروری ساخته است.

پژوهش حاضر از نظر نوع کیفی است. روش پژوهش تبیینی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و اسنادی و با مراجعه به کتب و مقالات معتبر پژوهشی است.

## ۲. چهارچوب نظری

واقع‌گرایی اساساً به ماهیت قدرت توجه دارد و موازنه قوا به سنگ بنا و جوهر اصلی نظریه واقع‌گرایی تبدیل شده است (Kaufman et al, 2007, p. 2). براینکه این موضوع تأکید به دستیابی به دو هدف مهم «قدرت» و «بقا» در جریان رقابت میان بازیگران در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی است. نظام بین‌الملل زمانی به وجود می‌آید که در آن دو یا چند دولت با یکدیگر روابط منظمی را برقرار کرده و باهم تعامل داشته باشند (Aron, 2004, p. 10). در این نظام، رفتار هر یک از اعضا به‌عنوان یک عامل ضروری در محاسبات رفتاری دیگر اعضا در نظر گرفته می‌شود (Bull & Watson 1984, p. 1). مهم‌ترین ویژگی محیط بین‌الملل «آنارشیک»<sup>۲</sup> بودن آن است و تا زمانی که این وضعیت وجود داشته باشد

1. Delanoë  
2. Anarchic

امکان تهدید به خشونت همیشه وجود دارد (Mearsheimer, 2018, p. 270). بر اساس این نظریه در هر محیطی برای اینکه امنیت بازیگران تأمین شود باید موازنه قوا برقرار باشد. مثلاً در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی زمانی امنیت همه تأمین می‌شود که نیروهای نظامی و دیگر عناصر امنیتی به نحو مناسبی میان اعضا توزیع شده باشد، به نحوی که هیچ عضوی نتواند به واسطه قوی‌تر بودن و برخورداری بیشتر از منابع قدرت بر دیگران تسلط یابد. تئوری موازنه قوا یکی از بادوام‌ترین و بی‌طرفانه‌ترین مفاهیم ثابت شده در نظریه‌های روابط بین‌الملل است (Klimburg & Faesen, 2020, p. 145).

به لحاظ تطور تاریخی، نظریه موازنه قوا از قرن ۱۶ به بعد و تا به امروز به‌عنوان یکی از مؤثرترین نظریه‌های پذیرفته شده سیاست بین‌الملل مورد توجه است (Hass, 1953). این نظریه پس از جنگ جهانی دوم توسط «مورگنتا»<sup>۱</sup> تدوین و بعداً توسط محققانی همچون «سپایکمن»<sup>۲</sup>، «آرون»<sup>۳</sup>، «کیسینجر»<sup>۴</sup>، «مکیندر»<sup>۵</sup> و «نیبور»<sup>۶</sup> توسعه پیدا کرد و در نهایت توسط «والتز»<sup>۷</sup> بازنگری و به‌عنوان یک نظریه پذیرفته شد (چگنی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۲). والتز با اطمینان اعلام کرد که اگر یک نظریه پذیرفته شده در روابط بین‌الملل وجود داشته باشد «توازن قدرت» است (Walker, 1993). وضعیت آنارشیک محیط بین‌المللی دولت‌ها را به سمت اتخاذ تدابیر خودیاری سوق می‌دهد. بر این اساس هر دولتی صرفاً برای امنیت و بقای خود تلاش و پافشاری می‌کند (Hansen et al., 2008, p. 18).

واقع‌گرایان ساختاری، توازن قدرت را نتیجه طبیعی روابط بین حاکمان برابر در یک سیستم آنارشیک می‌دانند (Blachford, 2021, p. 5). در این شرایط هر دولتی در صورت مواجهه با یک قدرت بالقوه تهدیدکننده مجبور به انتخاب بین دو راهبرد «تعادل» و «دنباله‌روی» می‌شود (Waltz, 1979). در وضعیت آنارشیک، زمانی که یک دولت ضعیف‌تر احساس ناامنی داشته باشد برای متعادل کردن وضعیت محیطی، سعی می‌کند با اتحاد با یک قدرت برتر احساس امنیت بیشتری را به دست آورد و این همان وضعیتی است که توازن قدرت حاصل می‌شود. نظریه‌های تعادل به دنبال توضیح شرایطی هستند که دولت‌ها را به سمت ایجاد تعادل سوق می‌دهد. راهبردها، یعنی

- 
1. Morgenthau
  2. Spykman
  3. Aaron
  4. Kissinger
  5. Mackinder
  6. Niebuhr
  7. Waltz

اینکه کدام حالت‌ها تعادل دارند و چگونه متعادل می‌شوند (Paul, 2005). راهبردهای «تعادل» و «دنباله‌روی» به دو دسته سخت و نرم تقسیم می‌شوند. در حالت تعادل سخت دولت‌ها رفتارهایی را برای ایجاد و ارتقای توانایی‌های نظامی خود اتخاذ می‌کنند و ائتلاف‌های رسمی و غیر رسمی را به صورتی که با قدرت دولت‌های تهدیدکننده هم‌خوانی داشته باشد تشکیل داده و حفظ می‌کنند (Paul et al, 2004, p. 3). در وضعیت تعادل نرم دولت‌ها بر اتحاد و تعاملات دیپلماتیک در داخل نهادهای بین‌المللی و همچنین عدم مشارکت‌های نظامی دو و چندجانبه تأکید می‌کنند که هدف آن افزایش هزینه‌های یک دولت تک‌قطبی یا تهدیدکننده برای حفظ قابلیت‌ها و توانایی‌های نسبی خود است (Pape, 2005, p. 58). دنباله‌روی سخت راهبردی است که در آن دولت‌ها رفتارهایی برای ایجاد و ارتقای قابلیت‌های نظامی خود انجام داده و ائتلاف‌های رسمی و غیررسمی و ضد ائتلاف‌ها را برای حمایت از تهدیدکننده‌ترین دولت یا قدرتمندترین کشور تشکیل و حفظ می‌کنند (Mearsheimer, 2003, p. 139). دنباله‌روی نرم راهبردی است مبتنی بر رفتارهای غیرمستقیم، تاکتیکی و محدود، که بیشتر از طریق تعاملات دیپلماتیک و عدم وجود اتحاد‌های نظامی دوجانبه یا چندجانبه برای حمایت از قدرتمندترین دولت یا دولت تهدیدکننده انجام می‌شود (Salehiyan & Mirzaei, 2021, p. 56). والتز معتقد است رفتاری که کشورها از سوی نظام به آن واداشته می‌شوند، ایجاد توازن است و نه دنباله‌روی (Waltz, 1979, pp. 6-125). بنابراین فرض اساسی این است که دولت‌ها در وضعیت آنارشیک که هیچ قدرت برتری برای رفع اختلافات وجود ندارد برای به حداکثر رساندن قدرت یا امنیت خود منطقی عمل می‌کنند (Mearsheimer, 2003). «جرویس»<sup>۱</sup> برای این نظریه چهار فرض اساسی را در نظر می‌گیرد که شالوده این نظریه را تشکیل می‌دهد:

۱. همه کشورها به دنبال حفظ بقای خود هستند؛
۲. آن‌ها قادر به ایجاد اتحاد بین خود بر اساس منافع کوتاه مدت هستند؛
۳. جنگ یک ابزار مشروع برای دولت‌داری است؛
۴. تعدادی از بازیگران دارای قابلیت‌های نسبتاً مساوی هستند (Jervis, 1978, pp. 186-189).

این سیستم تضمین‌کننده قدرت هر کشور توسط یک قدرت متقابل (ائتلاف) کنترل شده تا هیچ کشوری نتواند بالقوه به‌عنوان یک هژمون دیگران را تهدید کند (Klimburg & Faesen, 2020, p. 146).

به عقیده «والتز»<sup>۱</sup> این توازن‌ها معمولاً به‌صورت آگاهانه از سوی دولت‌هایی که قصد برقراری و حفظ تعادل دارند و یا از سوی دولت‌هایی که قصد سلطه جهانی دارند شکل می‌گیرد (Waltz, 1979, p. 119).

«مورگنتا»<sup>۲</sup> توازن قوا را نتیجه سیاست‌های یک دولت می‌داند (Morgenthau, 1948). این مسئله نشان می‌دهد که دولت‌ها همیشه باید نگران ظهور یک هژمون باشند و برای جلوگیری از این موضوع به دنبال ائتلاف‌سازی برای برقراری تعادل هستند. اساساً، موازنه قوا بر پایه نوعی مصالحه استوار است، چرا که این توازن نمی‌تواند همه بازیگران نظام بین‌الملل را به‌طور کامل راضی کند. همان‌طور که «کیسینجر»<sup>۳</sup> توضیح داد، «به‌طور متناقض، عمومیت نارضایتی شرط ثبات است، زیرا اگر یک قدرت کاملاً راضی باشد، بقیه باید کاملاً ناراضی باشند. اساس یک نظم پایدار امنیت نسبی و ناامنی نسبی اعضای آن است» (Kissinger, 2017). «والت»<sup>۴</sup> هم ضمن تأکید بر مفروضات نو واقع‌گرایی معتقد بود که دولت‌ها در برابر تهدیدات (که برحسب نیت‌ها و توانمندی‌ها تعریف می‌شوند) دست به موازنه قوا می‌زنند (برچیل و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۹). موازنه قدرت زمانی بهترین نتیجه را دارد که یک کشور را از تسلط و تجویز قوانین برای بقیه بازدارد و از تلاش طرف‌های آسیب‌دیده برای سرنگونی نظم بین‌المللی جلوگیری کند. هدف آن اجتناب از بحران یا حتی جنگ نیست، هدف آن رسیدن به صلح هم نیست، بلکه هدف موازنه برقراری و تضمین میانه‌روی و ثبات است (Klimburg & Faesen, 2020, p. 146).

بر اساس مفروضات نظریه واقع‌گرایی تنش‌های منطقه خاورمیانه بعد از جنگ جهانی دوم و به‌خصوص در ماه‌های اخیر موجب شده تا قدرت‌های منطقه‌ای از جمله روسیه، ایران و رژیم صهیونیستی به دنبال دستیابی به سطحی از موازنه‌سازی قوا باشند. مهم‌ترین دغدغه راهبردی روسیه در حال حاضر پیروزی در اوکراین و حفظ ثبات خاورمیانه است. جنگ اوکراین، بحران سوریه، حمله ۷ اکتبر حماس، تجاوزات رژیم صهیونیستی به ایران در سوریه و ترور اسماعیل هنیه و پاسخ متقابل ایران و احتمال گسترش یک جنگ فراگیر که با احتمال حضور آمریکا و غرب به منطقه همراه

---

1. Waltz  
2. Morgenthau  
3. Kissinger  
4. Walt

باشد از عوامل اصلی موازنه‌سازی قدرت برای طرف‌ها محسوب می‌شود. بنابراین، روسیه با اتخاذ راهبرد «صبر و انتظار» و «تعادل» به دنبال موازنه‌سازی قدرت در منطقه و جلوگیری از شکل‌گیری یک هژمون منطقه‌ای است.

### ۳. راهبرد خاورمیانه‌ای روسیه

به‌طور کلی، راهبرد سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه بر دکترین «یوگنی پریماکوف»<sup>۱</sup> که در دهه ۱۹۹۰ ارائه شد استوار بوده که بر سه پایه بنا شده است:

۱. روسیه باید برای ایجاد جهانی چند قطبی که توسط کنسرت قدرت‌های بزرگ مدیریت می‌شود تلاش کند تا بتواند قدرت یک‌جانبه ایالات متحده را متعادل کند؛

۲. روسیه باید بر اهمیت خود در فضای پس از اتحاد جماهیر شوروی که منجر به یکپارچگی منطقه‌ای می‌شود پافشاری کند؛

۳. روسیه باید با گسترش ناتو مخالفت کند.

اما از سال ۲۰۱۴ دکترین جدیدی به نام دکترین «گراسیموف»<sup>۲</sup> ارائه شد که به مفهوم جنگ ترکیبی با درآمیختن قدرت سخت و نرم اشاره دارد. بر اساس این دکترین تبلیغات، نیابت‌ها و هر اقدامی که به دور از جنگ باشد می‌تواند جایگزین قدرت سخت روسیه شود (Rumer, 2019). در واقع، می‌توان گفت که دکترین گراسیموف نسخه اجرایی دکترین پریماکوف برای رویارویی روسیه با ایالات متحده در خاورمیانه است. هدف اصلی روسیه در منطقه غرب آسیا استفاده از کشورهای منطقه به‌عنوان اهرمی برای تحت تأثیر قرار دادن رفتار آمریکا و اروپا بر روسیه است (Kozhanov, 2018, p. 12-30). از سوی دیگر هدف اصلی روسیه در خاورمیانه مقابله با نفوذ آمریکا و تقویت موقعیت خود در سیاست بین‌الملل از طریق نمایش قدرت است (Blank, 2014, Korolev, 2018). خاورمیانه به دلایل راهبردی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مجاورت با روسیه همیشه برای آن‌ها دارای اهمیت بوده است؛ اما مداخله نظامی روسیه در جنگ ۲۰۱۵ سوریه نقطه عطفی در راهبرد تازه روسیه در خاورمیانه بود. این موضوع چند دلیل مهم داشت که مهم‌ترین آن این بود که به دنبال تشدید درگیری‌های روسیه و غرب بر سر الحاق کریمه در سال ۲۰۱۴ پوتین با اعزام نیروهای نظامی خود به سوریه تلاش کرد تا مانند

1. Evgeny Primakov

2. Gerasimov doctrine

دیگر قدرت‌های جهانی توانایی به‌کارگیری نیروی نظامی خود در دور از مرزهای روسیه را به غرب نشان دهد و ثابت کند که روسیه فقط یک قدرت منطقه‌ای نیست. از سوی دیگر پوتین با نجات دولت سوریه می‌خواست نشان دهد که برخلاف غرب روسیه دوستان خود را در مواقع بحرانی فراموش نمی‌کند و به کمک آن‌ها می‌شتابد (Rakov, 2024, p. 94).

در واقع پس از جنگ اوکراین، خاورمیانه از نظر اهمیت برای مسکو پس از چین در رتبه دوم قرار گرفته است. اساساً روند سیاست بین‌المللی تعیین‌کننده و جوهر اصلی راهبرد سیاست خارجی شوروی و روسیه بوده است و این موضوع به‌عنوان یک خط قرمز تلقی می‌شود. بنابراین همانند دوران جنگ سرد، انگیزه روسیه از بازگشت به خاورمیانه پس از جنگ ۲۰۱۵ سوریه، یک انگیزه سیاسی است. پوتین قصد دارد از خاورمیانه به‌عنوان یک اهرم سیاسی در روابط با غرب و همچنین تقویت اعتبار قدرت خود در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی استفاده کند. هر چند سایر عوامل که مهم‌ترین آن‌ها عوامل تضمین‌کننده امنیت اقتصادی و ملی روسیه باشند نیز در راهبرد خاورمیانه‌ای روسیه به هیچ وجه کمتر از انگیزه سیاسی نیستند.

بر این اساس سیاست خاورمیانه‌ای پوتین از نظر وسعت و نفوذ نسبت به شوروی سابق موفق‌تر بوده است. زیرا از یک‌سو روابط دوجانبه با بازیگران سیاسی متعدد در منطقه که متحدان سنتی ایالات متحده به حساب می‌آیند (کشورهای حاشیه خلیج فارس) برقرار کرده و از دیگر سو با برخی ساختارهای شبه دولتی و سازمان‌های سیاسی مخالف با دولت‌های محلی ارتباط دارد (Khokhlova, 2024, pp. 234-235). به لحاظ اقتصادی نیز خاورمیانه در راهبرد روسیه اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است که تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم، تأثیر بر بازار انرژی و انطباق اقتصاد روسیه با تحریم‌های غرب را در برمی‌گیرد (Rakov, 2024, p. 96).

### ۳-۱. روابط ایران و روسیه

روابط روسیه و ایران در مقاطع مختلف با دوری و نزدیکی‌های زیادی همراه بوده، به‌طوری که گاهی به‌واسطه نگاه‌های بدبینانه به یکدیگر از هم دور بوده‌اند و گاهی هم در مرز مشارکت راهبردی قرار داشته‌اند. سابقه پر افت‌وخیز روابط روسیه و ایران نشان‌دهنده سیاست یک بام و دو هوای روسیه است، به‌طوری که باعث شده دکتترین مشارکت و مقاومت در سیاست خارجی روسیه در برابر ایران مطرح گردد (کریمی‌پور، ۱۳۹۱). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی روابط تهران و مسکو مبتنی بر دو سطح تحلیل

مجزا بوده است: اول، سطح منافع مشترک و نامتجانس و دوم، سطح اصول و برداشت‌های مشترک از نظام جهانی. در برابر نظم جهانی پس از سال ۱۹۹۱ که بر اساس هژمونی یک یا چند دولت بنا شده بود و ارزش‌های هنجاری غربی و ساختارهای سلسله‌مراتبی را به‌عنوان تنها ارزش‌های درست و جهانی برای کل جهان تحمیل می‌کند، هر دو طرف از نظم جهانی مبتنی بر چندقطبی بودن دفاع می‌کنند که روسیه و ایران می‌توانند در آن شرکت کنند. دیدگاه مشترک با روسیه در مورد نظم جهانی به ایران این امکان را می‌دهد که از حمایت کرملین در عرصه بین‌المللی در مواردی برخوردار شود (Khokhlova, 2024, p. 237).

از سوی دیگر روسیه از ایران توقع دارد که در موضوعات بین‌المللی در چهارچوب ترسیم شده از سوی این کشور قرار بگیرد. در واقع، روسیه به دنبال این است که از طریق ایران یکی از اصول سیاست خارجی خود که همان ایفای نقش و کسب اعتبار در عرصه بین‌المللی است را محقق نماید (کرمی، ۱۳۸۹: ۱۹۸). در بحران سوریه، همکاری ایران و روسیه در راستای جلوگیری از سقوط بشار اسد، مقابله با نفوذ غرب در منطقه و جلوگیری از رشد اسلام‌گرایی افراطی بود که با هماهنگی‌های سیاسی و عملیاتی با یکدیگر انجام گرفت (عزیزی و نجفی، ۱۳۹۶: ۸۰)؛ اما این مسئله تا زمانی که اشتراکات دو طرف وجود داشته باشد دوام خواهد داشت. به عقیده کریستوفر فیلیپس وضعیت روسیه و ایران در سوریه یک وضعیت مابین دوستی و دشمنی است. بر این اساس اگرچه طرفین دارای منافع مشترک در کوتاه مدت هستند، اما در دراز مدت منافع آن‌ها در تعارض با یکدیگر قرار دارد (توکلی و محموداوغلی، ۱۴۰۲: ۱۱۸ به نقل از Financial Times, 2015). در واقع، ایران نگران است که روسیه بر سر معامله سوریه با غرب بدون در نظر گرفتن منافع راهبردی ایران به توافق برسد، به همین دلیل تحلیلگران غربی معتقدند ایران با تشکیل ارتش داوطلب مردمی سوریه برای تشکیل یک جایگزین در مقابل نظام فعلی سوریه از مدت‌ها پیش تصمیم خود را گرفته و راه خود را مشخص کرده است (Khatib, 2017). البته تجربه موفق همکاری ایران و روسیه در پرونده سوریه در جنگ اوکراین هم ادامه یافت. جنگ اوکراین همانند یک کاتالیزور باعث توسعه در روابط دو کشور شد. این روابط در موضوعات کلیدی مثل برجام، سوریه، امنیت خلیج فارس، همکاری در سازمان‌های منطقه‌ای و پلتفرم‌های مذاکره (سازمان همکاری شانگهای)، اجلاس سران کشورهای حاشیه دریای خزر، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و همچنین اجرای پروژه‌های فراملی مانند احیای مجدد کریدور شمال-جنوب بوده است (Kozhanov, 2024, p. 42). از سوی دیگر هرچند تحولات اخیر منطقه موجب توسعه روابط

و مبادلات نظامی ایران و روسیه شده است؛ اما روس‌ها همچنان در فروش تسلیحات مورد درخواست ایران به گندی عمل می‌کنند (Bennett & Ilyushina, 2023). روسیه علی‌رغم ایجاد توازن در مواضع خود در برابر اردوگاه‌های منطقه‌ای مختلف، به تقویت همکاری امنیتی با ایران در پرتو برنامه مشترک ضد آمریکایی ادامه خواهد داد که انتظار نمی‌رود در سال‌های آینده تغییر کند. اما توانایی روسیه برای تعمیق روابط با بازیگران منطقه‌ای به دلیل سوء اعتماد و تعصب تاریخی محدود شده است. علی‌رغم نزدیکی بی‌سابقه بین روسیه و ایران، تهران به دلیل قرن‌ها تجاوز روسیه به ایران به‌شدت به مسکو مشکوک است (Rakov, 2024, pp. 99-103).

### ۳-۲. روابط روسیه و رژیم صهیونیستی

از زمان ایجاد رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ تاکنون، روابط شوروی سابق و روسیه امروز با این رژیم فراز و فرودهای متعددی را طی کرده است. این روابط در طول یک دهه اخیر بر درک شرایط متقابل و مقتضیات منطقه‌ای و بین‌المللی آن‌ها استوار شده است. هرچند رژیم اسرائیل به کمک‌های غرب به‌ویژه آمریکا و اروپا وابستگی شدید دارد؛ اما سعی کرده است در دهه اخیر روابط خود را مبتنی بر منافع مشترک با قدرت‌های بزرگی همچون چین، هند، برزیل و به‌خصوص روسیه، اعراب و کشورهای منطقه خاورمیانه و حاشیه خلیج فارس گسترش دهد (Dentice, 2019, p. 2, Lerman, 2018). البته بزرگ‌ترین معضل رژیم اسرائیل در حوزه سیاست خارجی این است که هم‌زمان به دنبال برقراری روابط حسن هم‌جواری و سود متقابل با کشورهای تأثیرگذار در منطقه است؛ اما در عین حال همچنان خود را به‌عنوان بخشی از جهان غرب و متحد اصلی استراتژیک و نظامی ایالات متحده در خاورمیانه قرار می‌دهد (Karasova, 2019, p. 10). روابط روسیه و رژیم اسرائیل با روی کار آمدن پوتین در روسیه گسترش قابل ملاحظه‌ای یافته و طرفین سعی نموده‌اند در عین داشتن نظرات متفاوت در حوزه‌های مختلف با رایزنی و دوری از تنش سطحی از تعادل را ایجاد نمایند. در مواقع بحرانی نیز آن‌ها با درک متقابل، تلاش قابل توجهی را برای کاهش اختلافات به کار بسته‌اند (Krasna, 2018, p. 6). روسیه و اسرائیل با اتکا به جنبه‌های مهم موجود در فرهنگ استراتژیک، یک سیاست واقع‌گرای مبتنی بر منافع را دنبال می‌کنند. آن‌ها در جایی که منافع مشترکی وجود دارد بدون نگرانی از ارزش‌های ایدئولوژیک عمل‌گرایی را در پیش می‌گیرند، حتی اگر تفاوت‌های هنجاری همچنان وجود داشته باشد (Averbukh & Klein, 2018, p. 1). در سال‌های اخیر و پس از جنگ اوکراین و با توجه به اهمیت یافتن

منطقه غرب آسیا در راهبرد روسیه، روابط آن‌ها همواره در یک وضعیت متعادل و نزدیک بوده که ناشی از درک رهبران آن‌ها برای چگونگی توافق با یکدیگر بوده است. گواه این امر توافقنامه «رفع منازعه بین نیروهای هوایی اسرائیل و روسیه» در سوریه پس از ورود نیروهای روسیه به سوریه در سال ۲۰۱۵ بود. روس‌ها حملات اسرائیل علیه اهداف ایرانی در سوریه را تا زمانی که اسرائیل کنترل روسیه را به چالش نکشید، نادیده گرفتند. در همان زمان، روابط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بین آن‌ها گسترش یافت. پوتین از غیبت اسرائیل در جلسه مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۴ برای رأی‌گیری مخالفت با به رسمیت شناختن الحاق کریمه به روسیه بسیار قدردانی کرد. در مقابل این پس‌زمینه، رسانه‌های رسمی روسیه مراقب بودند که اسرائیل را مورد انتقاد قرار ندهند، رویکردی که به‌طور قابل‌توجهی متفاوت از حمله آن به کشورهای غربی بود. اسرائیل پس از حمله روسیه به اوکراین راه میانی را انتخاب کرد. برخلاف سال ۲۰۱۴، این کشور به محکومیت عمومی روسیه پیوست و در سازمان ملل به آن رأی منفی داد؛ اما تحریمی اعمال نکرد، مسیرهای پروازی را حفظ کرد و گفت‌وگوی سیاسی با کرملین را ادامه داد؛ در این وضعیت مسکو همچنان نگران روابط خود با رژیم صهیونیستی است (Rakov, 2024, pp. 99-100).

به گفته یکی از تحلیلگران نظامی شبکه تلویزیونی اسرائیلی «خشت»<sup>۱</sup>، «ان‌دووری»<sup>۲</sup>، مسکو و تل‌آویو به توافقی محرمانه دست یافتند که مسکو در ازای تضمین عدم ارسال هواپیماهای جنگنده، پدافند هوایی و سامانه‌های جنگ الکترونیک به ایران، رژیم اسرائیل هم از ارسال مدل‌های پیشرفته تجهیزات نظامی به اوکراین خودداری کند (Krylov & Mikaelian, 2024, p. 27). آن‌ها درک کردند که علی‌رغم منافع فزاینده و متفاوتشان در جنگ داخلی سوریه، باید با یکدیگر همکاری کنند و در صورت لزوم برای حفظ دوستی خود باید برخی از اهداف استراتژیک خود را قربانی کنند (Kertcher & Course, 2024, p. 81).

حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس به رژیم اسرائیل هرچند موجب غافلگیری روسیه شد اما به‌زودی متوجه شد که این وضعیت جدید فرصت‌های استراتژیک بزرگی را برای آن‌ها فراهم کرده است. مهم‌ترین فرصت برای روسیه منحرف کردن توجه و منابع نظامی و مالی ایالات متحده و غرب از جنگ اوکراین بود. همچنین، زمان وقوع جنگ ۷ اکتبر با پایان ناموفق ضد حمله اوکراین هم‌زمان بود. علاوه بر این، این جنگ فرصتی

1. Kheshet  
2. N. Dvori

را برای روسیه ایجاد کرد تا تلاش کند تصویری از بازسازی قدرت جهانی خود را ارائه نماید، در حالی که ایالات متحده تلاش می‌کند روسیه را تضعیف کند (Smagin, 2023). روسیه سعی می‌کند در به رسمیت شناختن حماس و همچنین روابط خود با رژیم اسرائیل خط تعادلی را حفظ کند. روسیه درک می‌کند که توجه بیش از اندازه به حماس ممکن است روابط او را با کشورهای سلطان‌نشین خلیج فارس و مصر دچار چالش کند. روسیه طی مذاکره با حماس، آن‌ها را متقاعد کرد تا گروهان‌های اسرائیلی با تابعیت مضاعف روسیه را آزاد کند که یک نکته مثبت در افکار عمومی رژیم صهیونیستی بود (Rakov, 2024, pp. 99-102).

همچنین روسیه در چهارچوب تعامل با اسرائیل و غرب و بر اساس توافق سال ۲۰۱۸ بین روسیه و آمریکا که با حمایت اردن و اسرائیل همراه بود از گسترش نفوذ ایران در جنوب سوریه برای بازگشت دولت سوریه به جنوب جلوگیری می‌کند، اما جنگ در اوکراین تا حدی این توانایی را از مسکو گرفته و این مسئله موجب ناراحتی اسرائیل شده است (Azizi & Barnes-Dacey, 2024). در حوزه اقتصادی صادرات روسیه به رژیم اسرائیل عمدتاً شامل نفت خام، فلزات و سنگ‌های گران‌بها بوده و در مقابل محصولات کشاورزی، ماشین‌آلات و تجهیزات حمل‌ونقل و مواد شیمیایی صنعتی را از رژیم اسرائیل وارد می‌کند (Averbukh & Klein, 2018, pp. 6-8).

با توجه به کشف منابع نفتی در سواحل رژیم اسرائیل، همکاری در حوزه انرژی بین طرفین گسترش یافته است. در حوزه صنعت فضایی، محصولات روسی توجه رژیم اسرائیل را به خود جلب کرده و در سال‌های اخیر توافق‌نامه‌هایی در حوزه اکتشافات فضایی بین شرکت‌های روسی و صهیونیستی منعقد شده است (Марьясис, 2017, p. 131). روابط در حوزه‌های امنیتی و نظامی هم رو به گسترش بوده است به طوری که به دلیل پیشرفته بودن رژیم اسرائیل در تولید تجهیزات راداری و رادیویی، روس‌ها دست به تولید محصولات مشترک با آن‌ها زده‌اند (میرعمادی و شریعتی‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۱۴). بر همین اساس در سال ۲۰۱۹ شرکت اسرائیلی جنرال روباتیک در روسیه ربات‌های نظامی را تولید کرده است (جعفری و شفت‌نیا آباد، ۱۴۰۱: ۳۹ به نقل از Sputnik News, 2019). این روابط گسترده نشان می‌دهد که رابطه با اسرائیل برای روسیه اهمیت زیادی دارد و پوتین از این روابط به‌عنوان ابزاری برای رابطه با واشینگتن استفاده می‌کند (Borshchevskaya, 2016).

## ۴. راهبرد روسیه در وضعیت تشدید تنش بین ایران و اسرائیل

### ۴-۱. کوتاه مدت

ایران و رژیم صهیونیستی در موقعیت‌های متعدد درگیری و تنش قرار داشته‌اند؛ اما حمله رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در دمشق و شهادت یکی از فرماندهان سپاه پاسداران موجب پاسخ‌گویی نظامی متقابل ایران و حمله مستقیم به سرزمین‌های اشغالی و بروز یک رویارویی مستقیم شد. این مسئله برای روسیه نگران‌کننده بود و این کشور نگران عدم ارزیابی درست از وضعیت نانوشته تعامل بین ایران و رژیم صهیونیستی در وضعیت کنترل تنش شده است. از سوی دیگر ترور اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس در تهران موجب گسترش دامنه جنگ میان ایران و رژیم صهیونیستی شده است. بر این اساس، با توجه به اعلام ایران مبنی بر پاسخ به ترور اسماعیل هنیه، گسترده‌تر شدن دامنه جنگ بین ایران و رژیم صهیونیستی خطرات بزرگی را برای مسکو به همراه خواهد داشت. این موضوع برای روسیه سه پیامد ناگوار را به همراه خواهد داشت: درگیر شدن سوریه در این جنگ، اختلال در روند کمک نظامی ایران برای ارسال تسلیحات مورد نیاز روسیه و پیچیده شدن روابط مسکو با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و ایران (Notte, 2024).

به‌طور کلی مقامات روسیه همانند هم‌تایان چینی خود به دنبال ثبات هرچه بیشتر در خاورمیانه هستند و از هرگونه تنش که موجب از بین رفتن مزایای اقتصادی منطقه باشد اجتناب می‌کنند. هرگونه تنش در منطقه و توسعه آن می‌تواند ثبات را از بین ببرد و اقدامات تروریستی و افراط‌گرایانه گروه‌هایی مانند داعش را سبب شود. ثبات منطقه برای روسیه، مبارزه با تروریسم، حفاظت از حضور در سوریه، جذب سرمایه‌گذاری خارجی کشورهای ثروتمند عربی خلیج فارس و گسترش روابط تجاری میان کشورهای منطقه را در پی دارد. این مسئله باعث می‌شود تا روسیه بتواند تحریم‌های غرب بر سر جنگ اوکراین را دور بزند و در سیاست‌های انرژی با کشورهای خلیج فارس هماهنگ شود (Cafiero, 2024). بنابراین، تشدید مناقشه بر محاسبات دیپلماتیک و استراتژیک بازیگران بزرگ جهانی غیر غربی مانند روسیه و چین تأثیر می‌گذارد. این کشورها ممکن است قدرت دفاعی ایران را با تأمین جت‌های جنگنده و سیستم‌های دفاع هوایی پیشرفته تأمین کنند، آن‌ها همچنین ممکن است در مواضع خود بر اساس کارایی نظامی اسرائیل و نگرانی در مورد تاکتیک‌های تهاجمی ایران تجدید نظر کنند. روسیه، با حضور نظامی مستقر خود در سوریه، ممکن است مجبور

شود در موضع خود تجدید نظر کند تا از تشدید تنش که می‌تواند موقعیت آن را در خاورمیانه تهدید کند، اجتناب کند. هر دو قدرت ممکن است برای تقویت جایگاه خود یا جلوگیری از تشدید بیشتر در مانورهای دیپلماتیک شرکت کنند که می‌تواند شامل حمایت نظامی قوی‌تر یا درخواست میانجیگری بین‌المللی باشد (Mahmoudian, 2024, p. 5). همچنین، این جنگ رقابت تسلیحاتی در منطقه را تشدید خواهد کرد و به‌جز ایران دیگر کشورهای منطقه نیز به دنبال افزایش امکانات نظامی خود از منابع مختلف باشند. ایران می‌تواند قابلیت‌های موشکی و پهپادی خود در سوریه را که هم‌مرز اسرائیل است تقویت کند و در عوض اسرائیل حضور خود در آذربایجان و اقلیم کردستان عراق را برای مقابله با ایران تقویت خواهد کرد (Nasr, 2024).

#### ۴-۲. میان مدت

عملکرد روسیه در منطقه نشان داده است که این کشور به دنبال استفاده هرچه بیشتر و تعهد و هزینه هرچه کمتر است. بر همین اساس، با ایران و رژیم صهیونیستی چهارچوبی را برای همکاری تعریف کرده‌اند که نشان دهنده مانوری برجسته در راهبرد خاورمیانه‌ای روسیه است. روسیه سعی کرده است با پیروی از یک سیاست عمل‌گرایانه که در روابط اتحادی شرکت نمی‌کند این کار را انجام دهد (Bijan, 2021, p. 17). در حال حاضر اولویت اصلی روسیه، جنگ در اوکراین است و در صورت تشدید تنش‌ها در خاورمیانه این کشور نه توانایی و نه تمایلی برای کمک به یکی از طرفین درگیری خواهد داشت. در صورت بروز جنگ بین ایران و رژیم صهیونیستی روسیه با صدای بلند تجاوز آمریکا را مورد انتقاد قرار خواهد داد و حتی ممکن است حمایت‌های نظامی خود را به ایران افزایش دهد اما به هیچ عنوان علاقه ندارد که به نفع ایران با رژیم صهیونیست و ایالات متحده وارد جنگ شود. از سوی دیگر روسیه نمی‌خواهد وضعیت مناسبی که در نزدیکی روابط بین ایران، عربستان و امارات شروع شده و موجب نزدیکی و شراکت بین کشورهای منطقه شده است آسیب ببیند؛ همچنین، روسیه از طریق همکاری با اوپک پلاس و توسعه گروه بریکس ضمن گسترش نفوذ خود از شکل‌گیری یک بلوک ضد ایرانی که به نفع غرب و آمریکا است جلوگیری می‌کند (Notte, 2024). روسیه به دنبال حفظ نفوذ و پایگاه‌ها نظامی استراتژیک خود در سوریه و دریای مدیترانه – برای ایجاد تعادل بین ایالات متحده و سلطه ناتو در آنجا- بوده و هیچ علاقه‌ای به درگیری مستقیم با دشمنان سابق خود ندارد (Tahboub, 2024, p. 156). از طرف دیگر گسترش جنگ، وابستگی دفاعی و نظامی ایران به روسیه و نفوذ این کشور

را بیشتر خواهد نمود. روسیه نشان داده است که از تعهدات سیاسی، نظامی و امنیتی در مقیاس بزرگ در منطقه خودداری کرده است و پیشرفت زمان و تغییرات و تحولات منطقه در پویای منطقه‌های روسیه اثرگذار بوده‌اند.

### ۳-۴. بلند مدت

یکی از مهم‌ترین اهداف راهبردی روسیه جلوگیری از حضور بیشتر آمریکا و دخالت آن در ترتیبات امنیتی منطقه خاورمیانه است. این کشور پس از یک دهه تلاش برای تقویت شبکه‌ها و نفوذ خود در خاورمیانه اکنون تلاش‌های خود را در معرض خطر می‌بیند، زیرا تشدید تنش بین ایران و اسرائیل می‌تواند آینده روسیه که خواستار ثبات در منطقه است را تحت تأثیر قرار دهد (Cafiero, 2024). حملات ۷ اکتبر حماس علیه رژیم صهیونیستی موجب دل‌مشغولی آمریکا شد و این مسئله باعث شد تا توجه و تدارکات واشینگتن را از اوکراین منحرف کرده و باعث شود تا تجهیزات نظامی آمریکایی که برای اوکراین ارسال می‌شدند اکنون به خاورمیانه ارسال شود. از سوی دیگر در میان تنش‌های فزاینده بین اسرائیل و حزب‌الله، واشینگتن کشتی‌ها و تفنگداران دریایی آمریکا را به منطقه اعزام کرد. بنابراین تشدید بیشتر تنش میان ایران، حماس، حزب‌الله و رژیم صهیونیستی و دیگر گروه‌های مقاومت در منطقه مستلزم تعهد و ارسال منابع و امکانات بیشتر آمریکا به منطقه شده است که مورد استقبال روسیه قرار گرفته است. از سوی دیگر به لحاظ اقتصادی نیز افزایش تنش در منطقه موجب افزایش قیمت نفت و سوخت برای مصرف‌کنندگان عادی آمریکایی خواهد شد (Notte, 2024). درحالی‌که روسیه به واسطه سیاست خارجی تهاجمی در برابر اوکراین و اروپای شرقی در انزوا و تحریم غرب قرار داشت با ورود به جنگ سوریه به دنبال نفوذ بیشتر و بازگرداندن موقعیت رقابتی و مشروعیت بین‌المللی خود در برابر ایالات متحده بود (Trenin, 2016). همچنین با حضور در سوریه از موقعیت این کشور برای به چالش کشیدن آمریکا و برتری ناتو در دریای مدیترانه استفاده کرد (Rumer & Sokolsky, 2021). از سوی دیگر حضور در سوریه به آن‌ها این امکان را داد که تا فناوری‌های مورد استفاده ایالات متحده و ناتو را مشاهده و شناسایی کنند (Cafarella & Zhou, 2019). روسیه نشان داده که برای خارج نمودن از جمع قدرتهای جهانی حتی حاضر است یک نقش منفی (حمایت از بشار اسد) را در منطقه ایفا کند (نیاکونی و ستوده، ۱۳۹۵: ۱۴۳).

## نتیجه‌گیری و پیشنهاد

موازنه قوا یک راهبرد فراگیر در عرصه بین‌المللی برای تأمین امنیت و حفظ و توسعه روابط با دیگر بازیگران است. این راهبرد محصول وضعیت آنارشیک در محیط بین‌المللی است که دولت‌ها برای حفظ امنیت و منافع به سمت خودیاری حرکت می‌کنند. محصول نهایی موازنه قوا، موازنه‌سازی قدرت در برابر تهدیدات موجود در محیط‌های پر آشوب همچون خاورمیانه است. بحران‌های اخیر خاورمیانه همچون جنگ اوکراین، حمله ۷ اکتبر حماس، تجاوز رژیم صهیونیستی به ساختمان کنسولگری ایران در سوریه و ترور اسماعیل هنیه در تهران موجب تشدید تنش‌ها بین ایران و رژیم صهیونیستی شده و کشورهای منطقه را به سمت مدیریت بحران و موازنه‌سازی قوا سوق داده است. راهبرد روسیه در خاورمیانه و در وضعیت تشدید تنش‌ها بین ایران و رژیم صهیونیستی همچنان اجرای سیاست «صبر و انتظار» و «تعادل» است. روسیه با هر دو طرف در منطقه و به‌خصوص در بحران سوریه روابط مستقیمی دارد که آن‌ها را مدیریت می‌کند. روس‌ها به دلیل روابط گسترده‌ای که با ایران و رژیم صهیونیستی دارند سعی می‌کنند همچنان صبورانه و با یک نگاه تعادلی وضعیت خود را در این میان مشخص کنند. هدف اصلی راهبرد خاورمیانه‌ای روسیه جلوگیری از حضور بیشتر آمریکا در منطقه و در صورت امکان اخراج آمریکا است. از سوی دیگر دل مشغولی روس‌ها در اوکراین محدودیت‌های راهبردی برای آن‌ها ایجاد کرده است که به دنبال رفع آن‌ها از طریق سیاست‌های تعادلی در منطقه هستند. آن‌ها به‌خوبی درک کرده‌اند که برای رسیدن به این هدف باید واقع‌بینانه به انتظارات خود نگاه کنند. روس‌ها ایران را همانند سدهای در مقابل سیاست‌های آمریکا در منطقه حفظ خواهند کرد. ایران به آن‌ها شیوه دور زدن تحریم‌های غرب و کمک‌های نظامی ارائه نموده است. از سوی دیگر روابط روسیه با رژیم اسرائیل در یک وضعیت تعادلی قرار دارد که حوزه‌های تجاری و نظامی آن رو به گسترش است. روس‌ها می‌دانند که تشدید تنش‌ها میان ایران و رژیم صهیونیستی منافع آن‌ها را به خطر می‌اندازد. بر همین اساس آن‌ها در کوتاه مدت به دنبال جلوگیری از گسترش دامنه جنگ میان ایران و رژیم اسرائیل و حفظ ثبات و مزایای اقتصادی، در میان مدت به دنبال نفوذ بیشتر و تعهد کمتر در خاورمیانه و در بلند مدت به دنبال تضعیف حضور ایالات متحده در منطقه هستند. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران همسایه روسیه بوده و روابط خصومت‌آمیزی را با رژیم صهیونیستی دارد، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کشور برای تأمین حداکثری منافع ملی و امنیت ملی ضروری است به موارد پیشنهادی زیر توجه داشته باشند:

- ✓ حضور مؤثر در منطقه مستلزم شناخت دقیق توانایی‌ها و پویای‌های بازیگران منطقه‌ای است. بنابراین ضروری است جمهوری اسلامی ایران در تحولات منطقه‌ای از جمله حوادث هفتم اکتبر و جنگ روسیه و اوکراین ضمن شناخت دقیق تحولات میدانی در عرصه دیپلماسی نیز تحرک لازم مبتنی بر اصول عزت، حکمت و مصلحت را داشته باشد.
- ✓ در رابطه با روسیه ضروری است ایران خود را از تنش‌های میان این کشور با اوکراین و غرب دور نگه داشته و بی‌طرفی اتخاذ کند. این مسئله دست ایران را برای اتخاذ تصمیم‌های مستقل در برابر فرصت‌طلبی‌های این کشور باز خواهد گذاشت. همچنین ضروری است دو کشور سطح روابط خود را از روابط مقطعی مبتنی بر منافع نزدیک به روابط راهبردی مبتنی بر منافع بلند مدت تغییر دهند. جمهوری اسلامی ایران باید ضمن توجه به توسعه منابع قدرت ملی و منطقه‌ای، روسیه را به سطح همکاری‌های راهبردی مانند آنچه در جریان سوریه اتفاق افتاد هدایت کند و این مسئله مستلزم توسعه میدان‌های دیپلماسی در شرق و غرب است.
- ✓ در رابطه با رژیم صهیونیستی، سیاست اصولی و اعلامی جمهوری اسلامی ایران مراجعه به آرای عمومی ساکنان اصلی این سرزمین و حمایت از ملت مظلوم فلسطین و در عین حال پاسخ‌گویی به تجاوزات این کشور به سرزمین ایران است. بنابراین، تعلل در پاسخ به تجاوزات این رژیم موجب اشتباه محاسباتی و توسعه تجاوزات و کاهش توانمندی در دفاع از منافع مشروع خود در آینده خواهد شد.

## References

- Abuelghanam, D. (2024). Russia and NATO in the Middle East: Conflictual Relations Naser Tahboub. *Jordanian Journal of Law and Political Science* Volume, 16(1).
- Aron, R. (2004). *Paix et guerre entre les nations*. Paris: Calmann-lévy.
- Averbukh, L., & Klein, M. (2018). Russia-Israel relationship transformed by Syria conflict: political interests overshadow social and economic ties. Retrieved from: <https://d-nb.info/1187191272/34>.
- Azizi, H., & Barnes-Dacey, J. (2024). BEYOND PROXIES: IRAN'S DEEPER STRATEGY IN SYRIA AND LEBANON, Retrieved from: <https://ecfr.eu/publication/beyond-proxies-irans-deeper-strategy-in-syria-and-lebanon/>
- Azizi, H., & Najafi, M. (2017). The Future of Iran-Russia Partnership in the Syrian Crisis. *Political and International Approaches*, 9(2), 67-95. [In Persian]
- Bennett, D., & Ilyushina, M. (2023). Inside the Russian effort to build 6,000 attack drones with Iran's help. *Washington Post*, August 17, 2023. Retrieved from: <https://www.washingtonpost.com/investigations/2023/08/17/russia-iran-drone-shahed-alabuga/>
- Bijan, A. (2021). Russia-Israel Relationship: In the Perspective of the Syrian Civil War. *İsrailiyat*, (7), 90-104.
- Blachford, K. (2021). The balance of power and the power struggles of the polis. *Journal of International Political Theory*, 17(3), 429-447.
- Blank, S. J. (2014). Russian strategy and policy in the Middle East. *Israel Journal of Foreign Affairs*, 8(2), 9-23.
- Borshchevskaya, A. (2016). *The Maturing of Israeli-Russian Relations*. Washington Institute.
- Bull, H., & Watson, A. (1984). *The expansion of international society*. New York: Oxford University Press.
- Burchill, S, Linklater, A, Donnelly, J, Petersen, M, Royce Smith, C, Devtak, R, & True, J. (2011). *International relations theories*. (Homeira Moshirzadeh and Ruhollah Talebi, translation). Tehran: Mizan Publishing. [In Persian]
- Cafarella, J., & Zhou, J. (2019). *Russia's Dead-End Diplomacy*. Institute for the Study of War, November. Retrieved from: [https://www.understandingwar.org/sites/default/files/ISW%](https://www.understandingwar.org/sites/default/files/ISW%20Russia's%20Dead-End%20Diplomacy.pdf)
- Cafiero, G. (2024). *Russia Benefits from Continued but Calibrated Iran-Israel Hostilities*, Retrieved from: <https://www.stimson.org/2024/russia-benefits-from-continued-but-calibrated-iran-israel-hostilities/>
- Chegenizadeh, G.A. (2013). China's balance of power and strategic relations with the United States. *Foreign Relations Quarterly*, 5(4), 227-263. [In Persian]

- Delanoë, I. (2019). Russia-Israel: Syria, a new structural challenge of Israeli-Russian relations. *Observatoire of Arab-Muslim World and Sahel*, April, 11. Retrieved from: [https://www.frstrategie.org/sites/default/files/documents/programme\\_s/observatoire-du-monde-arabo-musulman-et-du-sahel/publications/en/201916.pdf](https://www.frstrategie.org/sites/default/files/documents/programme_s/observatoire-du-monde-arabo-musulman-et-du-sahel/publications/en/201916.pdf)
- Dentice, G. (2019). Israel's Foreign Policy: No Change in Sight. Retrieved from: <https://www.ispionline.it/en/publication/israels-foreign-policy-no-change-sight-22773>
- Golmohammadi, V., & Arm, A. (2023). Regionalization of Great Powers Intervention and Russia's Middle East policy. *Iranian Research letter of International Politics*, 11(2), -. doi: 10.22067/irlip.2022.71569.1120. [In Persian]
- Haas, E. B. (1953). The balance of power: prescription, concept, or propaganda?. *World Politics*, 5(4), 442-477.
- Hansen, B., Toft, P., & Wivel, A. (2008). *Security strategies and American world order: Lost power*. Routledge.
- Jafari, A. A., & Shafaghatnia Abad, J. (2022). Influential Factors on Russia's Decision Making toward Israel. *Central Eurasia Studies*, 15(1), 27-51. doi: 10.22059/jcep.2022.259681.449987. [In Persian]
- Jervis, R. (1978). Cooperation under the security dilemma. *World politics*, 30(2), 167-214.
- Karami, J. (2009). Iran and Russia: Eastern ally or southern threat? *Foreign Relations Quarterly*, 2(3), 171-199. [In Persian]
- Karasova, T. A. (2019). Features of Israeli-American relations during the reign of the governments of B. Netanyahu and the administrations of B. Obama and D. Trump (2009–2019). Moscow: Institut vostokovedeniya RAN publ.
- Karimipour, D. (2011). Continuity and change in the foreign policy of the Russian Federation towards the Islamic Republic of Iran (2000-2010). (Nuclear case, legal regime of the Caspian Sea, sale of military weapons), master's thesis, Imam Sadiq University (AS). [In Persian]
- Karkazis, J., Anastasiadou, E., & Markopoulos, T. (2024). IRAN-ISRAEL MILITARY CONFRONTATION. Retrieved from: [https://www.academia.edu/117972226/IRAN\\_ISRAEL\\_MILITARY\\_CONFRONTATION](https://www.academia.edu/117972226/IRAN_ISRAEL_MILITARY_CONFRONTATION)
- Kaufman, S. J., Little, R., & Wohlforth, W. C. (Eds.). (2007). *The balance of power in world history*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Kertcher, C., & Course, D. (2024). *The Practice of Friendship Balancing: Russia-Israel Relations, 2015 to 2021*. Middle East Policy.
- Khatib, Lina, (2017), Iran Is Building a Base of Post- War Influe Ence in Syria, June, Retrieved from: <https://syria.chathamhouse.org/research/iran-is-building- a-base-of-post-war-influence-in-syria>.
- Khokhlova, A. (2024). A Review of: Russian Foreign Policy Towards the Middle East. *New Trends, Old Traditions*, edited by Nikolay

- Kozhanov. Retrieved from [https://oda.uni-obuda.hu/bitstream/handle/20.500.14044/25454/JCEEA\\_vol3\\_no1\\_Khokhlova.pdf?sequence=1](https://oda.uni-obuda.hu/bitstream/handle/20.500.14044/25454/JCEEA_vol3_no1_Khokhlova.pdf?sequence=1)
- Khomeini, S. R. (1378). Imam Khomeini's Book: Collection of Imam Khomeini's Works (Quds Sareh), Volume 16, Tehran: Imam Khomeini Works Editing and Publishing Institute. [In Persian]
  - Kissinger, H. (2017). A world restored: Metternich, Castlereagh, and the problems of peace, 1812-22. Pickle Partners Publishing.
  - Klimburg, A., & Faesen, L. (2020). A balance of power in cyberspace. *Governing Cyberspace: Behavior, Power and Diplomacy*, 145-172.
  - Kofman, M., & Rojansky, M. (2018). What kind of victory for Russia in Syria. *Military Review*, 24(2), 6-23.
  - Korolev, A. (2018). Theories of non-balancing and Russia's foreign policy. *Journal of strategic studies*, 41(6), 887-912.
  - Kozhanov, N. (2018). Russian policy across the Middle East: Motivations and methods. *Chatham House-The Royal Institute of International Affairs*, pp.1-34.
  - Kozhanov, N. (2024). IRAN-SAUDI RAPPROCHEMENT THROUGH THE PRISM OF PUTIN'S WAR IN UKRAINE AND RUSSIAN INTERESTS IN THE PERSIAN GULF REGION. *RECONCILING RIVALS*, 40.
  - Krasna, J. (2018). *Moscow on the Mediterranean: Russia and Israel's Relationship*, the Foreign Policy Research Institute.
  - Krylov, A. V., & Mikaelian, A. A. (2024). Israel in the Context of the "New Bipolarity". *Vestnik RUDN. International Relations*, 24(1), 23-39.
  - Lerman, E. (2018). Israel's Remarkable Diplomatic Achievements in 2017. Retrieved from: <https://jiss.org.il/en/lerman-israels-remarkable-diplomatic-achievements-in-2017/>
  - Mahmoudian, Arman. (2024). *Iran-Israel Conflict: A New Stage Emerges*. GNSI Publications. 4. Retrieved from: [https://digitalcommons.usf.edu/gnsi\\_publications/4](https://digitalcommons.usf.edu/gnsi_publications/4)
  - Mearsheimer, J. J. (2003). *The tragedy of great power politics* (Updated edition). WW Norton & Company.
  - Mearsheimer, J. J. (2018). *The great delusion: Liberal dreams and international realities*. Yale University Press.
  - Miremadi, T., & Shariatnia, M. (2014). Military interactions of the Zionist regime with Russia, India and China. *Foreign Relations Quarterly*, 7(2), -. 101-134, 20.1001.1.20085419.1394.7.2.6.5. [In Persian]
  - Morgenthau, H. (1948). *Politics among nations: The struggle for power and peace*. New York, 51973.
  - Nasr, V. (2024). *Why Iran and Israel Stepped Back From the Brink*, Retrieved from: <https://www.foreignaffairs.com/israel/why-iran-and-israel-stepped-back-brink>

- niakoe, S., Sotoudeh, A. (2016). The Conflict Pattern of Regional and Global Actors In the Civil Wars of Iraq and Syria (2011-2015). *Strategy*, 25(3), -. [In Persian]
- Notte, H. (2024). What Russia Wants in the Middle East, Retrieved from: <https://www.foreignaffairs.com/russia/what-russia-wants-middle-east>
- Pape, R. A. (2005). Soft balancing against the United States. *International security*, 30(1), 7-45.
- Paul, T. V. (2005). Soft balancing in the age of US primacy. *International security*, 30(1), 46-71.
- Paul, T. V., Wirtz, J. J., & Fortmann, M. (2004). *Balance of power: theory and practice in the 21st century*. Stanford University Press.
- Popescu, N., Secieru, S., Barnes-Dacey, J., Bechev, D., Borisov, T., Frolovskiy, D., ... & Trenin, D. (2018). Russia's return to the Middle East. *European Union Institute For Security Studies Chaillot Papers*. no. 146. DOI:10.2815/639920.
- Rakov, D. (2024). Russia's Policy in the Middle East and Its Approach to the Gaza War. *THE PARADOX OF POWER: Ukraine's Struggle, Russia's Dilemmas and Global Consequences*, 92.
- Rumer, E. (2019). *The Primakov (not Gerasimov) doctrine in action* (Vol. 5, No. 06). Washington, DC: Carnegie Endowment for International Peace.
- Rumer, E., & Sokolsky, R. (2021). *Russia in the Mediterranean: Here to stay*. Washington, DC: Carnegie endowment for international peace.
- Salehiyan, T., & Mirzaei, V. (2021). Investigating the Balance of Power between Iran and the United States after the Islamic Revolution. *Contemporary Researches on Islamic Revolution*, 3(7), 53-74.
- Shafaghatnia Abad, J., & jafari, A. A. (2020). Russia's Strategy and Behavioral Pattern in the Confrontation between Iran and Zionist Regime. *Strategy*, 29(1), 5-33. [In Persian]
- Simbar, R., & Ghorbani, V. (2013). Impact Islamic Revolution of Iran on Israel and United States Relations. *Islamic Revolution research journal*, 3(7), 83-102. [In Persian]
- Smagin, N. (2023). Middle Eastern Influence Is Growing Fast in Russia. Retrieved from: <https://carnegieendowment.org/russia-eurasia/politika/2023/11/middle-eastern-influence-is-growing-fast-in-russia?lang=en>.
- Tavakoli, A., & Mahmoud Oghli, R. (2023). Threatening Components of Strategic Cooperation between Iran and Russia. *Diplomatic Interactions*, 1(1), 101-128. doi: 10.22034/dpiq.2023.194817. [In Persian]
- Trenin, D. (2016). *Russia in the Middle East: Moscow's Objectives, Priorities, and Policy Drivers*, Carnegie Moscow Center.


- Walker, R. B. (1993). *Inside/outside: international relations as political theory*. Cambridge University Press.
- Waltz, N. (1979). *Theory of International Politics*. New York: Random House.
- Марьясис, Д. А. (2017). Перспективы развития российско-израильских торгово-экономических отношений. *Международная торговля и торговая политика*, (2 (10)), 125-135.

# The Islamic Governance Model with Emphasis on Justice and Citizens' Rights

**Abdolmotalleb Abdollah**

Associate Professor, Department of Islamic Studies, Allameh Tabataba'i University,  
Tehran, Iran.

Email: Abdollah-ab@yahoo.com

 0000-0002-6824-017X

## Abstract

Islamic governance encompasses more than the management of material affairs—it addresses both the worldly and spiritual dimensions of human life. In this framework, the concept of welfare-oriented governance emerges as a model grounded in reciprocal responsibilities between state and citizens, aimed at fulfilling holistic human needs and achieving societal welfare. This study explores the key components of an ideal Islamic governance model based on justice and the protection of citizens' rights within a welfare-oriented political system. The findings indicate that such a model integrates both material welfare and spiritual elevation as part of the pursuit of human salvation. Accordingly, the state, as a welfare-oriented political institution, is responsible for meeting the economic, social, political, and civil needs of the people. Conversely, citizens are expected to fulfill their duties within the framework of mutual rights, social trust, and communal solidarity, while actively supporting the implementation of Shariah law. Welfare-oriented governance, as derived from Islamic jurisprudence and religious texts, is dynamic and adaptable to the evolving needs of society. This research employs a descriptive-analytical methodology, drawing on library and documentary sources, to offer a detailed analysis of the principles and structure of Islamic governance. The study ultimately contributes to a deeper understanding of welfare-based governance in Islamic thought and proposes practical recommendations for improving governance in contemporary Islamic societies.

**Keywords:** Islamic governance, Justice; Citizens' rights; Welfare-oriented politics; Welfare-oriented government.




# الگوی حکمرانی اسلامی با تأکید بر عدالت و حقوق شهروندی

عبدالمطلب عبدالله

دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران،

Email: Abdollah-ab@yahoo.com

 0000-0002-6824-017X

## چکیده

حکمرانی در اسلام فراتر از نیازهای مادی و امور روزمره است و به‌طور هم‌زمان به نیازها و حقوق مادی و معنوی توجه می‌کند. در این راستا، سیاست سعادت‌گرا به‌عنوان یک الگو و نقشه راه در حکمرانی، متشکل از تعاملات میان حکومت و شهروندان، شکل می‌گیرد و به‌عنوان بنیادی برای تحقق حکومت سعادت‌گرا عمل می‌کند. پژوهش حاضر با طرح این سؤال که الگوی مطلوب حکمرانی در اسلام، بر مبنای عدالت و حقوق شهروندی در سیاست و حکومت سعادت‌گرا، چه مؤلفه‌هایی را شامل می‌شود، به بررسی ابعاد مختلف حکمرانی اسلامی می‌پردازد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از این حکمرانی، که بر پایه عدالت و اصول حقوق شهروندی بنا شده است، نیازهای مادی و معنوی را در راستای سعادت اخروی انسان تعریف می‌کند؛ بنابراین، حکومت به‌عنوان نهاد سیاست سعادت‌گرا، وظیفه دارد تا نیازها و حقوق شهروندان را در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مدنی برآورده سازد. از سوی دیگر، شهروندان نیز باید بر اساس تعامل حق و تکلیف، روابطی مبتنی بر اخوت و حسن ظن را در زندگی اجتماعی برقرار سازند و در عین حال، حکومت اسلامی را در اجرای احکام شریعت یاری دهند. سیاست سعادت‌گرا به‌طور مشخص در فقه سیاسی و منابع و متون دینی قابل تعریف است و حکومت سعادت‌گرا نیز حکومتی است که بر مبنای احکام شریعت بنا شده و شکل آن را با توجه به تحولات و نیازهای زمانه عینیت می‌بخشد. این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و ابزارهای کتابخانه‌ای و اسنادی، به تحلیل و بررسی این مؤلفه‌ها پرداخته و تلاش می‌کند تا ابعاد مختلف حکمرانی اسلامی را به‌طور جامع و دقیق مورد مطالعه قرار دهد. در نهایت، این پژوهش می‌تواند به‌عنوان یک منبع معتبر در زمینه حکمرانی اسلامی و سیاست سعادت‌گرا، به فهم بهتر و عمیق‌تر از این مقوله کمک کند و راهکارهایی برای بهبود حکمرانی در جوامع اسلامی ارائه دهد.

**کلیدواژه‌ها:** حکمرانی اسلامی، عدالت، حقوق شهروندی، سیاست سعادت‌گرا، حکومت سعادت‌گرا



## مقدمه و بیان مسئله

نگرش اسلامی به عرصه سیاست و حکومت به‌طور معناداری با سایر مکاتب و ایدئولوژی‌های سیاسی تفاوت دارد. هدف اصلی در سیاست‌ورزی اسلامی، دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی از طریق اجرای احکام شریعت است. در این راستا، سیاست و حکومت، هرچند اموری ضروری و حیاتی به شمار می‌روند، اما ثانویه و عرضی هستند و به خودی خود ارزش ذاتی ندارند. این امور تنها به‌منظور فراهم کردن شرایط مناسب برای زیست انسانی ایجاد شده‌اند تا افراد جامعه بتوانند بدون دغدغه‌های مادی، به سعادت حقیقی دست یابند.

بنابراین، تفاوت الگوی حکمرانی اسلامی با سایر مکاتب در این است که اسلام بر اهمیت توأمان امور مادی و معنوی تأکید دارد و سعادت دنیوی و اخروی را به‌عنوان دو بُعد جدایی‌ناپذیر در نظر می‌گیرد. حکمرانی در این چهارچوب، فراتر از اداره جامعه در عرصه سیاسی است و به نیازهای کلی جامعه و ارتباط نظام سیاسی با شهروندان، جامعه مدنی و نهادهای اقتصادی می‌پردازد. این حکمرانی بیشتر بر محوریت عدالت و توجه به ابعاد مختلف حقوق شهروندی پیش می‌رود.

با این حال، برای تحقق حکمرانی اسلامی و دستیابی به عدالت به‌عنوان مبنای حکمرانی، تنها نظام سیاسی یا حکومت نیست که نقش اصلی را ایفا می‌کند، بلکه حقوق و مسؤولیت‌های شهروندان و نقش‌آفرینی آنان در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. رابطه مطلوب مردم با یکدیگر و همچنین رابطه آنان با نظام سیاسی و بالعکس، در این زمینه بسیار حائز اهمیت است. بنابراین، نحوه تعامل مردم با نظام سیاسی و با یکدیگر و شیوه برخورد مناسب نظام سیاسی با مردم، از جمله مسائل کلیدی در حکمرانی اسلامی به شمار می‌روند.

مباحث مربوط به ضرورت حکمرانی بر مبنای عدالت و توجه به نیازها و حقوق متنوع و در عین حال تحول‌یافته شهروندی، به این معناست که حکمرانی در اسلام باید به‌گونه‌ای تعریف یا بازخوانی شود که بتواند نیازهای جدید را پوشش دهد و برای مشکلات نوظهور راه‌حل‌های مناسبی ارائه کند. به‌عبارت دیگر، الگوی حکمرانی اسلامی باید به‌نحوی باشد که هم در عرصه آرمانی و هم در عرصه اجرایی به‌طور متعامل پیش برود؛ به‌گونه‌ای که سیاست سعادت‌گرا به‌عنوان چشم‌انداز و نقشه راه و در عین حال امری چهارچوب‌مند به شمار آید و سیاست واقعی یا امور مربوط به اداره کشور نیز به دنبال آن پیش بروند.

در این نگرش کلی و فراگیر، امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نحوه تعامل مردم با یکدیگر و همچنین تعامل مردم با نظام سیاسی، باید دارای یک نقشه راه معین باشد و سیاست اجرایی نیز به دنبال تحقق این اهداف باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر در تلاش است تا الگوی حکمرانی اسلامی بر مبنای عدالت و حقوق شهروندی را تعریف کند و سپس عناصر و مؤلفه‌های آن را در زمینه روابط مردم با یکدیگر و همچنین روابط نظام سیاسی با مردم، با استناد به اندیشه اسلامی و حکمرانی ناشی از آن تحلیل و تبیین نماید.

### ۱. چهارچوب مفهومی

«حکمرانی»<sup>۱</sup> مفهومی وسیع‌تر از «حکومت»<sup>۲</sup> دارد و علاوه بر اداره حکومت به تعامل دولت و نظام سیاسی با نهادهای غیردولتی و جامعه مدنی یا مدیریت امور به نحو مطلوب نیز اشاره دارد. مفهوم اولیه و شکل‌دهنده حکمرانی اسلامی، شکل دادن به جامعه خوب هم از نظر حکومتی و غیر حکومتی است. بدین ترتیب در تفکیک میان حکمرانی و حکومت باید گفت حکومت صرفاً کنترل فرایندهای سیاسی، اقتصادی و مدیریتی را شامل می‌شود که توسط گروه حاکم صورت می‌گیرد و می‌توان آن را به‌طور مصطلح «بخش حکومتی» نام داد. اما حکمرانی شامل بخش حکومتی همراه به دو بخش مجزای دیگر، بخش‌های بازرگانی و جامعه مدنی نیز می‌شود. فلسفه حکمرانی نیز این است که با ادغام سه بخش حکومتی، بازرگانی و جامعه مدنی فوق، مقامات کارهای خود را نحو مؤثرتری انجام دهند و بدین ترتیب شکل‌گیری «جامعه خوب»<sup>۳</sup> بیشتر تحقق می‌یابد (امامزاده فرد، ۱۳۹۰: ۳۵). ضمن اینکه در نزد آموزه‌های اسلامی، «حکمرانی مطلوب»<sup>۴</sup> یا حکمرانی خوب از حکمرانی خوب (لیبرالی) متمایز است که بیشتر بر محوریت‌های چندگانه صندوق بین‌المللی پول ارائه می‌شود.

مفهوم مهم دیگری که در حکمرانی اسلامی باید مورد توجه قرار گیرد، تأکید بر اتخاذ تصمیمات و رویکردهای مطلوب برای اداره جامعه اسلامی است. از این منظر، نظام حکمرانی در تمدن اسلامی مسئولیت اتخاذ تصمیمات و ایجاد سازوکارهایی را بر عهده دارد که به بهره‌مندی عادلانه از نعمت‌ها، مواهب و خیرات در جامعه کمک کند. این تصمیمات و سازوکارها می‌تواند از طریق مجموعه‌ای از قواعد حکومتی، نهادها،

1. Governance

2. Government

3. Good Society

4. Good Governance

مؤلفه‌های رفتاری، نظام عادات و نظام‌های سنت‌های الهی شکل بگیرد. این نگرش به نظام حکمرانی در تمدن اسلامی، آن را فراتر از یک نظام حکومتی صرف معرفی می‌کند، هرچند که حکومت اسلامی نقشی ویژه در این فرایند ایفا می‌کند. نخ تسبیح تمامی این تصمیمات و سازوکارها، حاکمیت اراده و سنن، اوامر و دستورات الهی است (مقصودی، ۱۳۹۶: ۷۶).

بدین ترتیب، تأکید حکمرانی اسلامی بر اجرای دقیق آموزه‌های الهی در تمامی ابعاد جامعه است؛ جایی که حاکمان اسلامی در راستای حاکمیت خدا و رسول خدا (ص) گام برمی‌دارند. مطابق آیه شریفه: «یا ایها الذین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و أولی الأمر منکم ...» (حج: آیه ۱۸)، حکمرانی اسلامی چیزی جز عمل بر اساس آموزه‌های الهی نیست؛ یعنی آنچه که خدا، رسول گرامی خدا، ائمه و جانشینان وی بیان می‌کنند. مفهوم دیگر در حکمرانی اسلامی، رفتار بر مبنای عدالت و توجه به حقوق متنوع و متکثر شهروندان در چهارچوب احکام شرع است. حکمرانی اسلامی به پذیرش عقاید گوناگون و متکثر در جامعه اسلامی، صرف نظر از رویکردهای مذهبی متفاوت، متعهد است. از این منظر، پذیرش وحدت در راهبردها و تنوع در روش‌های حکومتی و نوع نظام‌های سیاسی، در عین تأکید بر مشروعیت و مقبولیت مردمی، نوعی همزیستی مسالمت‌آمیز و همگرایی میان تمامی مذاهب اسلامی را به ارمغان می‌آورد. این رویکرد بر اساس نیازهای مشترک امت اسلامی و تقویت مناسبات میان مذاهب اسلامی استوار است (دهشیری، ۱۳۹۴: ۱۰۲).

بنابراین، حکمرانی اسلامی نه تنها به دنبال تحقق عدالت است، بلکه تفاوت‌های فردی را نیز برای اداره امور لحاظ می‌کند. این رویکرد همچنین شامل تدابیر و تصمیمات لازم برای اداره بخش‌های حکومتی و قوای سه‌گانه و تنظیم روابط دولت با نهادهای مدنی و حقوق شهروندی می‌شود. در نهایت، هدف نهایی این حکمرانی، دستیابی به «جامعه خوب اسلامی» است که در آن عدالت، همزیستی مسالمت‌آمیز و احترام به حقوق همه افراد جامعه، به‌ویژه در برابر تنوع‌های مذهبی و فرهنگی، مورد توجه قرار گیرد.

### ۱-۱. عدالت؛ مبنای حکمرانی اسلامی

عدالت، به‌عنوان یک اصل بنیادین در حکمرانی اسلامی، نقش محوری در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی مسلمانان دارد. بر اساس آموزه‌های اسلامی، هر فرد مؤمن و مسلمان موظف است که اصل عدالت را در تمامی ابعاد زندگی خود مد نظر قرار دهد

و در این راستا، برقراری عدالت نه تنها یک وظیفه فردی، بلکه یک تکلیف اجتماعی نیز محسوب می‌شود. مسلمانان باید با هم مشارکت کنند تا به هدف برقراری عدالت دست یابند و وظیفه اصلی حاکم نیز در این زمینه، ایجاد و حفظ عدالت در جامعه است.

آیات متعددی در قرآن کریم بر اهمیت عدالت تأکید دارند. به عنوان نمونه، آیه‌ای از سوره مائده می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»<sup>۱</sup> (مائده، آیه ۸). بر اساس این آیه و دیگر آیات مشابه، وجود عدالت به عنوان یکی از ضرورت‌های بنیادین زندگی بشر مطرح می‌شود و پیامبران الهی برای برقراری عدالت در جامعه لازم و ضروری هستند (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۷).

بر مبنای اصل عدالت، هنگامی که در جامعه، وظایف و مسئولیت‌ها به طور عادلانه و برابر ساماندهی شوند، حقوق شهروندی نیز به درستی محقق خواهد شد. اصل عدالت به این معناست که تمام افراد جامعه باید در شرایط برابر از حقوق و تکالیف یکسان برخوردار باشند. زمینه اصلی حقوق و آزادی‌های فردی در برابری انسان‌ها نهفته است و تا زمانی که بین افراد جامعه مساوات کامل برقرار نشود، تحقق عدالت اجتماعی، برادری و آزادی غیرممکن خواهد بود (هاشمی، ۱۳۸۸: ۲۱۶).

از این منظر، در نظر گرفتن سازوکارهای لازم برای تحقق عدالت در نظام سیاسی، نه تنها بنیان نظام سیاسی را تشکیل می‌دهد، بلکه عاملی برای مشروعیت و حقانیت آن نیز به شمار می‌آید. نشانه‌های دین جز در بستر عدالت ظهور نمی‌کند و حدود الهی در سایه عدالتی فراگیر به درستی به اجرا درمی‌آید. برقراری عدالت، در واقع، به معنای برپایی بالاترین حدود الهی است که در سایه آن، زندگی و حیات انسانی معنا می‌یابد. امیرمؤمنان علی<sup>(ع)</sup> نقش عدالت را به خوبی بیان کرده و فرموده‌اند: «جعل الله سبحانه العدل قوام الانام و تنزيها من المظالم والاثام وتسنيه للاسلام» (غرالحکم و دررالکلم، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۳۳۵). در این بیان، عدالت به عنوان مایه برپایی انسان‌ها و ستون زندگانی آن‌ها معرفی می‌شود. همچنین، ایشان تأکید کرده‌اند که «بالعدل تصلح الرعيه» (غرالحکم و دررالکلم، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۲۹۲)؛ یعنی با عدالت، مردمان اصلاح می‌شوند. در واقع، جامعه‌ای که در آن عدالت برقرار نباشد، فاقد حیات انسانی و زندگی معنوی است. دیانتی که در آن اهتمام به برقراری عدالت وجود نداشته باشد، مایه

۱. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همواره برای خدا با تمام وجود قیام کنید و به انصاف و عدالت گواهی دهید و هرگز دشمنی با قومی، شما را به بی‌عدالتی وادار نکند. به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیک‌تر است و از خداوند پروا کنید که همانا خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»

گمراهی است و حکومتی که عدالت هدف آن نباشد، در مسیر هلاکت قرار دارد. اصلاح دین و دنیای مردم به عدالت وابسته است و امیرمؤمنان علی<sup>(ع)</sup> در سخنان خود به روشنی بیان کرده‌اند: «العدل حیا» (شرح غرالحکم، ۱۳۶۰، ج ۱: ۶۴) و «العدل نظام الامر» (شرح غرالحکم، ۱۳۶۰، ج ۱: ۱۹۸)؛ یعنی عدالت نظام‌بخش حکومت است. با پذیرش رویکرد فوق و مبنا قرار دادن عدالت در حکمرانی اسلامی، با دو نوع سیاست و حکومت در اسلام مواجه هستیم: یکی سیاست سعادت‌گرا (آرمانی) و دیگری حکومت سعادت‌گرا در سطح اجرایی. این رویکردها به‌طور هم‌زمان در راستای تحقق عدالت و سامان‌دهی امور جامعه اسلامی عمل می‌کنند و برپایی عدالت را به‌عنوان هدف اصلی خود در نظر دارند. در نهایت، هدف نهایی این حکمرانی، ایجاد جامعه‌ای عادلانه و سالم است که در آن همه افراد به حقوق و آزادی‌های خود دست یابند و در سایه عدالت، زندگی معنوی و انسانی خود را تجربه کنند.

## ۲. سیاست سعادت‌گرا (بعد آرمانی)

در اندیشه اسلامی، انسان موجودی هدفمند است که در مسیر خویش به سوی خداوند متعال حرکت می‌کند. او مخلوق خداست و کمال و سعادت واقعی او در عبودیت آزادانه و عارفانه‌اش نهفته است. هدف از خلقت انسان عبادت و کمال‌طلبی در این راستا است. به‌عبارتی دیگر، هر راهی غیر از این، حتی اگر با تنعم، رفاه و آسایش همراه باشد، بیراهه خواهد بود. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات، آیه ۵۶). بنابراین، سیاست در اسلام نیز باید معطوف به همین مسیر و هدف باشد تا بتواند زمینه‌ساز پیاده‌سازی ارزش‌های الهی و حرکت بندگان به سمت این ارزش‌ها گردد.

بر مبنای این نگرش سعادت‌گرا، شهروندان جامعه اسلامی باید در امور معنوی که در تضاد با آسایش و رفاه دیگران نیست، سعی بر پیش‌قدمی و سبقت‌جویی داشته باشند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۷۳). هدف اصلی این است که سعادت و کمال افراد در نظر گرفته شود و اگر جامعه‌ای به‌عنوان یک واحد اجتماعی در نظر گرفته می‌شود، این به اعتبار همین هدف است. کمال در اینجا به معنای تکامل معنوی و مادی توأمان است که با معیارهای اسلامی تعیین می‌شود و نه صرفاً کمال مادی که بر اساس حس سودجویی و منفعت‌طلبی استوار باشد.

حقوقی که به‌عنوان حقوق شهروندی و بشر تعیین می‌شود، باید به این موضوع توجه داشته باشد که بستر جامعه را به‌گونه‌ای فراهم آورد که انسان‌ها به سادگی و



بدون موانع پیچیده، گام در مسیر پیشرفت و سعادت واقعی نهند. در این راستا، حرکت در مسیر قرب الهی و سعادت بشری، مهم‌ترین دغدغه و وظیفه حاکم اسلامی است که در اجرای شریعت الهی و اطمینان از رضایت خداوند حاصل می‌شود. وضع شریعت در جامعه از جانب خداوند و اجرای آن توسط شخص واجد شرایط، نهایتاً به منظور تأمین مصالح مردم است. به همین دلیل، رضایت و خواست مردم باید مورد توجه قرار گیرد.

دولت آرمانی شیعه، نظامی است که رهبری آن بر عهده امام معصوم و خلافت الهی در زمین است. امام، که جانشین پیامبر است، وظایف سه‌گانه نبی را یعنی تبلیغ دین و هدایت معنوی بشر، قضاوت و اداره نظام سیاسی را بر عهده دارد. امام کسی است که قرآن را تفسیر، معارف و احکام آن را تبیین و اهداف شریعت را تشریح می‌کند و عدالت را اجرا می‌نماید. دین را از انحراف مصون نگه می‌دارد و در تدبیر شئون و مصالح مردم، ولایت عامه دارد. به همین دلیل، امامت در اندیشه شیعه و اساساً دولت علوی یک منصب الهی است (فیرحی، ۱۳۸۸: ۴۰).

در اندیشه اسلامی، انسان در ارتباط با خدا معنا می‌یابد و مقام خلیفه الهی دارد. حقوق او نیز بر این اساس تنظیم می‌شود. معیار حقوق اسلامی حفظ کرامت انسان و هویت واقعی اوست (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۶۱). جامعه اسلامی به‌عنوان «امت» شناخته می‌شود و این امت متشکل از افرادی است که دارای هدف مشترک هستند. در قرآن از این جامعه مشترک با عنوان «امت واحد» و «امت وسط» یاد می‌شود (بقره: ۱۴۳؛ انبیا: ۹۲؛ مؤمنون: ۵۱). «امت وسط» در تعبیر قرآن، جامعه نمونه اسلامی است که با رعایت شیوه اعتدال در تمام امور، به یک جامعه نمونه اسلامی تبدیل می‌شود و به همین دلیل، حجت و نمونه برای سایر جوامع است.

از این رو، سیاست در جامعه اسلامی باید معتدل و میانه‌رو باشد و از افراط و تفریط به دور باشد. وجه دیگر سیاست سعادت‌گرا، توأمانی حق و تکلیف برای شهروندان و حاکمان است. جامعه زمانی به مدینه فاضله و آرمانی تبدیل می‌شود که هر دو گروه، یعنی مردم و حکومت، حقوق و تکالیف خود را به‌طور کامل انجام دهند و هیچ‌یک به حقوق دیگری تجاوز نکنند. در صورت تحقق این همکاری، مردم صالح و سعادت‌مند خواهند شد و در صورت قصور و تنگ‌نظری یک طرف، جامعه دچار اختلاف و آشوب می‌شود و فرمانروایان ستمگر بر مردم حاکم خواهند شد (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ ق، خطبه ۶). بنابراین، وظیفه و مسئولیت شهروندان و حاکمان در اسلام این است که با انجام مسئولیت‌های محوله، سعادت دنیوی و اخروی را رقم بزنند. اصل اساسی در این باره

همان است که گفته شده است: «الدنيا مزرعه الاخره». در عرصه سیاست اسلامی، امور دنیوی اصلت ندارند و تنها به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به قرب الهی و سعادت اخروی محسوب می‌شوند. به این ترتیب، حکمرانی اسلامی باید به‌گونه‌ای باشد که ضمن تأمین نیازهای دنیوی، همواره در راستای تحقق ارزش‌های الهی و سعادت واقعی انسان‌ها حرکت کند.

### ۳. حکومت سعادت‌گرا (بعد اجرایی)

در عرصه حکومت سعادت‌گرا که به حوزه اجرایی مربوط می‌شود، می‌توان به شکل و اجرای حکومت در جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «اکنون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بیانگر نهادها و مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه، باید راهگشای تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی و ارائه‌دهنده طرح نظام نوین حکومتی بر ویرانه‌های نظام طاغوتی قبلی گردد». بنابراین، قانون اساسی به‌عنوان مرجع اصلی در تحکیم پایه‌های نظام و تشخیص صلاحیت‌ها و حقوق و تکالیف زمامداران و مردم، حاوی قواعد و مقررات مربوط به اصول و ارزش‌های اسلامی و اخلاقی است و الگوهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی، امنیتی و سیاسی را ارائه می‌دهد. در این راستا، قانون اساسی مهم‌ترین سند مکتوب در حراست از ارزش‌های نظام اسلامی به شمار می‌آید.

حکومت سعادت‌گرا در عرصه اجرایی به این معناست که قوانین اسلامی به زمان و مکان خاصی اختصاص ندارد و برای همه زمان‌ها و جوامع نازل شده‌اند. احکام ثابت و تغییرناپذیر اسلامی به‌گونه‌ای وضع شده‌اند که در همه اعصار و جوامع قابل اجرا هستند. اسلام شکل و نوع خاصی را برای حکومت پیشنهاد نمی‌کند و تکیه آن بر رعایت چهارچوب‌های کلی است که ساختار حکومت نباید ناهماهنگ با آن باشد. این مطلب ناشی از این واقعیت علمی و عقلانی است که احکام ثابت و تغییرناپذیر اسلام، که برای همه جوامع تا روز قیامت وضع شده‌اند، از ساختاری کلان و کلی برخوردارند. در مقابل آن‌ها، احکام جزئی و متغیر، متناسب با شرایط خاص زمانی و مکانی وضع می‌گردند. از جمله این احکام متغیر، احکام حکومتی هستند که در هر زمان توسط ولی فقیه صادر و یا امضا می‌شوند و اطاعت و تبعیت از آن‌ها واجب است.

از آنجا که حکومت ممکن است در جوامع متعددی شکل گیرد، بنابراین مصادیق متعددی می‌تواند داشته باشد. به همین دلیل، نمی‌توان یک مدل حکومت برای تمامی شرایط ذکر کرد. دین اسلام فراتر از یک ساختار حکومتی است و چهارچوب و اصول



کلی را مطرح می‌سازد که می‌تواند الگوهای متفاوتی را به فراخور شرایط در بر داشته باشد. بنابراین، دین اسلام نه تنها مکلفین را به‌طور کلی رها نکرده که هیچ مضامینی پیرامون حکومت بیان نکرده باشد، بلکه مسیری متعادل و بینابین انتخاب نموده است که کلیت و چهارچوب کلی را تبیین می‌کند (نوروزی، ۱۳۷۹: ۱۱۳).

عدم تعیین شکل یا اشکال خاص حکومت از سوی اسلام، مشکلی ایجاد نمی‌کند. اگر اسلام یک چهارچوب کلی برای تعیین شکل‌های حکومت در شرایط مختلف ارائه نمی‌داد، ممکن بود ادعا شود که اسلام ناقص است. خوشبختانه، احکام ثانویه و متغیر اسلام که متناسب با شرایط متغیر زمانی و مکانی توسط ولی امر مسلمین تعیین می‌شوند، امکان تعیین ساختاری مناسب در هر دوره را فراهم می‌آورند. این ساختار باید با تکیه بر مبانی ارزش‌های کلی اسلام و با توجه به مصالح متغیر زمانه و مشورت با متخصصان و صاحب‌نظران طراحی شود. پس از آن، مردم موظفاند به آن عمل کنند. به این ترتیب، اسلام ساختار واحدی برای همه دوره‌ها معرفی نمی‌کند، بلکه چهارچوب‌هایی کلی را معرفی می‌نماید که متناسب با آن‌ها در هر دوره ساختار و شکل خاصی برای حکومت طراحی شود که با شرایط زمانی و مکانی تناسب داشته باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

در عرصه حکومت‌داری، باید گفت اسلام دینی است که برای همه زمان‌ها و مکان‌ها و همه جوامع آمده است. این دین سترگ هم جامعه کوچک و محدود زمان پیامبر اسلام (ص) را اداره کرده و هم می‌خواهد پیچیده‌ترین و گسترده‌ترین جوامع بشری و حتی یک حکومت جهانی را اداره کند. با توجه به اینکه ساختار حکومت، برحسب شرایط زمانی و مکانی و تحولات فرهنگی و اجتماعی، دائماً در حال تغییر و تحول است، نمی‌توان برای زندگی اجتماعی در طول تاریخ تنها یک شکل حکومتی تعیین کرد که در همه زمان‌ها، سرزمین‌ها و شرایط قابل اجرا باشد. اصل اساسی آن است که بتوان احکام شرع را به‌عنوان محتوای حکومت لحاظ نمود و در عرصه عمل نیز اجرایی کرد.

ذیل اصل یک‌صد و هفتاد و هفتم قانون اساسی آمده است: «محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است». بنابراین، تلفیق این دو رویکرد در عرصه اجرا، همان

مردم‌سالاری دینی است که محتوای آن اسلامی و شکل آن توسط مردم و در قالب جمهوری اسلامی عینیت یافته و در حال اجرا شدن است.

به‌طور کلی، حکومت سعادت‌گرا در بُعد اجرایی خود، بر مبنای اصول اسلامی و با رعایت نیازهای متغیر زمان و مکان، به‌دنبال تحقق عدالت، سعادت و رفاه عمومی است و در این راستا، همه افراد جامعه باید در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای قوانین مشارکت داشته باشند. این مشارکت نه‌تنها به تقویت بنیادهای اجتماعی و سیاسی حکومت کمک می‌کند، بلکه موجب ایجاد حس تعلق و مسئولیت‌پذیری در میان شهروندان نیز خواهد شد.

### ۳-۱. وظایف حکومت سعادت‌گرا

با در نظر داشتن محتوای اسلامی و شکل مردمی حکومت در اسلام که نمود آن جمهوری اسلامی ایران است، وظایفی نیز بر عهده حکومت است که با توجه به جامعیت احکام شرع، در ابعاد دنیوی و اخروی قابل بررسی است.

#### ۳-۱-۱. سعادت دنیوی

سعادت دنیوی در اندیشه اسلامی به معنای فراهم آوردن امکانات و رفاه مادی برای شهروندان و محقق ساختن حقوق آنان در ابعاد مختلف است. دین اسلام به این موضوع توجه ویژه‌ای دارد و سیاست‌های آن باید به گونه‌ای طراحی شوند که سعادت دنیوی را تحقق بخشند. در این راستا، چند نکته کلیدی قابل توجه است:

#### ❖ مذهب اقتصادی اسلام

مذهب اقتصادی اسلام به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد کلی و ثابتی که از منابع آیات، روایات و عقل استنباط می‌شوند، به تنظیم روابط اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف کمک می‌کند. این قواعد به‌دنبال رفع دشواری‌ها و دستیابی به اهداف اقتصادی هستند و می‌توانند به‌عنوان زیربنای فقه و اخلاق اسلامی عمل کنند (میرمعزی، ۱۳۹۶: ۱۳). هدف اصلی این قواعد، تحقق عدالت و ایجاد رفاه برای مردم به‌گونه‌ای است که مقدمه‌ای برای سعادت انسان باشد.

#### ❖ عدالت و رفاه

محقق شدن عدالت و ایجاد رفاه برای مردم، هدف اصلی سعادت دنیوی در الگوی مطلوب حکمرانی اسلامی است. مکتب حیات‌بخش اسلام، سعادت و سربلندی انسان

در دنیا را هم‌زمان با سعادت و کمال او در آخرت مورد اهتمام قرار می‌دهد. لازمه سعادت انسان‌ها در دنیا، برخورداری از رفاه، آسایش و آرامش فرد و جامعه است. این امر بدون داشتن اقتصاد سالم و پویا، امکان‌پذیر نیست.

#### ❖ توازن بین دنیوی و اخروی

از دیدگاه اسلام، سالک طریق حقیقت نمی‌تواند به بهانه به دست آوردن سعادت اخروی، زندگانی دنیوی و کار و تلاش و رسیدگی به امور معاش خانواده خود را تعطیل کند. همچنین، به بهانه ضرورت‌های زندگی دنیا، نمی‌توان عبادت خدا و کمک به خلق خدا و برنامه خودسازی معنوی را رها کرد. در این راستا، روایت زیبایی از پیشوایان معصوم مانند امام صادق<sup>(ع)</sup> و امام کاظم<sup>(ع)</sup> نقل شده است: «از ما نیست کسی که آخرت خود را به خاطر دنیایش رها سازد؛ همچنین از ما نیست کسی که دنیایش را به خاطر آخرتش ترک نماید» (صدوق، ۱۴۱۳/۳ ق؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۸/۱۷ ق).

#### ❖ تلاش برای سعادت دنیوی

این توازن میان تلاش برای زندگی دنیوی و توجه به آخرت، در روایتی از امام حسن مجتبی<sup>(ع)</sup> به خوبی تبیین شده است: «برای دنیایت چنان تلاش کن، مثل اینکه برای همیشه زنده خواهی ماند و برای آخرت خود نیز چنان کار کن؛ مانند اینکه فردا از جهان رخت خواهی بست» (صدوق، ۱۴۱۳/۴ ق؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق). این رویکرد نشان‌دهنده اهمیت هر دو بعد زندگی انسان است.

#### ❖ اندیشه امام خمینی<sup>(ره)</sup>

در عرصه عمل، اهداف یاد شده به خوبی در اندیشه‌های امام خمینی<sup>(ره)</sup> و بیان مصادیق سعادت دنیوی، یعنی رفع نیازهای مادی، قابل مشاهده است. ایشان می‌فرمایند: «باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی است احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده‌خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند و اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان خود بدانند و قوه قضاییه را در دادخواهی‌ها و اجرای عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها را موجب آسایش و امنیت خود و کشور خود بدانند و این امور بر عهده همگان است و کار بستن آن موجب رضای خداوند و سعادت دنیا و آخرت است و تخلف از آن موجب غضب خداوند قهار و عذاب آخرت و تعقیب و جزای دنیوی است» (امام خمینی، ۱۳۷۸ ش، ج ۱۷: ۱۳۹).

به‌طور کلی، سعادت دنیوی در الگوی حکمرانی اسلامی نه‌تنها به تأمین نیازهای مادی و رفاه اجتماعی مربوط می‌شود، بلکه در ارتباط تنگاتنگ با سعادت معنوی و کمال انسانی است. این توازن بین دنیوی و اخروی، از اصول بنیادین اسلام است که به‌عنوان یک راهنمای جامع برای زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان عمل می‌کند. در نهایت، حکومتی که بر اساس اصول اسلامی شکل گرفته باشد، باید به‌طور فعال در جهت تحقق سعادت دنیوی و معنوی شهروندان تلاش کند.

### ۳-۱-۲. سعادت اخروی

یکی از وظایف مهم حکومت در اسلام، ایجاد زمینه‌های لازم برای تعالی ارزش‌های الهی و تحقق سعادت اخروی مردم جامعه است. در این راستا، انسان باید در سایه قدرت خداوندی که می‌تواند مراتب کمال را طی کند، به سعادت حقیقی نائل شود. این نگرش به انسان یادآوری می‌کند که تنها به خداوند اعتماد کند و نظارت و سلطه او را جدی تلقی نماید (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۱۹). بر این اساس، حکومت نیز وظیفه دارد تا در عمل، مجری و حامی احکام اسلامی باشد.

#### ♦ حمایت از عبادات

حکومت اسلامی مسئولیت دارد تا از تعطیلی احکام اسلامی جلوگیری کند. به‌ویژه اگر عبادتی به‌عنوان «شعار دین» تلقی شود، بی‌اعتنایی به آن می‌تواند اسلام و حکومت اسلامی را سست و ضعیف جلوه دهد. بنابراین، بر حکومت اسلامی تکلیف است که در جهت حفظ و احیای این فریضه الهی، وظیفه حمایتی خود را انجام دهد.

#### ♦ نتایج اجرای عبادات

اجرای عبادات از سوی حکومت می‌تواند به پدید آمدن وحدت، هماهنگی و انسجام بیشتر در تحقق عبادات منجر شود. اصولاً نظر اسلام در برگزاری و انجام امور عبادی بر هماهنگی و نظم است. این هماهنگی می‌تواند به صورت دستوری فردی و غیر الزامی در قالب «حکم استحبایی» و یا به شکل عمومی و الزامی (از سوی پیشوای مسلمین) باشد. به‌عنوان مثال، تعیین روز عید فطر و سایر مناسبت‌های مذهبی بر عهده حاکم اسلامی است.

#### ♦ نقش حکومت در تحقق سعادت اخروی

وظایف حکومت در تحقق سعادت اخروی مردم شامل اجرای احکام شریعت، مقابله با متخلفان و معاندان و ایجاد سازوکاری برای متمایز بودن حکومت اسلامی از حکومت

غیردینی است. برای نمونه، مراسم حج به‌عنوان یک برنامه عبادی-سیاسی، قوت و قدرت مسلمانان را به نمایش می‌گذارد. اگر مردم به هر دلیلی حج را برپا نکنند، حکومت موظف است آنان را به انجام این فریضه وادار سازد و حمایت‌های لازم را انجام دهد. امام صادق<sup>(ع)</sup> در این زمینه می‌فرماید: «لو عطل الناس الحج، لوجب علی الامام ان یجبرهم علی الحج» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ۲۴/۱۱).

#### ❖ نظارت بر عبادات و برخورد با موانع

حکومت باید به وظیفه نظارتی خود عمل کند و مانع از بروز مشکلات برای تحقق عبادات گردد. نمونه‌ای از این نظارت، برخورد رسول اکرم<sup>(ص)</sup> با کسانی است که با اغراض سیاسی خاص در ایجاد اختلال در نماز جماعت رسمی مسلمانان می‌کوشیدند. ایشان آنان را تهدید به آتش زدن خانه‌هایشان کرد (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ۳۷۷/۱۱).

#### ❖ نظام‌های قضایی و اجرایی

در حکومت اسلامی، هم قوانین و مقررات و هم دستگاه قضایی برای سامان دادن به شرایط مناسب جهت دستیابی به سعادت اخروی عمل می‌کنند. این موضوع در نظام جمهوری اسلامی ایران به‌وضوح قابل مشاهده است که شامل وجود دستگاه‌های سه‌گانه قضایی، اجرایی و مقننه است. این دستگاه‌ها به‌طور هماهنگ در جهت تحقق اهداف اسلامی و تأمین سعادت اخروی مردم تلاش می‌کنند.

به‌طور کلی، حکومت اسلامی با حمایت از عبادات و اجرای احکام شریعت، نقش مهمی در تحقق سعادت اخروی مردم ایفا می‌کند. این نقش شامل نظارت بر انجام عبادات، مقابله با موانع و ایجاد بستر مناسب برای رشد و تعالی ارزش‌های الهی است. در نهایت، این تلاش‌ها موجب ایجاد جامعه‌ای متعالی و متصل به ارزش‌های اسلامی می‌شود که در آن انسان‌ها بتوانند به سعادت حقیقی نائل شوند.

### ۳-۱-۳. رابطه حاکم (حکومت) با مردم بر مبنای رأفت

رأفت به‌عنوان یکی از اصول کلیدی در تعاملات حاکم با مردم، به‌ویژه در نظام اسلامی، نقش بسزایی دارد. این مفهوم به معنای ملایمت، نرم‌خویی و جذب دیگران، به‌ویژه مؤمنان، است و می‌تواند به کسب رضایت آحاد مردم از نظام سیاسی و نهادهای موجود در جامعه کمک کند. در این راستا، رفتار پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> با خلق و خوی نیکو و مهربانی، به‌عنوان الگو، می‌تواند در رفتار سیاسی رهبران و مدیران جامعه اسلامی نیز تأثیرگذار باشد (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۳۸).

### ❖ خلق و خوی حاکم

حاکم اسلامی باید قلبی رئوف و پذیرنده داشته باشد. این ویژگی نه تنها در پیشبرد منافع نظام اسلامی مؤثر است، بلکه به جذب مؤمنان و تقویت پیوندهای اجتماعی نیز کمک می‌کند. امام علی<sup>(ع)</sup> در سیره عملی خود، بر رعایت اخلاق اسلامی در ارتباط با مردم تأکید کرده و در نامه‌ها و عهدنامه‌های خود به کارگزاران، این اصول را توصیه کرده است.

### ❖ رحمت و شفقت

یکی از جلوه‌های بارز اخلاق اسلامی، رحمت و شفقت به مردم است. حاکم باید با محبت و مهربانی با مردم رفتار کند و قلبش مملو از محبت آنان باشد. امام علی<sup>(ع)</sup> در نامه‌ای به حاکم مصر می‌فرماید: «و اشعر قلبک الرحمة للریعة و المحبة لهم و اللطف بهم»؛ یعنی قلب خود را از رحمت و محبت نسبت به مردم پر کن (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

### ❖ گشاده‌رویی با مردم

حاکم باید با گشاده‌رویی و چهره‌ای خوش با مردم روبه‌رو شود. این ویژگی به‌عنوان یکی دیگر از ابعاد اخلاق اسلامی، در تعاملات اجتماعی و سیاسی حاکم بسیار مهم است. امام علی<sup>(ع)</sup> به کارگزاران خود توصیه می‌کند که با چهره عبوس با مردم روبه‌رو نشوند و باید با لطافت و مهربانی با آنان برخورد کنند (نهج‌البلاغه، نامه ۲۶).

### ❖ عیب‌پوشی از مردم

حاکم اسلامی باید در موقعیتی قرار گیرد که از اوضاع و احوال مردم آگاه باشد؛ اما وظیفه‌اش این است که عیوب و خطاهای آنان را بیوشاند و از افشای آن‌ها خودداری کند. امام علی<sup>(ع)</sup> در نامه‌ای به مالک اشتر می‌فرماید: «دل خود را مالامال سرشار از مهر و محبت به مردم کن» و تأکید می‌کند که حاکم نباید مانند حیوان درنده باشد که خوردن مردم را غنیمت داند (نهج‌البلاغه، نامه ۶۴). این دیدگاه نشان‌دهنده احترام به حقوق انسان‌ها و ضرورت حفظ کرامت آنان است.

### ❖ وظیفه حاکم در اصلاح امور

امام علی<sup>(ع)</sup> وظیفه حاکم را اصلاح اموری می‌داند که بر او آشکار می‌شود و باید حکم امور مخفی را به خداوند واگذار کند. این رویکرد به حاکم کمک می‌کند تا در تعاملات خود با مردم، به‌جای جست‌وجوی عیوب، بر روی اصلاح و بهبود وضعیت جامعه تمرکز کند.



رابطه حاکم با مردم بر مبنای رأفت، نه تنها به تقویت پیوندهای اجتماعی و اعتماد عمومی کمک می‌کند، بلکه موجب ایجاد فضایی مثبت و سازنده در جامعه اسلامی می‌شود. رفتارهای مبتنی بر رأفت و محبت، جایگاه حاکمیت را به‌عنوان نهادی که طالب خیر و خوبی برای مردم است، نمایان می‌سازد و در نهایت، حمایت از حقوق شهروندان و تحقق عدالت در الگوی مطلوب حکمرانی را تسهیل می‌کند. این رویکرد به‌ویژه در نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یک اصل بنیادین در سیاست‌گذاری و مدیریت جامعه، باید مورد توجه قرار گیرد.

### ۳-۱-۴. رابطه مردم با یکدیگر بر مبنای اخوت

رابطه مردم با یکدیگر بر مبنای اخوت و برادری، یکی از اصول کلیدی در تحقق الگوی مطلوب حکمرانی در اسلام است. حسن ظن، عطف و مهربانی نسبت به یکدیگر، نقش مهمی در ایجاد عدالت و حقوق شهروندی دارد. خداوند در قرآن کریم از اهل ایمان می‌خواهد که در دل‌های خود حسد و کینه نسبت به یکدیگر نداشته باشند و به این ترتیب، روح محبت، صفا و برادری باید بر جامعه اسلامی حاکم باشد.

#### ❖ حسن ظن و برادری

آیه‌ای از قرآن کریم به این موضوع اشاره دارد: «وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (حشر: ۱۰). این دعا به مؤمنان یادآوری می‌کند که باید در دل‌های خود از هرگونه زشتی و کینه دوری کنند و برادری و محبت را در روابط خود تقویت کنند. بر اساس این آیات، ایجاد همدلی و انسجام اجتماعی ضروری است. در واقع برادری بر ارتباط میان افراد تأکید دارد. این نهاد به‌عنوان یک سازمان بزرگ اجتماعی عمل خواهد کرد و اعضای آن رابطه بسیار نزدیکی باهم دارند و همه در یک رده قرار می‌گیرند. در سازمان برادری هیچ‌کس برتر از دیگری نیست و هیچ سلسله مراتبی هم وجود ندارد. به همین دلیل یک فرد ثروتمند مؤمن خود را نسبت به برادر فقیر مؤمن موظف می‌داند (زارعی و لکزایی، ۱۳۹۴: ۵۰) در فقه شیعه، حقوق برادران ایمانی مانند قرض‌الحسنه و کمک به ستم‌دیدگان، خیرخواهی و عیادت از مریض لازم‌الاجرا است. امام صادق<sup>(ع)</sup> درباره یاری رساندن به مؤمن می‌فرماید: کسی که مؤمنی را کمک و یاری نماید، خدای تعالی ۷۳ مشکل از مشکلات او را حل می‌کند: ۷۲ مشکل در آخرت و یک مشکل در دنیا (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱۴: ۲۰۰).

### ❖ اعتصام به حبل الهی

قرآن کریم بر اهمیت همبستگی و اتحاد تأکید می‌کند و می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳). این آیه به مؤمنان می‌گوید که باید به ریسمان الهی چنگ بزنند و از تفرقه بپرهیزند. این همبستگی می‌تواند به تقویت مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی کمک کند و روحیه خودباوری و همکاری را در جامعه تقویت نماید.

### ❖ نقش اعتماد و حسن ظن

اسلام بر اهمیت اعتماد و حسن ظن در روابط اجتماعی تأکید دارد. آیات قرآن به مؤمنان توصیه می‌کند که از سوءظن و بدگمانی نسبت به یکدیگر بپرهیزند و روابط خود را بر پایه اعتماد و همکاری بنا کنند. آیه‌ای از قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات: ۱۰). این آیه به ضرورت ایجاد صلح و سازش میان مؤمنان اشاره دارد و بر اهمیت روابط دوستانه تأکید می‌کند.

### ❖ تقویت سرمایه اجتماعی

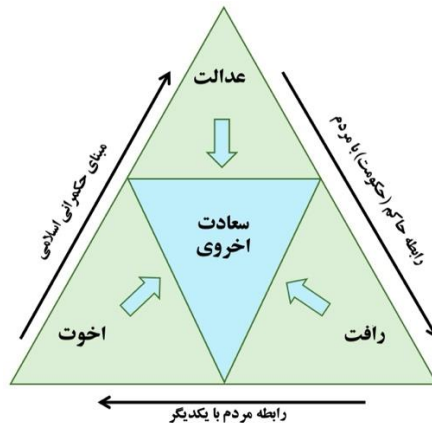
اعتماد عمومی که بر مبنای حسن ظن و همبستگی مؤمنانه شکل می‌گیرد، می‌تواند به تولید سرمایه اجتماعی در جامعه اسلامی کمک کند. این سرمایه اجتماعی به معنای همکاری، نوع‌دوستی و مسئولیت‌پذیری شهروندان است. امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: «يَعِيشُ النَّاسُ بِإِحْسَانِهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا يَعْيشُونَ بِأَعْمَارِهِمْ»؛ یعنی مردم بیش از آنکه با عمر خود زندگی کنند، با احسان و نیکوکاری خود زندگی می‌کنند (مجلسی، ۱۴۱۳ ق، ۱۴۷).

### ❖ احساس تعلق اجتماعی

احساس تعلق به وطن و جامعه، یکی از نتایج اعتماد عمومی و روابط حسنه میان افراد است. وقتی که شهروندان به کشور و شهر خود احساس تعلق کنند، نسبت به انجام فعالیت‌های روزانه خود و وفاداری به کشور خود احساس مسئولیت بیشتری خواهند داشت. این احساس تعلق به آداب و رسوم و فرهنگ کشور، موجب تقویت همبستگی اجتماعی و همکاری میان افراد می‌شود.

رابطه مردم با یکدیگر بر مبنای اخوت و برادری، نه تنها به تقویت پیوندهای اجتماعی کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز تحقق عدالت و حقوق شهروندی در جامعه اسلامی است. حسن ظن، عطوفت و مهربانی در روابط میان افراد، موجب ایجاد اعتماد عمومی و همکاری در زمینه‌های مختلف می‌شود. این رویکرد می‌تواند به ایجاد

جامعه‌ای متعالی و متصل به ارزش‌های اسلامی منجر شود که در آن افراد به سعادت دنیوی و اخروی نائل شوند. در نهایت، این روابط حسنه و برادرانه، به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، به تأمین منافع مشترک و رشد و پیشرفت جامعه کمک می‌کند. روش و سیره عملی اولیای الهی و انبیا نیز پیوسته خدمت و یاری رساندن به مردم بوده است. امام سجاد (ع)<sup>۴</sup> هنگامی که از راهی می‌گذشتند و کلوخی را بر سر راه می‌دیدند آن را با دست از مسیر راه مردم برمی‌داشتند و آنگاه به راه خود ادامه می‌دادند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱۴: ۱۶۹) درباره تأثیر نوع‌دوستی بر شکل‌گیری اعتماد عمومی و به‌طور مشخص اعتماد افقی می‌توان چنین بیان کرد که از نتایج نوع‌دوستی و همکاری آن است که گرایش به حمایت از وطن و سرزمین و پایبندی به قانون در میان شهروندان شکل می‌گیرد. بر این اساس وقتی اعتماد عمومی شکل بگیرد، یک شهروند به کشور و شهرش احساس تعلق می‌کند. وطن‌دوستی به معنای دیدن مصالح جامعه در انجام فعالیت‌های روزانه و به معنای وفاداری نسبت به کشور خود است. یکی از مسائل عینی شهروندی، احساس تعلق اجتماعی به آداب و رسوم و فرهنگ یک کشور است. تجلی عینی این احساس در این است که یک شهروند کشور خود را خانه اصلی خود بداند (محسنی تبریزی و معیدفر، ۱۳۹۰: ۵۶). در این صورت، احساس مسئولیت‌پذیری شهروندان در قبال مردم (اعتماد افقی) و تعامل با نظام سیاسی (اعتماد عمودی) به نحو مطلوبی شکل می‌گیرد که آرمان جامعه مطلوب اسلامی در عمل است که به معنای پیدا شدن مسیری برای سعادت دنیوی و اخروی نیز است.



نمودار ۱: الگوی حکمرانی اسلامی با تأکید بر عدالت و حقوق شهروندی

## نتیجه‌گیری

حکمرانی اسلامی و حقوق شهروندی به‌طور عمده ماهیتی هدف‌گرا، ارزشی و هنجاری دارند و به دنبال تحقق ارزش‌ها و هنجارهایی در جامعه هستند که متناسب با مقتضیات اجتماعی و فرهنگی هر جامعه تجلی می‌یابند. هدف‌نهایی در حکمرانی اسلامی، مبتنی بر عدالت و سعادت اخروی است. در این الگو، محتوای شرع و احکام الهی حاکم بوده و هم رهبران و مدیران جامعه و هم آحاد مردم باید در جهت تحقق این ارزش‌ها کوشا باشند.

ابزارهای مادی و حقوق اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی و حقوق سیاسی و مدنی، تنها مقدمه و ابزاری برای رسیدن به سعادت اخروی هستند و خود ارزش ذاتی ندارند. در حکمرانی اسلامی، شهروندی در ابعاد تکلیفی و حقوقی مدنظر قرار دارد و آنچه زندگی سعادت‌مند را محقق می‌سازد، همکاری و کوشش شهروندان بر مبنای «اخوت» و «برادری» است. این اصل نقش مهمی در ساختن جامعه مطلوب اسلامی بر مبنای تعاون، همکاری و مسئولیت اجتماعی دارد.

علاوه بر این، عدالت به‌عنوان بنیان سیاست‌ورزی در حکمرانی اسلامی تلقی می‌شود و اصل «رأفت» نیز نقش کلیدی دارد. رأفت به‌نوبه خود با گذشت و محبت عجین شده و مردم را در زمینه‌های انتقاد از وضعیت موجود، تلاش برای برقراری عدالت و جلوگیری از تضییع حقوق شهروندان استوار می‌سازد.

حقوق شهروندی در اسلام، مبتنی بر عدالت، مفهومی هدف‌گرا دارد که هدف آن تحقق حقوق بشر در مصادیق جزئی و قوانین داخلی جامعه اسلامی است. این مفهوم در حکومت سعادت‌گرا، به‌ویژه در جمهوری اسلامی ایران، نمود پیدا می‌کند و می‌تواند با توجه به چشم‌انداز سیاست سعادت‌گرا، به نحو بهتری سامان داده شود.

به‌عبارت دیگر، هرچه فاصله بین حکومت سعادت‌گرا (اجرا) و سیاست سعادت‌گرا (جامعه آرمانی اسلامی) کاهش یابد و قواعد شریعت در زندگی شهروندان بر مبنای اخوت بنا شود و رویکرد نظام سیاسی به مردم بر مبنای رأفت باشد، قابلیت تحقق این اهداف بیشتر خواهد بود.

پیامد رفتارهای مبتنی بر اخوت در حکمرانی مطلوب اسلامی، شامل همکاری مؤمنانه، محبت و تعاون است که خود عنصر بنیادین تکلیف و مسئولیت شهروندی در قبال ساختن جامعه اسلامی به شمار می‌رود. در سوی دیگر، حکمرانی اسلامی از منظر نقش حکومت، انجام وظایفی است که مبتنی بر شرع باشند و در عرصه اجرا، نظارت و ارشاد از ابزارهای قهری برای مقابله با منحرفان و مخالفان استفاده نماید؛ همچنین،

برای پیاده‌سازی ارزش‌های شرع، می‌بایست سازوکارهای تشویقی و ترغیبی را نیز بر مبنای «رأفت» به کار گیرد.

در نهایت، این تعاملات و همکاری‌ها می‌تواند به تحقق جامعه‌ای عادلانه و سعادت‌مند منجر شود که در آن حقوق شهروندان به‌خوبی رعایت شده و زمینه‌ساز رشد و تعالی فردی و اجتماعی باشد.

## References

- Al-Tamimi Al-Amidi, Abdulwahid. (1986 CE / 1407 AH). *Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim*. Beirut: Al-A'lami Institute for Publications. [in Arabic]
- Emamzadeh Fard, Parviz. (2011). *The Status and Role of Law in Good Governance*. Human Rights Quarterly, Vol. 6, No. 1. [in Persian]
- Fayzi, Davood. (2009). *Power, Knowledge and Legitimacy in Islam (Middle Period)*. Tehran: Ney Publishing. [in Persian]
- Hashemi, Seyyed Mohammad. (2009). *Human Rights and Fundamental Freedoms*. Tehran: Mizan. [in Persian]
- Holy Qur'an. [in Arabic]
- Hurr al-Amili, Mohammad ibn Hasan. (1988 CE / 1409 AH). *Wasā'il al-Shī'a*, Vol. 7. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [in Arabic]
- Jafari, Mohammad Taqi. (2010). *Islamic Mysticism*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Allameh Jafari's Works. [in Persian]
- Javadi Amoli, Abdollah. (2002). *The Breeze of Guidance*. Qom: Asra Publications. [in Persian]
- Javadi Amoli, Abdollah. (2006). *The Philosophy of Human Rights*. 1st ed., Tehran: Asra Publication Center. [in Persian]
- Javadi Amoli, Abdollah. (2007). *Rights and Duties in Islam*. 1st ed., Tehran: Asra Publication Center. [in Persian]
- Kulaini, Mohammad ibn Yaqub. (1986 CE / 1407 AH). *Al-Kafi*. (Edited by Ali Akbar Ghafari & Mohammad Akhundi), Vol. 2. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [in Arabic]
- Maghsoudi, Hamidreza. (2017). *Governance of Science in Islamic Civilization: A Critical Approach to the Conventional Economic Logic of Science Governance*. In: Proceedings of the 2nd Conference on Islamic Modern Civilization, Tehran: Shahed University Press. [in Persian]
- Majlisi, Mohammad Baqer. (1982 CE / 1403 AH). *Bihar al-Anwar*, Vol. 2. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [in Arabic]
- Majlisi, Mohammad Baqer. (1982 CE / 1403 AH). *Bihar al-Anwar*, Vol. 68. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [in Arabic]
- Makarem Shirazi, Naser. (1995). *Tafsir Nemouneh*. 16th ed., Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [in Persian]
- Mir Moazami, Seyyed Hossein. (2017). *Jurisprudence and Islamic Economics*. Islamic Economics Journal, No. 59. [in Persian]
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi. (2009). *A Brief Look at Human Rights from the Perspective of Islam*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [in Persian]

- Mohseni Tabrizi, Alireza; Moeidfar, Saeed; Golaei, Fatemeh. (2011). *A Generational Perspective on Social Trust*. Applied Sociology Journal, Vol. 22, No. 41. [in Persian]
- Motahhari, Morteza. (1995). *Causes of Inclination Toward Materialism*. Collected Works. Tehran: Sadra Publications. [in Persian]
- Motahhari, Morteza. (1998). *A Glance at the Prophetic Biography*. Tehran: Sadra Publications. [in Persian]
- Motahhari, Morteza. (2008). *Familiarity with the Qur'an*. Tehran: Sadra Publications. [in Persian]
- Mousavi Khomeini, Ruhollah. (1999). *Sahifeh-ye Imam (The Book of Imam Khomeini's Speeches, Writings, and Orders)*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [in Persian]
- Nowruzzi, Mohammad Javad. (2000). *The Political System of Islam*. Tehran: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [in Persian]
- Saduq, Mohammad ibn Ali ibn Babawayh. (1992 CE / 1413 AH). *Man La Yahduruhu al-Faqih*. Qom: Islamic Publishing Center. [in Arabic]
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein. (2013). *Tafsir al-Mizan* (Trans. Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani). Qom: Islamic Publications Office. [in Persian]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. (1986 CE / 1407 AH). *Tahdhib al-Ahkam*, Vol. 3. 4th ed., Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [in Arabic]
- Zarei, Razieh; Lakzaee, Najaf. (2015). *Shiite Jurisprudence and Social Capital in Iran*. Shiite Studies Quarterly, Vol. 11. [in Persian]



# Energy Governance Scenarios to Overcome Energy Imbalance and Environmental Instability in Iran

**Bahareh Heidary**

Assistant Professor, Energy Governance, University of Tehran, Tehran, Iran.  
Email: bahareh\_heidary@ut.ac.ir

## Abstract

This paper examines energy imbalance and its trends in Iran up to 2040 while evaluating the impact of various policy scenarios on reducing energy imbalance and environmental pollution. The results indicate that without significant reforms in energy policies, Iran will face major challenges in energy imbalance and increased greenhouse gas emissions. However, implementing effective policies such as reducing fossil fuel subsidies, supporting renewable energy, and improving energy efficiency can fully resolve energy imbalance and significantly reduce pollutant emissions. In this study, four scenarios were developed through expert interviews and an analysis of the causes and status of energy imbalance in the country. Their impacts on energy imbalance and pollutant emissions were assessed up to 2040, and a policy framework (Scenario 4) was proposed. In Scenario 4, the elimination of energy subsidies and price controls, combined with energy efficiency measures, helps reduce energy demand growth and facilitates the transition to renewable energy by increasing investment opportunities. These reform policies have the potential for greater environmental benefits in the long term (by 2040), including a reduction of carbon dioxide emissions by up to 600 million tons annually. However, achieving these benefits depends on economic, political, and technological conditions and may be influenced by global uncertainties. Scenario 4 has the potential to address energy imbalance, enhance energy security, and improve Iran's environmental sustainability, provided that policies are effectively implemented and potential obstacles are properly managed.

**Keywords:** Energy imbalance, Energy governance, Environmental sustainability, Transition to renewable energy, Scenario.



# سناریوهای حکمرانی انرژی برای غلبه بر ناترازی انرژی و ناپایداری محیط زیست در ایران

بهاره حیدری

استادیار گروه حکمرانی انرژی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: bahareh\_heidary@ut.ac.ir

## چکیده

این مقاله به بررسی ناترازی انرژی و روند آن تا سال ۲۰۴۰ در ایران پرداخته و اثر سناریوهای سیاستی مختلف را در کاهش ناترازی انرژی و آلودگی‌های محیط‌زیستی ارزیابی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که بدون اصلاحات عمده در سیاست‌های انرژی، ایران با چالش‌های بزرگی در ناترازی انرژی و افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای مواجه خواهد شد. با این حال، اعمال سیاست‌های مؤثر مانند کاهش یارانه‌های سوخت‌های فسیلی، حمایت از انرژی‌های تجدیدپذیر و بهبود کارایی انرژی می‌تواند به‌طور کامل ناترازی انرژی را برطرف کند و به‌شدت انتشار آلاینده‌ها را کاهش دهد. در این مطالعه با استفاده از مصاحبه با خبرگان و بررسی وضعیت ناترازی و دلایل آن در کشور چهار سناریو استخراج گردید و اثر آن بر ناترازی و انتشار آلاینده‌ها تا سال ۲۰۴۰ تعیین شد و یک چهارچوب سیاستی (سناریوی چهارم) پیشنهاد گردید. در سناریوی چهارم، حذف یارانه‌های انرژی و کنترل قیمت‌ها، همراه با اقدامات بهره‌وری انرژی، به کاهش رشد تقاضای انرژی کمک کرده است و با افزایش امکان سرمایه‌گذاری، در گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر کمک کرده است، این سیاست‌های اصلاحی در بلندمدت (تا سال ۲۰۴۰) پتانسیل مزایای محیط‌زیستی بیشتری نسبت به کوتاه‌مدت از جمله کاهش دی‌اکسید کربن تا ۶۰۰ میلیون تن در سال دارند. با این حال، تحقق این مزایا به شرایط اقتصادی، سیاسی و فناورانه وابسته است و ممکن است تحت تأثیر عدم قطعیت‌های جهانی تغییر کند. سناریوی چهارم می‌تواند با حل ناترازی انرژی، امنیت انرژی و پایداری محیط‌زیستی ایران را مشروط بر اجرای مؤثر سیاست‌ها و مدیریت موانع احتمالی بهبود دهد.

**کلیدواژه‌ها:** ناترازی انرژی، حکمرانی انرژی، پایداری محیط زیست، گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر، سناریو.



## مقدمه و بیان مسئله

از اواخر قرن بیستم، انرژی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه اجتماعی و اقتصادی شناخته شده است. این واقعیت سیاست‌گذاران را ترغیب کرده است تا بر حکمرانی مؤثر انرژی با هدف افزایش امنیت و برقراری تراز انرژی در کشور متمرکز شوند. سیاست‌های مختلفی در حوزه انرژی برای دستیابی به یک سید انرژی متعادل در کشورهای مختلف اجرا شده است که در کنار تراز انرژی، اهداف محیط‌زیستی، اقتصادی، امنیتی و عدالت‌محورانه را نیز مد نظر دارند. برای دستیابی به این اهداف، مکانیسم‌هایی مانند تعرفه‌های خرید تضمینی وام‌ها، یارانه‌ها، حمایت از توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و قیمت‌گذاری کربن با توجه به نیاز فوری به مقابله با تغییرات اقلیمی در نظر گرفته شده‌اند.

کشور ایران با وجود دارا بودن ۹ درصد از ذخایر نفت جهان و ۱/۱۶ درصد از ذخایر گاز طبیعی، با ناترازی شدید انرژی مواجه است که به دلیل افزایش تقاضای انرژی تشدید می‌شود. ایران بالاترین شاخص شدت انرژی در خاورمیانه را داراست که نشان‌دهنده انحراف نگران‌کننده از روندهای جهانی کارایی انرژی است. علاوه بر این، افزایش شهرنشینی و صنعتی‌سازی تقاضای انرژی را بیشتر می‌کند و امنیت تأمین انرژی را به‌طور جدی به خطر می‌اندازد (Galeazzi et al., 2024; Solaymani, 2021). این ناترازی شدید انرژی نه‌تنها امنیت انرژی ایران را تهدید می‌کند، بلکه چالش‌های محیط‌زیستی که عمدتاً از طریق افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای ایجاد می‌شود را به همراه دارد. به‌عنوان مثال، انتشار دی‌اکسید کربن سرانه ایران از مصرف سوخت از ۶/۸ تن در سال ۲۰۰۸ به ۷/۷۶ تن در سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است. این روند صعودی در مصرف سوخت‌های فسیلی به تشدید تخریب محیط زیست و افزایش نگرانی‌های مربوط به تغییرات اقلیمی منجر خواهد شد (Galeazzi et al., 2024).

مکانیسم‌ها و مشوق‌های مختلفی در سطح جهان برای کاهش ناترازی انرژی و کاهش انتشارهای محیط‌زیستی در هر دو سمت عرضه و تقاضا به کار گرفته می‌شوند. این مکانیسم‌ها شامل افزایش استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر، فناوری‌های جذب و ذخیره‌سازی کربن<sup>۱</sup>، تعرفه‌های کربن، مشوق‌ها و یارانه‌ها، کاهش نرخ‌های مصرف و استفاده از تجهیزات با کارایی بالا است. در ایالات متحده، استراتژی‌های کاهش انتشار کربن بیشتر در سمت تقاضا است؛ مانند حذف یارانه‌ها

برای فناوری‌های تولید برق سنتی، اجرای قیمت‌گذاری دقیق برق، معرفی تعرفه تغذیه سراسری و ایجاد یک صندوق ملی برای افزایش آگاهی‌رسانی عمومی. در مقابل، در اروپا تمرکز بر فناوری‌های سمت عرضه است که از انرژی‌های تجدیدپذیر برای کاهش انتشار کربن استفاده می‌کنند (Qudrat-Ullah, Hassan, 2022) و مکانیسم‌های قیمت‌گذاری که به تعادل عرضه و تقاضا در بازار انرژی کمک می‌کنند (Stefano & Fumagalli, 2019).

در ایالات متحده، آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی به‌طور مکرر در مورد تأثیرات اقتصادی روش‌های مختلف و اثربخشی سیاست‌ها و برنامه‌های انرژی بحث می‌کنند و نتایج مطالعات متنوع خود را ارائه می‌دهند (Kiss & Popovics, 2021). دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه اغلب یارانه انرژی را به سایر مشوق‌ها و برنامه‌های حمایتی اجتماعی و اقتصادی ترجیح می‌دهند (Iwano & Mwashu, 2010).

با توجه به گستردگی سیاست‌های مختلف مانند قیمت‌های انرژی، یارانه‌های انرژی، روند انرژی تجدیدپذیر، کارایی سیستم انرژی و ... که در بخش‌های بعدی مورد بحث قرار می‌گیرد، اصلاح در این سیاست‌ها تأثیرات قابل توجهی بر تولید و مصرف انرژی، ناترازی انرژی و انتشار آلاینده‌ها خواهد داشت و نیاز به بررسی جامع و دقیق دارد. بنابراین، در مطالعه حاضر، ناترازی و روند آن تا سال ۲۰۴۰ را برای انواع منابع انرژی در ایران بررسی می‌کنیم که در مقایسه با مطالعات دیگر که تنها بر سوخت‌های فسیلی یا منابع انرژی تجدیدپذیر یا بخش خاصی از انرژی تمرکز دارند، متمایز است. علاوه بر آن اثر سناریوهای سیاستی مؤثر جهت رفع ناترازی و آلودگی‌های زیست محیطی شناسایی می‌شوند و اثرگذاری سناریوهای سیاستی برای کاهش ناترازی انرژی تخمین زده می‌شوند و کاهش آلودگی و رفع ناترازی تا سال ۲۰۴۰ پیش‌بینی می‌شوند. از این‌رو، این مطالعه به‌عنوان یک بررسی عمیق از انواع منابع انرژی و سیاست‌های مربوط به آن‌ها، سهم قابل توجهی در ادبیات موضوعی این حوزه خواهد داشت.

این مطالعه اولین ارزیابی جامع و سیستماتیک از ناپایداری انرژی در ایران و سیاست‌های انرژی است که می‌تواند ناپایداری و مشکلات محیط‌زیستی را به‌طور هم‌زمان در ایران کاهش دهند که عمدتاً به استقرار انرژی‌های تجدیدپذیر، کاهش یارانه‌های سوخت‌های فسیلی و افزایش کارایی انرژی مرتبط است. یک بررسی سیستماتیک از پژوهش‌های منتشرشده که تأثیرات ابزارهای سیاستی مرتبط با انرژی تجدیدپذیر را ارزیابی کرده بود، نشان داد که بیشتر مطالعات موجود بر

کشورهای صنعتی پیشرفته تمرکز دارند و با انجام این کار، این مطالعه یک شکاف مهم در دانش را برای کشور ایران پر می‌کند.

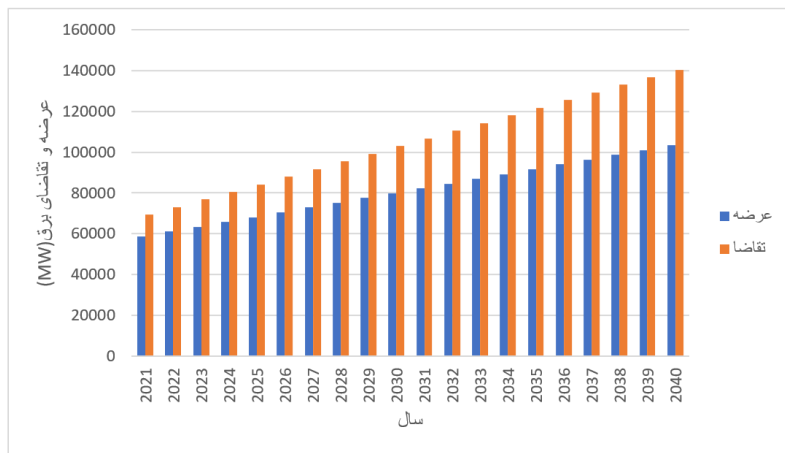
### ۱. روند عرضه و تقاضای انرژی تا سال ۲۰۴۰

در ایران، گاز طبیعی و نفت بخش عمده‌ای از سبد انرژی کشور را تشکیل می‌دهند و به‌عنوان سوخت اصلی برای بخش‌های خانگی، تجاری، صنعتی، نیروگاه‌ها و خوراک پالایشگاه‌ها عمل می‌کنند. مزایای گاز طبیعی نسبت به سایر سوخت‌های فسیلی، از جمله پاکیزگی، کارایی، سهولت ذخیره و حمل‌ونقل، انعطاف‌پذیری در تولید، مناسب بودن برای صنایع مختلف و انتشار کمتر کربن، به پذیرش روزافزون آن کمک کرده است. بر اساس چشم‌انداز انرژی بریتیش پترولیوم تا سال ۲۰۳۵، پیش‌بینی می‌شود که گاز طبیعی سوخت غالب در سبد انرژی جهانی باشد و کارشناسان معتقدند که کشورهایی که دارای ذخایر گاز قابل توجهی هستند، در صورت توسعه استراتژیک صنایع گاز خود، می‌توانند به‌طور قابل توجهی بر این چشم‌انداز تأثیر بگذارند (BP, 2020; Sarraikh et al., 2023). در سال‌های اخیر، مصرف متوسط گاز طبیعی ایران به ۲۴۹ میلیارد متر مکعب رسیده که ۱۱۹ میلیارد متر مکعب برای مصارف خانگی و تجاری، ۵۱ میلیارد متر مکعب برای صنایع عمده و ۷۹ میلیارد متر مکعب برای تولید برق تخصیص یافته است (ترازنامه انرژی، ۱۴۰۰). تا سال ۲۰۲۴، ایران با تولید ۲۵۹ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی، که ۶/۴ درصد از تولید جهانی را تشکیل می‌دهد و سومین تولیدکننده گاز طبیعی در جهان است.

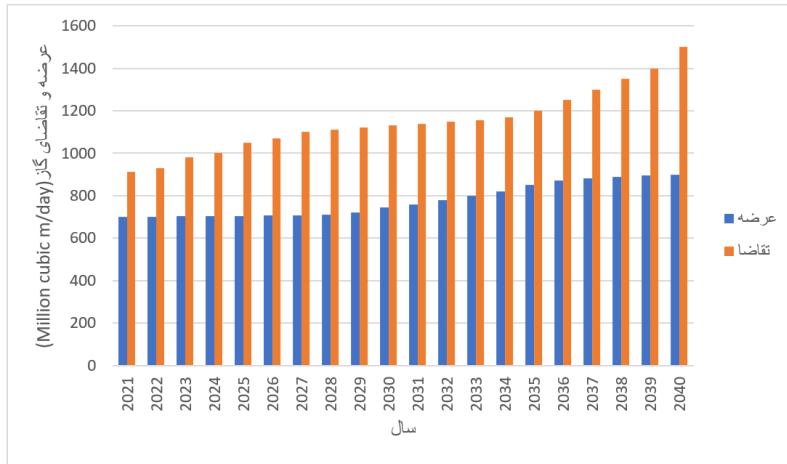
ایران با ناترازی قابل توجهی در محصولات نفتی، از جمله بنزین و دیزل و همچنین گاز طبیعی مواجه است که منجر به قطعی گسترده برق می‌شود. در ساعات پیک، مصرف روزانه محصولات نفتی از ۲۵۰ میلیون لیتر فراتر می‌رود، که حداقل شش برابر استانداردهای جهانی است (گزارش شرکت ملی گاز، ۱۳۹۹). در سال ۲۰۲۴، مصرف بنزین از ۱۴۰ میلیون لیتر در روز فراتر رفته است، که منعکس‌کننده افزایش ۱۳/۵ درصد نسبت به سال‌های گذشته است و منجر به ناترازی روزانه حدود ۱۰ میلیون لیتر می‌شود. علاوه بر این، ناترازی گاز در سال ۲۰۲۴ به ۳۵۰ میلیون متر مکعب رسیده است و پیش‌بینی می‌شود تا سال‌های ۲۰۳۱ و ۲۰۳۲ به ترتیب به ۴۵۳ میلیون و ۵۷۹ میلیون متر مکعب برسد. بیشترین مصرف گاز در بخش‌های خانگی و تجاری است که دولت را وادار به تلاش برای کنترل مصرف در این مناطق کرده است. با این حال، مصرف بیش از حد تنها به رفتار مصرف‌کننده محدود

نمی‌شود؛ بلکه به ناکارآمدی‌ها و کمبود بهره‌وری در تولید و انتقال نیز برمی‌گردد که به ناترازی گاز در دومین دارنده بزرگ منابع گاز در جهان کمک کرده است (گزارش شرکت پخش و پالایش نفت، ۱۴۰۲).

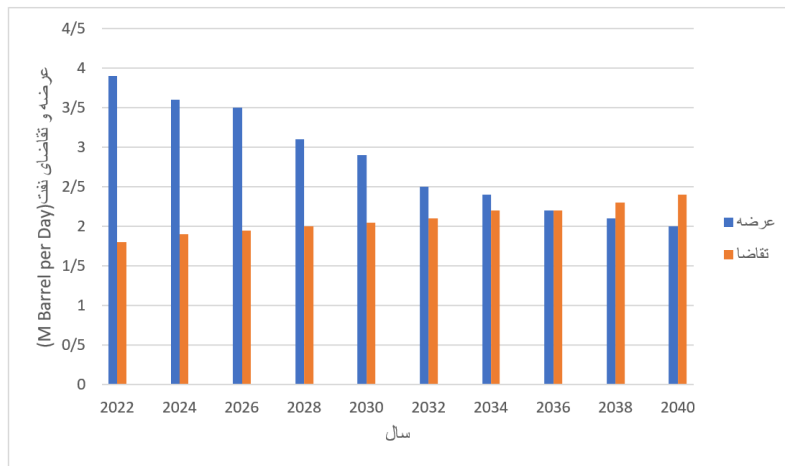
ناترازی در برق، گاز طبیعی و نفت تا سال ۲۰۴۰ به ترتیب به ۴۰ هزار مگاوات (شکل ۱)، ۵۱۲ میلیون متر مکعب در روز (شکل ۲) و ۲/۴ میلیون بشکه در روز (شکل ۳) خواهد رسید. با توجه به فرضیات مربوط به ادامه روندهای فعلی، بر اساس سند تراز برق، گاز طبیعی و نفت، تولید و مصرف در کشور به‌طور میانگین سالانه افزایش خواهد یافت (شکل ۱، ۲، ۳). بر اساس عوامل و فرضیات ذکر شده مربوط به مصرف در بخش‌های مختلف، این سند پیش‌بینی می‌کند که تا سال ۲۰۴۰، کل عرضه گاز طبیعی به ۸۹۸/۷ میلیون متر مکعب در روز خواهد رسید، درحالی‌که مصرف در همه بخش‌ها به ۴۱۰/۸ میلیون متر مکعب در روز خواهد رسید، که نشان‌دهنده عدم تعادل گاز به میزان ۵۱۲ میلیون متر مکعب در روز است. به عبارت دیگر، مصرف به‌طور قابل توجهی از تولید منحرف خواهد شد (بریتیش پترولیوم، ۲۰۲۳؛ ترازنامه انرژی، ۱۴۰۰؛ گزارش شرکت پخش و پالایش نفت، ۱۴۰۲).



شکل ۱: عرضه و تقاضای برق بر اساس شرایط فعلی تا سال ۲۰۴۰ (بریتیش پترولیوم، ۲۰۲۳؛ ترازنامه انرژی، ۱۴۰۰؛ گزارش شرکت پخش و پالایش نفت، ۱۴۰۲)



شکل ۲: عرضه و تقاضای گاز طبیعی بر اساس شرایط فعلی تا سال ۲۰۴۰ (بریتیش پترولیوم، ۲۰۲۳؛ ترازنامه انرژی، ۱۴۰۰؛ گزارش شرکت پخش و پالایش نفت، ۱۴۰۲)



شکل ۳: عرضه و تقاضای نفت بر اساس شرایط فعلی تا سال ۲۰۴۰ (بریتیش پترولیوم، ۲۰۲۳؛ ترازنامه انرژی، ۱۴۰۰؛ گزارش شرکت پخش و پالایش نفت، ۱۴۰۲)

## ۲. حکمرانی انرژی ایران برای کاهش ناترازی انرژی

حکمرانی انرژی برای بهبود امنیت انرژی، همان‌طور که ذکر شد، منجر به ایجاد ارزش افزوده بیشتر، رشد اقتصادی، رفاه و امنیت ملی و توسعه روابطی می‌شود که در حال حاضر به عرضه و تقاضای دو منبع نفت و گاز طبیعی وابسته است (خلعتبری، ۱۳۸۸). در نتیجه، در ماه‌های آذر تا بهمن، طیف وسیعی از شهرها و روستاهای واقع در انتهای شبکه انتقال گاز در شمال شرق و شمال غرب کشور با نوسانات و گاهی قطعی جریان گاز مواجه شده‌اند که وضعیت اضطراری و سیگنالی منفی از منظر حکمرانی سرزمینی ایجاد کرده است. چالش‌های دیگری که تاکنون مانع از توسعه ظرفیت ذخیره‌سازی گاز در کشور شده‌اند، نبود هماهنگی بین شرکت‌های تابعه وزارت نفت بوده است. حکمرانی خوب انرژی عامل اصلی در سیاست‌گذاری استراتژیک است که پایه‌ای برای توسعه اقتصادی، توسعه پایدار و عدالت اجتماعی فراهم می‌کند (UNDP, 2023). این حوزه نظارت بر اقدامات چندسطحی، چندبعدی، سیاست‌گذاری میان‌بخشی و فرابخشی بین دولت، شهروندان، جامعه مدنی و بخش خصوصی را بر عهده دارد. حکمرانی خوب انرژی باید نیازهای چندوجهی و چندسطحی فضای سیاسی و جغرافیایی را در شش مقیاس جغرافیایی، از محلی تا جهانی، برآورده کند و توسعه متوازن را در هر دو سطح محلی و ملی تضمین کند (Souhankar et al., 2023; Pan et al., 2023). در سطح ملی، باید به پردازش کارآمد و مؤثر در زنجیره تولید، توزیع، مصرف و صادرات منجر شود و در عین حال نیازهای شهروندان را به‌گونه‌ای پایدار برآورده کند که کیفیت زندگی و رضایت عمومی را افزایش دهد که این امر اساس فلسفه حکمرانی را تشکیل می‌دهد (NDF, 2022). این رویکرد می‌تواند پایداری محیط‌زیستی را نیز تضمین کند و به‌عنوان منابعی برای صلح و ابزاری برای یکپارچگی منطقه‌ای بین کشورهای تولیدکننده و صادرکننده گاز استفاده کند (Halder et al., 2012).

حکمرانی خوب انرژی، مدیریت ناترازی‌ها، افزایش امنیت انرژی و توسعه پایدار نیازمند مشارکت همه ذی‌نفعان در تولید برق از منابع تجدیدپذیر (Nakata et al., 2011; Tovar-Facio et al., 2021; Tzanakis et al., 2012; Pollitt, 2012; Yazdanpanah et al., 2015; Kaldellis et al., 2013)، ساخت نیروگاه‌های کارآمدتر با استفاده از منابع نفت و گاز، توزیع با بهره‌وری بالا (Battaglini et al., 2012). از منظر ارزش جغرافیایی و موقعیت منحصر به فرد، هدف این است که ایران را به یک قطب انرژی تبدیل کند و در نتیجه منافع ملی را تضمین کند و در نهایت قدرت ملی را تقویت کند، درحالی‌که به

تقویت روابط اقتصادی و تأمین منافع کشورهای مصرف‌کننده در سایه امنیت ایران نیز کمک می‌کند (ساعی و پاشنگ، ۱۳۹۵).

### ۳. مواد و روش‌ها

در این بخش روش تحقیق برای دستیابی به اهداف تحقیق، تشریح شده است. پس از بررسی ادبیات موجود، بررسی وضعیت فعلی انرژی و سیاست‌های انرژی در ایران، حقایق و روندهای کلی انرژی با استفاده از روش تحقیق کتابخانه‌ای و بر اساس آمارهای انرژی ایران استخراج شدند، سپس فرایند ارزیابی سیاست‌های مؤثر برای طراحی سناریوها با مشارکت دقیق ذی‌نفعان صورت گرفت تا موضوعات مرتبط با توازن انرژی و پایداری محیط‌زیستی شناسایی شده و سناریوهای مبتنی بر سیاست‌ها تعریف شوند. با مشارکت ذی‌نفعان در ابتدای فرایند انتخاب شاخص‌ها، تأکید بر ترجیحات ذی‌نفعان و به حداقل رساندن تعصب محقق انجام پذیرفت. در بسیاری از تحقیقات مرتبط، هفت گروه اصلی ذی‌نفع شناسایی شده‌اند: کاربران صنعتی؛ تولیدکنندگان انرژی؛ تصمیم‌گیران عمومی؛ گروه‌های حرفه‌ای شامل شرکت‌های مهندسی؛ متخصصان توزیع و انتقال؛ سازمان‌های غیردولتی مردم‌نهاد؛ محققان دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها.

در این پژوهش از ابزار مصاحبه برای شناسایی متغیرهای مستقل که سیاست‌های اثرگذار بر ناترازی انرژی در کشور هستند استفاده شد و با ۱۴۰ نفر از ذی‌نفعان (۲۰ نفر از هر گروه) مصاحبه صورت گرفت و سیاست‌های مؤثر برای کاهش عدم تعادل انرژی و پایداری محیط‌زیستی بر اساس پاسخ‌های ذی‌نفعان شناسایی شد؛ سپس مدلی پیشنهادی مبتنی بر سطح انتشار کربن توسط سیاست‌های مؤثر و محرک‌های مختلف تقاضای انرژی پیشنهاد شد که شامل ماژول‌های عرضه و تقاضا می‌شد. برای این منظور ترسیم سیستم انرژی مرجع یکی از مراحل اصلی این تحقیق برای سازماندهی سطوح انرژی، جریان حامل‌های انرژی، فناوری‌ها و انواع انرژی‌های مفید در کل کشور صورت گرفت. مدل پیشنهادی یک رویکرد بهینه‌سازی برنامه‌ریزی خطی از پایین به بالا برای پیش‌بینی مصرف انرژی مفید ارائه کرد و نیازهای انرژی نهایی با فرایند بهینه‌سازی کم‌هزینه محاسبه شد. سپس با نرم‌افزار Energy Plan میزان تولید کربن با هر سناریو محاسبه شد و میزان صرفه‌جویی مصرف با هر سناریو محاسبه شد. علاوه بر این، پیشنهادهای سیاستی و راهبردی ارائه گردید.

## ۴. یافته‌های پژوهش

### ۴-۱. فرایند ارزیابی سیاست‌های مؤثر برای طراحی سناریوها

در این پژوهش، هفت گروه اصلی ذی‌نفعان شامل کاربران صنعتی، تولیدکنندگان انرژی، تصمیم‌گیران عمومی، شرکت‌های مهندسی، متخصصان توزیع و انتقال، سازمان‌های مردم‌نهاد و محققان شناسایی شدند و با مصاحبه با ۱۴۰ نفر از ذی‌نفعان (۲۰ نفر از هر گروه) و تحلیل پاسخ‌های آن‌ها، سیاست‌های مؤثر برای کاهش عدم تعادل انرژی و ارتقای پایداری محیط‌زیستی تعیین و در جدول ۱ ارائه شده‌اند.

جدول ۱: سیاست‌ها برای کاهش ناترازی انرژی در ایران

شاخص‌ها	سیاست‌ها
نسبت ذخیره‌سازی به تولید انرژی	اجرای پروژه‌هایی با هدف افزایش تولید گاز و نفت
قیمت یارانه‌ها	بهینه‌سازی یارانه‌ها و افزایش قیمت
مجموع مصرف نهایی انرژی به ازای هر نفر	افزایش بهره‌وری برای تولید پایدار با استفاده از روش‌ها و تکنولوژی‌های به روز و بهره‌ور
سهم صادرات در تأمین انرژی	محدودیت صادرات گاز ایران به کشورهای خارجی
سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در تأمین انرژی	حکمرانی گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر

### ۴-۲. سناریوهای رفع ناترازی و افزایش پایداری ایران

همان‌طور که در جدول ۱ ذکر شد، مجموعاً پس از مصاحبه با خبرگان و استخراج سیاست‌های اولویت‌دار، پنج سیاست استخراج شد که منجر به توسعه سناریوهای سیاستی در پنج حوزه اصلی شد. این دسته‌ها به‌طور جامع به اجزای کلیدی چالش‌های حکمرانی ملی انرژی ایران می‌پردازند که شامل مدیریت، سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، دینامیک‌های عرضه و ملاحظات تقاضا می‌باشند؛ سپس وضعیت کشور برای پنج سیاست استخراج شده بررسی گردید و سناریوهایی جهت رفع ناترازی و ناپایداری محیط زیست برای هرکدام از سناریوها استخراج گردید و مدلی مبتنی بر سطح انتشار کربن توسط سناریوها پیشنهاد شد که شامل ماژول‌های عرضه و تقاضا بود و برای سازماندهی سطوح انرژی، جریان حامل‌های انرژی، فناوری‌ها و انواع انرژی‌های مفید در کل کشور سیستم انرژی مرجع صورت گرفت. نمودار جریان انرژی حال حاضر کشور در شکل ۱۰ نشان داده شده است. همان‌طور که در شکل

مشخص است دو جریان مهم انرژی کشور گاز طبیعی و نفت هستند که استخراج نفت نیز تا حدود زیادی در گروه وجود گاز طبیعی است، بنابراین سیاست‌ها و سناریوها جهت اصلاح وضعیت گاز و پس از آن نفت طراحی شده‌اند.

سیاست اول افزایش تولید گاز و نفت است که وضعیت تولید انواع حامل‌های انرژی در شکل‌های ۱ تا ۳ از سال ۲۰۲۱ تاکنون و ادامه روند آن تا سال ۲۰۴۰ پیش‌بینی شده است و از آنجایی که گاز طبیعی به مهم‌ترین حامل در سبد سهام تولید و مصرف انرژی کشور مطرح است و بیش از ۷۵ درصد از این سهم را به خود اختصاص داده است، باید امکان افزایش تولید گاز طبیعی بررسی شود. منبع اصلی گاز در ایران، میدان گازی پارس جنوبی است که حدود ۷۰ درصد از نیازهای گازی کشور را تأمین می‌کند (این رقم بسته به فصل، ماه، تعمیرات دوره‌ای، ظرفیت و برنامه تولید، بین ۶۸٪ تا ۷۴٪ متغیر است). علاوه بر این، ۳۰٪ از گاز از سایر میدان‌ها و تأسیسات تأمین می‌شود. پس از تولید، این گاز به صنعت پالایش گاز کشور تحویل داده می‌شود و پس از تحمل هزینه‌های قابل توجه، خروجی این صنعت به شکل گاز مصرفی وارد شبکه ملی گاز شده و به بخش‌های مصرفی کشور توزیع می‌شود (Hedayati-Nia & Tavakolian 2020; Raei et al., 2024). طبق پیش‌بینی‌ها، تولید ایران از میدان پارس جنوبی به دلیل کاهش فشار مخزن با کاهش مواجه خواهد شد که باید در پیش‌بینی وضعیت آینده تأمین گاز کشور مورد توجه قرار گیرد (بیریتیش پترولیوم، ۲۰۲۳). علاوه بر این، برای حفظ سطوح تولید فعلی نفت، حدود ۸۰٪ از میدان‌های نفتی فعال کشور که در نیمه دوم عمر خود قرار دارند، به مقادیر قابل توجهی تزریق گاز نیاز دارند تا اثرات منفی کاهش طبیعی تولید از این میدان‌های قدیمی را خنثی کنند. بنابراین، هرگونه افزایش در تولید گاز طبیعی تحت شرایط فعلی یک چالش بزرگ و شاید غیر ممکن باشد مگر اینکه تمام سرمایه‌گذاری‌ها و منابع وزارت نفت از سایر بخش‌های بالادستی و پایین‌دستی به تمرکز بر تولید گاز منتقل شود که این امر غیرمعقول و غیرقابل اجرا است. به نظر می‌رسد بدون سرمایه‌گذاری (از هر منبع مالی، چه داخلی و چه خارجی)، حفظ و ادامه تولید از میدان‌های گازی کشور (حداقل در کوتاه‌مدت و میان‌مدت) بسیار دشوار خواهد بود. با این حال، عدم افزایش قابل لمس در ظرفیت تأمین گاز، کاهش فشار تولید از میدان پارس جنوبی، به‌ویژه در ماه‌های سرد و افزایش مصرف چالشی جدی برای تأمین گاز کشور ایجاد کرده است (ترازنامه انرژی، ۱۴۰۰). بنابراین این سیاست عملیاتی نیست و در طراحی سناریوها مورد توجه قرار نگرفت.

سیاست دوم بهینه‌سازی یارانه‌ها و افزایش قیمت است. سیستم حکمرانی انرژی کشور ایران مانند بسیاری از کشورهای یارانه دهنده به انرژی‌های فسیلی، عمدتاً برای افزایش دسترسی گروه‌های کم‌درآمد به انرژی، حفاظت از صنایع داخلی در برابر رقابت بین‌المللی، ایجاد اشتغال، تحریک رشد اقتصادی، تثبیت قیمت‌ها و ارتقای عدالت اجتماعی طراحی شده است (lin et al., 2011; liu et al., 2011). اختصاص یارانه به انرژی می‌تواند منجر به استفاده ناکارآمد و هدر رفت انرژی شود که به‌نوبه خود سطوح آلودگی را نیز افزایش می‌دهد (lin et al., 2011; liu et al., 2011; Rae et al., 2024). منابع تأمین مالی این یارانه‌ها در کشورهای مختلف متفاوت است و تحت تأثیر عواملی مانند مالکیت دولتی بخش انرژی وضعیت مالی دولت وضعیت واردات و صادرات انرژی در کشور، قرار دارد (Fattouh et al., 2012). یارانه به‌ویژه در سال‌های اخیر، فشار شدیدی بر بودجه دولت وارد کرده است، که منجر به افزایش شک و تردید درباره ضرورت وجود یارانه‌های انرژی شده است (Mahdavi et al., 2014; Sarrakh et al., 2020). این امر سیاست‌گذاران را بر آن داشته است تا اصلاحاتی را با هدف تنظیم قیمت‌های انرژی و کاهش یارانه‌های انرژی در نظر بگیرند (بریتیش پترولیوم، ۲۰۲۳). بنابراین این سیاست بسیار عملیاتی است و در سناریوی اول با این سیاست طراحی گردید.

سیاست سوم افزایش بهره‌وری انرژی است. اغلب صنایع و سازمان‌ها به دلیل قیمت پایین حامل‌های انرژی نسبت به برنامه‌ریزی و مدیریت انرژی، بهره‌وری آن و کاهش مصرف بی‌توجه بوده‌اند (اعرابی و کلاهی، ۱۳۹۲). از آنجاکه بهره‌وری انرژی نقش مهمی در دستیابی به اهداف کاهش مصرف انرژی و انتشار ایفا می‌کند و طیف نسبتاً گسترده‌ای از سیاست‌ها در این زمینه وجود دارد و ترکیبی از ابزارهای متعدد برای دستیابی به اهداف بهره‌وری انرژی مورد نیاز است و اهداف بهره‌وری انرژی را نمی‌توان با یک ابزار سیاست واحد برآورده کرد (Souhankar et al., 2023). سناریو دوم بر اساس این سیاست کلی طراحی شده است و می‌تواند ترکیبی از قوانین، استانداردها، سیاست‌ها و سیستم‌های پایش را شامل شود. شکل ۶ تنها تلفات توزیع و انتقال را نشان می‌دهد که این تلفات با تلفات تولید و تلفات مصرف‌کنندگان اعم از صنایع، کشاورزی و خانگی را شامل می‌شود. از آنجایی که این سیاست بسیار عملیاتی است و با ترکیبی از قوانین، استانداردها، سیاست‌ها و سیستم‌های پایش قابل اجراست در طراحی سناریو دوم مورد استفاده قرار گرفت.

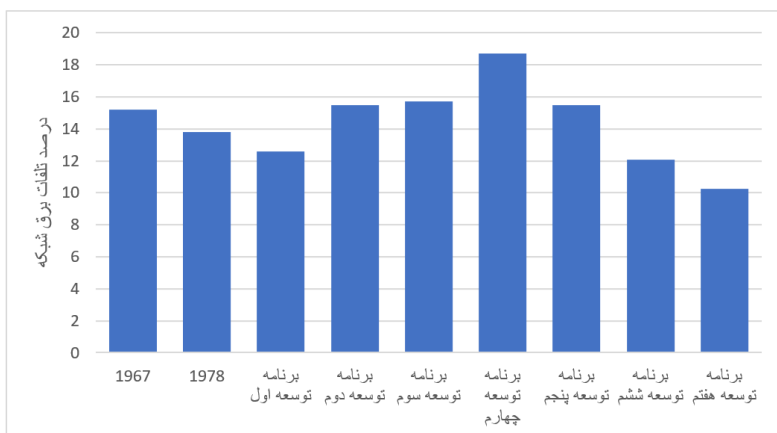
سیاست چهارم محدودیت صادرات گاز ایران به کشورهای خارجی است که شکل ۷ میزان صادرات گاز ایران را نشان می‌دهد. از آنجایی که نسبت میزان صادرات به عرضه و تقاضای گاز در ایران بسیار ناچیز است، طراحی سناریویی در این راستا صورت نگرفت زیرا فاقد تأثیرگذاری خواهد بود.

سیاست پنجم افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر است. در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی در مورد نیاز نسبت به منابع انرژی تجدیدپذیر در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه انجام شده است. برخی از این مطالعات به ماهیت اعتراضات علیه ایجاد زیرساخت‌های انرژی تجدیدپذیر پرداخته و عواملی را که می‌توانند پذیرش عمومی را بهبود بخشند، بررسی کرده‌اند. شواهد نشان می‌دهد مسائل مرتبط با مالکیت و مشارکت جامعه می‌تواند پذیرش در جوامع را افزایش دهد. علاوه بر این، ساکنان زمانی که نصب تأسیسات انرژی تجدیدپذیر به بهبود کیفیت زندگی از طریق مزایایی نظیر افزایش درآمد محلی، بهبود دسترسی به برق و ارتقای زیرساخت‌ها منجر شود، نگاه مطلوب‌تری به این تأسیسات دارند (Bang et al., 2000; Battaglini et al., 2012; Klick et al., 2010; Saphores et al., 2007; Tampakis et al., 2013).

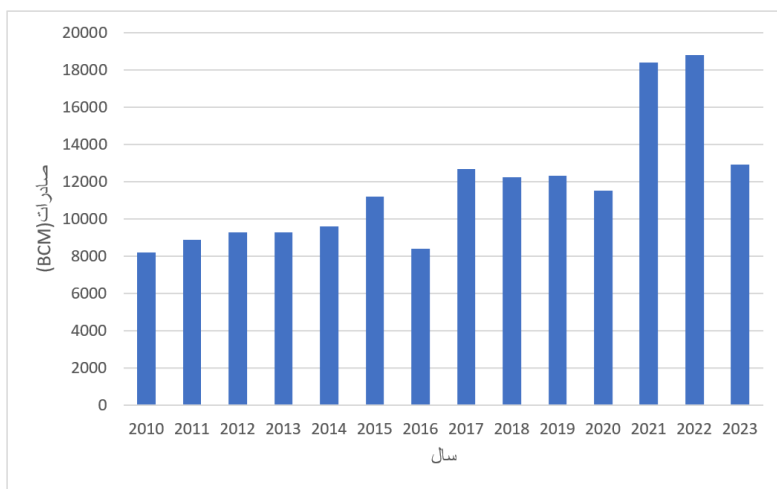
این تغییر به سمت تولید انرژی تجدیدپذیر، چالشی بزرگ در حرکت از سوخت‌ها و فناوری‌های فسیلی به تجدیدپذیر به وجود آورده است. در عوض، پیکریندی مجدد به‌عنوان یک مسیر گذار شناخته شده است که هم بخش خصوصی و هم دولتی باید آن را دنبال کنند و پذیرش فناوری‌های جدید عمدتاً توسط بازیگران اصلی بخش خصوصی صورت گرفته است. شرکت‌های موجود توانمندی‌های خود را به کار گرفته، تخصص خود را ارتقا داده و راه‌حل‌های ترکیبی طراحی کرده‌اند که پیشرفت‌های جدید را با دانش موجود ترکیب می‌کند تا محصولات نوآورانه‌ای ایجاد شود. همین چالش، شرکت‌های برق در سراسر جهان را در حرکت به سمت منابع انرژی تجدیدپذیر پیش رو دارد (Yazdanpanah et al., 2015).

سیاست‌های گذار انرژی اهدافی چون تسریع در حرکت به سمت انرژی تجدیدپذیر، تضمین امنیت انرژی، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و تقویت رشد اقتصادی است که موجب ایجاد تعادل میان این اهداف و رفع نگرانی‌های ذی‌نفعان مختلف، مانند جوامع محلی، بازیگران صنعت و سیاست‌گذاران، نیازمند برنامه‌ریزی و اجرای دقیق می‌شود. شکل ۸ میزان تولید انرژی از منابع فسیلی و تجدیدپذیر را نشان می‌دهد و شکل ۹ وضعیت احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر در کشور طی برنامه‌های توسعه را نشان می‌دهد که کماکان در مجموع کمتر از ۱٪ از سبد انرژی

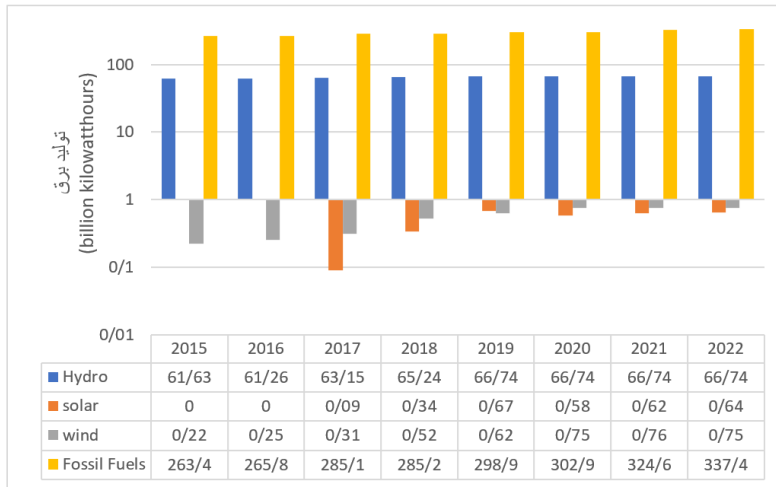
است حال آن که مطابق اهداف برنامه توسعه ششم، این میزان ۵٪ هدف گذاری شده بود و این مسئله نشان می دهد در حوزه تولید تجدیدپذیرها همچنان راه زیادی برای پیمودن وجود دارد. از آنجایی که این سیاست بسیار عملیاتی است و در مدت زمان کوتاه می تواند حل کننده مسئله ناترازی در کشور باشد، این سیاست جهت طراحی سناریو سوم مورد استفاده قرار گرفت.



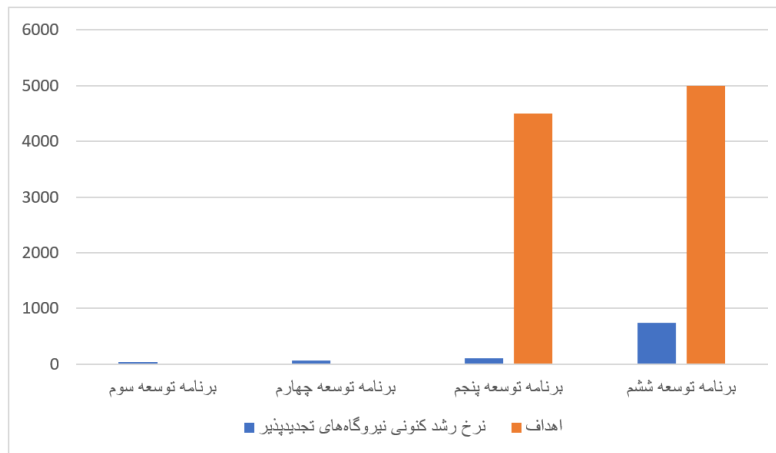
شکل ۶: تلفات انتقال برق در شبکه های توزیع (بریتیش پترولیوم، ۲۰۲۳؛ ترازنامه انرژی، ۱۴۰۰؛ گزارش شرکت پخش و پالایش نفت، ۱۴۰۲).



شکل ۷: صادرات گاز طبیعی ایران (بریتیش پترولیوم، ۲۰۲۳؛ ترازنامه انرژی، ۱۴۰۰).



شکل ۸: تولید برق ایران از منابع مختلف (بریتیش پترولیوم، ۲۰۲۳؛ ترازنامه انرژی، ۱۴۰۰).



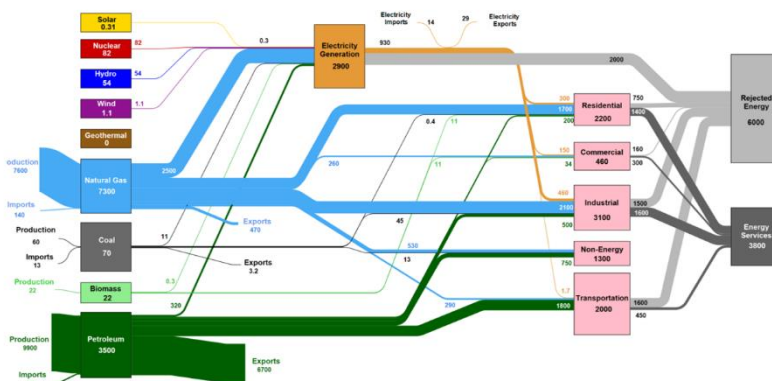
شکل ۹: روند نیروگاه‌های انرژی تجدیدپذیر ایران (ترازنامه انرژی، ۱۴۰۰).

با توجه به پنج سیاست استخراج شده و تحلیل وضعیت کشور، سیاست اول و چهارم به دلایل مطرح شده در بالا از تحلیل‌ها خارج شدند و چهار سناریو جهت رفع ناترازی کشور تا ۲۰۴۰ و کاهش آلاینده‌های زیست محیطی استخراج گردیدند که عبارت‌اند از:

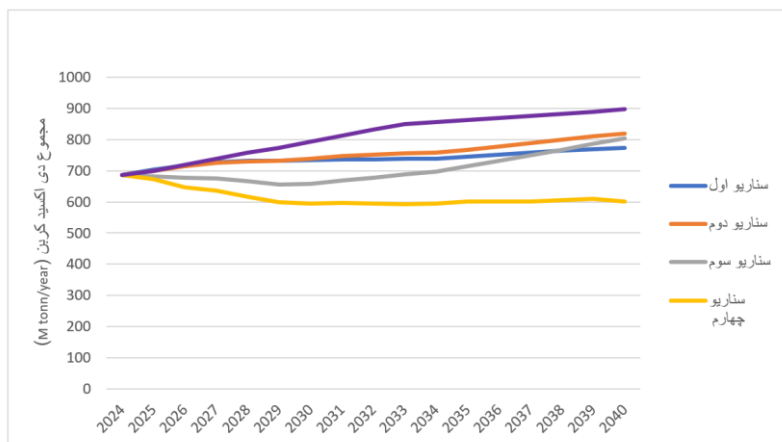
- سناریوی اول: افزایش قیمت انرژی تا ۵۰٪ (بر اساس سیاست ۲ در جدول ۱)
- ❖ هدف: کاهش مصرف انرژی از طریق مدیریت تقاضا؛
  - ❖ تمرکز: این سناریو با افزایش قیمت انرژی به دنبال تغییر رفتار مصرف‌کنندگان و کاهش مصرف غیرضروری است؛
  - ❖ استراتژی اجرایی: مبتنی بر سیاست ۲ در جدول ۱، تمرکز اصلی بر تأثیر اقتصادی و تنظیم قیمت‌گذاری انرژی است؛
- سناریوی دوم: به حداقل رساندن اتلاف انرژی در تولید، تبدیل و انتقال و افزایش بهره‌وری تا ۱۰٪ (بر اساس سیاست ۳ در جدول ۱ و شکل ۶)
- ❖ هدف: بهبود کارایی سیستم‌های انرژی؛
  - ❖ تمرکز: کاهش تلفات انرژی در بخش‌های تولید، تبدیل و انتقال همراه با افزایش بهره‌وری در مصرف؛
  - ❖ استراتژی اجرایی: این سناریو، با تکیه بر سیاست ۳ (جدول ۱) و داده‌های شکل ۶، بر فناوری‌های بهینه‌سازی و فرایندهای نوآورانه تأکید دارد.
- سناریو سوم: گذار انرژی به تجدیدپذیرها در تولید برق و احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر به میزان ۴۰۰۰۰ مگاوات (با احتساب نیروگاه‌های برق‌آبی) (بر اساس سیاست ۱ و ۵ در جدول ۱ و میزان ناترازی تا ۲۰۴۰ در شکل ۱)
- ❖ هدف: کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای؛
  - ❖ تمرکز: گسترش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر (مانند انرژی بادی، خورشیدی، بیوماس و برق‌آبی)؛
  - ❖ استراتژی اجرایی: ترکیب سیاست‌های ۱ و ۵ (جدول ۱) با تمرکز بر ظرفیت‌سازی نیروگاه‌های تجدیدپذیر و کاهش ناترازی انرژی تا سال ۲۰۴۰ (شکل ۱).
- سناریو چهارم: ترکیبی از تمامی سناریوهای فوق (بر اساس سیاست ۱ و ۲ و ۳ و ۵ در جدول ۱)
- ❖ هدف: دستیابی به بیشترین تأثیر ممکن با ادغام مزایای هر سه سناریوی قبلی؛
  - ❖ تمرکز: هم‌زمان بر مدیریت تقاضا، بهینه‌سازی کارایی و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر تمرکز دارد؛

❖ استراتژی اجرایی: مبتنی بر اجرای سیاست‌های ۱، ۲، ۳ و ۵ (جدول ۱) به صورت جامع و هماهنگ.

میزان تولید کربن شد و میزان صرفه‌جویی مصرف با هر سناریو با نرم‌افزار Energy Plan محاسبه شد. سناریو اول بر قیمت تمرکز دارد و بیشترین تأثیر را بر تنظیم تقاضا دارد و بر تولیدکنندگان و خصوصاً مصرف‌کنندگان تأثیر اقتصادی دارد، سناریو دوم بهره‌وری را بهبود می‌بخشد، نیازمند بهینه‌سازی تولید و مصرف انرژی در نیروگاه‌ها، هوشمندسازی خطوط انتقال جهت رصد خطوط انتقال و مصرف‌کنندگان نهایی است، اما به‌تنهایی پایداری کامل را تضمین نمی‌کند. درحالی‌که سناریو سوم بر توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر تمرکز دارد و نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان زیرساختی است. سناریو چهارم به دلیل جامعیت، پیچیده‌ترین سناریو برای اجرا است اما می‌تواند نتایج بهتری در بلندمدت ارائه دهد. این سیاست‌ها به‌عنوان ابزارهای اساسی برای تسهیل انتقال به سمت آینده‌ای پایدارتر در نظر گرفته می‌شوند، جایی که کشور می‌تواند با پرداختن به شکاف‌های موجود در سیستم‌های مدیریت انرژی، به حداقل رساندن اتلاف در زنجیره تأمین و کاهش اتلاف در سطح مصرف‌کننده نهایی، کارایی انرژی را بهبود بخشد و از پتانسیل‌های صرفه‌جویی انرژی بهره‌مند شود، ناترازی انرژی را به‌طور کامل از بین ببرد و تولید گازهای گلخانه‌ای را به‌شدت کاهش دهد (شکل ۱۰، ۱۱ و ۱۲).



شکل ۱۰: نمودار جریان انرژی کشور



شکل ۱۱: مجموع تولید دی‌اکسید کربن برای سناریوهای اول تا چهارم

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

بر اساس نتایج حاصل از چهار سناریوی فوق، ارزیابی طولانی‌مدت نشان می‌دهد که سیاست‌های گذار انرژی در سناریوی چهارم می‌تواند به مشکل حل ناترازی انرژی در کشور کمک کند و چشم‌اندازها را به‌طور سبز و دوستدار محیط‌زیست بازسازی کند و تولید مداوم کربن در سال‌های پیش‌رو را با نرخ ثابتی نگه دارد. با این حال، تحقق این اهداف وابسته به عوامل متعددی است که شامل تغییرات پیش‌بینی‌نشده در بازار جهانی انرژی، میزان حمایت سیاست‌گذاران کشور و توان اجرایی سیاست‌های پیشنهادی می‌شود. سناریوی چهارم به‌عنوان یک چهارچوب حکمرانی انرژی سبز می‌تواند نقش حیاتی در هدایت مالی و ترویج سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تجدیدپذیر و کم‌کربن که با اهداف توسعه پایدار و توافق پاریس هم‌سو هستند، ایفا کند. با این وجود، عدم قطعیت در میزان حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی، چگونگی پاسخ بخش خصوصی و سرعت توسعه فناوری‌های تجدیدپذیر می‌تواند اثربخشی این سیاست‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. این چهارچوب سیاستی به‌خوبی تعریف‌شده، می‌تواند قوانین بازار انرژی را تعیین کند و به رشد نوآوری‌ها در این حوزه کمک کند. با این حال، پایداری این روند به نظارت دقیق، هماهنگی بین نهادهای مختلف و نحوه اجرایی‌سازی آن بستگی دارد. علاوه بر این، این چهارچوب حکمرانی قوی برای ارائه نظارت و اطمینان از رعایت مقررات تعیین‌شده ضروری است، اما باید توجه

داشت که هرگونه اختلال در اجرای این مقررات یا ضعف در نظارت، می‌تواند نتایج پیش‌بینی‌شده را تضعیف کند.

در سناریوی چهارم، حذف یارانه‌های انرژی و کنترل قیمت‌ها، همراه با اقدامات بهره‌وری انرژی، به کاهش رشد تقاضای انرژی کمک کرده است، درحالی‌که برخی از سرمایه‌ها برای سرمایه‌گذاری در افزایش بهره‌وری نیروگاه‌ها، شبکه توزیع و صنایع آزاد شده است. با این حال، چالش‌هایی تورم و تحریم‌های بین‌المللی می‌تواند این مسیر را دشوار کند. همچنین، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های لازم برای حفظ گسترش عرضه از منابع تجدیدپذیری مانند باد، خورشید، بیوماس و سایر منابع تجدیدپذیر صرفاً با اصلاح یارانه‌ها و افزایش قیمت حامل‌های انرژی صورت خواهد پذیرفت، در غیر این صورت، علی‌رغم این‌که کشور همچنان در عدالت انرژی نمره بالایی را کسب خواهد کرد (زیرا قیمت‌ها همچنان بسیار پایین‌تر از نرخ‌های بازار بین‌المللی هستند)، اما به دلیل هزینه‌ها و همچنین اجرای ناکارآمد سیاست‌ها، بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تجدیدپذیر وارد نخواهد شد. این مسئله می‌تواند سهم بسیار کم انرژی‌های تجدیدپذیر و در نتیجه تنوع پایین عرضه انرژی و تولید برق را به همراه داشته باشد که به‌نوبه خود امنیت انرژی را روز به روز کاهش داده و ناترازی را افزایش خواهد داد. علاوه بر این، به دلیل وابستگی به گاز طبیعی و نفت، تولید بالای دی‌اکسید کربن و بهره‌وری پایین، بعد پایداری محیط‌زیست نیز پایین‌تر از نرخ‌های بین‌المللی قرار خواهد گرفت (شکل ۵). بیشتر مطالعات به اثرات فوری این سیاست‌ها بر وضعیت پایداری اشاره کرده‌اند (کالدلیس و دیگران، ۲۰۱۳؛ باتاگلینی و دیگران، ۲۰۱۲؛ راعی و دیگران، ۲۰۲۴؛ پن و دیگران، ۲۰۲۳). همان‌طور که در شکل ۱۱ نشان داده شده است، انتظار می‌رود سیاست‌های اصلاحی در بلندمدت (تا سال ۲۰۴۰) مزایای محیط‌زیستی بیشتری نسبت به کوتاه‌مدت به همراه داشته باشند. با این حال، تحقق این مزایا وابسته به شرایط اقتصادی، سیاسی و فناورانه است که ممکن است با عدم قطعیت‌های مختلفی مواجه شود. به‌طور خاص، کاهش دی‌اکسید کربن با سناریوی چهارم تا سال ۲۰۴۰ به ۶۰۰ میلیون تن در سال خواهد رسید، اما این پیش‌بینی‌ها با توجه به متغیرهای جهانی مانند تغییرات اقلیمی، بازار انرژی و فناوری‌های آینده، ممکن است تغییر کند. سناریوی چهارم، می‌تواند ناترازی انرژی در ایران را حل کرده و امنیت انرژی و پایداری محیط‌زیستی را افزایش دهد، اما این نتایج تنها در صورتی تحقق می‌یابند که سیاست‌های پیشنهادی به‌طور مؤثر اجرا شوند و با موانع پیش‌بینی‌نشده روبه‌رو نشوند.

### ✓ پیشنهادهای سیاستی

برای اجرایی کردن سناریوی چهارم کاهش یارانه و افزایش قیمت جهت مدیریت تقاضا، بهینه‌سازی کارایی و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر هم‌زمان صورت پذیرد و بدین منظور سیاست‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

- ❖ افزایش قیمت برق، گاز، نفت و فراورده‌های نفتی به میزان ۵۰٪؛
- ❖ افزایش بازدهی نیروگاه‌های حرارتی و سیکل ترکیبی؛
- ❖ کاهش گازهای فلر؛
- ❖ مانیتورینگ آنلاین خطوط شبکه برق و گاز؛
- ❖ الزام اجرای استانداردهای رویه‌ها و تجهیزات انرژی‌بر؛
- ❖ اجرایی‌سازی استاندارد انرژی در ساختمان‌ها؛
- ❖ اجرایی‌سازی مدیریت انرژی در صنایع؛
- ❖ افزایش بازدهی موتورهای احتراق داخلی؛
- ❖ اختصاص یارانه از محل صرفه‌جویی از منابع فسیلی به احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر و خرید تضمینی برق تجدیدپذیر؛
- ❖ تسهیل ورود بخش خصوصی به پروژه‌های تجدیدپذیر.

## References

- Alavi, Seyed Ehsan, Lotfalipour, Mohammad Reza, Falahi, Mohammad Ali, Effati, Sohrab. (2020). Iran. Econ. Rev. Vol. 24, No. 1, pp. 75–98.
- Arabi, Seyyed Mohammad; Shams Kolāhī, Hāniyeh. (2013). Typology Model of Energy Management Strategies (Case Study: Companies Active in the Downstream Sector of Iran's Oil Industry). *Rahbord Quarterly*, Vol. 22, No. 96. [in Persian]
- Bang, H. K., Ellinger, A. E., Hadjimarcou, J., & Traichal, P. A. (2000). Consumer concern, knowledge, belief, and attitude toward renewable energy: an application of the reasoned action theory. *Psychology & Marketing*, 17(6), 449–468.
- Battaglini, A., Komendantova, N., Brtnik, P., & Patt, A. (2012). Perception of barriers for expansion of electricity grids in the European Union. *Energy Policy*, 47, 254–259.
- British Petroleum (BP). (2023). *Statistical Review of World Energy*.
- Brynhildur Davidsdottir, Eyjólfur Ingi Ásgeirsson, Reza Fazeli, Ingunn Gunnarsdottir, Jonathan Leaver, Ehsan Shafiei, & Hlynur Stefánsson. (2024). Integrated Energy Systems Modeling with Multi-Criteria Decision Analysis and Stakeholder Engagement for Identifying a Sustainable Energy Transition. *Energies*, 17(4266). <https://doi.org/10.3390/en17174266>
- Fattouh, Bassam & El-Katiri, Laura. (2013). Energy subsidies in the Middle East and North Africa. *Energy Strategy Reviews*, 2(1), 108–115. <https://doi.org/10.1016/j.esr.2012.11.004>
- Galeazzi, Clara, Jevgenijs Steinbuks, Laura Diaz Anadon. (2024). Assessing the impact of renewable energy policies on decarbonization in developing countries. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 199, 114444.
- Halder, P., Prokop, P., Chang, C. Y., Usak, M., Pietarinen, J., Havu-Nuutinen, S., & Cakir, M. (2012). International survey on bioenergy knowledge, perceptions, and attitudes among young citizens. *BioEnergy Research*, 5(1), 247–261.
- IRENA. (2023). *World Energy Outlook*.
- Iwaro, Joseph & Abrahams Mwash. (2010). A review of building energy regulation and policy for energy conservation in developing countries. *Energy Policy*, 38(12), 7744–7755. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2010.08.027>
- Kaldellis, J. K., Kapsali, M., Kaldelli, E. L., & Katsanou, E. V. (2013). Comparing recent views of public attitude on wind energy, photovoltaic and small hydro applications. *Renewable Energy*, 52, 197–208.
- Kiss, Tibor & Popovics, Steve. (2021). Evaluation on the effectiveness of energy policies – Evidence from the carbon reductions in 25 countries. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 149, 111348. <https://doi.org/10.1016/j.rser.2021.111348>

- Klick, H., & Smith, E. R. (2010). Public understanding of and support for wind power in the United States. *Renewable Energy*, 35(7), 1585–1591.
- Lin, Boqiang & Jiang, Zhujun. (2011). Estimates of energy subsidies in China and impact of energy subsidy reform. *Energy Economics*, 33(2), 273–283.
- Mahdavi, Roholla. (2014). The Investigation of Impact of Complement Policy for Energy Price Policy Reform on Transport Sector in Iran by Computable General Equilibrium. *Iranian Energy Economics*, 3(12).
- Nakata, T., Silva, D., & Rodionov, M. (2011). Application of energy system models for designing a low-carbon society. *Progress in Energy and Combustion Science*, 37(4), 462–502.
- National Iranian Gas Company Report. (2020). [in Persian]
- National Iranian Oil Distribution and Refining Company Report. (2023). [in Persian]
- NDF report. (2022). National Development Fund of Iran (NDF). [in Persian]
- Pan, X., Shao, T., Zheng, X., Zhang, Y., Ma, X., & Zhang, Q. (2023). Energy and sustainable development nexus: A review. *Energy Strategy Reviews*, 47, 101078.
- Pollitt, Michael Gerald. (2012). The role of policy in energy transitions: Lessons from the energy liberalization era. *Energy Policy*, 50(2).
- Qudrat-Ullah, Hassan. (2022). A review and analysis of renewable energy policies and CO2 emissions of Pakistan. *Energy*, 238, 121849. <https://doi.org/10.1016/j.energy.2021.121849>
- Raei, H., Maleki, A., & Farajzadeh, Z. (2024). Analysis of energy policy reform in Iran: Energy and emission intensity changes. *Economic Analysis and Policy*, 81, 1535–1557. <https://doi.org/10.1016/j.eap.2024.02.023>
- Sa'i, Ahmad; Pashang, Maryam. (2016). The Necessity of a Transnational View on Energy Security. *Rahbord Quarterly*, Vol. 25, No. 80, Autumn 2016. [in Persian]
- Saphores, J. D. M., Nixon, H., Ogunseitan, O. A., & Shapiro, A. A. (2007). California households' willingness to pay for 'green' electronics. *Journal of Environmental Planning and Management*, 50(1), 113–133.
- Sarrakh, Redouane; Renukappa, Suresh; Suresh, Subashini; Mushatat, Sabah. (2020). Impact of subsidy reform on the kingdom of Saudi Arabia's economy and carbon emissions. *Energy Strategy Reviews*, 28, 100465. <https://doi.org/10.1016/j.esr.2020.100465>
- Solaymani, Saeed. (2021). A Review on Energy and Renewable Energy Policies in Iran. *Sustainability*, 13, 7328. <https://doi.org/10.3390/su13137328>

- Souhankar, A., Ahmad Mortezaee, & Reza Hafezi. (2023). Potentials for energy-saving and efficiency capacities in Iran: An interpretive structural model to prioritize future national policies. *Journal of Energy*, 262. <https://doi.org/10.1016/j.energy.2022.125500>
- Stefano Clo & Elena Fumagalli. (2019). The effect of price regulation on energy imbalances: A Difference in Differences design. *Energy Economics*, 81, 754–764.
- Tavakolian & Hedayati-Nia. (2020). Dynamic Analysis of Fuel Substitution in Selected Fossil Power Plants in Iran. *Iranian Journal of Energy Economics*, 31. [in Persian]
- Tampakis, S., Tsantopoulos, G., Azabatzi, G., & Rerras, I. (2013). Citizens' views on various forms of energy and their contribution to the environment. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 20, 473–482.
- Tzanakis, I., Hadfield, M., Thomas, B., Noya, S. M., Henshaw, I., & Austen, S. (2012). Future perspectives on sustainable tribology. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 16(6), 4126–4140.
- Tovar-Facio, Javier; Mariano Martín; José María Ponce-Ortega. (2021). Sustainable energy transition: modeling and optimization. *Current Opinion in Chemical Engineering*, 31.
- UN. (2023). Investment Policies for Energy Transition.
- UNDP. (2023). Strengthening Energy Governance Systems report.
- Wei Liu & Lichunhua Li. (2011). Improving energy consumption structure: A comprehensive assessment of fossil energy subsidies reform in China. *Energy Policy*, 39(7), 4134–4143. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2011.04.013>
- Yazdanpanah, M., Komendantova, N., & Shafiei Ardestani, M. (2015). Governance of energy transition in Iran: Investigating public acceptance and willingness to use renewable energy sources through socio-psychological model. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 45, 565–573.
- Natural Gas Report. (2020). Production and Consumption Balance Document of Natural Gas in the Country up to the Horizon 2040. [in Persian]
- Iranian Energy Balance Sheet. (2021). National Development Fund of Iran on Oil Balance. [in Persian]